

بها هم سردار فرهنگ



سال چهارم، شماره اول
شماره مسلسل ۱۳، بهار ۱۴۰۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
مدیر مسئول: قاسم زائری
سردبیر: ابراهیم حاجیانی

اعضای هیأت تحریریه:

- شهاب اسفندیاری؛ دانشیار گروه سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران
 - ناصر باهنر؛ استاد معارف اسلامی و فرهنگ - ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
 - ابراهیم حاجیانی؛ دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
 - مهدی حسین زاده یزدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران
 - کریم خانمحمدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
 - حسین حسینی؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 - علی ربانی خوراسگانی؛ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
 - حسین سوزنجی؛ استاد استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
 - وحید شالچی؛ دانشیار دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
 - محمود شهابی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
 - افشار کبیری؛ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه
 - منصوره فصیح رامنندی؛ هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
 - علی یوسفی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
 - سیده راضیه یاسینی؛ دانشیار پژوهش هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- اعضای هیأت تحریریه بین المللی:

- محمد رضایی؛ پژوهشگر مرکز اسلام جهانی دانشگاه گوته
- عقیل دغاقله؛ پژوهشگر علوم اجتماعی دانشگاه راتگرز



مدیر داخلی: رقیه مهری

ویراستار فارسی: شهناز شفیع خانی

صفحه آرایی: حامد خلیلی

بهای تک شماره: ۱۱۰ هزار تومان

آدرس صفحه اینترنتی: <http://scsj.ricac.ac.ir>

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولیعصر، خیابان دمشق، شماره ۹

صندوق پستی: ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۶ - ۰۲۱

نمابر: ۸۸۸۹۳۰۷۶ - ۰۲۱

فصلنامه «مطالعات راهبردی فرهنگ» به صاحب امتیازی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات پس از اخذ پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۰۸۰ از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات به منظور تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور به طور مستمر و در قالب فصلنامه در حال انتشار است.

فصلنامه مذکور، در دو نسخه چاپی و الکترونیکی منتشر می‌شود و فصلنامه براساس اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پایگاه استنادی جهان علوم اسلام (ISC) از بهار ۱۴۰۱ موفق به کسب «رتبه علمی» شد.





اهداف فصلنامه

این فصلنامه به گسترش، ارتقاء و انتشار دستاوردها و یافته‌های تحقیقاتی در زمینه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، مدیریت فرهنگی در کشور و ابعاد مختلف آن مانند آینده‌پژوهی، تحلیل‌های سیاستی، ارزیابی خط‌مشی‌ها، ارائه پیشنهادها، سیاستی، تجزیه و تحلیل ساختارهای مدیریتی، مالی، تصمیم‌گیری فرهنگی و موضوعاتی از این قبیل می‌پردازد تا به‌واسطه آن دانش مطالعات راهبردی در حوزه فرهنگ تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور فراهم آید.

محورهای فصلنامه:

۱) سیاست‌گذاری فرهنگی یا حکمرانی فرهنگی در ایران

- ۱-۱. ارائه ایده‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های مسئله‌محور در حوزه فرهنگی با هدف حل یا مدیریت یک مسئله، معضل، بحران و مشکل فرهنگی؛
- ۱-۲. تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی در دستگاه‌های مختلف فرهنگی کشور؛

۱-۳. تحلیل نظام‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات فرهنگی در ایران؛

۱-۴. تحلیل و ارزیابی گفتمان‌ها و سیاست‌های بالادستی کشور در حوزه فرهنگ.

۲) مدیریت تغییرات و تحولات فرهنگی

- ۲-۱. تحلیل تغییرات فرهنگی و مدیریت تحولات فرهنگی در ایران و سایر کشور؛
- ۲-۲. مباحث توسعه فرهنگی، دین و توسعه، فرهنگ و فناوری و...؛
- ۲-۳. دیده‌بانی یا رصد تحولات فرهنگی.

۳) مسائل فرهنگی بین‌المللی

۳-۱. دیپلماسی فرهنگی؛

۳-۲. روابط فرهنگی بین‌المللی؛

۳-۳. قدرت نرم، تهدیدات نرم و...؛

۴) آینده‌پژوهی در حوزه‌های مختلف فرهنگی.

مقالات سیاستی در حوزه فرهنگ عامه‌پسند، سبک زندگی، جوانان، زنان، هویت، قومیت، فرهنگ نخبه‌پسند، دموکراسی فرهنگی، انسجام ملی، تعلیم و تربیت، زبان، معماری، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، امنیت فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مصرف‌کالاهای

فرهنگی و از این قبیل قابل پذیرش خواهد بود.

چارچوب تنظیم و تدوین مقالات علمی

با توجه به ماهیت و خط‌مشی فصلنامه نحوه تنظیم، تدوین و تبویت مقالات در این مجله دارای تفاوت‌هایی با سایر مجلات است. البته با توجه تنوع مسائل و موضوعات سیاسی چارچوب پیشنهادی زیر عمدتاً می‌تواند برای مقالاتی که قصد ارائه ایده‌های جدیدی برای حل مسئله معین را دارند بکار روند. لذا در سایر موضوعات که نویسندگان به مسائلی همچون آینده‌پژوهی، فرایندهای سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری، ارائه ایده‌های جدید و خلاقانه، تحلیل محتوای اسناد بالادستی و از این قبیل موضوعات می‌پردازند. کمتر قابل پیاده‌سازی است. چارچوب این‌گونه مقاله‌ها می‌تواند به چارچوب‌های رایج مقالات عملی-پژوهشی نزدیک باشد اما و در هر حال انتظار آن است که این‌گونه تحلیل‌ها نیز معطوف به ارائه راهبردهای اجرایی و عملی به نظام اجرائی و دستگاه‌های فرهنگی کشور باشند. انتظار است که فرمت یا چارچوب ارائه مقالات به نحو زیر انجام پذیرد:

۱) عنوان و کلیدواژه‌ها: در چکیده الزاماً باید مسئله (مشکل سیاسی)، نحوه دستیابی به راه‌حل‌ها و به‌ویژه راه‌حل‌ها بنحو شفاف بیان شود.

۲) طرح مسئله: از آنجا که مطالعات سیاست‌پژوهی با رویکرد حل یا مدیریت مسئله (مسئله محوری) انجام می‌شوند لذا در بیان مسئله نویسندگان باید به اثبات مسئله پرداخته، شواهد و قرائن وجود مسئله، سوابق و پیامدهای مخرب آن برای نظام فرهنگی کشور را بیان کنند. شایسته است در این جا خوانندگان با ابعاد و سطوح مشکل، مسئله، بحران یا چالش خاص فرهنگی آشنا شوند.

۳) مرور پیشینه: ارزیابی انتقادی تحقیقات پیشین که با رویکرد سیاست‌پژوهی به تحلیل مسئله و ارائه راهبرد پرداخته‌اند.

۴) مرور سوابق سیاسی: معرفی و تحلیل انتقادی مجموعه تدابیر، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های اجراء شده یا در حال اجراء برای حل یا مدیریت مسئله در طول چند دهه گذشته در ایران یا کشورهای دیگر و بطور کلی در واحدهای تحلیل مختلف (سازمان‌ها، بنگاه‌ها، دولت‌ها، مقاطع زمانی مختلف و...) با رویکرد تطبیقی و با هدف استفاده از تجربیات سیاسی به‌دست آمده، شکست‌ها، موفقیت‌ها و یادگیری‌های سیاسی

۵) روش‌شناسی: بیان شفاف روش تولید شواهد و داده‌ها. در اینجا باید تأکید کرد که



روش‌شناسی مقالات سیاستی باید داده‌محور (شواهد محور) بوده و مبتنی بر اطلاعات و تجربیات عینی و ملموس باشد. این روش‌ها باید ریشه در ادبیات مطالعات راهبردی، سیاست‌پژوهی و برنامه‌ریزی استراتژیک داشته و مقاله باید علی‌القاعده از داده‌های ترکیبی و روش‌شناسی آمیخته بهره گرفته باشد. اشاره به روایی و اعتبار یافته‌ها نیز مهم است.

۶) ارائه راهبردها: انتظار دارد نویسندگان در این بخش یافته‌های حاصل را در چارچوب روش‌شناختی (آمیخته) بیان نموده (به‌خصوص با نقد و ارزیابی تجارب جهانی و ایرانی برای حل مسئله و نیز تبیین ارزش‌های ورودی) به تناسب گرایش تخصصی خود اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مورد نظر خود را بصورت منقح و دسته‌بندی شده و تفصیلی بیان نمایند.

۷) باتوجه به ماهیت مقالات سیاست‌پژوهی پیشنهاد می‌شود نویسندگان محترم به مباحث تکمیلی از جمله نحوه ارزیابی سیاست‌ها و تدابیر پیشنهادی، نگاشت‌نهادی و تقسیم کار ملی و بین‌بخشی (برای اجراء سیاست‌ها)، الزامات و موانع پیاده‌سازی و اجراء، نحوه تخصیص و تأمین منابع و ... توجه نمایند.

۸) فهرست منابع

نویسندگان محترم باید توجه داشته باشند که مخاطبان یا مشتریان این مقالات جامعه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور هستند. ضمن آنکه معیارهای قضاوت داوران فصلنامه نیز براساس ملاحظات بالا و به‌طور ویژه «دستاوردها و یافته‌های سیاستی مقاله» خواهد بود و لذا ارائه یافته‌ها و راهبردهای کلی، اجمالی، تکراری و فاقد ارزش افزوده Added Values برای مراجع سیاست‌گذاری کشور، باعث عدم پذیرش مقالات خواهد شد.



فهرست مطالب

- تأثیر پیشینه فرهنگی بر رابطه دورکاری با استرس شغلی کارکنان
مصطفی حیدری هراتمه..... ۹
- بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران (۱۳۸۶ - ۱۳۹۶)
سیدمحمدرضا موسوی فرد، فرشید بهادر..... ۴۱
- کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازشویی: یک مطالعه پدیدارشناسی تفسیری در بیرجند
مهدی رضایی..... ۸۱
- کرونا، زیست کره و زیست جهان، مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در باب روابط متقابل انسان و محیط زیست
قربانعلی سبکتکین، ایرج حق ندی..... ۱۱۵
- کاربرد راهبرد تک‌صدایی/ چندصدایی در مدیریت اخبار در آغاز بحران: مطالعه موردی وب‌سایت‌های
خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی ایران در همه‌گیری کووید-۱۹
زهرا اجاق..... ۱۴۵
- عوامل مؤثر بر کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در زندگی امروزه شهری مورد مطالعه شهر اسلام‌آباد غرب
رمضان سعیدیان، علی مرادی..... ۱۷۷



The Effect of Cultural Background on the Relationship Between Telework and Employees' Job Stress

Mostafa Heidari Haratemeh, Associate Professor of the Department of Economics, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran. Email: Mo.heidarih@iaui.ac.ir

Abstract

cultural background affects its effects and job stress through beliefs about the effectiveness and social isolation caused by telework. In the current study, the beneficial and ineffective effects of telework on job stress are taken from existing research using the theory of cultural values and the moderating role of employees' cultural background, including; Individualism and power distance were investigated and analyzed as research objectives. The present study is applied in terms of purpose and descriptive-survey method (three-stage/temporal to reduce the risk of common method variance). In the first survey, 981 employees of the company, 511 (52% response rate), completed the second survey. 384 employees completed the third survey with a response rate of 75.2%. Data through standard questionnaires; power distance and individualism with six items; job stress, beliefs about the effectiveness and social isolation of remote work were collected with three items each and analyzed using structural equations and Mplus software. The effects of telework on job stress depend on cultural values. Employees with low power distance and high individualism scores welcome telework plans due to positive beliefs about the effectiveness of telework, while employees with high power distance scores and low individualism perceive telework as a destructive work mode and have more negative beliefs in They have Telework. Therefore, telework only reduces job stress when employees do not believe that telecommuting leads to social isolation. Organizations should support telework with high power distance orientation and low individualism who have negative beliefs about teleworking, because by changing negative beliefs, the beneficial effects of teleworking, including effectiveness and lack of social isolation, while reducing stress, cause well-being and reduce costs, Organizational trips will be made by employees.

Keywords

Cultural Background, Individualism, Job Stress, Power Distance, Social Isolation, Telework



تأثیر پیشینه فرهنگی بر رابطه دورکاری با استرس شغلی کارکنان

مصطفی حیدری هراتمه^۱

چکیده

پیشینه فرهنگی از طریق باورها در مورد اثربخشی و انزوای اجتماعی ناشی از دورکاری بر اثرات آن منتقل و استرس شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مطالعه حاضر آثار مفید و ناکارآمد دورکاری بر استرس شغلی برگرفته از تحقیقات موجود با استفاده از نظریه ارزش‌های فرهنگی و نقش تعدیل‌کننده پیشینه فرهنگی کارکنان از جمله؛ فردگرایی و فاصله قدرت به عنوان هدف پژوهش، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی (سه مرحله‌ای/زمانی جهت کاهش خطر واریانس روش رایج) است. در زمینه‌یابی اول، ۹۸۱ کارمند شرکت که ۵۱۱ نفر (نرخ پاسخ ۵۲ درصد)، زمینه‌یابی دوم را تکمیل کردند. ۳۸۴ کارمند زمینه‌یابی سوم را با نرخ پاسخ ۷۵/۲ درصد تکمیل نمودند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد؛ فاصله قدرت و فردگرایی با شش گویه؛ استرس شغلی، باورها در زمینه اثربخشی و انزوای اجتماعی دورکاری هر کدام با سه گویه جمع‌آوری و با استفاده از معادلات ساختاری و نرم‌افزار Mplus مورد تحلیل قرار گرفت. تأثیرات دورکاری بر استرس شغلی به ارزش‌های فرهنگی وابسته است. کارمندان دارای امتیازات فاصله قدرت پایین و فردگرایی بالا به دلیل باورهای مثبت نسبت به اثربخشی دورکاری از طرح‌های دورکاری استقبال می‌کنند، درحالی‌که کارمندان دارای امتیازات فاصله قدرت بالا و فردگرایی پایین، دورکاری را به عنوان یک حالت کاری مخرب، تلقی و باورهای منفی بیشتری در مورد دورکاری دارند. از این رو دورکاری فقط زمانی موجب کاهش استرس شغلی می‌شود که کارکنان باور نداشته باشند که دورکاری منجر به انزوای اجتماعی می‌شود. سازمان‌ها از دورکاران دارای جهت‌گیری‌های فاصله قدرت بالا و فردگرایی پایین که باورهای منفی در مورد دورکاری دارند، بیشتر حمایت کنند چون با تغییر باورهای منفی، تأثیرات مفید دورکاری از جمله اثربخشی و عدم انزوای اجتماعی، ضمن کاهش استرس، باعث بهزیستی و کاهش هزینه‌های سفرهای سازمانی کارمندان خواهد شد.

واژگان کلیدی

استرس شغلی، انزوای اجتماعی، پیشینه فرهنگی، دورکاری، فاصله قدرت، فردگرایی.

مقدمه

اخیراً، استفاده از دورکاری (کار از خانه یا کار از راه دور) به دلایل متعددی به شدت افزایش یافته است. همه گیری کووید-۱۹ (Barnes, 2020; Chamakiotis, Panteli, & Davison, 2021; Dwi-vedi et al., 2020; Papagiannidis, Harris, & Mor-ton, 2020; Sharma et al., 2020; Venkatesh, 2020)، نیاز شدید به دورکاری در محیط‌های پیچیده کسب و کار و جهانی شدن؛ مزایای بالقوه برای رفاه کارکنان؛ ایجاد استقلال برای کارکنان، صرفه جویی در هزینه سفر و دفاتر (Srivastava & Chandra, 2018)، از جمله عوامل تشدید دورکاری می باشند. از آنجایی که دورکاری را می توان به عنوان کاری که در خانه با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (دانش دیجیتال) انجام می شود، تعریف کرد، بسته به نوع کار و فعالیت و مهم تر آینده ایی که به طور قطع متعلق به کسب و کارهای آنلاینی است، دورکاری به عنوان یک اندیشه مدیریتی، در خط مشی مدیریت منابع انسانی، یک الزام قطعی خواهد بود و به نوعی مدیریت منابع انسانی سبز را هم در پی خواهد داشت. البته همچون تمام موضوعات، دورکاری هم در کنار محاسن بسیار زیاد، بری از اشکال و ضعف نخواهد بود و این خود زمینه مساعدی برای انجام مطالعات بیشتر و بررسی آن از جوانب متعدد خواهد بود.

گزارش های سالانه مؤسسه گالاپ نشان می دهد که پذیرش دورکاری تا دهه ۱۹۹۰، کاملاً کم و اندک بوده اما در دهه بعد، با این وجود، سازمان ها در فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تسهیل طرح های کاری مجازی برای کارمندان خود سرمایه گذاری نموده و آن ها را توسعه و بهبود دادند و این امر منجر به افزایش استفاده از دورکاری شد (Gallup, 2017). بخش های دولتی زیادی هم درصدد تشویق گسترش کار مجازی برای کارمندان بخش عمومی بودند. مطالعات نشان داد که بیشتر سازمان ها، فرصت سپری کردن حداقل بخشی از هفته کاری را به کارمندان خود به صورت دورکاری ارائه نمودند. این انگیزه ها برای طرح های کار مجازی، البته از طریق نیاز به دورکاری برای کاهش پیامدهای مخرب وابسته به همه گیری کووید ۱۹ تقویت شده اند (Chamakiotis et al., 2021; Dwivedi et al., 2020; Papagiannidis et al., 2020; Sharma et al., 2020). با وجود افزایش توافق نامه های مرتبط با دورکاری، بررسی تحقیقات و فراتحلیل ها نشان دادند که دورکاری همیشه برای کارکنان از نظر کاهش استرس شغلی آن ها یا بهبود رفاه آن ها سودمند نلوده و نخواهد بود. (Beauregard, Basile, 2019; Can'ónico, 2019; Raghuram, Hill, Gibbs, & Maruping, 2019)

به طور خاص، این بررسی ها نشان دادند که دورکاری می تواند برای برخی از کارکنان

با کاهش استرس شغلی آن‌ها از طریق دادن استقلال و انعطاف‌پذیری بیشتر و کمک به آن‌ها جهت کاهش زمان رفت‌وآمد به کار، سودمند باشد (Delanoëje & Verbrug, 2020). لیکن، ممکن است برای رفاه کارکنان غیرسازنده باشد آن هم به دلیل انزوای اجتماعی، خستگی ناشی از به سرعت ترقی کردن و دشواری حفظ تعادل کار- زندگی (Heiden, Widar, Wii-tavaara, & Boman, 2021; Kazekami, 2020; Nak-ro'sien 'e, Bu'ci'unien 'e, & Go'stautait 'e, 2019; Richter, 2020; Song & Gao, 2020). همچنین، برخی گزارشات رسانه‌ای نشان‌دهنده نگرانی درباره پیامدهای دورکاری برای رفاه و بهره‌وری کارکنان است. به طور مثال طبق یک نظرسنجی در آمریکا بیش از ۸۵ درصد از ۵۰۰۰ پاسخ‌دهنده اشاره کردند که به حمایت بیشتر سازمان‌ها برای دورکاری نیاز دارند (Thrive Global, 2020). در مطالعه‌ای فوربس (۲۰۲۰) نشان داد که تقریباً ۷۵ درصد کارکنان از راه دور، طی دوره بیماری فراگیر با استرس شغلی دست و پنجه نرم می‌کنند و حدود ۸۰ درصد کارکنان از راه دور، به دنبال رفتن به سازمان‌های دیگری که حمایت سلامت روانی بهتری فراهم می‌کند، هستند. گزارش دیگری نیز نشان داد اگرچه دورکاری به کارکنان کمک کرد تا مشکلات مالی را کاهش دهند، اما تنهایی و استرس ذهنی را افزایش داد (The Guardian, 2021). این امر را می‌توان در دیدگاه بسیاری از خبرگان سیاست‌گذاری مانند نیک بلوم مشاهده کرد (از مؤسسه استنفورد برای تحقیقات سیاست اقتصادی)، او بیان نمودند که «بودن تمام افراد در خانه، غالباً کنار بچه‌ها، در اتاق‌های مشترک یا اتاق خواب‌ها و عدم رهایی اجتماعی در زمان غیرکاری، استرس ذهنی زیادی ایجاد می‌کند. معمولاً این امر منجر به تنهایی و افسردگی می‌شود که از نظر ذهنی هزینه‌بر است و غالباً منجر به کاهش سلامت جسمی نیز می‌شود» (Fi-nancial Times, 2020). این گزارش‌ها رسانه‌ای و یافته‌های متناقض تحقیقات قبلی، نشان می‌دهند که به تحقیقات تجربی بیشتری نیاز است تا تعدیل‌کننده‌ها، یکپارچه و همسان شوند و تحلیل شود که چه زمانی دورکاری می‌تواند اثرات مخرب و سودمندی بر استرس شغلی داشته باشد (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019). برای بررسی چنین شکافی، مطالعه حاضر بر اساس تحقیقات دورکاری و نظریه ارزش فرهنگی هافستد به تحلیل نقش تعدیل‌گر پیشینه فرهنگی کارکنان (فاصله قدرت و فردگرایی) و تأثیراتی که پیش‌بینی می‌شود بر باورهای کارکنان درباره اثربخشی دورکاری و انزواگری کارکنان داشته باشد، می‌پردازد. گرچه تحقیقات قبلی به تحلیل اثرات دورکاری

در مشاغل و صنایع مختلف پرداختند (Raghuram et al., 2019). مطالعه جدیدتری درباره دورکاری (Beauregard et al., 2019) نشان داد که یک موضوع بسیار مهم یعنی نقش تعدیل‌گری پیشینه‌های فرهنگی مختلف کارکنان بر رابطه دورکاری با استرس شغلی کارکنان از اهمیت زیادی برخوردار است و تاکنون توجه کمی به آن شده است. به گونه‌ایی که در اکثر تحقیقات درباره دورکاری و استرس شغلی که در کشورهای غربی صورت گرفته، تفاوت‌های فرهنگی نادیده گرفته شده است (Muthukrishna et al., 2020; Venkatesh, 2020). تحلیل اینکه چگونه پیشینه فرهنگی کارمند، اثرات دورکاری بر سطح استرس شغلی کارمند را شکل می‌دهد، به دلایل عملی زیادی حائز اهمیت است. ابتدا، برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز قراردادهای دورکاری، سازمان‌ها باید بدانند که آیا اثربخشی دورکاری تحت تأثیر پیشینه فرهنگی کارمند قرار می‌گیرد یا خیر. فایننشال تایم، ۲۰۲۱ گزارش داد که اثرات دورکاری بر رفاه کارمندان به پیشینه فرهنگی کارمند بستگی دارد. به طور دقیق، اثرات مخرب کووید ۱۹ و دورکاری بر سلامت ذهنی در هنگ کونگ (۶۳ درصد) و ایتالیا (۶۲ درصد) بالاتر از آلمان (۴۴ درصد) بود. دوم، به علت بیماری فراگیر کووید ۱۹ از بسیاری از کارکنان سراسر دنیا خواسته شد تا از خانه کار کنند (Barnes, 2020; Chamakiotis et al., 2021; Dwivedi et al., 2020; Kodama, 2020; Venkatesh, 2020). پس از بیماری کووید ۱۹، این قراردادهای دورکاری جدید، احتمالاً به شکل چندگانه دورکاری تبدیل شوند که به موجب آن کارکنان می‌توانند چند روز در هفته را از خانه و چند روز را از محل کارشان کار کنند (Feitosa & Salas, 2020): بنابراین درک اینکه چرا کارکنان سطوح مختلفی از استرس شغلی را به دلیل دورکاری نشان می‌دهند، حائز اهمیت است. در آخر، مطالعات میان فرهنگی نشان دادند که ارزش‌های فرهنگی بر این موضوع که چگونه یک کارمند به حالت‌های مختلف کار و سیستم‌هایی مانند کار تیمی، پرداخت مبتنی بر عملکرد، تصمیم‌گیری مشارکتی و مدیریت از طریق سرکشی به همه نقاط، واکنش نشان می‌دهند، تأثیر می‌گذارد.

هدف کلی این مطالعه تحلیل اثرات دورکاری بر استرس شغلی در میان کارکنان با پیشینه‌های فرهنگی مختلف می‌باشد. این تحلیل و نظرسنجی، مبنایی برای سه نقش مهم ایجاد نمود. ابتدا؛ تحقیق درباره اثرات دورکاری بر سطوح استرس شغلی کارکنان را توسعه می‌دهد. برای تحلیل این موضوع که چه زمانی دورکاری، استرس شغلی را کاهش می‌دهد و برای تبیین یافته‌های متناقض تحقیقات قبلی درباره دورکاری و استرس (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019)، این

مطالعه به بررسی نقش تعدیل‌گر باورهای کارمند درباره دورکاری می‌پردازد که به نوبه خود تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی کارمند قرار می‌گیرد. این مطالعه بیان می‌کند که مشارکت فزاینده کارمند در دورکاری، تنها استرس شغلی را کاهش می‌دهد، آن‌هم زمانی که کارمند باورهای مثبتی درباره اثربخشی دورکاری داشته باشد. تمرکز بر باورهای فردی، برگرفته از نتیجه‌گیری مطالعه توآودی و کالیس^۱ (۲۰۲۰) است که بیان می‌کنند «فناوری صرفاً ابزار محسوب می‌شود و میزان موفقیت آن به این موضوع بستگی دارد که افراد چگونه به آن واکنش نشان دهند».

دوم، بر اساس نظریه ارزش فرهنگی هافستد، این مطالعه درک از تأثیر فرهنگ بر رابطه دورکاری با استرس شغلی را افزایش می‌دهد، زیرا انتظار می‌رود ارزش‌های فرهنگی اثر غیرمستقیم (فاصله قدرت و فردگرایی) بر رابطه بین دورکاری و استرس شغلی داشته باشد، آن‌هم با تحت تأثیر قرار دادن باورهای فرد درباره دورکاری (شکل ۱). به بیان دیگر، پیش‌بینی می‌شود که ارزش‌های فرهنگی تأثیر خود را بر اثرات دورکاری از طریق باورهای خاص درباره دورکاری، ایجاد کنند. نتایج این مطالعه پیشنهادها مهمی برای سازمان‌ها در این زمینه ارائه می‌دهد که چگونه اثرات سودمند دورکاری بر رفاه کارکنان دارای پیشینه‌های فرهنگی متفاوت ایجاد می‌کند. همچنین اطلاعات زیادی درباره این موضوع فراهم می‌کند که آیا باورهای کارکنان درباره اثربخشی دورکاری به ارزش‌های فرهنگی آن‌ها بستگی دارد یا خیر و تحقیقات اندک میان فرهنگی قبلی مرتبط با دورکاری را بسط می‌دهد که عمدتاً بر تفاوت‌های فرهنگی مربوط به اتخاذ شیوه‌های دورکاری و حمایت مدیران از دورکاری و مکانیزم‌های کنترل سازمانی تمرکز داشتند؛ بنابراین تحقیقات قبلی تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر اثرات دورکاری و همچنین دیدگاه‌های کارکنان فردی را نادیده گرفتند.

در آخر، مفاهیم باورها درباره اثربخشی دورکاری و انزوا را معرفی می‌کند. در واقع تنها بر دو باور اثربخشی دورکاری و انزوا تمرکز دارد، زیرا تحقیقات دورکاری پیشین، غالباً به بررسی اثربخشی کارکنان و انزوای اجتماعی به عنوان پیامدهای دورکاری پرداختند (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019).

بیشتر مطالعات اثرات سودمند دورکاری بر اثربخشی کارکنان را گزارش دادند درحالی‌که اثرات مخرب دورکاری بر انزوای اجتماعی، نادیده گرفته شد. معرفی باورها درباره دورکاری بسط تحقیقات قبلی درباره تفاوت‌های فرهنگی و حالت‌های

کار را امکان‌پذیر می‌سازد (سیستم‌های مبتنی بر کار تیمی، پرداخت مبتنی بر عملکرد، تصمیم‌گیری مشارکتی، خودمدیریتی، مدیریت با سرکشی به همه نقاط) که عمدتاً بر نقش تعدیل‌کننده ارزش‌های فرهنگی تمرکز داشتند و این موضوع که چگونه آن‌ها بر اثربخشی شیوه‌های مختلف کار تأثیر می‌گذارند. با این وجود، میزان تأثیر، اثرات ارزش فرهنگی کم بوده که نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که تحقیقات پیشین ممکن است یک مکانیسم مهم را نادیده گرفته باشند که تبیین‌کننده اثرات ارزش فرهنگی است. این مطالعه بیان می‌کند که پیش‌بینی اینکه ارزش‌های فرهنگی بر اثربخشی شیوه کار تأثیر می‌گذارد، مانند دورکاری، آن هم با تأثیرگذاری بر باورهای خاص کارکنان درباره دورکاری، مناسب‌تر است. در ادامه، تحقیق با مرور تحقیقات پیشین درباره ارزش‌های فرهنگی، باورها درباره اثربخشی دورکاری، انزوای اجتماعی و دورکاری و استرس شغلی ادامه می‌یابد. سپس فرضیه‌ها توضیح داده می‌شوند. پس از آن، روش‌شناسی تشریح و درنهایت، نتایج مطالعه مورد بحث قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

الف) تحقیق ارزش فرهنگی

پیشینه فرهنگی یک کارمند که غالباً در تحقیقات مدیریت از طریق ارزش‌های فرهنگی نشان داده می‌شود، توسط مفروضات افراد تعیین می‌شود که تحت تأثیر پیشینه فرهنگی آن‌ها قرار دارد و احساسات، تفکر و رفتار آن‌ها را هدایت می‌کند، یا به عنوان حالت‌های مطلوب رفتار در نظر گرفته می‌شود. هافستند چارچوب ارزش فرهنگی را بر اساس چهار بعد تدوین و ارائه نمود: فاصله قدرت، فردگرایی - جمع‌گرایی، اجتناب از عدم اطمینان و مردگرایی و زن‌گرایی. این مطالعه به دلایل نظری بر فاصله قدرت و فردگرایی تمرکز دارد. فاصله قدرت را می‌توان به میزانی که فردی یک سرپرست قدرتمند را می‌پذیرد، تعریف نمود. کار از خانه ممکن است برای کارمندی که دارای جهت‌گیری فاصله قدرت زیاد است، چالش‌برانگیز باشد، زیرا او از سرپرست خود انتظار دارد مورد راهنمایی او قرار گیرد که این مهم که در قراردادهای کار از راه دور، رواج کمتری دارد. سپس بر فردگرایی تمرکز می‌شود، زیرا کارمند با جهت‌گیری فردگرایی ممکن است از کار در خانه لذت ببرد آن هم به دلیل اینکه شیوه‌ای از کار فردگرا است. به عقیده مازنوسکی، گومز، دیستفانو، نور-درهاون و وو (۲۰۰۲)،

کارکنان با جهت‌گیری فردگرایی بر این باورند که «مسئولیت عمده آن‌ها بر عهده خودشان به عنوان فرد است» لذا این نوع از تفکر باید با زمینه دورکاری تناسب خوبی داشته باشد. ابعاد اجتناب از عدم اطمینان، زن‌گرایی و مردگرایی ارتباط کمتری با دورکاری و نگرش درباره دورکاری دارد، زیرا مردگرایی و زن‌گرایی به باورهای کارمند درباره برابری جنسیتی تمرکز دارد، حال آنکه اجتناب از عدم اطمینان نگرش کارمند نسبت به ریسک و قوانین را شرح می‌دهد. در رابطه با سطح تحلیل، هافستد فرض می‌کند که ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی معتبر هستند. با این وجود تحقیقات میان فرهنگی غالباً نشان‌دهنده تفاوت درون‌کشوری بالاتر نسبت به تفاوت فراملی بوده است. تحقیقاتی که از هافستد تبعیت کردند، مفهوم ارزش‌های فرهنگی را در سطح فردی تأیید نمودند؛ بنابراین از دیدگاه فردی برای تحلیل جهت‌گیری‌های فاصله قدرت و فردگرایی کارکنان در زمینه دورکاری استفاده می‌شود.

ب) باورها درباره اثربخشی و انزوای اجتماعی دورکاری

برای تبیین اثر باورهای فرهنگی درباره اثرات دورکاری بر استرس شغلی، این مطالعه مفاهیم باورها درباره اثربخشی دورکاری و انزوای اجتماعی را معرفی و بر باورها درباره دورکاری تمرکز دارد، زیرا می‌توان انتظار داشت که تأثیر ارزش‌های فرهنگی کارمند بر پذیرش شیوه‌های کاری و سیستم (مانند قراردادهای دورکاری) از طریق باورهای کارمند درباره سیستم یا شیوه کاری خاص ایجاد شود (مانند باورها درباره دورکاری). ارزش‌های فرهنگی به مفروضات گسترده‌ای اشاره دارد که افراد درباره زندگی، کار و روابط دارند؛ بنابراین گنجاندن باورهای خاص بیشتر در ارتباط با دورکاری در مدل تحقیق برای توضیح اثر ارزش‌های فرهنگی بر اثرات دورکاری، سودمند است. همچنین مطالعه حاضر، به‌طور ویژه، به تحلیل باورهای کارکنان درباره این موضوع می‌پردازد که آیا دورکاری، اثربخشی و انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد یا خیر. اگر کارکنان باورهای قوی درباره اثربخشی دورکاری داشته باشند، بر این باورند که کار کردن از خانه به آن‌ها کمک خواهد کرد تا بهره‌وری بیشتری داشته باشند؛ بهتر بر شغلشان تمرکز کنند که همگی انگیزه شغلی آن‌ها را افزایش می‌دهد. در واقع آن‌ها خوش‌بین هستند که دورکاری کارشان را تسهیل می‌کند و اثربخشی و کیفیت کارشان را بهبود می‌دهد (Adamovic et al., 2021). در مقابل، اگر کارکنان باورهای ضعیفی درباره اثربخشی دورکاری داشته باشند، بر این باورند که دورکاری بر اثربخشی آن‌ها، عاملی مخرب است و بهره‌وری، تمرکز و انگیزه آن‌ها ممکن است به خاطر مسائل بالقوه‌ای

مانند انزوای اجتماعی و تضاد خانواده - کار کاهش یابد؛ اما در ارتباط با باورها در مورد انزوای دورکاری، اگر کارکنان باورهای قوی درباره انزوای دورکاری داشته باشند، آن‌ها بر این باورند که کار کردن از خانه، انزوای اجتماعی آن‌ها را افزایش خواهد داد که مشخصه آنتن‌هایی و عدم آموزش و یادگیری و همکاری با همکاران است (Gao & Sai, 2020; Green et al., 2020). در مقابل، اگر کارکنان باورهای ضعیفی درباره انزوای دورکاری داشته باشند، آن‌ها بر این باور هستند که دورکاری انزوای اجتماعی آن‌ها را افزایش نخواهد داد. این کارکنان درباره اثرات دورکاری بر آموزش، همکاری و روابط میان فردی و ارتباطات با مدیران و همکاران خوش بین هستند. مطالعه کنونی بر دو باور؛ اثربخشی و انزوای اجتماعی، تمرکز دارد، زیرا تحقیقات دورکاری پیشین غالباً دو اثر متفاوت از دورکاری را بر کارکنان گزارش نمودند (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019). از یک سو، دورکاری می‌تواند برای کارکنان سازمان‌ها با افزایش اثربخشی کارکنان (بهره‌وری، تمرکز و انگیزه) سودمند باشد. کارکنان استقلال و انعطاف‌پذیری بیشتری دارند که نشان داده شده است برای عملکرد شغلی سودمند است. بسیاری از کارکنان نیز گزارش دادند که دورکاری آن‌ها را قادر خواهد ساخت تا بر وظایف پیچیده تمرکز کنند و آن‌ها را انجام دهند. از سوی دیگر، تحقیقات قبلی نیز نشان داد که بسیاری از کارکنان، از دورکاری راضی نیستند زیرا غالباً منجر به احساس انزوای اجتماعی می‌شود (Green, Tappin, & Bentley, 2020; Sharma et al., 2020). دورکاری یک روش کاری فردگرا است که معمولاً همکاری با همکاران و مدیران، یادگیری از آن‌ها و توسعه روابط میان فردی با آن‌ها که با اعتماد ارتباط دارد را برای کارکنان دشوار می‌سازد. لازم به ذکر است که مطالعات پیشین بین ابعاد مختلف انزوا تمایز قائل می‌شود که به آن انزوای اجتماعی، انزوای حرفه‌ای و انزوای فیزیکی گفته می‌شود. انزوا اجتماعی به عدم تعاملات آگاهانه و ارتباط چهره به چهره با کارکنان و مدیران اشاره دارد. انزوا حرفه‌ای به ریسک آسیب‌های شغلی، به خاطر از دست دادن شبکه‌سازی و نظارت اشاره دارد. انزوا فیزیکی به تجربه کارکنان از کار کردن در زمینه‌هایی اشاره دارد که در آن، کنار همکاران سازمانی نیستند. همانند بسیاری از مطالعات قبلی (Gao & Sai, 2020; Green et al., 2020)، این مطالعه بر انزوای اجتماعی تمرکز دارد، زیرا دورکاری، احتمالاً منجر به انزوای اجتماعی می‌شود که غالباً نشان‌دهنده مسئله مهمی برای کارکنان از راه دور می‌باشد. دورکاری غالباً منجر به احساس تنهایی و فراموش شدن توسط کارفرمایان و از دست دادن تعاملات اجتماعی

و روابط مثبت با کارکنان می‌شود (Sharma et al., 2020). در مقابل، دورکاری نباید با انزوای حرفه‌ای ارتباط داشته باشد (Adamovic et al., 2021). در آخر درزمینه دورکاری مبتنی بر خانه، قابل ذکر است که هر سه بعد انزوا می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند و تحت انزوا کلی نشان داده شوند.

ج) تحقیقات پیشین درباره دورکاری و استرس شغلی

به نظر سونگ و گائو (۲۰۲۰) استرس این‌گونه تعریف می‌شود «یک رابطه خاص بین فرد و محیط که به صورت چالش برانگیز، فراتر از منابع او بودن و به خطر انداختن رفاه او ارزیابی می‌شود»، یعنی استرس یک واکنش ذهنی فرد به نیازهای محیط خود می‌باشد. استرس شغلی زمانی روی می‌دهد که کارمند فاقد توانایی و منابع برای مقابله با نیازهای شغلی باشد. نمونه‌هایی از تقاضا و نیازهای شغلی که منجر به استرس شغلی می‌شوند عبارت‌اند از حجم کاری بالا، تضاد میان فردی و عدم اطمینان. درزمینه دورکاری، تحقیقات قبلی تعدادی از نیازهای شغلی؛ از جمله انزوای اجتماعی، تضاد و عدم کار تیمی و تبادل اطلاعات را شناسایی کرد (Sharma et al., 2020). این نیازهای شغلی به عنوان عوامل استرس‌زا عمل می‌کنند که آغاز کننده فرایند اختلال سلامتی هستند که منجر به استرس شغلی می‌شوند. شواهد تجربی و گزارشات رسانه‌ای نشان می‌دهند که کارکنان امروزی به خاطر تقاضاهای شغلی فراینده، استرس شغلی بیشتر و سایر مسائل سلامت ذهنی را تجربه می‌کنند. استرس شغلی فزاینده می‌تواند منجر به فرسودگی شغلی و افسردگی شود که غالباً توسط احساسات درماندگی، بی‌ارزشی و اندیشه خودکشی نشان داده می‌شوند. مهم‌تر اینکه استرس شغلی یکی از دلایل رهایی از کار است که تأثیر زیادی بر بهره‌وری و کیفیت زندگی کارکنان دارد. تحقیق و مطالعه درباره دورکاری فرض می‌کند که یک دلیل کلیدی برای اینکه چرا کارکنان می‌خواهند از خانه کار کنند، کاهش استرس شغلی آنهاست. با این وجود، یافته‌های متناقضی درباره اثرات دورکاری بر استرس شغلی وجود دارد. از یک سو تحقیقات قبلی نشان داده‌اند، کارکنان زمان بیشتری را در خانه کار می‌کنند، استرس کمتری را حس می‌کنند (Delanoeije & Verbruggen, 2020; Giurge & Bohns, 2020).

یک دلیل مهم برای این موضوع این است که کارکنان، استقلال بیشتری درباره نحوه کار خود دارند. علاوه بر این، از طریق افزایش دورکاری، کارکنان غالباً بهتر می‌توانند مسئولیت‌های شغلی خود را با خانواده و تعهدات مراقبتی ترکیب کنند. در آخر صرف زمان بیشتر از خانه کار کردن، کارکنان را قادر می‌سازد تا زمان ارزشمند را با کاهش زمان رفت‌وآمد به محل کار، حفظ کند. این امر به کارکنان کمک می‌کند

تا تعادل کار- زندگی بهتری داشته باشند و زمان بیشتری را با خانواده و دوستان و فعالیت‌های تفریحی پردازند. از سوی دیگر، تحقیقات قبلی، همچنین نشان دادند که دورکاری می‌تواند استرس شغلی را افزایش دهد (Heiden et al., 2021; Kazeka -mi, 2020; Song & Gao, 2020). مسائل بالقوه برای رفاه کارکنان ناشی از افزایش دورکاری شامل انزوای اجتماعی، تضاد و عدم تبادل اطلاعات و کار تیمی است. علاوه بر این، استفاده از اطلاعات جدید و فناوری ارتباطی می‌تواند عدم اطمینان ایجاد کند؛ و یک تجربه استرس‌زا برای برخی از کارکنانی باشد که آموزش و حمایت سازمانی موردنیاز را دریافت نکرده باشند. برخی کارکنان حتی دورکاری را مانعی برای رضایت شغلی و حرفه‌ای خود می‌دانند. علت این امر دشواری‌های مدیریت مرزهای زندگی- کار است و تمرکز آن بر کار است اگر کارکنان از راه دور دارای مسئولیت‌های مراقبتی باشند (Benlian, 2020).

پیشینه نظری و تدوین فرضیه‌ها

الف) تأثیر فاصله قدرت بر باورها درباره دورکاری

این مطالعه ابتدا بیان می‌کند که کارکنان با امتیازات فاصله قدرت زیاد، باورهای منفی درباره دورکاری در ارتباط با کاهش اثربخشی دارند. بر اساس چارچوب ارزش فرهنگی هافستد؛ به خاطر تفاوت‌های موقعیتی و قدرتی، کارکنان با امتیاز فاصله قدرت زیاد، تمایل دارند سرپرستان، رهنمودهای دقیق ارائه دهند. هافستد، بیان نمود که کارکنان ممکن است به مدیری قدرتمند، پرجذبه و مستقیم نیاز داشته باشند که با زیردستان هنگام تصمیم‌گیری مشورت نمی‌کند و تصمیمات را توضیح نمی‌دهند. کار کردن در خانه برای کارکنان، استقلال بیشتری ایجاد می‌کند. غالباً آن‌ها نیاز دارند به‌طور مستقل، خود و کارشان را سازمان‌دهی کنند. کار کردن در خانه، موجب می‌شود سرپرستان، کنترل کمتری بر کارشان داشته باشند که ارائه دستورالعمل‌های دقیق را برای سرپرستان دشوار می‌کند. عدم ارتباط با سرپرست برای کارکنان دارای فاصله قدرت زیاد، دشوارتر است، زیرا آن‌ها به مدیری نیاز دارند که درباره کارشان، آن‌ها را راهنمایی کند. کارکنان با گرایش فاصله قدرت زیاد ممکن است فکر کنند که فاصله فیزیکی از سرپرست، مانع کار آن‌ها است. سرپرستی حضور ندارد تا بازخورد منظم ارائه دهد و آن‌ها را راهنمایی کند؛ بنابراین کارکنان دارای جهت‌گیری فاصله قدرت زیاد، ممکن است بر این باور باشند که اثربخشی کار آن‌ها آسیب خواهد دید. در مقابل،

کارمندان دارای جهت‌گیری فاصله قدرت کم اغلب یک سرپرست مستبد و نیرومند را مشروع قلمداد نمی‌کنند. با وجود سطوح شغلی و حقوقی مختلف، تفاوت‌های قدرت و مقام، اغلب از سوی این کارمندان تحمل نمی‌شود. احتمالاً این امر منجر به باورهای مثبت‌تری در زمینه دورکاری می‌شود. ممکن است، این کارمندان تا حد کمتری به سرپرستی نیاز داشته باشند که آن‌ها را هدایت کند. احتمالاً، این کارمندان برای تصمیم‌گیری‌های خود در زمینه کارشان، احساس راحتی می‌کنند. این مسئله به آن‌ها کمک می‌کند، هم چنان سودمند باشند و نشان می‌دهد از باورهای مثبت‌تری در زمینه دورکاری برخوردار خواهند بود؛ بنابراین فرضیه زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه ۱. کارمندان دارای امتیازات بالا در زمینه فاصله قدرت باور دارند، دورکاری، اثربخشی یک کارمند را کاهش می‌دهد.

این مطالعه همچنین پیش‌بینی می‌کند، کارمندان دارای امتیازات قدرت بالا، بیشتر احتمال دارد، باور داشته باشند، دورکاری، انزوای اجتماعی را افزایش خواهد داد (شکل ۱). طبق نظریه‌پردازی فاصله قدرت هافستد، یک کارمند دارای امتیاز فاصله قدرت بالا، نه تنها یک توصیف آشکار از وظایف و اهداف، بلکه یک راهنمایی واضح برای مدیریت روابط میان فردی در کارگروه‌ها را انتظار دارد؛ بنابراین کاهش تعاملات با سرپرست، کارمندان را به این باور می‌رساند که دورکاری منجر به انزوای اجتماعی می‌شود. دورکاری، داشتن جلسات با سرپرست را بر یک مبنای منظم، دشوارتر می‌سازد. این جدایی از سرپرست، احتمالاً برای کارمندان دارای جهت‌گیری فاصله قدرت بالا، دشوارتر است زیرا اغلب به دنبال سرپرست خود برای سازمان‌دهی و مدیریت تعاملات اجتماعی هستند؛ بنابراین، کارمندان، احتمالاً فکر می‌کنند، دورکاری، کیفیت روابط اجتماعی در کارشان را بدتر خواهد کرد و تعداد دفعات ارتباطات میان فردی را کاهش خواهد داد. «سرپرست به لحاظ اجتماعی کمتر حاضر» خواهد بود و کمتر احتمال دارد، برای ارتباطات غیررسمی و نشست‌های دوستانه با کارمندان یا سازمان‌دهی جلسات گروهی در دسترس باشد. لذا، کارمندان دارای جهت‌گیری فاصله قدرت بالا، ممکن است بر این باور باشند که از سرپرست و گروه خود جدا خواهند شد. در مقابل، کارمندان دارای جهت‌گیری فاصله قدرت پایین، به سرپرست خود برای سازمان‌دهی جلسات گروهی نیازی ندارند. چنین کارمندانی اغلب برای دستیابی به سرپرست و همکاران خود با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، احساس قدرت می‌کنند. این مسئله سبب می‌شود، بتوانند ارتباطات اجتماعی مؤثری را

با همکاران خود حفظ کنند. این مسئله حاکی از این امر است که آن‌ها دورکاری را به انزوای اجتماعی ربط نمی‌دهند. بر مبنای این استدلال‌ها، فرضیه زیر منظور می‌شود:

فرضیه ۲. کارمندان دارای امتیازات بالا در زمینه فاصله قدرت، اعتقاد دارند، دورکاری، انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد.

ب) تأثیر فردگرایی بر باورها در زمینه دورکاری

هافستد (۲۰۰۱) در چارچوب ارزش فرهنگی خود اثبات نموده است، کارمندانی که از نظر گرایش فردگرایی در سطح بالایی قرار دارند، کارکردن به صورت انفرادی را به کار کردن در گروه‌ها ترجیح می‌دهند. هافستد هم چنین فرض کرد، آن‌ها تمایل دارند، ارزش بالاتری را برای کسب اهداف شخصی نسبت به اهداف گروهی قائل شوند. این تمرکز بر روش‌ها و اهداف، احتمالاً به داشتن باورهای مثبت در زمینه اثربخشی دورکاری مربوط می‌شود زیرا دورکاری به عنوان یک روش کار فردگرایانه تلقی می‌شود. ممکن است، کارمندان دارای یک جهت‌گیری فردگرایی، کارکردن به صورت انفرادی از خانه را دوست داشته باشند زیرا در طول این نوع از کار کردن، می‌توانند به شیوه‌ای کار کنند که دوست دارند و می‌توانند بر کار فردی خود تمرکز نمایند. چنین روش کار انفرادی هم چنین به آن‌ها اجازه می‌دهد، بر کسب اهداف و تحقق کار فردی خود تمرکز نمایند. در مقابل، در غیر این صورت، در یک دفتر کار سنتی و محیط کار تیمی، این تحقق را با هم تیمی‌های خود سهیم خواهند بود. ممکن است، طرح‌های دورکاری، انگیزه کاری کارمندان دارای جهت‌گیری فردگرا را افزایش دهد. لذا، احتمالاً به این باور می‌رسند که دورکاری، اثربخشی آن‌ها را افزایش خواهد داد. بر مبنای استدلال‌های فوق، فرضیه زیر در نظر گرفته می‌شود:

فرضیه ۳. کارمندان دارای امتیازات بالا در فردگرایی، اعتقاد دارند، دورکاری، اثربخشی کارکنان را افزایش می‌دهد

همچنین هافستد^۱ (۲۰۰۱) اثبات کرد، کارمندان دارای یک جهت‌گیری فردگرا، اغلب به جای همکارانشان، به خودشان متکی هستند. این کارمندان تمایل دارند، پیامدهای پاداش‌ها و کارشان به خودشان وابسته باشد و نه به همکارانشان و در این زمان بیشتر احساس راحتی می‌کنند. تمرکز بر خودشان و اهداف و دستاوردهای فردی‌شان، احتمالاً موجب می‌شود، این کارمندان به این باور برسند که دورکاری منجر به انزوای اجتماعی خواهد شد. کارکردن به صورت انفرادی از خانه ممکن است، حالت

کاری مورد ترجیح کارمندان دارای یک جهت گیری فردگرا باشد زیرا آن‌ها در طول این حالت کاری، به خودشان پاسخگو هستند. در یک محیط کاری مجازی، کمتر به همکاران خود پاسخگو هستند و نیازی ندارند به همکاران خود بر یک مبنای منظم کمک کنند. این مسئله، پیشرفت‌های شغلی و کسب اهداف‌شان را آسان‌تر خواهد کرد. از این گذشته، تمایل دارند از کارگروهی امتناع کنند (Hofstede, 2001) که نشان می‌دهد، ارتباطات میان فردی برای این کارمندان، اهمیت کمتری دارد. احتمالاً در مورد هر گونه انزوای اجتماعی به خاطر دورکاری، کمتر نگران خواهند شد. لذا، احتمالاً در مورد مسائل مربوط به انزوای اجتماعی و روابط میان فردی کمتر نگران خواهند شد. از این رو، فرضیه زیر تبیین می‌شود:

فرضیه ۴. کارمندان دارای امتیازات بالا در فردگرایی، اعتقاد دارند، دورکاری به انزوای اجتماعی منجر نمی‌شود.

ج) نقش تعدیلی باورها نسبت به دورکاری بر رابطه دورکاری با استرس شغلی

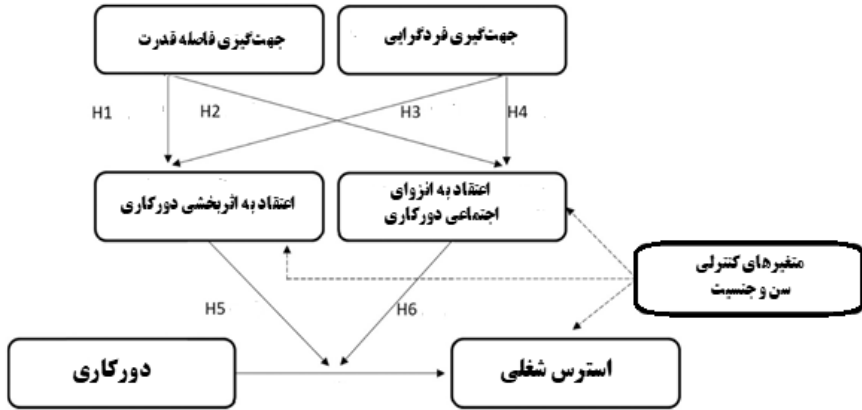
مطالعات قبلی در زمینه دورکاری و استرس شغلی، از طریق یافته‌های متناقضی توصیف می‌شود (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019). برای تبیین زمانی که دورکاری دارای تأثیرات مفید در برابر تأثیرات مخرب بر استرس شغلی بوده است، اولاً این مطالعه نقش تعدیل کننده اعتقادات در زمینه اثربخشی تیمی بر رابطه بین دورکاری و استرس شغلی را مدنظر قرار می‌دهد. به‌طور ویژه، این مطالعه انتظار دارد، مشغولیت مضاعف در دورکاری، فقط استرس شغلی را کاهش خواهد داد، چنانچه کارمندان از باورهای مثبتی در مورد اثربخشی دورکاری برخوردار باشند. اگر کارمندان بر این باور باشند، کار کردن از منزل، بیشتر اوقات، اثربخشی آن‌ها را افزایش خواهد داد، احتمالاً برای کار کردن از منزل، با انگیزه‌تر خواهند شد. ممکن است، بر این باور باشند، میزان استرس شغلی آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد زیرا دورکاری به آن‌ها اجازه می‌دهد، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در مورد کارشان داشته باشند. ممکن است، این کارمندان مطمئن‌تر باشند که می‌توانند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به شیوه‌ای مؤثر برای کار کردن از منزل استفاده کنند (Adamovic et al., 2021). همچنین ممکن است، بر این باور باشند، دورکاری به آن‌ها اجازه می‌دهد، کار خود را به‌صورت مستقل و سازمان‌دهنده و خودشان را سازمان‌دهی کنند. لذا بیشتر احتمال دارد به همکارانشان به‌عنوان فرصتی برای کاهش استرس، تقویت تأثیرات مفید دورکاری بر استرس شغلی بیاندیشند. از این رو بر مبنای استدلال‌های مطروحه فوق فرضیه زیر منظور می‌شود:

فرضیه ۵. باورها در زمینه اثربخشی دورکاری، رابطه بین دورکاری و استرس شغلی را تعدیل می‌کند. دورکاری فقط استرس شغلی را در صورتی کاهش می‌دهد که کارمندان از باورهای مثبتی در زمینه اثربخشی دورکاری برخوردار باشند.

به عنوان یک تعدیل‌کننده دوم برای ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی، این مطالعه تأثیر باورها در زمینه دورکاری را تجزیه و تحلیل می‌کند. این مطالعه فرض می‌کند، دورکاری فقط دارای تأثیرات مفیدی بر بهزیستی و رفاه کارمندان خواهد بود، چنانچه باور داشته باشند، دورکاری به انزوای اجتماعی منجر نخواهد شد. در مقابل، دورکاری نباید سطوح استرس شغلی کارمندان را کاهش دهد، چنانچه باور داشته باشند که دورکاری به انزوای اجتماعی منجر خواهد شد. اگر کارمندان بر این باور باشند، کارکردن از منزل، به انزوای اجتماعی بیشتر منجر نخواهد شد، ممکن است بر این باور باشند، میزان استرس شغلی‌شان، کاهش پیدا خواهد کرد زیرا دورکاری به آن‌ها اجازه می‌دهد از روابط اجتماعی مؤثر و ارتباطات میان فردی بهتری با همکاران و سرپرستان با وجود فاصله فیزیکی برخوردار باشند. این کارمندان ممکن است فکر کنند، می‌توانند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به شیوه‌ای استفاده کنند که بتوانند در ارتباط با همکاران خود باقی بمانند و باز هم از تبادلات دانش و اطلاعات برخوردار باشند. در مقابل، کارمندانی که اعتقاد دارند، دورکاری سبب انزوای اجتماعی خواهد شد، کمتر احتمال دارد از دورکاری بهره ببرند. با وجود مزایای بالقوه کار کردن از منزل، ممکن است، فکر کنند، آماده نیستند یا دچار عدم‌گرایش به کارکردن از منزل می‌شوند که تأثیرات مفید دورکاری بر استرس شغلی را تضعیف کرده یا از بین می‌برد. این افراد ممکن است، در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید، کمتر احساس راحتی کنند؛ و استفاده لازم از فناوری کار مجازی جدید، موجب عدم اطمینان در کارشان می‌شود. ممکن است، تأثیرات مفید دورکاری بر استرس شغلی را تضعیف نماید. ممکن است نگران باشند که نمی‌توانند از عهده چالش‌های دورکاری بالقوه؛ همانند انزوای اجتماعی از سرپرست و همکارانشان، برآیند؛ بنابراین بر مبنای مطالب فوق فرضیه زیر در نظر گرفته می‌شود:

فرضیه ۶. اعتقادات در زمینه انزوای دورکاری، ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی را تعدیل می‌نماید. دورکاری فقط استرس شغلی را کاهش می‌دهد اگر کارمندان باور داشته باشند، دورکاری به انزوای اجتماعی منجر نخواهد شد.

در نهایت با توجه به مرور ادبیات موضوع و مطالعات صورت گرفته، مدل مفهومی پژوهش به قرار زیر در نظر گرفته می‌شود:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

فرضیه‌های تحقیق (شکل ۱) از طریق یک مطالعه زمینه‌یابی با کارمندان از انواع گسترده سازمان‌ها در صنایع مختلف مورد آزمون قرار گرفت. ارزش‌های فرهنگی و اطلاعات جمعیت‌شناسی، در گام اول (زمان ۱)، دورکاری و باورها در زمینه دورکاری، در گام دوم (زمان ۲) و استرس شغلی در گام سوم (زمان ۳) اندازه‌گیری شدند. تفکیک متغیرهای مدل با استفاده از یک فاصله زمانی، خطر واریانس روش رایج را کاهش می‌دهد (Podsakoff, MacKenzie, & Podsakoff, 2012). در زمینه‌یابی اول، ۹۸۱ کارمند شرکت نمودند. از این کارمندان، ۵۱۰ نفر، زمینه‌یابی دوم را تکمیل کردند که منجر به یک نرخ پاسخ ۵۲ درصد شد. از بین این کارمندان، ۳۸۴ کارمند همچنین زمینه‌یابی سوم را تکمیل نمودند که منجر به نرخ پاسخ ۷۵/۲ درصد شد. نسبت کارمندان مرد به زن (۵۲ درصد) در مقابل (۴۸ درصد) بودند. متوسط سن پاسخ‌دهندگان، ۴۴ سال در طیف ۱۹ تا ۷۱ سال به دست آمد. ۷۱/۲ درصد کارمندان دارای حداقل یک مدرک دانشگاهی هستند. در زمینه وضعیت اشتغال، ۸۷ درصد کارمندان، کارمندان تمام‌وقت بودند، در حالی که ۱۳ درصد به صورت پاره‌وقت کار می‌کردند. پاسخ‌دهندگان در حوزه‌های شغلی: مهندسی (۱۰/۱ درصد)، امور مالی/بانکداری (۵/۸ درصد)، مدیریت منابع انسانی (۴/۵ درصد)، بازاریابی (۴/۵ درصد)، برنامه‌ریزی (۱/۸ درصد)، تحقیق و توسعه (۳/۰ درصد)، آموزش (۱۳/۷ درصد)، تولید (۵/۵ درصد)، خدمات پشتیبانی (۳/۵ درصد)، نهاد دولتی/حزب سیاسی (۳/۱ درصد)، حمل و نقل (۲/۵ درصد)، حقوق

(۲/۳ درصد)، پست (۱/۰ درصد)، مخابرات (۲/۳ درصد)، خرده‌فروشی (۷/۹ درصد)، بیمه (۱/۷ درصد)، خدمات اجتماعی (۳/۱ درصد)، مراقبت از سلامت (۵/۰ درصد)، فرهنگ/هنر (۵/۶ درصد)، تلویزیون/فیلم (۱/۲ درصد)، تحقیقات علمی (۰/۵ درصد) و غیره (۱۱/۱۴ درصد) کار می‌کردند. این مطالعه بر کارمندانی متمرکز و معطوف بود که در منزل کار می‌کردند و اینکه چطور میزان زمان دورکاری بر میزان استرس شغلی یک کارمند اثر می‌گذارد. این مطالعه از ۲۰ درصد ارزش برش استفاده نمود زیرا در مطالعات قبلی، یک روز در هفته را برای یک کارمند تمام‌وقت نشان می‌دهد که پنج روز در هفته کار می‌کند. زمان دورکاری شرکت‌کنندگان مطالعه در طیف ۲۰ درصد (یک روز در هفته) تا ۱۰۰ درصد (پنج روز در هفته) است. نهایتاً، به‌طور متوسط، ۲۴/۳ درصد از همکاران کارمند از منزل کار می‌کردند.

سنجش و اندازه‌گیری‌ها در سطح فردی تحلیل اجرا شد. به‌جز معیار دورکاری، از کارمندان خواسته شد، به یک مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای در دامنه ۱ (به‌شدت مخالف) تا ۵ (به‌شدت موافق) پاسخ بدهند. شرکت‌کنندگان آموزش دیده بودند که دورکاری، کاری است که دور از منزل - خارج از محل کار «سنتی» - با استفاده از فناوری (مثلاً کامپیوتر یا گوشی همراه) انجام می‌شود.

● **دورکاری.** برای سنجش دورکاری، از کارمندان خواسته شد، درصد کل زمان کاری خود را که از منزل کار می‌کنند، بیان کنند.

● **فاصله قدرت.** فاصله قدرت با شش گویه ایجاد شده توسط مازنوسکی، گومز، دیستفانو، نور-دره‌اون و وو (۲۰۰۲) اندازه‌گیری شد. این مطالعه از این گویه‌ها استفاده نمود زیرا مؤلفین، گویه‌های فاصله قدرت خود را در سطح تحلیل فردی ایجاد کرده بودند و مقیاس فاصله قدرتشان، اغلب توسط تحقیقات قبلی بکار رفته بود. یک نمونه گویه به این صورت است: «افراد در سطوح پایین‌تر در سازمان نباید از قدرت زیادی در سازمان‌ها برخوردار باشند». ضریب آلفا، ۰/۷۳ بود.

● **فردگرایی.** فردگرایی با شش گویه ایجاد شده توسط مازنوسکی، گومز، دیستفانو، نور-دره‌اون و وو (۲۰۰۲) اندازه‌گیری شد. این گویه‌ها به دلیل استفاده شد چون محققان مذکور گویه‌های فردگرایی را در سطح فردی تحلیل ایجاد نمودند و مقیاس فردگرایی‌شان، اغلب توسط تحقیقات قبلی استفاده شده بود. یک نمونه از گویه فردگرایی به این صورت است «قرار دادن منافع خود پیش از منافع دیگران، امری طبیعی است». ضریب آلفای کروناخ، ۰/۷۸ به دست آمد.

● **باورها در زمینه اثربخشی دورکاری.** تحقیقات قبلی بورگارد و همکاران^۱ (۲۰۱۹) اغلب سه پیامد فردی مثبت؛ افزایش بهره‌وری، تمرکز بهتر و انگیزه مضاعف را به خاطر دورکاری گزارش داده‌اند: بنابراین این مطالعه از سه گویه؛ ۱. دورکاری، بهره‌وری کارمندان را افزایش می‌دهد، ۲. دورکاری، تمرکز کارمندان را بهبود می‌بخشد و ۳) دورکاری، انگیزه کارمندان را افزایش می‌دهد، برای سنجش باورها در زمینه اثربخشی دورکاری استفاده نمود: آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۹۴ حاصل شد.

● **باورها در زمینه انزوای دورکاری.** تحقیقات قبلی بورگارد و همکاران (۲۰۱۹) اغلب سه پیامد منفی دورکاری؛ انزوای اجتماعی، کاهش همکاری بین همکاران و کاهش یادگیری را گزارش نموده‌اند: بنابراین این مطالعه از سه گویه؛ ۱. دورکاری منجر به انزوای کارمندان می‌شود، ۲. دورکاری، یادگیری دوجانبه بین کارمندان را کاهش می‌دهد و ۳. دورکاری، همکاری بین کارمندان را کاهش می‌دهد برای سنجش باورها در زمینه انزوای دورکاری استفاده نمود: آلفای کرونباخ برای این مقیاس، ۰/۸۷ به دست آمد.

● **استرس شغلی.** استرس شغلی با سه گویه ارزیابی شد که توسط موتوویلو و کولیس^۲ (۱۹۸۶) ایجاد شد و توسط بولینو و تورنلی^۳ (۲۰۰۵) مورد استفاده قرار گرفته شده بود. یک نمونه از گویه‌ها به این صورت است: «شغل من به شدت استرس‌زاست». ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس، ۰/۹۱ حاصل شد.

● **متغیرهای کنترلی.** سن و جنسیت به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند. معنی‌داری نتایج از طریق شمول هر یک از متغیرهای کنترلی، تغییر پیدا نکرد. عامل سن در نظر گرفته شد، زیرا گاهی اوقات ثابت می‌شد، کارمندان مسن‌تر کمتر با فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید آشنا بودند که برای کار کردن به صورت مجازی لازم بود. همچنین عامل جنسیت منظور شد، زیرا زنان به لحاظ سنتی مسئول مراقبت از فرزندان خردسال و اعضاء مسن خانواده هستند. اشتغالشان به صورت دورکاری و تأثیرات دورکاری بر بهزیستی آن‌ها برای تلفیق مسئولیت‌های شغلی با مسئولیت‌های خانوادگی، به این شکل ممکن است بیشتر باشد.

تجزیه و تحلیل نتایج

الف) آمار توصیفی

برای توصیف شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها، میانگین، انحراف استاندارد، پایایی و همبستگی‌های مرتبه صفر در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

ب) تحلیل‌های عاملی تأیید کننده برای تأیید مدل اندازه‌گیری

یک تحلیل عاملی تأییدی برای ارزیابی نیکویی برازش مدل اجرا شد. فرضیه‌ها شامل پنج متغیر پنهان؛ فاصله قدرت، فردگرایی، باور در مورد اثربخشی دورکاری، باور در مورد انزوای دورکاری و استرس شغلی می‌شد: مدل حاصل، برازش بسیار مناسبی را با شاخص‌های ذیل ارائه داد:

$$RMSEA = .037, \chi^2(200) = 365.39; CFI = .96; TLI = .95; SRMR = .044$$

مقدار SRMR کمتر از ۰/۰۸ یک برازش خوب محسوب می‌شود (Hu & Bentler, 1999). به علاوه هو و بنتلر پیشنهاد دادند مقدار ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین (RMSEA) کمتر از ۰/۰۶، برازش بسیار خوبی را ارائه می‌دهد. مقدار CFI و TLI بالاتر از ۰/۹ به معنی برازش رضایت‌بخش است. محققان در مطالعه خود، یک مقدار برش بالاتر نزدیک به ۰/۹۵ را پیشنهاد می‌دهند. مبتنی بر مقادیر برش معمول، برازش مدل اندازه‌گیری فرض شده، بسیار خوب است. همچنین هر یک از گویه‌ها دارای بار عاملی بالا بر عامل فرعی مدنظر، بود. بارهای عاملی گویه در دامنه ۰/۴۰ تا ۰/۹۴ و میانگین آن، ۰/۶۷ بود. این مدل اندازه‌گیری با مدلی که در آن هر دو مقیاس برای اندازه‌گیری باورها در زمینه دورکاری، تلفیق شده بود، مقایسه شد که شاخص‌های نیکویی برازش مدل، به‌طور معنی‌داری بدتر شد. سپس مدل اندازه‌گیری اصلی هم با مدلی که در آن فاصله قدرت و فردگرایی، به‌صورت یک عامل ترکیب شده بودند، مقایسه شد که شاخص‌های نیکویی برازش مدل بدتر شد. در نهایت مدل اندازه‌گیری مفروض به این صورت حفظ شد.

$$RMSEA = .087, \chi^2(204) = 1131.05; CFI = .77; TLI = .74; SRMR = .083$$

$$RMSEA = .062, \chi^2(204) = 676.60; CFI = .88; TLI = .87; SRMR = .069$$

ج) آزمون فرضیه

برای آزمون فرضیه، از یک رویکرد متغیر پنهان استفاده و مدل‌سازی معادلات ساختاری را با استفاده از متغیرهای کمون و نرم‌افزار 8 Mplus اجرا نمود که در مدل‌سازی

معادلات ساختاری برای توجیه خطای اندازه‌گیری بکار می‌رود. اجرای مدل‌سازی معادلات ساختاری همچنین سبب شد که به‌طور هم‌زمان، مدل کلی و کل ارتباطات مفروض در یک تحلیل را آزمون نماید. نتایج در جدول ۲ و شکل ۲ ارائه شده‌اند. برای ترسیم تعامل، از راه‌کار Aiken and West (۱۹۹۱) (انحراف استاندارد ± 1) استفاده شده است؛ بنابراین آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر گزارش می‌شود:

فرضیه ۱ عنوان می‌کند، فاصله قدرت، با باور کارمند درزمینهٔ اثربخشی دورکاری، رابطه منفی دارد. نتایج بیانگر این امر است که این رابطه، منفی و معنی‌دار است $(\beta = -0/134, P < 0/01)$. به این صورت فرضیه ۱، مورد حمایت قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲، اثبات نمود، فاصله قدرت، با باور کارمند درزمینهٔ انزوای دورکاری، رابطه مثبت دارد. این فرضیه هم مورد حمایت قرار گرفت $(\beta = 0/133 > P, 0/05)$.

فرضیه ۳، عنوان و تایید نمود که فردگرایی با باور کارمند درزمینهٔ اثربخشی دورکاری، رابطه مثبت دارد. نتایج بیانگر این امر است که این رابطه، مثبت و معنی‌دار است $(\beta = 0/135 P, < 0/05)$. بنابراین، فرضیه ۳ مورد حمایت قرار می‌گیرد.

فرضیه ۴ اثبات کرد، فردگرایی با باور کارمند درزمینهٔ انزوای دورکاری، رابطه منفی دارد. این فرضیه، مورد حمایت قرار نگرفت $(\beta = 0/046, P < 0/05)$.

فرضیه ۵ اثبات کرد، باورهای کارمند درزمینهٔ اثربخشی، ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی را تعدیل می‌کند. این فرضیه پیش‌بینی کرد، دورکاری، استرس شغلی یک کارمند را کاهش خواهد داد. نتایج (جدول ۳)، اولاً بیانگر ارتباط منفی و معنی‌دار بین دورکاری و استرس شغلی است $(\beta = 0/152 P, < 0/01)$. همچنین نتایج نشان داد، اثر تعاملی مفروض، به سطح معنی‌داری نمی‌رسد $(\beta = -0/054 P, > 0/05)$. لذا، فرضیه ۵ مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

نهایتاً، **فرضیه ۶** عنوان کرد، باورهای کارمند درزمینهٔ انزوای دورکاری، رابطه بین دورکاری و استرس شغلی را تعدیل می‌کند. نتایج موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد، اثر تعاملی مفروض، به سطح معنی‌داری رسیده است $(\beta = 0/116, < 0/05)$. شکل ۲ به لحاظ گرافیکی، تعامل دوسویه بین دورکاری و باورها درزمینهٔ انزوای دورکاری را نشان می‌دهد. شکل ۳ نشان می‌دهد، دورکاری فقط استرس شغلی را برای کارمندان کاهش می‌دهد که اعتقاد دارند، دورکاری به انزوای شغلی منجر نخواهد شد.

یک تحلیل شیب ساده، حمایت بیشتری را ارائه می‌دهد که ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی، منفی و معنی‌دار است، زمانی که کارمندان باور دارند، دورکاری، به

انزوای دورکاری منجر نخواهد شد، اما ارتباط ناچیز در زمانی وجود دارد که کارمندان اعتقاد دارند دورکاری به انزوای دورکاری منجر خواهد شد. لذا، فرضیه ۶ مورد حمایت قرار می‌گیرد.

جدول ۱. آمار توصیفی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	SD	میانگین	
							۱	۹/۴۶	۴۲/۲۲	۱. سن
						۱	-۰/۱۰۶	۰/۵۰۶	۰/۴۴	۲. جنسیت
					۱	۰/۰۳۲	۰/۱۷۳	۲۲/۳۹	۴۶/۳۴	۳. دورکاری
				۱	۰/۰۳۲	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۴	۰/۷۱۲	۲/۷۰۱	۴. فاصله قدرت
			۱	۰/۲۴۸	-۰/۰۸۳	-۰/۱۱۱	-۰/۱۲۶	۰/۵۱۶	۳/۸۰۴	۵. فردگرایی
		۱	-۰/۱۷۳	-۰/۰۹۸	-۰/۰۲۵	۰/۰۸۴	-۰/۰۹۴	۱/۱۷	۳/۴۱۳	۶. باور به اثربخشی
	۱	۰/۱۸۵	۰/۰۱۴	۰/۱۱۶	۰/۰۰۲	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۷	۰/۹۴۷	۳/۳۱۵	۷. باور به انزوا
۱	۰/۰۳۸	-۰/۰۲۶	۰/۱۲۱	-۰/۰۱۳	-۰/۱۶۵	-۰/۰۳۶	-۰/۱۲۹	۱/۲۱	۳/۲۳	۸. استرس شغلی

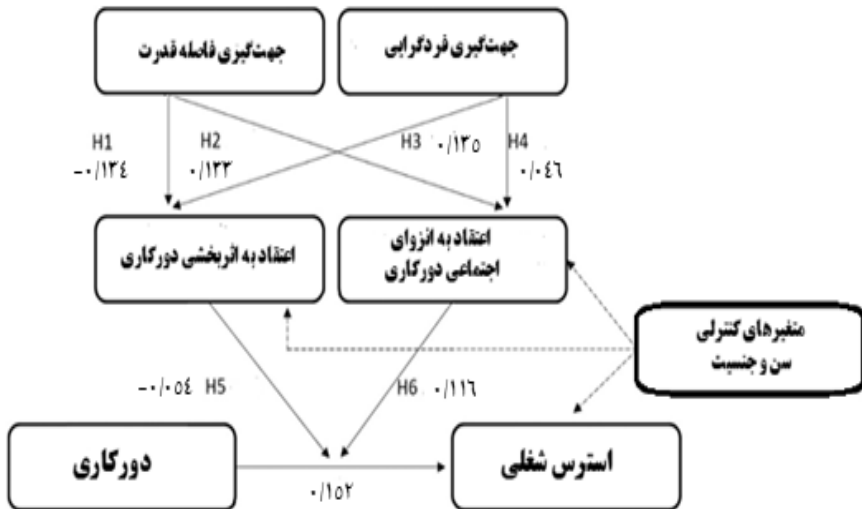
منبع: محاسبات محقق

جدول ۲. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری

استرس شغلی	باور به انزوای دورکاری	باور به اثربخشی دورکاری	متغیرهای کنترلی
			سن
-۰/۱۲۲**	۰/۰۳۴	-۰/۰۸۵	جنسیت
-۰/۰۴۲	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۴	اثرات مستقیم
-	۰/۱۳۳*	-۰/۱۳۴*	فاصله قدرت
	۰/۰۴۶	۰/۱۳۵	فردگرایی
۰/۱۷۳*	---	---	باور به اثربخشی دورکاری

استرس شغلی	باور به انزوای دورکاری	باور به اثربخشی دورکاری	
-۰/۱۶۳	---	---	باور به انزوای دورکاری
۰/۱۵۲ **	---	---	دورکاری
اثرات تعاملی			
-۰/۰۵۴	---	---	دورکاری * باور به اثربخشی دورکاری
۰/۱۱۶ *	---	---	دورکاری * باور به انزوای دورکاری

منبع: محاسبات محقق، $P < 0.05$ ** $P < 0.01$



شکل ۲. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از یافته‌های مهم این تحقیق عبارت است از اینکه که باورهای کارمندان در زمینه اثربخشی دورکاری و انزوای دورکاری به زمینه فرهنگی آن‌ها برحسب جهت‌گیری‌های فاصله قدرت و فردگرایی وابسته است. به‌طور ویژه، کارمندان دارای امتیازات فاصله قدرت یا فردگرایی بالا، دارای باورهای مثبت در زمینه اثربخشی دورکاری هستند. کارمندان دارای امتیازات فاصله قدرت پایین، بیشتر نگران هستند که دورکاری به انزوای اجتماعی منجر شود. این یافته‌ها برای

تحقیق دورکاری حائز اهمیت است (Beauregard et al., 2019; Raghuram et al., 2019). زیرا نشان می‌دهند، کارمندان از نظر نگرش‌ها نسبت به دورکاری، از زمینه‌های فرهنگی متفاوتی برخوردار هستند. یافته‌ها حاکی از این امر است، زمینه فرهنگی یک کارمند، اطلاعات مهمی را در زمینه این مسئله ارائه می‌دهد که آیا یک کارمند اعتقاد دارد، دورکاری یک حالت کاری مؤثر است. به‌علاوه، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، زمینه فرهنگی یک کارمند، نقش غیرمستقیم بر ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی را ایفا می‌نماید زیرا بر باورها در زمینه انزوای دورکاری و اثربخشی تأثیر دارد که به‌نوبه خود بر تأثیرات دورکاری بر استرس شغلی اثر می‌گذارد. هم‌چنین این مطالعه فقط نقش تعدیل‌کننده ارزش‌های فرهنگی را بر ارتباط بین دورکاری و استرس شغلی مورد تحلیل قرار داده است اما آنگاه، یک مکانیسم تشریحی با باورها در زمینه دورکاری را از دست داده است. هم‌چنین لازم است، این یافته‌ها در زمینه جهانی شدن تجارت مدنظر قرار گیرند. همان‌طور که مطالعات قبلی نشان دادند برای مدیران این انتظار که حالات و سیستم‌های کاری موفق می‌توانند بدون سازگاری‌ها با کشور دیگر به آن کشور منتقل شوند، ساده‌لوحانه قلمداد می‌شود. یافته‌های مطالعه، این نتیجه‌گیری‌ها را تأیید می‌کند و نشان می‌دهند، اجرای طرح‌های دورکاری باید در ارتباط با ارزش‌های فرهنگی کارمندان مدنظر قرار گیرد. گرچه صرف زمان بیشتر به کار از منزل، دارای تأثیر مستقیم و منفی معنی‌دار بر استرس شغلی است، این تأثیر به باورهای کارمندان در زمینه انزوای دورکاری وابسته است که به‌نوبه خود، تحت تأثیر جهت‌گیری فاصله قدرت یک کارمند قرار می‌گیرد. به‌طور ویژه‌تر، صرف زمان بیشتر برای کار کردن از منزل، فقط تأثیرات مفیدی بر استرس شغلی داشت زمانی که کارمندان باور نداشتند، دورکاری به انزوای اجتماعی منجر خواهد شد؛ بنابراین این یافته به درک یافته‌های متناقض قبلی در زمینه دورکاری و استرس شغلی کمک می‌کند (Beauregard et al., 2021; Heiden et al., 2019). تحقیقات قبلی اغلب تأثیرات مستقیم دورکاری را بدون در نظر گرفتن تعدیل‌کننده‌ها یا شرایط حدی مورد تحلیل قرار داده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد، باورها در زمینه دورکاری، یک تعدیل‌کننده مهم محسوب می‌شوند که تصمیم می‌گیرند آیا دورکاری، دارای تأثیرات مفید در برابر تأثیرات مخرب بر استرس شغلی است یا خیر. این تحقیق نشان می‌دهد، این حالت کار ترکیبی، نظر به اینکه کارمندان دارای حق انتخاب برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد روزهایی که در هفته از منزل کار می‌کنند هستند، نویدبخش به نظر می‌رسد زیرا به‌طور متوسط، مشغولیت بالاتر در دورکاری، استرس شغلی را کاهش می‌دهد. این یافته شایان ذکر است زیرا تحقیقات قبلی هم‌چنین، تأثیرات مخرب دورکاری را گزارش داده بودند (Heiden et al., 2021; Kazekami, 2020; Song & Gao, 2021).

2020). در چارچوب مفاهیم نظری آزانجایی که دانش زیادی در زمینه هرگونه تفاوت فرهنگی با توجه به دورکاری و در زمینه تأثیرات ارزش‌های فرهنگی یک کارمند در مورد باورها در زمینه دورکاری وجود نداشت. این تحقیق، شواهدی قوی را ارائه می‌دهد از جمله: الف) درحالی‌که برخی کارمندان (دارای امتیازات فاصله قدرت پایین و فردگرایی بالا) ممکن است از طرح‌های دورکاری استقبال کنند، کارمندان دیگر (دارای امتیازات فاصله قدرت بالا و فردگرایی پایین) ممکن است، دورکاری را به‌عنوان یک حالت کاری مخرب، تلقی کنند؛ ب) تأثیرات دورکاری بر استرس شغلی یک کارمند به باورها در زمینه ارزش‌های فرهنگی و دورکاری وابسته است. گرچه ممکن است، کارورزان و پژوهشگران زیادی انتظار داشته باشند، دورکاری دارای تأثیرات مفیدی بر بهزیستی کارمندان است (Beauregard et al., 2019)؛

ج) اثربخشی دورکاری، جهان‌شمول نیست. لذا، دورکاری یک‌راه حل قطعی برای کاهش استرس شغلی محسوب نمی‌شود و تضمینی وجود ندارد که دورکاری همواره دارای تأثیرات مفیدی بر بهزیستی کارمند باشد. در عوض، به نظر می‌رسد، برای مدیران، تأیید این مسئله حائز اهمیت باشد که کارمندان دارای باورهای مختلف در زمینه دورکاری هستند؛

د) به نظر می‌رسد حالت کار ترکیبی، انتخاب کاری مورد ترجیح کارمندان و از این‌رو، آینده طرح‌های کاری باشد (European Commission's Science & Knowledge Center, 2020; Feitosa & Salas, 2020; Gratton, 2021a; b; The Economist, 2020).

با پذیرش یک حالت کاری هیبریدی/ترکیبی، کارمندان چند روز در هفته از منزل کار می‌کنند تا از مزایای دورکاری بهره ببرند همانند استقلال شغلی مضاعف و از بین بردن رفت‌وآمد به محل کار. به‌طور هم‌زمان، کارمندان باز هم چند روز در هفته برای جلوگیری از مسائل دورکاری مثل انزوای اجتماعی و تنهایی، به دفتر کار سنتی‌شان می‌روند. درنهایت، تأثیر کاهنده استرس، به‌طور خاصی برای کارمندان معتبر است که اعتقاد دارند دورکاری، به انزوای اجتماعی منجر نخواهد شد. برای بهره‌برداری از توان بالقوه دورکاری برای دوره پس از همه‌گیری کووید ۱۹، برای مدیران و سازمان‌ها، ایجاد باورهای مثبت در زمینه دورکاری بین نیروی کارشان، حائز اهمیت می‌شود که بر باورهای دورکاری برای کارمندان تأکید می‌کنند و یک شرایط کاری مجازی مؤثر را ایجاد می‌نمایند (Adamovic et al., 2021). اما در چارچوب مفاهیم عملی این تحقیق دارای مفاهیم مهمی برای سازمان‌هایی است که اجازه می‌دهند یا برنامه‌ریزی می‌کنند که اجازه دهند، کارمندانشان از منزل کار کنند. درک نحوه تأثیر ارزش‌های فرهنگی

کارمندان بر باورهایشان نسبت به دورکاری ممکن است، به این سازمان‌ها برای اجرای طرح‌های دورکاری به صورت مؤثرتر کمک کند. اولاً، به نظر می‌رسد، بیشتر احتمال داشته باشد، طرح‌های دورکاری، زمانی که کارمندان دارای جهت‌گیری‌های فاصله قدرت پایین و فردگرایی بالا هستند، موفق‌تر خواهد بود. این کارمندان تمایل دارند، نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به دورکاری داشته باشند و ممکن است از آن به عنوان فرصتی برای افزایش اثربخشی کارشان استقبال کنند. در مقابل، لازم است، سازمان‌ها به‌طور خاصی از دورکاران دارای جهت‌گیری‌های فاصله قدرت بالا و فردگرایی پایین بیشتر حمایت کنند که تمایل دارند باورهای منفی در مورد دورکاری داشته باشند. فقط با بررسی و تغییر این باورهای منفی، سازمان‌ها، تأثیرات مفید دورکاری بر بهزیستی برای کارمندان را میسر خواهند ساخت. همچنین برای تحقق درازمدت مزایای سازمانی مثل ایجاد ارتباط و میسر نمودن تبادلات مؤثر دانش و اطلاعات بین کارمندان با کارایی بالا از شهرها و کشورهای مختلف، همچنین کاهش هزینه‌های سفرهای سازمانی و املاک، مفید خواهد بود. بر مبنای نتایج این تحقیق، تأثیرات مفید دورکاری بر استرس شغلی می‌تواند با تغییر باورهای کارمندان در مورد دورکاری، تقویت شود. از یک چشم انداز سازمانی، برای بهبود باورهای کارمندان در زمینه دورکاری، سازمان‌ها می‌توانند به کارمندان برای بهبود مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت مرزی کار- منزلشان (Benlian, 2020). آموزش بدهند. همچنین، این آموزش، شامل راهبردهایی در زمینه شیوه‌ای می‌شود که کارمندان می‌توانند بازم در مبادلات اطلاعات و دانش با مدیران و همکارانشان، مشغول باشند. به علاوه سازمان‌ها، ارتباطات آنلاین یا شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی را برای دورکاران فراهم می‌کنند (مثلاً محل کار از فیس بوک)، دورکاران را قادر می‌سازند، با پیشرفت‌های سازمانی مهم، به روز بمانند. از یک چشم‌انداز مدیریتی، مدیران می‌توانند، جلسات تیمی منظم آنلاین و نشست‌های دوستانه با کارمندان را برای کاهش احتمال انزوای اجتماعی برنامه‌ریزی نمایند. افزون بر آن، مدیران می‌توانند راهنمایی آشکار، توصیف شغلی و قوانینی را برای دورکاران ارائه نمایند. کار کردن از منزل اغلب، استقلال شغلی را افزایش می‌دهد اما استقلال خیلی زیاد می‌تواند یک تجربه تنش‌زا باشد زمانی که بار کاری کارمند افزایش می‌یابد و کار بسیار پیچیده و طاقت‌فرسا می‌شود. لذا، برای کارمندان دارای اهداف و انتظارات آشکار، این مسئله حائز اهمیت است (Adamovic et al., 2021). این رفتارهای رهبری باید، باورهای کارمندان در زمینه دورکاری را بهبود بخشد. از یک چشم‌انداز

کارمند انفرادی، می‌توان با استفاده از فناوری موبایل به شیوه‌ای مؤثرتر برای حضور اجتماعی داشتن (Sharma et al., 2020) یا برنامه‌ریزی زمانی جلسات آنلاین منظم یا صرف نوشیدنی پس از کار یا قهوه آنلاین با همکاران و مدیران (Gao & Sai, 2020) از انزوای اجتماعی اجتناب کرد.

راهبردهای سیاستی

سرانجام، این پژوهش، مفاهیم مهم راهبردی برای آینده کاری پس از همه‌گیری کووید ۱۹ ارائه می‌دهد (Chamakiotis et al., 2021). گرچه کارمندان زیادی باید در طول همه‌گیری کووید ۱۹ از منزل کار کنند، اکثر کارمندان یک حالت کاری هیبریدی را ترجیح می‌دهند، بدین‌وسیله، فقط چند روز در هفته را از منزل کار می‌کنند و چند روز را در دفتر کار خود کار می‌کنند (Feitosa & Salas, 2020; Gratton, 2021a; b). برای آمادگی کامل داشتن برای دوره پس از کووید ۱۹ و کمک به متمرکز بودن کارمندان در حالت کاری هیبریدی خود، مطالعه فعلی پیشنهاد می‌کند، لازم است سازمان‌ها، کارمندان را به کار از منزل و افزایش باورهایشان در زمینه مزایای دورکاری ترغیب نمایند. می‌توان با ارائه تجهیزات و زیرساخت مناسب برای دورکاری، آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دورکاران، فرصت‌های شغلی جذاب برای دورکاران، حمایت صریحی برای طرح‌های دورکاری از مدیریت ارشد و یک فرهنگ کاری تعاونی صورت گیرد که در آن کارمندان همدیگر را به کار کردن از منزل تشویق کنند (Adamovic et al., 2021; Chamakiotis et al., 2021).

برای مطالعات بیشتر در زمینه دورکاری از آنجایی که تمرکز مطالعه بر تأثیرات دورکاری بر استرس شغلی و شیوه‌ای که این تأثیرات تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی قرار می‌گیرند، در نظر گرفته شد. با این وجود، تحقیقات آینده می‌توانند بر موضوعاتی دیگری دیده شود از جمله: بر تلفیق سطح سازمانی تحلیل با شمول متغیرهای سازمانی مثل شرایط کاری مجازی سازمانی (Adamovic et al., 2021). حمایت سازمانی یا فرهنگ مدیریت است. بر تلفیق ترکیب خانواده کارمند (مثلاً تعداد فرزندان خردسال) برای تحلیل این مسئله که آیا کارمندان دارای مسئولیت‌های مراقبتی، به دلیل دورکاری، استرس شغلی بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین پیامدهای دیگر دورکاری را ارزیابی نمایند، مثل رضایت شغلی، تعهد سازمانی و عملکرد شغلی. از سوی دیگر چون مطالعه بر انزوای اجتماعی به‌عنوان یک پیامد منفی مهم، نیز تمرکز

داشت، تحقیقات آینده می‌توانند دو بعد دیگر انزوا را تلفیق نمایند که انزوای حرفه‌ای و فیزیکی نامیده می‌شود؛ و نتایج را با نتایج مطالعه کنونی در زمینه دورکاری و انزوای اجتماعی مقایسه نمایند. گرچه هر سه بعد به انزوا اشاره می‌کنند، اما تأثیرات مختلف دورکاری می‌تواند برای انزوای حرفه‌ای و فیزیکی مشاهده شود.

سرانجام این مطالعه به دلیل اهمیت روزافزون دورکاری ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ و سایر تحولات اجتماعی و سازمانی مانند جهانی‌شدن کسب‌وکارها، فضای اداری گران‌قیمت یا کمبود فضای اداری در شهرهای بزرگ، بررسی می‌کند که آیا دورکاری بر استرس شغلی در تمام نقاط جهان تأثیرگذار است یا خیر. یافته‌های این مطالعه شواهدی را علیه جهانی بودن اثربخشی دورکاری ارائه می‌دهد. اولاً، باورهای کارکنان در مورد دورکاری به شدت بر اساس جهت‌گیری‌های فاصله قدرت و فردگرایی متفاوت است. ثانیاً، صرف زمان بیشتر برای کار در خانه تنها زمانی استرس شغلی را کاهش می‌دهد که کارمندان باور ندارند که دورکاری منجر به انزوای اجتماعی می‌شود. این یافته‌ها به سازمان‌هایی که از کارمندان خود می‌خواهند در خانه کار کنند و کارمندانی با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت استخدام می‌کنند، کمک می‌کند.

References

- Adamovic, M. (2018). An employee-focused human resource management perspective for the management of global virtual teams. *The International Journal of Human Resource Management*, 29(14), 2159–2187.
- Adamovic, M., Gahan, P., Olsen, J. E., Gulyas, A., Shallcross, D., & Mendoza, A. (2021). Exploring the adoption of virtual work: the role of virtual work self-efficacy and virtual work climate. *The International Journal of Human Resource Management*, 1–34. <https://doi.org/10.1080/09585192.2021.1913623>.
- Adamovic, M., Gahan, P., Olsen, J. E., Harley, B., Healy, J., & Theilacker, M. (2020). Bringing the leader back in: Why, how, and when leadership empowerment behavior shapes coworker conflict. *Group & Organization Management*, 45(5), 599–636.
- Aiken, J. S., & West, S. G. (1991). *Multiple regression: testing and interpreting interactions*. New York: Sage.
- Barnes, S. J. (2020). Information management research and practice in the post-COVID19-world. *International Journal of Information Management*, 55, Article 102175.
- Beauregard, T. A., Basile, K. A., & Can'ónico, E. (2019). Telework: outcomes and facilitators for employees. In R. N. Landers (Ed.), *The Cambridge handbook of technology and employee behaviour*, 511–543 (pp. 511–543). Cambridge: Cambridge University Press.
- Benlian, A. (2020). A daily field investigation of technology-driven spillovers from work to home. *MIS Quarterly*, 44(3), 1259–1300.
- Bolino, M. C., & Turnley, W. H. (2005). The personal costs of citizenship behavior: the relationship between individual initiative and role overload, job stress, and work-family conflict. *Journal of Applied Psychology*, 90(4), 740–748.
- Chamakiotis, P., Panteli, N., & Davison, R. M. (2021). Reimagining e-leadership for reconfigured virtual teams due to Covid-19. *International Journal of Information Management*, 60. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2021.102381>.
- Delanoeije, J., & Verbruggen, M. (2020). Between-person and within-person effects of telework: a quasi-field experiment. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 29(6), 795–808.
- Dwivedi, Y. K., Hughes, D. L., Coombs, C., Constantiou, I., Duan, Y., Edwards, J. S... .. Upadhyay, N. (2020). Impact of COVID-19 pandemic on information management research and practice: transforming education, work and life. *International Journal of Information Management*, 55, Article 102211. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2020.102211>
- European Commission's Science and Knowledge Center. (2020). Telework in the EU Before and After the COVID-19: Where We Were, Where We Head to; *European Commission*: Bruxelles, Belgium, 2020; 1–8, (https://ec.europa.eu/jrc/sites/default/files/jrc120945_policy_brief_-_covid_and_telework_final.pdf) (19/09/2021).

- Feitosa, J., & Salas, E. (2020). Today's virtual teams: adapting lessons learned to the pandemic context. *Organizational Dynamics*, Article 100777. <https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2020.100777>
- Financial Times, (2021). Feeling the strain: stress and anxiety weigh on world's workers. (<https://www.ft.com/content/02d39d97-23ed-45ff-b982-7335770ae512>) (19/09.(2021/
- Forbes. (2020). Mental Health And Remote Work: Survey Reveals 80% Of Workers Would Quit Their Jobs For This. *TESLU International*. (<https://www.forbes.com/sites/chrswestfall/2020/10/08/mental-health-leadership-survey-reveals-80-of-remote-workers-would-quit-their-jobs-for-his/?sh=67b14ee93a0f>), 19/09/2021.
- Gallup (2017). State of the American Workplace report, available at: (https://news.gallup.com/reports/199961/7.aspx?utm_source=gbj&utm_campaign=StateofAmerica_nWorkplace-Launch&utm_medium=copy&utm_content=20170315) (19/09/2021).
- Giurge, L. M., & Bohns, V. K. (2020). 3 Tips to Avoid WFH Burnout. *Harvard Business Review*, 1-5. (<https://hbr.org/2020/04/3-tips-to-avoid-wfh-burnout>) (19/09.(2021/
- Gratton, L. (2021aaa). How to Do Hybrid Right. *Harvard Business Review*, 99(3), 65-74.
- Gratton, L. (2021bbb). Four Principles to Ensure Hybrid Work Is Productive Work. *Mitoss Sloan Management Review*, 62(2), 11-16.
- Green, N., Tappin, D., & Bentley, T. (2020). Working from home before, during and after the Covid-19 pandemic: Implications for workers and organisations. *New Zealand Journal of Employment Relations*, 45(2), 5-16.
- Heiden, M., Widar, L., Wiitavaara, B., & Boman, E. (2021). Telework in academia: associations with health and well-being among staff. *Higher Education*, 81(4), 722-707,
- Hofstede, G. (2001). Culture's consequences: comparing values, behaviors, institutions, and organizations across nations. *Thousand Oaks, CA: Sage*
- Kazekami, S. (2020). Mechanisms to improve labor productivity by performing telework. *Telecommunications Policy*, 44(2), Article 101868. <https://doi.org/10.1016/j.telpol.2019.101868>.
- Kodama, M. (2020). Digitally transforming work styles in an era of infectious disease. *International Journal of Information Management*, 55. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2020.102172>.
- Maznevski, M. L., Gomez, C., DiStefano, J. J., Noorderhaven, N. G., & Wu, P. C. (2002). Cultural dimensions at the individual level of analysis: the cultural orientations framework. *International Journal of Cross Cultural Management*, 2(3), 275-295.
- Motowidlo, S. J., Packard, J. S., & Manning, M. R. (1986). Occupational stress: its causes and consequences for job performance. *Journal of Applied Psychology*, 71(4), 618-629.

- Muthukrishna, M., Bell, A. V., Henrich, J., Curtin, C. M., Gedranovich, A., McInerney, J., & Thue, B. (2020). Beyond western, educated, industrial, rich, and democratic (WEIRD) psychology: measuring and mapping scales of cultural and psychological distance. *Psychological Science*, 31(6), 678–701.
- Nakrošienė, A., Bučiūnienė, I., & Goštautaitė, B. (2019). Working from home: characteristics and outcomes of telework. *International Journal of Manpower*, 40(1), 101–87.
- Papagiannidis, S., Harris, J., & Morton, D. (2020). WHO led the digital transformation of your company? A reflection of IT related challenges during the pandemic. *International Journal of Information Management*, 55, Article 102166. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2020.102166>.
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S., & Podsakoff, P. (2012). Sources of method bias in social science research and recommendations on how to control it. *Annual Review of Psychology*, 63, 539–569.
- Raghuram, S., Hill, N. S., Gibbs, J. L., & Maruping, L. M. (2019). Virtual work: bridging research clusters. *Academy of Management Annals*, 13(1), 308–341.
- Richter, A. (2020). Locked-down digital work. *International Journal of Information Management*, 55, Article 102157. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2020.102157>.
- Sharma, S., Singh, G., Sharma, R., Jones, P., Kraus, S., & Dwivedi, Y. K. (2020). Digital health innovation: exploring adoption of COVID-19 digital contact tracing apps. *IEEE Transactions on Engineering Management*, 1–17. <https://doi.org/10.1109/TEM.2020.3019033>
- Song, Y., & Gao, J. (2020). Does telework stress employees out? A study on working at home and subjective well-being for wage/salary workers. *Journal of Happiness Studies*, 21(7), 2649–2668.
- The Economist. (2020). The Future of Work: Is the Office Finished? Economics, Sep, 2020. pp. 1–2. Available online: (<https://www.economist.com/leaders/2020/09/07/is-the-office-finished>) (19/09/2021).
- Thrive Global. (2020). Thriving in the new normal. (<https://content.thriveglobal.com/wp-content/uploads/2020/03/Thriving-in-the-New-Normal-March-2020-Thrive-Global.pdf>). (19/09/2021).
- Venkatesh, V. (2020). Impacts of COVID-19: a research agenda to support people in their fight. *International Journal of Information Management*, 55, Article 102197. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2020.102197>
- Waizenegger, L., McKenna, B., Cai, W., & Bendz, T. (2020). An affordance perspective of team collaboration and enforced working from home during COVID-19. *European Journal of Information Systems*, 29(4), 429–442.

Sociological analysis of the relationship between social capital and suicide in Iran (2007-2017)

Seyed Mohammed Reza Mousavi Fard, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author)
Email: mousavifard136394@gmail.com

Farshid Bahador, Doctoral student of Political Sociology, Allameh Tabatabai University, Tehran.
Email: f.bahador1996@gmail.com

Abstract

The subject of this article is the sociological analysis of the relationship between social capital and suicide. At first glance, the phenomenon of suicide seems to be an individual matter, but in the opinion of many social science experts, it is a social matter, and in order to examine the factors related to it, other social factors such as social capital should be referred to. The question of the current research is: What was the relationship between social capital and suicide in the provinces of Iran in the years (2007-2017)? In the light of Durkheim, Fukuyama's theory, this research has studied the relationship between social capital and suicide among the provinces of the country. The present research method is quantitative and using the secondary analysis technique. In this research, 31 provinces of Iran and in the time periods of 2007, 2014 and 2017 formed the unit of analysis of this research, the unit of observation of statistical documents is valid. The empirical findings of this text indicate that micro social capital has a significant relationship with suicide and explained 8 percent of the changes related to suicide, medium and macro social capital also had a significant relationship with suicide and each accounted for 12 and 13 percent respectively. They have explained the changes related to suicide. Also, total social capital explained 34% of the changes in the suicide rate

Key word

micro social capital, medium social capital, macro social capital, suicide.



بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران (۱۳۸۶ - ۱۳۹۶)

سیدمحمدرضا موسوی فرد^۱، فرشید بهادر^۲

چکیده

سرمایه اجتماعی؛ نقش پیشگیرانه در اقدام به خودکشی دارد. این مفهوم به‌عنوان سازه مفهومی پیچیده و چندوجهی، هرچند در متون جامعه‌شناسی به موضوعی فراگیر و مبین تبدیل شده است؛ ولی درباره اعتبار و ارزش تبیین‌کنندگی آن، در حوزه خودکشی، مطالعه و تلاش کمتری صورت گرفته است. هدف این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با خودکشی در استان‌های ایران است. سؤال پژوهش حاضر این است: رابطه سرمایه اجتماعی با خودکشی در استان‌های ایران در سال‌های (۱۳۸۶ - ۱۳۹۶) چگونه بوده است؟ این پژوهش در پرتو نظریه دورکیم و فوکویاما میزان رابطه سرمایه اجتماعی با خودکشی در بین استان‌های کل کشور را مورد مطالعه قرار داده است. روش پژوهش حاضر کمی و با استفاده از تکنیک تحلیل ثانویه استفاده شده است. در این پژوهش ۳۱ استان کشور ایران و در دوره‌های زمانی ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ واحد تحلیل پژوهش را تشکیل دادند، واحد مشاهده اسناد آماری معتبر است. یافته‌های تجربی این متن دلالت بر آن دارد سرمایه اجتماعی خرد با خودکشی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد و ۸ درصد از تغییرات مربوط به خودکشی را تبیین کرده است، سرمایه اجتماعی میانه و کلان با خودکشی نیز رابطه معکوس و معنی‌داری داشته‌اند و هر کدام به ترتیب ۱۲ و ۱۳ درصد از تغییرات مربوط به خودکشی را تبیین کرده‌اند. همچنین سرمایه اجتماعی کل رابطه منفی با خودکشی دارد؛ یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی، خودکشی کاهش می‌یابد و ۳۴ درصد از تغییرات میزان خودکشی را تبیین کرد.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی خرد، سرمایه اجتماعی میانه، سرمایه اجتماعی کلان، خودکشی.



مقدمه

پدیده خودکشی در نگاه اول امری فردی به نظر می‌رسد، ولی در نظر بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، امری اجتماعی است که برای بررسی عوامل مرتبط با آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگری همانند سرمایه اجتماعی رجوع کرد. سرمایه اجتماعی، مفهومی فرارشته‌ای است که در چند دهه اخیر به منزله یکی از مهم‌ترین مباحث، جایگاه نظری مهمی میان پژوهشگران ایرانی یافته است و بسیاری از پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی، از روان‌شناسی و جمعیت‌شناسی گرفته تا اقتصاد و علوم پزشکی، به آن توجه کرده‌اند. ویلکینسون در سال ۱۹۹۶ این مفهوم را وارد حوزه سلامت عمومی کرد. او و همکارانش دریافتند ارتباط تنگاتنگی بین اعتماد اجتماعی و مرگ‌ومیر در آمریکا وجود دارد. (امینی رارانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

از آن زمان، پژوهشگران درباره ارتباط بین سرمایه اجتماعی با سلامت جسمی و روانی در دو سطح فردی و اجتماعی بررسی‌هایی انجام دادند. آن‌ها در بیشتر مطالعاتشان، رابطه بین سرمایه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را به لحاظ نظری، مثبت فرض کرده‌اند و در کارهای عملی و تجربی به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش و کاهش سرمایه اجتماعی، سطح و میزان آسیب‌های اجتماعی نیز دچار نوساناتی می‌شود (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴؛ بهزاد، ۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی؛ از مفاهیم پرتکرار در علوم اجتماعی و سازوکار مهم پیشگیری از آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر در جامعه است (هنرور و همکاران ۱۳۹۵: ۴۲). معنای آن عبارت از تعهدات جمعی؛ انتظارات اجتماعی متقابل غیررسمی است که به‌وسیله عرف شبکه‌های محلی خویشاوندی و الگوهای کهن تاریخی ساخته می‌شود (روجک، ۱۳۹۵: ۲۶۱). این مفهوم دارای مؤلفه‌هایی از جمله مشارکت جمعی؛ اعتماد عمیق انسجام اجتماعی و تعلق اجتماعی است که در برابر تهدیدهای ناشی از تنهایی انومی بیگانگی و افکار خودکشی از افراد و خانواده محافظت می‌کند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۰: ۱۲). شرایط و بسترهای کنش مثبت و بهنجار را ممکن می‌سازد به‌طوری‌که جامعه‌ای دارای سرمایه اجتماعی بالا با میزان مسائل اجتماعی پایین همراه است (فاین، ۱۳۸۵: ۱۰) این رابطه معکوس و در جهت عکس هم حرکت می‌کند. سرمایه اجتماعی در مقابله با بحران‌های اجتماعی از جمله خودکشی کارساز است.

میانگین خودکشی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، ۲/۵ در ایران در سال ۱۳۹۳ است. درحالی‌که میانگین جهانی ۱۲ نفر به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر است (سازمان بهداشت

جهانی، ۲۰۱۸). این در حالی است که میزان مرگ‌های مشکوک به خودکشی برحسب جمعیت (به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر) در سال ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که استان ایلام با ۶/۱۸، کرمانشاه با ۱۷، لرستان ۲/۱۱ به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر بیشترین آمار خودکشی برحسب جمعیت را داشته‌اند و خراسان جنوبی با ۴/۲، سیستان و بلوچستان با ۸/۱ و سمنان با ۱/۲ و یزد ۱/۲ به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر کمترین میزان خودکشی را داشته‌اند، همچنین میزان مرگ‌های مشکوک به خودکشی در بازه زمانی ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲ در برخی از نواحی کشور دارای رشد قابل توجهی بوده است. افزایش ۵ درصدی در سال ۱۳۹۳ در مقایسه با سال ۱۳۹۲ بیانگر رشد خودکشی در این بازه زمانی است. در استان یزد از ۲۳ نفر به ۳۹ نفر در سال ۱۳۹۳ رسید، یعنی رشدی ۶۹ درصدی داشته است و در همان سال با داشتن سرمایه اجتماعی ۲۷، جز ۳ استان با کم‌ترین میزان سرمایه اجتماعی بوده است، در استان ایلام نیز از ۸۳ نفر به ۱۰۷ نفر و کرمانشاه از ۲۶۴ نفر به ۳۳۴ نفر افزایش پیدا کرده است، یعنی به ترتیب دارای رشد ۶/۲۸ و ۵/۲۶ بوده است، همچنین استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه در طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ دارای بیشترین میزان خودکشی کشور است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). از لحاظ سرمایه اجتماعی ایلام با بیشترین میزان خودکشی در سال‌های مورد بررسی دارای وضعیت خوبی نبوده است، به‌طوری‌که با توجه به رتبه‌بندی که در کشورمان انجام گرفت و برای هر کدام از استان‌های کشور نمره‌ای و رتبه‌ای در نظر گرفته شد، نشان داد ایلام با داشتن سرمایه اجتماعی ۳۰ و ۲۵ در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و همچنین با داشتن سرمایه اجتماعی ۲۶ در سال ۱۳۹۳ در رده ۲۷ کشور قرار گرفت، لرستان نیز دارای وضعیت مشابهی با ایلام بود. در جدول رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۱، کم‌ترین امتیازات مربوط به سرمایه اجتماعی مربوط به استان‌های ایلام با ۱۳۴، کهگیلویه و بویراحمد با ۵۹۳؛ و کرمانشاه نیز ۶۱۰ است و همین ۳ استان بیشترین میزان خودکشی رخ داده است (باستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). همچنین میانگین سرمایه اجتماعی کشور به‌صورت کلی کم‌تر از حد متوسط بوده است به‌طوری‌که در دامنه ۰ تا ۱۰۰، سرمایه اجتماعی کلان ۴۶، میانی ۵۱، خرد و کل ۴۹ است.

این پژوهش، دو هدف نظری و عملی را جست‌وجو می‌کند. هدف نظری ناظر بر ارزیابی دستگاه تئوریک سرمایه اجتماعی و خودکشی است. هدف عملی این پژوهش تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران است. ضرورت انجام این پژوهش ناظر بر ارزش درونی و بیرونی علم است. ارزش درونی علم با به‌آزمون‌و‌خطا گذاشتن

نظریه مربوط به سرمایه اجتماعی و خودکشی است. ارزش بیرونی به بخش تجربی و اجرایی تحقیق مربوط است.

تحقیق پیش رو سعی دارد در پرتو نظریه سرمایه اجتماعی و یافته‌های پژوهشی موجود، به تبیین پدیده خودکشی در استان‌های کشور بپردازد. بر مبنای استدلال ارائه‌شده اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که:

رابطه سرمایه اجتماعی با خودکشی در استان‌های ایران در سال‌های (۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶) چگونه بوده است؟

مبانی نظری پژوهش

فوکویاما معتقد است، احتمال تولید اثرات منفی توسط سرمایه اجتماعی بیش از دو شکل سرمایه فیزیکی (اسلحه‌ها) و سرمایه انسانی (شکنجه) است، چراکه اغلب همبستگی گروهی در اجتماعات انسانی به قیمت خصومت علیه اعضای برون گروهی ایجاد می‌شود. هر چه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر است. به نظر او، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی از پدیده‌های اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۶۵). از منظری دیگر، وی معتقد است که خصوصیات سرمایه اجتماعی مثل اعتماد، سلسله‌مراتب، ساز کارهای بسیار رسمی دیوان‌سالاری و ارتباطات می‌تواند در گروه‌های تبهکاری نیز وجود داشته باشد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۸۳). فوکویاما سرمایه اجتماعی را وجود ارزش‌های رسمی نمی‌داند، بلکه آن را وجود ارزش‌های غیررسمی می‌داند (بهار، ۱۳۹۱: ۴۳). او معتقد بود که کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه به میزان مقید بودن اعضا جامعه به ارزش‌های مشترک و توانایی آن‌ها برای نادیده گرفتن منافع شخصی در راستای خیر همگان وابسته است (زارع شارع آبادی، ۱۳۹۱: ۹۲).

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، به دلیل ماهیت آن دارای تعاریف مختلف از نگاه متفکران گوناگونی است. سرمایه اجتماعی، منابع جمعی گروهی شامل اعتماد هنجار و کنش متقابل که نقش مهمی در کاهش خودکشی دارد. سرمایه اجتماعی به معنای دسترسی به منابع توسط افرادی است که نتیجه حضور و مشارکت آن‌ها در شبکه یا گروه است. اعتماد و مشارکت متقابل گروهی اعضای محله و اجتماع، از نشانه‌های مهم سرمایه اجتماعی است. در این میان، حمایت اجتماعی از پیوندهای نزدیک و قوی، مانند نسبت

فAMILI، خویشاوندان خونی، سببی و دوستان صمیمی ناشی می‌شود. این سرمایه، از افسردگی و آشفتگی ذهنی ممانعت کرده و در سطح محلی و فردی با نرخ خودکشی رابطه معکوسی داشته و می‌تواند به‌عنوان منابع اجتماعی امیدوارکننده برای پیشگیری از خودکشی تلقی شود همراه با کاهش سرمایه اجتماعی و ظهور طرد اجتماعی، تمایل به خودکشی نیز افزایش می‌یابد. طرد اجتماعی به معنای کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی است. به‌طوری‌که حاشیه‌ای شدن و محروم‌سازی از گروه در جامعه، به افزایش رنج و نگرانی فردی منجر شده و افراد را از مشارکت اجتماعی کامل منع می‌کند. در مطالعات دورکیمی، طرد اجتماعی از دلایل مهم خودکشی است کاهش حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی پایین از دلایل پیامدهای طرد اجتماعی هستند.

سرمایه اجتماعی خرد: سرمایه اجتماعی در سطح خرد با روابط بین کنشگران، یعنی با اعتماد بین شخصی و تعمیم‌یافته، زندگی انجمنی مبتنی بر مشارکت در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، پنداشت از وجود خود و حضور ارزش‌های اخلاقی و هنجارها در حیات اجتماعی و زندگی روزمره، احساس امنیت و رضایت تعریف می‌شود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

سرمایه اجتماعی میانه: سرمایه سازمان‌ها و گروه‌ها آن دلالت بر ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به سازمان‌ها و عملکرد و کیفیت خدمات ارائه‌شده و نیز پنداشتی که آن‌ها از سازمان‌دهی وظیفه‌شناسی و تعهد، شایستگی و کاردانی نیروهای این سازمان‌ها در حوزه‌های چهارگانه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند (همان). سرمایه اجتماعی در سطح میانی حاصل ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به چگونگی سازمان‌دهی، وظیفه‌شناسی و تعهد، شایستگی و کاردانی نیروهای سازمانی و کیفیت خدمات ارائه‌شده مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (ر. ک به غفاری، ۱۳۹۳)؛ یعنی:

وظیفه‌شناسی و تعهد مدیران ارشد + سازمان‌دهی

وظیفه‌شناسی و تعهد کارمندان + شایستگی و کاردانی مدیران ارشد

کیفیت خدمات در حال و گذشته + شایستگی و کاردانی کارمندان

شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی سطح میانی:

۱. اعتماد نهادی به سازمان‌ها و نهادها؛

۲. باور به کاردانی و وظیفه‌شناسی مدیران ارشد و کارمندان؛

۳. اعتماد به عملکرد و کیفیت ارائه خدمات سازمان‌ها و نهادها؛

۴. اعتماد به توان و تخصص گروه‌ها (اعتماد تعمیم‌یافته).

سرمایه اجتماعی کلان: سرمایه سازمان‌ها و گروه‌ها آن دلالت بر ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به سازمان‌ها و عملکرد و کیفیت خدمات ارائه‌شده و نیز پنداشتی که آن‌ها از سازمان‌دهی و وظیفه‌شناسی و تعهد، شایستگی و کاردانی نیروهای این سازمان‌ها در حوزه‌ها چهارگانه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند (ر.ک به غفاری، ۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی کلان با توجه به پنداشت افراد مورد بررسی نسبت به عملکرد کلان نظام و پنداشت نسبت به عملکرد نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد سنجش قرار گرفته است که در قالب انضمامی‌تر آن را به صورت رابطه زیر هست: پنداشت نسبت به عملکرد کلان نظام در مقوله‌های ۱۲ گانه = سرمایه اجتماعی کلان + اعتیاد + فقر + جرم و جنایت + ناامنی + گرانی و تورم + تبعیض و نابرابری + مشکل بیکاری + اجرای قانون + ترافیک و حمل و نقل + بهداشت + کمبود مسکن + بی‌بندوباری + (قوه قضائیه + مجلس + دولت = عملکرد نهادهای سیاسی) + (بازار = نهاد اقتصاد) + (مجموعه‌های دینی + خانواده = عملکرد نهادهای اجتماعی) + (حوزه‌های علوم دینی + دانشگاه = نهادهای فرهنگی)

سرمایه اجتماعی کلان: از ترکیب دو مقوله پنداشت نسبت به عملکرد کلان و عملکرد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است که برای سنجش سرمایه اجتماعی کلان از مجموعه‌ای از گویه‌های مربوط به پنداشت نسبت به عملکرد کلان و عملکرد نهادی استفاده شده است که پس از محاسبه جمع ترکیبی (مجموع نمرات) و تقسیم جمع نمرات بر تعداد گویه‌ها نمره مربوط به سرمایه اجتماعی در سطح کلان محاسبه شده است؛ و سپس میانگین و میانه این نمره برای کل کشور و به تفکیک مراکز استانی محاسبه شده و بر مبنای میانگین مربوط به هر استان رتبه استانی محاسبه شده است. سرمایه اجتماعی در سطح کلان حاصل اعتماد عموم شهروندان به عملکرد و اهمیت نهادها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کل است. به این ترتیب می‌توان تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی را در سطح کلان به شکل زیر تدوین نمود:

اعتماد به (عملکرد صحیح) نهاد * ارزش (اهمیت و ضرورت) نهاد = سرمایه اجتماعی در سطح کلان

سپس در قالب هر کدام از نهادهای مربوط به چهار حوزه مطرح‌شده اصلی‌ترین نهادها مشخص شده‌اند.

شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی کلان:

۱. پنداشت نسبت به عملکرد کلان نظام در زمینه‌های:

بیکاری، تبعیض و نابرابری، گرانی و تورم، ناامنی، جرم و جنایت، فقر، اعتیاد،

بی‌بندوباری، کمبود مسکن، بهداشت، ترافیک و حمل‌ونقل، اجرای قانون، ناامنی اقتصادی، فقر و نابرابری، رشد و توسعه اقتصادی و رشد اقتصاد دلالی

۲. پنداشت نسبت به عملکرد نهادی نظام (قوای ۳ گانه)

سرمایه اجتماعی کل: با ترکیب سه سطح سرمایه اجتماعی خرد، میانی و کلان محاسبه شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۳).

خودکشی: امیل دورکیم، اولین فردی است که به مطالعه تجربی خودکشی پرداخته و ارتباط آن را با همبستگی اجتماعی تبیین نموده است. مهم‌ترین ایده دورکیم این بود که با افزایش سرمایه اجتماعی، نرخ خودکشی کاهش می‌یابد. عامل اصلی و عمده‌ای که به زندگی ارزش بها، معنا و هدف می‌بخشد، حدود تعلق اجتماعی و میزان ارتباط ما با دیگران است. وی در بحث خودکشی، عوامل اجتماعی و روانشناختی خودکشی را جداگانه دانسته و نقش عوامل روانی را رد نمی‌کند، بلکه برای هر کدام ماهیت و نقشی مستقل قائل است، تأکید دارد که شرایط اجتماعی بسترهای اقدام به خودکشی را برای فرد مستعد خودکشی فراهم می‌سازد، یعنی فردی که اختلال روانی دارد، خودبه‌خود اقدام به خودکشی نمی‌کند، بلکه شرایط اجتماعی باعث تسریع در روند خودکشی او می‌شود. خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است، به عبارتی تلاش و اقدام آگاهانه به‌منظور خاتمه دادن به زندگی شخص توسط خودش است (دورکیم، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۶).

دورکیم در کتاب «خودکشی» بیان می‌کند که میزان خودکشی با همبستگی اجتماعی، همبستگی دارد. به عبارت دیگر، هر چه همبستگی اجتماعی افزایش یابد، میزان خودکشی کاهش می‌یابد. امروزه صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند که مفهوم یگانگی اجتماعی و چسبندگی اجتماعی دورکیم با مفهوم نوین‌تر سرمایه اجتماعی همخوانی دارد و بیان می‌کنند که در اصل، کتاب خودکشی دورکیم در مورد بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر خودکشی است؛ بنابراین در نظر دورکیم، هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان خودکشی نیز کاهش می‌یابد (احمدی، ۱۳۹۱: ۷۰). او از سه سطح سرمایه اجتماعی خرد (اعتماد اجتماعی افراد)، میانه (خانواده) و کلان (قوانین) توجه می‌کند (ذاکری، ۱۳۹۹: ۸۸). این جمله دورکیم بیان واضحی از این موضوع است که «عامل اصلی و عمده‌ای که به زندگی ما معنا و هدف می‌بخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با دیگران است. در این صورت‌گه زندگی ارزش پیدا می‌کند و اگر چنین نباشد هر چیزی ممکن است دستاویزی برای خلاص شدن از سر زندگی شود» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این جامعه‌شناس معتقد است که

هرکدام از انواع مختلف خودکشی‌ها به‌نوعی با انسجام و همبستگی اجتماعی ارتباط دارد. معمولاً در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و هنجارها شامل اعتقادات، باورها، آداب و رسوم، سنن، شیوه‌های قومی، قوانین و مقررات و عرف هستند. وقتی که در جامعه ارزش‌ها و هنجارها قوی باشند و برای افراد جامعه رعایت آن‌ها اهمیت داشته باشد، جامعه از همبستگی و انسجام اجتماعی بالا و مطلوبی برخوردار خواهد بود. به‌نوعی می‌توان گفت، افراد جامعه در این جور جوامع آرام‌تر و بانشاط‌تر و عقلانی‌تر هستند؛ اما گاهی وضعیتی پیش می‌آید که برای برخی از افراد یا در مواقعی برای اکثریت افراد جامعه آن ارزش‌ها و هنجارها بی‌اهمیت و غیرقابل قبول می‌شوند و در نتیجه به آن‌ها عمل نمی‌شود.

دورکیم خودکشی را امری اجتماعی می‌داند که برای تبیین آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگر نگریست. دورکیم انواع زیر را در باب خودکشی تشخیص می‌دهد:

۱. خودکشی خودخواهانه: این نوع خودکشی را باید در پرتو همبستگی‌های موجود میان میزان خودکشی و چارچوب‌های ادغام اجتماعی تحلیل کرد. این چهارچوب‌ها عبارت‌اند از: اجتماع مذهبی، اجتماع نظام سیاسی و نظام خانوادگی. وی خصیصه مشترک این اجتماعی را در یکپارچگی آن‌ها می‌داند و معتقد است که میزان خودکشی در جهت عکس میزان یکپارچگی گروه‌های اجتماعی تغییر می‌کند. بدین معنا که هر اندازه گروه‌هایی که فرد به آن‌ها وابسته است، ضعیف و ناتوان شوند، فرد به آن‌ها کمتر وابستگی می‌یابد و در نتیجه به خود وابسته می‌شود و تنها قواعد رفتاری که بر مبنای منافع شخصی‌اش استوار باشد می‌پذیرد و افراد از وظایف خود در برابر جامعه با توسل به مرگ طفره می‌روند. وی این خودکشی را بدین سبب خودخواهانه می‌داند، زیرا بر فردگرایی افراطی تأکید دارد (دورکیم، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

۲. خودکشی دگرخواهانه: این نوع خودکشی در نظر دورکیم نتیجه محول کامل فرد در گروه است. زمانی که فرد از جامعه گسسته می‌شود، مقاومت کمتری در برابر خودکشی از خود بروز می‌دهد و به همان ترتیب زمانی که فرد در وحدت کامل با جامعه‌اش قرار گیرد نیز می‌تواند به‌آسانی خود را بکشد (دورکیم، ۱۳۹۸: ۲۵۸).

۳. خودکشی ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی: این نوع خودکشی بیش از همه موردتوجه دورکیم قرار دارد؛ زیرا نمود بارزترین خصیصه جامعه جدید است. این نوع خودکشی به سبب شرایط هستی در جوامع جدید دامن‌گیر افراد می‌شود. در این جوامع، هستی اجتماعی تحت انتظام عادت قرار ندارند، افراد دائماً باهم در حال رقابت‌اند، انتظار آنان از هستی بسیار زیاد است و در نتیجه دائماً در رنج ناشی از

بی‌تناسبی موجود میان تمایلات و خشنودی‌ها خود هستند. این فضای پراز نگرانی برای توسعه جریان خودکشی را مناسب است در نظر او، این نوع خودکشی در زمان‌های بحران‌های اقتصادی، آشوب‌های اجتماعی و زمانی که تعداد طلاق‌ها افزایش یابد روی می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود، در نظر دورکیم، آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند؛ بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شود. تقاضاها و خواهش‌های مادی آن‌ها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آن‌ها غلبه می‌یابد. شرایط نابسامانی که مستعد بی‌نظمی، جرم و انحراف است، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۴۶). در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان باشخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی می‌شود؛ نتیجه این تعارض این است که خواسته‌های وجدان جمعی، کارآیی خود را از دست می‌دهد. تضعیف فشارهای جمعی نیز موجب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند و دست به خودکشی بزنند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۳۲۹-۴۳۰). به عبارتی می‌توان گفت در این خودکشی، زمانی که ارزش‌ها و هنجارها ضعیف شده و اهمیت خود را نزد اکثریت افراد جامعه از دست می‌دهند، در این حالت جامعه دچار حالت بی‌هنجاری یا آنومیک شده و افراد دچار نوعی هرج و مرج اجتماعی شده‌اند که دیگر چیزی وجود ندارد آنان را به دیگران وصل کند. در این میان برخی مستعد عمل تأسف‌بار خودکشی می‌شوند. این نوع خودکشی، آنومیک است که دورکیم تأکید بسیاری بر این نوع خودکشی دارد. معمولاً در جوامع در حال گذر که همبستگی اجتماعی در آن‌ها به شدت ضعیف شده است، دچار وضعیت آنومیک یا بی‌هنجاری و بی‌ریشگی هنجاری می‌شوند و نه تنها در آن جوامع شاهد افزایش خودکشی هستیم؛ بلکه شاهد افزایش انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی دیگر هم می‌شویم. در این نوع خودکشی، هرگاه نظارتی که جامعه

بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود، حالت بی‌هنجاری یا ناپسامانی در جامعه به وجود می‌آید. بی‌هنجاری از تضعیف وجدان اخلاقی ناشی می‌شود و عموماً با بحران‌های بزرگ اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی همراه است. خودکشی ناشی از بی‌هنجاری را کسانی مرتکب می‌شوند که وابستگی آن‌ها با جامعه دچار آشفتگی است و در نتیجه از معیارهای رفتاری مرسوم محروم گردیده‌اند.

۴. خودکشی قدرگرایانه: این نوع خودکشی در مقابل خودکشی ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی قرار می‌گیرد. این نوع از خودکشی در نتیجه افراط در نظم و قاعده به وقوع می‌پیوندد (دورکیم، ۱۳۹۸: ۳۳۱).

در این تحقیق، نظریه‌های دورکیم، فوکویاما و چلبی به‌عنوان نظریات اصلی تبیین‌کننده رابطه سرمایه اجتماعی و خودکشی در نظر گرفته شده‌اند. از میان خودکشی‌ها دورکیم بر خودکشی آنومیک تأکید می‌شود، زیرا در این نوع خودکشی سرمایه اجتماعی و خودکشی رابطه معکوس دارند. افراد ممکن است هدف‌های دست‌نیافتنی را انتخاب کنند و برای آمال و آرزوهایشان حد و حدودی شناسند که نقطه مقابل نظارت اجتماعی، خانوادگی و سرمایه اجتماعی است که این منجر به خودکشی آنومی یا بی‌هنجاری می‌شود، بنابراین طبق نظریه دورکیم، آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اولاً اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه‌های روابط کاهش پیدا کنند امری قابل انتظار است. آنومی اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می‌شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش‌های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. برعکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها به طور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد. فوکویاما نیز نظریه تقریباً مشابه با دورکیم دارد. او بیان می‌کند هر چه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی مثل خودکشی بیشتر است. دستگاه نظری تحقیق متناسب با مسئله تحقیق ساخته شده است. این دستگاه نظری تلفیقی از دو مفهوم اساسی خودکشی و سرمایه اجتماعی نظریه دورکیم، فوکویاما است. در این پژوهش تأکید بر سه سطح سرمایه اجتماعی کلان (نهادی)، میانه (سازمانی) و خرد (روابط) توجه شده است.

پیشینه پژوهش

در پژوهشی عشایری و همکاران (۱۴۰۲) به «مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به خودکشی» پرداخته‌اند. روش پژوهش ایشان از نوع فراتحلیل کمی (CMA۲) بوده و واحد تحلیل آن، مقاله و رساله‌های منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۴۰۲ است که با استفاده از پایگاه علمی نورمگز، مگ‌ایران و ایرانداک؛ تعداد ۴۸ سند به‌عنوان جامعه آماری شناسایی و بعد از غربالگری (ارزیابی شرایط ورود و خروج جهت تحلیل)؛ ۲۶ مورد از پژوهش (حجم نمونه) در فرایند مطالعه باقی ماندند. روش آماری مورد بررسی d کوهن و f فیشر و روش نمونه‌گیری از نوع عمدی - غیراحتمالی است. نتایج نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با گرایش به خودکشی رابطه معکوس و معنی‌داری داشته و مقدار ضریب تأثیر آن ۰/۳۸ - است. همچنین رابطه انسجام اجتماعی (۰/۱۸ -)؛ حمایت اجتماعی (۰/۲۰ -)؛ اعتماد اجتماعی (۰/۳۱ -) و مشارکت اجتماعی (۰/۱۷ -)؛ با گرایش به خودکشی معنی‌دار و معکوس بوده است. براین اساس، با تقویت و بازآفرینی مجدد سرمایه اجتماعی در سطح کلان، میانه و خرد می‌توان از گرایش به خودکشی در استان‌های کشور؛ پیشگیری نمود.

امین و همکاران (۱۴۰۱) به «تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با اقدام به خودکشی در شهرستان ایلام» پرداختند. روش تحقیق از نوع کمی (پیمایش)، ابزار آن پرسش‌نامه محقق ساخته و استاندارد (ترکیبی) بوده و با فرمول کوکران ۵۱۵ نفر تعیین و در شهرهای ایلام، ایوان، دره شهر، ملک‌شاهی و دهلران بعد اختصاص حجم نمونه؛ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی توزیع شده و سطح روایی و پایایی پژوهش نیز برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی) با اقدام به خودکشی رابطه معنی‌داری داشته و ضریب همبستگی شاخص سرمایه اجتماعی برابر با ۰,۳۸۷ - است. براین اساس ضریب تعیین پژوهش برابر با ۰,۱۳۹؛ ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۱۲۱ - و ضریب همبستگی کلی برابر با ۰,۲۰۱ - است. مطابق نتایج؛ سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت، تعلق اجتماعی) نقش نظارتی، کنترلی و پیشگیرانه در افکار خودکشی داشته و در صورتی که استان ایلام از میزان سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد، تاب‌آوری اجتماعی - روانی (آستانه تحمل روانی - اجتماعی) بیشتری در هنگام مواجهه با ناکامی اجتماعی، محرومیت؛ فشارهای اجتماعی و فرهنگی داشته و کمتر مرتکب رفتار پرخطری مثل اقدام به خودکشی می‌شوند.

صالح‌آبادی (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و خودکشی در استان‌های ایران» پرداخته است. روش پژوهش، تطبیقی ملی است. عام‌ترین نتیجه به‌دست‌آمده از مرور ادبیات سرمایه اجتماعی در ایران، اجماع نداشتن پژوهشگران درباره شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران است. پژوهش نشان داد رابطه مفروض بین میزان خودکشی و سرمایه اجتماعی در ایران، با چالش‌های متعددی روبه‌روست. هرچند بین میزان خودکشی و برخی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد، با کلیت سرمایه اجتماعی رابطه مشخص و پایا ندارد. ضرایب همبستگی بین اعتماد و میزان خودکشی نشان می‌دهند نسبت بین این دو، برخلاف نظریه سرمایه اجتماعی است؛ به این معنا که در بدترین حالت، با افزایش اعتماد به نهادها (اعتماد نهادی) میزان خودکشی افزایش می‌یابد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، رابطه معکوسی (فرض و پیش‌بینی مطابق این نظریه) بین آن‌ها وجود ندارد و این یافته با فرض و پیش‌بینی نظریه سرمایه اجتماعی مغایرت دارد.

لیوز و همکاران (۲۰۲۳) به «آسیب‌پذیری اجتماعی (با تأکید بر سرمایه اجتماعی) و خطر خودکشی در بزرگسالان ایالات متحده، ۲۰۱۶-۲۰۲۰» پرداختند. روش انجام پژوهش کمی بوده است. یافته‌ها در این مطالعه کوهورت شامل ۲۲۲۰۱۸ خودکشی در ۳۱۴۱ شهرستان ایالات متحده، نمرات بالا در هر دو شاخص آسیب‌پذیری اجتماعی مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های ایالات متحده و معیار جدید آسیب‌پذیری اجتماعی با نرخ بالاتر خودکشی بزرگسالان در سطح شهرستان مرتبط بود. مقایسه پایین‌ترین ۱۰ درصد و بالاترین ۱۰ درصد در شاخص‌ها، ۵۶ درصد نرخ خودکشی بالاتر برای شاخص آسیب‌پذیری اجتماعی و ۸۲ درصد بیشتر برای معیار آسیب‌پذیری اجتماعی نشان داد. همچنین سرمایه اجتماعی با خودکشی رابطه منفی و معناداری داشت.

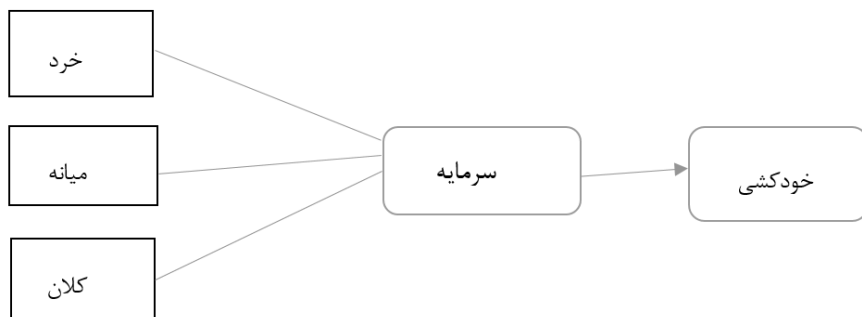
در پژوهشی یو و چن (۲۰۲۳) به موضوع «رابطه بین سرمایه اجتماعی، عدم اطمینان شغلی، اضطراب و رفتارهای خودکشی: تحلیل مدل‌سازی میانجی‌گری زنجیره‌ای» پرداختند. روش انجام پژوهش کمی بوده است. داده‌ها از یک نمونه احتمالی (۱۲۴۵) از مهاجران روستایی در ووهان، چین جمع‌آوری شد. سرمایه اجتماعی برای پیش‌بینی رفتارهای خودکشی با عدم اطمینان شغلی به‌عنوان میانجی مرحله ۱ و اضطراب به‌عنوان واسطه مرحله ۲ استفاده شد. افکار خودکشی و اقدام به خودکشی به‌طور جداگانه با استفاده از یک مدل میانجی‌گری تعدیل شده زنجیره‌ای تجزیه و تحلیل شدند. سال‌های مهاجرت به‌عنوان تعدیل‌کننده در همه مدل‌ها برای کنترل اثر مخدوش‌کننده

آن گنجانده شد. یافته‌ها پژوهش نشان داد سرمایه اجتماعی بر رفتارهای خودکشی از طریق اشتغال و سلامت روان در میان مهاجران روستایی در چین تأثیر بگذارد. پیشگیری از خودکشی مبتنی بر سرمایه اجتماعی باید هم مشکلات شغلی و هم مشکلات سلامت روان را در نظر بگیرد تا تأثیرات بهتری داشته باشد. به عبارتی سرمایه اجتماعی به صورت غیرمستقیم از طریق متغیرهای واسط مشکلات شغلی و سلامت روان بر خودکشی اثرگذار است.

کیم و دو (۲۰۲۲) به پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی به عنوان پیش‌بینی کننده نرخ خودکشی در سطح شهرستان‌ها در ایالات متحده» پرداختند. روش انجام پژوهش کمی بوده است. با استفاده از داده‌های چندسطحی مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری، سرمایه اجتماعی در سطح ایالت و شهرستان را به عنوان پیش‌بینی کننده نرخ‌های خودکشی با سن تعدیل شده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در ۲۱۱۲ شهرستان ایالات متحده بررسی کرد داده‌های مرگ و میر خودکشی در سطح شهرستان در تمام سنین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ برای ۴۸ ایالت مجاور ایالات متحده از پایگاه داده‌های آنلاین گسترده مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC) برای تحقیقات اپیدمیولوژیک به دست آمد. در برخی از شهرستان‌ها در یک سال معین، نرخ‌های خودکشی استاندارد شده با سن را جمع‌آوری شد. یافته‌ها پژوهش نشان داد که افزایش سرمایه اجتماعی در سطح ایالت و شهرستان، مانند سیاست‌گذاری و ابتکارات محلی، منجر به معکوس کردن روند افزایش نرخ خودکشی در ایالات متحده می‌شود.

مطالعات مذکور محقق را در طراحی فرضیه و روش به کارگرفته شده یاری می‌کنند؛ اما در عین حال موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ است که با استفاده از داده‌های ملی سرمایه اجتماعی که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین یافت نشده است. همچنین تکنیک استفاده‌شده در بخش روش‌شناسی این پژوهش متفاوت با پژوهش‌های قبلی است، از این جهت نیز می‌تواند نوآورانه باشد.

ساختار منطقی آن در نمودار شماره ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. دستگاه نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی خرد همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی خرد بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

فرضیه دوم

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی میانه همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی میانه بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

فرضیه سوم

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی کلان همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی کلان بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

فرضیه ترکیبی

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی کل همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

روش پژوهش

از آنجاکه در این تحقیق مفاهیم از طریق معرف‌های تجربی کمی اندازه‌گیری شده است و واقعه را از بیرون می‌کاویم، رویکرد مناسب آن، کمی است. از آنجا داده‌های سرمایه اجتماعی و خودکشی در بازه‌های زمانی ۱۳۸۶، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶ استفاده می‌شود، داده‌ها به صورت پانل است. مزیت عمده در این داده‌ها این است که داده‌های گروهی، یعنی داده‌های مرکب از یک سری زمانی از نمونه‌های مقطعی بالقوه، از نظر اطلاعات غنی‌تر از نمونه مقطعی (N) خواهد بود و اگر صرفاً دوره‌های زمانی استفاده شود، فقط به اندازه مشاهدات (T) خواهد بود؛ اما با تلفیق این دو تعداد داده‌ها به اندازه تعداد مقاطع ضربدر تعداد مشاهدات افزایش خواهد یافت که این امر می‌تواند به برآوردهای کاراتری از پارامترها منجر شود. داده‌ها این پژوهش از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، امور قضایی، سالنامه‌های آماری پزشکی قانونی، سالنامه آماری سازمان ثبت‌احوال و اسناد کشور و مرکز ملی رصدخانه اجتماعی اخذ شده است. این پژوهش از روش تحلیل آمارهای موجود با استفاده از تکنیک رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و اکسل صورت گرفت. در این پژوهش استان و دوره زمانی واحد تحلیل ما را تشکیل می‌دهند. منظور از استان، ۳۱ استان کشور ایران است و منظور از دوره زمانی، سه دوره مجزا زمانی ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ است. داده‌ها این پژوهش از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، امور قضایی، سالنامه‌های آماری پزشکی قانونی، سالنامه آماری سازمان ثبت‌احوال و اسناد کشور و مرکز ملی رصدخانه اجتماعی اخذ شده است. نحوه محاسبه خودکشی بر طبق سالنامه آماری پزشکی قانونی بدین گونه بود نسبت آمار مرگ‌های مشکوک به خودکشی به کل جمعیت ضرب در ۱۰۰۰۰۰ نفر بود (سالنامه پزشکی قانونی، ۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی خرد، میانه و کلان از ترکیب مقولاتی که در تعریف مفاهیم ذکر کرده‌ایم محاسبه شده است. به طوری که پس از محاسبه جمع ترکیبی (مجموع نمرات) و تقسیم جمع نمرات بر تعداد گویه‌ها نمره مربوط به سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف محاسبه شده است. سپس میانگین و میانه این نمره برای کل کشور و به تفکیک مراکز استانی محاسبه شده و بر مبنای میانگین مربوط به هر استان رتبه استانی محاسبه شده است. در سال‌های مورد بررسی رنج اعداد هر ساله متفاوت بوده به طوری که سال ۱۳۸۶ در بازه ۱ تا ۶ بوده است و در سال ۱۳۹۳ از ۱ تا ۱۵ بوده است و در سال ۱۳۹۶ نیز بازه عددی آن متفاوت بوده است با استفاده از نرم‌افزار ایویوز آن‌ها را در قالب عددی یکسان عدد ۱ تا ۶ آورده شد و سپس تحلیل

شد. در بحث تکنیک روش استفاده از این پژوهش باید گفت باتوجه به ویژگی‌هایی که داده‌های تابلویی دارند، باید قبل از برآورد مدل برخی آزمون‌ها در خصوص داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد. برای انتخاب بین روش‌های مدل رگرسیونی پانل و پولینگ از آزمون اف لیمر استفاده شده است. باتوجه به مقدار آماره آزمون اف لیمر که برابر با $19/2704$ است و مقدار آماره احتمال آزمون برابر با $0/1$ است؛ در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض صفر آزمون مبنی بر داده‌ها به شکل پولد رد می‌گردد. به عبارت دیگر ناهمگنی در ساختار داده‌های استان‌ها برای این مدل مشاهده می‌گردد؛ بنابراین مدل پژوهش می‌بایست با استفاده از داده‌های تابلویی، برآورد و تخمین زده شود. پس از مشخص شدن روش تخمین برای آنکه بتوان بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی از نظر قدرت توضیح‌دهندگی متغیر وابسته مقایسه‌ای انجام داد، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. ماهیت داده‌های تلفیقی ایجاب می‌نماید تا در بسیاری از مطالعات مبتنی بر این نوع داده‌ها مشکل ناهمسانی واریانس بروز نماید. باتوجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین، وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مشخص شود. برای آزمون برابری واریانس‌ها در داده‌های تابلویی، آزمون نسبت درست‌نمایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آماره آزمون و احتمال آماره آزمون به ترتیب برابر با $117/9475$ و $0/1$ است، بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر عدم ناهمسانی واریانس رد می‌گردد. در این صورت به منظور تحلیل رگرسیون سرمایه اجتماعی بر خودکشی از مدل جی ال اس استفاده می‌گردد. در بحث اعتبار و روای این پژوهش می‌توان گفت داوری در باب صدق اعتبار دانش نظری و تجربی این متن نیازمند بحث انتقادی توسط صاحب‌نظران و اجتماع علمی است (ساعی، ۱۴۰۰: ۵۲). دلالت معنایی مفاهیم موجود در دستگاه نظری این پژوهش مسبوق به فهم تفسیری مبتنی بر افق معرفتی ماست. دلالت‌های مصداقی آن مفاهیم زمینه‌مند و مبتنی بر واحد تحلیل که همان استان‌های کل کشور است. بر مبنای اصل خط‌پذیری مشاهدات تجربی همه داده‌های تجربی برحسب واحد تحلیل، استان‌های کل کشور ارائه شده است. این داده‌ها شرایطی فراهم می‌کند که پژوهشگران نگارنده را در کشف خطا و اصلاح آن کمک کنند. در این پژوهش تلاش شده است، مسئله پژوهش بر مبنای شواهد تجربی اثبات شود. دستگاه نظری این پژوهش از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌های طولانی مدت نگارنده، در این پژوهش و پژوهش‌های دیگر بر ساخته شود، سنجه‌های ابزار اندازه‌گیری بر مبنای معیار شرایط صدق آن‌ها انتخاب

شود، شواهد تجربی رجوع به منابع متعدد گردآوری و از طریق روش کمی تحلیل شود. با این حال معیار ابطال‌پذیری تئوری و خطاپذیری مشاهدات تجربی، یافته‌های این متن را محتاج انتقاد می‌کند. در پرتو این معیارها می‌توان گفت اگر پژوهشگران دیگر در پرتو دستگاه نظری پژوهش حاضر به منابع داده‌های این متن رجوع کند و یا روش تحلیل این پژوهش، میزان مرگ‌های مشکوک به خودکشی در ایران را در واحدهای تحلیل و مشاهده این پژوهش تحلیل کنند. شاید نتیجه علمی مشابهی تولید کنند در هر شرایطی نتیجه علمی امر مطلق نیست و امکان ابطال آن وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این پژوهش به منظور بررسی آمار توصیفی داده‌های پژوهش از آماره‌های همچون میانگین، میانه، حداکثر و حداقل، انحراف معیار، کشیدگی، چولگی استفاده شده است.

جدول ۱. سرمایه اجتماعی خرد در ۳۱ استان

میانگین سرمایه اجتماعی خرد برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۵۸/۲	۴۹۷۴/۲۴	۴۱/۲۷۷	آذربایجان غربی
۵۶/۲	۶۴۰۱/۲۵	۷۴/۲۶۰	آذربایجان شرقی
۶۶/۲	۵۴۹/۲۴	۷۳/۲۷۳	اردبیل
۵۹/۲	۴۹۳۹/۲۴	۶۱/۲۷۲	اصفهان
-	۶۲۵/۲۳	۴۵/۲۶۰	البرز
۶۶/۲	۴۰۶۹/۲۶	۳۵/۲۶۷	ایلام
۵۸/۲	۲۱۰۸/۲۷	۵۹/۲۷۲	بوشهر
۵۳/۲	۴۸۳۴/۲۴	۳۳/۲۷۰	تهران
۶۲/۲	۱۰۰۴/۲۵	۸/۲۷۰	چهارمحال و بختیاری
۶/۲	۴۹۷۹/۲۵	۰۲/۳۰۰	خراسان جنوبی

میانگین سرمایه اجتماعی خرد برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۵۵/۲	۴۱۵۶/۲۴	۶/۲۶۹	خراسان رضوی
۶/۲	۰۷۵۳/۲۶	۴۴/۲۸۲	خراسان شمالی
۶۱/۲	۶۴۸۴/۲۴	۵۵/۲۸۸	خوزستان
۶/۲	۲۶۱۸/۲۶	۶۸/۲۶۴	زنجان
۶۲/۲	۱۳۶۶/۲۶	۱۹/۲۸۲	سمنان
۶۹/۲	۱۹۳۲/۲۵	۰۴/۲۷۷	سیستان و بلوچستان
۵۳/۲	۹۳۳۲/۲۶	۷۳/۲۶۵	فارس
۵۳/۲	۳۱۳۱/۲۴	۲۴/۲۷۲	قزوین
۵۹/۲	۷۴/۲۶	۶۱/۲۷۸	قم
۵۵/۲	۲۴۶۷/۲۴	۹۴/۲۵۴	کردستان
۶۳/۲	۱۸۱۲/۲۵	۹۴/۲۶۱	کرمان
۵۶/۲	۷۹۷۸/۲۴	۸۷/۲۶۴	کرمانشاه
۶/۲	۹۱۷۷/۲۵	۱۱/۲۷۸	کهگیلویه و بویراحمد
۶۴/۲	۷۷۳۳/۲۵	۲۲/۲۹۳	گلستان
۵۹/۲	۰۲۷۳/۲۵	۷۹/۳۰۲	گیلان
۷۹/۲	۳۴۸۴/۲۵	۶/۳۰۶	لرستان
۶۶/۲	۸۴۵۸/۲۴	۵۲/۲۶۹	مازندران
۴۲/۲	۸۴۲۷/۲۳	۷۲/۲۶۳	مرکزی
۶/۲	۳۶۹۷/۲۶	۱۸/۲۸۱	هرمزگان
۶۱/۲	۲۱۳۳/۲۵	۸/۲۵۴	همدان
۵۶/۲	۰۵۶۶/۲۷	۷/۲۷۷	یزد
۵۹/۲	۲۲۹۸/۲۵	۱/۲۷۴	کل کشور

منبع: مرکز ملی رصد اجتماعی ایران، ۱۳۸۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶.

جدول ۲. سرمایه اجتماعی میانه در ۳۱ استان

میانگین سرمایه اجتماعی میانی برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۷۴/۲	۴۸۰۳/۲۶	۲/۲۰۲	آذربایجان غربی
۶۶/۲	۷۰۶۳/۲۶	۲۷/۲۱۶	آذربایجان شرقی
۷۵/۲	۰۴۵۶/۲۷	۵۹/۲۰۶	اردبیل
۶۸/۲	۵۲۲۹/۲۵	۲۸/۱۹۶	اصفهان
-	۹۶۵۷/۲۵	۰۷/۱۹۵	البرز
۷/۲	۶۵۰۸/۲۵	۵/۱۸۶	ایلام
۷۴/۲	۶۲۵۸/۲۷	۹۳/۲۱۰	بوشهر
۶۸/۲	۱۶۶۵/۲۵	۷۱/۲۰۳	تهران
۶/۲	۶۸۷۳/۲۶	۷۲/۲۰۰	چهارمحال و بختیاری
۶۹/۲	۱۰۴۲/۲۷	۰۴/۲۱۹	خراسان جنوبی
۶۷/۲	۱۵۸/۲۵	۲۴/۱۹۱	خراسان رضوی
۷۱/۲	۵۹۸/۲۷	۴۷/۲۱۴	خراسان شمالی
۷/۲	۵۵۴۶/۲۶	۵۱/۲۰۹	خوزستان
۷۲/۲	۳۸۱۲/۲۷	۷۹/۱۷۷	زنجان
۷/۲	۶۰۸۸/۲۶	۰۸/۲۰۶	سمنان
۷۱/۲	۱۳۳/۲۶	۶۲/۱۹۹	سیستان و بلوچستان
۷/۲	۱۰۸۶/۲۸	۰۸/۲۰۶	فارس
۷۱/۲	۱۷۹۴/۲۵	۰۷/۱۸۴	قزوین
۷/۲	۱۸۵۴/۲۷	۷۳/۱۹۸	قم
۶۵/۲	۱۴۲۱/۲۵	۵۱/۱۸۰	کردستان
۷۲/۲	۹۸۲۷/۲۵	۳۷/۱۹۱	کرمان
۷۳/۲	۰۷۸۱/۲۶	۷۶/۱۸۵	کرمانشاه
۷۱/۲	۰۴۳۲/۲۶	۳/۲۰۰	کهگیلویه و بویراحمد
۷۸/۲	۵۴۵۹/۲۷	۷/۲۱۳	گلستان
۷۱/۲	۲۵۸۶/۲۶	۹۸/۲۰۷	گیلان

میانگین سرمایه اجتماعی میانی برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۷۹/۲	۷۱۵۴/۲۶	۳۶/۲۲۰	لرستان
۷۳/۲	۳۲۶۹/۲۶	۱۳/۱۸۷	مازندران
۶۷/۲	۱۷۸۴/۲۶	۹۹/۲۱۵	مرکزی
۶۵/۲	۳۶۲۶/۲۷	۳۶/۲۱۱	هرمزگان
۷۵/۲	۵۰۴۹/۲۷	۸۴/۱۹۶	همدان
۷۲/۲	۲۱۰۷/۲۶	۲۵/۲۰۶	یزد
۷۱/۲	۳۶۱۵/۲۶	۳۹/۲۰۱	کل کشور

منبع: مرکز ملی رصد اجتماعی ایران، ۱۳۸۶، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶.

جدول ۳. سرمایه اجتماعی کلان در ۳۱ استان

میانگین سرمایه اجتماعی کلان حسب استان			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۶/۲	۹۸۵۳/۱۲	۹۹/۹۵	آذربایجان غربی
۶۹/۲	۸۴۳۲/۱۳	۸۹/۹۹	آذربایجان شرقی
۹۶/۲	۰۳۷۳/۱۳	۲۲/۸۹	اردبیل
۵۸/۲	۸۵۰۸/۱۱	۵۱/۸۷	اصفهان
	۰۰۹۵/۱۳	۵۳/۸۹	البرز
۷۸/۲	۳۰۸۶/۱۳	۷۶/۸۸	ایلام
۷۷/۲	۹۹۴۸/۱۳	۳۸/۱۰۰	بوشهر
۶۹/۲	۱۷۶۳/۱۲	۱۸/۹۳	تهران
۶۴/۲	۷۴۴۸/۱۲	۷/۹۴	چهارمحال و بختیاری
۶۱/۲	۰۳۴۶/۱۴	۱۶/۹۸	خراسان جنوبی
۶۳/۲	۲۲۴/۱۲	۶۸/۸۶	خراسان رضوی

میانگین سرمایه اجتماعی کلان حسب استان			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۷۳/۲	۲۷۸۵/۱۴	۳/۹۱	خراسان شمالی
۵۵/۲	۳۱۶۷/۱۳	۰۱/۱۰۴	خوزستان
۷۳/۲	۷۰۷/۱۳	۷۶/۸۲	زنجان
۶۹/۲	۲۰۲۸/۱۳	۸۵/۸۹	سمنان
۷۱/۲	۴۹۲/۱۳	۴۲/۹۵	سیستان و بلوچستان
۵۷/۲	۶۶۱۸/۱۴	۹۴/۹۱	فارس
۷۲/۲	۵۲۶/۱۲	۶۸/۷۹	قزوین
۴۹/۲	۴۸۰۳/۱۴	۱۷/۸۹	قم
۷۳/۲	۲۴۶۷/۱۲	-	کردستان
۶۴/۲	۱۱۸۷/۱۳	۰۲/۸۵	کرمان
۷۷/۲	۶۶۶۶/۱۳	۶۵/۸۳	کرمانشاه
۷۶/۲	۵۱۷۵/۱۳	۶۷/۸۹	کهگیلویه و بویراحمد
۹۴/۲	۴۱۵/۱۴	۰۵/۱۰۳	گلستان
۷۴/۲	۸۴۶۳/۱۲	۴۸/۱۰۰	گیلان
۸/۲	۵۴۰۳/۱۳	۵۶/۱۰۲	لرستان
۷۱/۲	۹۳۰۲/۱۲	۶۶/۷۹	مازندران
۵۲/۲	۳۱۴۹/۱۲	۳۵/۸۹	مرکزی
۵۳/۲	۱۳۲/۱۴	۲۹/۹۱	هرمزگان
۷۲/۲	۲۷۲۴/۱۳	۸۵	همدان
۵۸/۲	۱۹۱۲/۱۳	۱۵/۹۴	یزد
۶۸/۲	۱۷۸۲/۱۳	۵۴/۹۱	کل کشور

منبع: مرکز ملی رصد اجتماعی ایران ۱۳۸۶، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶.

جدول ۴. سرمایه اجتماعی کل در ۳۱ استان

میانگین سرمایه اجتماعی کل برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۶۵/۲	۷۵۳۸/۲	۵۵/۲	آذربایجان غربی
۶۳/۲	۸۶۱۶/۲	۵۷/۲	آذربایجان شرقی
۷۵/۲	۷۸۰۱/۲	۴۷/۲	اردبیل
۶۳/۲	۶۴۲۵/۲	۲۵/۲	اصفهان
۶/۲	۷۰۴/۲	۲۳/۲	البرز
۷/۲	۸۱۵۳/۲	۲۵/۲	ایلام
۶۹/۲	۹۶۴/۲	۷/۲	بوشهر
۶/۲	۶۵۰۶/۲	۴۷/۲	تهران
۶۳/۲	۷۶۷۷/۲	۴۴/۲	چهارمحال و بختیاری
۶۴/۲	۸۸۳۹/۲	۹۸/۲	خراسان جنوبی
۶۲/۲	۶۵۱/۲	۲۵/۲	خراسان رضوی
۶۷/۲	۹۳۹۸/۲	۶۴/۲	خراسان شمالی
۶۴/۲	۷۸۴۲/۲	۸۸/۲	خوزستان
۶۸/۲	۹۰۰۶/۲	۰۵/۲	زنجان
۶۷/۲	۸۳۳۷/۲	۵۳/۲	سمنان
۷/۲	۸۰۰۴/۲	۵۲/۲	سیستان و بلوچستان
۶۲/۲	۰۱۶/۳	۴۱/۲	فارس
۶۵/۲	۶۶۸۱/۲	۰۲/۲	قزوین
۶۲/۲	۹۶۲۶/۲	۳۸/۲	قم
۶۳/۲	۶۴۵۷/۲	۹۷/۱	کردستان
۶۷/۲	۷۶۹۵/۲	۱۴/۲	کرمان
۶۷/۲	۷۹۵۴/۲	۹۷/۱	کرمانشاه
۶۸/۲	۸۲۵۶/۲	۴۳/۲	کهگیلویه و بویراحمد
۷۶/۲	۹۳۵۸/۲	۹۷/۲	گلستان
۶۷/۲	۷۵۵۹/۲	۳	گیلان
۷۹/۲	۸۳۱/۲	۱۵/۳	لرستان

میانگین سرمایه اجتماعی کل برحسب استان			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۶۹/۲	۷۵۷۳/۲	۰۶/۲	مازندران
۵۶/۲	۶۷۳۶/۲	۳۹/۲	مرکزی
۶۲/۲	۹۳۲۲/۲	۶۱/۲	هرمزگان
۶۹/۲	۸۳۷۴/۲	۱/۲	همدان
۶۴/۲	۸۵۲۳/۲	۵۴/۲	یزد
۶۶/۲	۷۸۹۳/۲	۴۵/۲	کل کشور

منبع: مرکز ملی رصد اجتماعی ایران، ۱۳۸۶، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶.

میانگین سرمایه اجتماعی خرد در سال ۱۳۸۶ کل کشور برابر با ۲/۵۹ است که قدری بیشتر از عدد حد متوسط طیف که (۲/۵) است و در تمامی مراکز استانی نیز به جز شهر اراک میانگین‌ها بیشتر از حد متوسط هستند. میانگین سرمایه اجتماعی میانی در کل کشور در همان سال برابر با ۲/۷۱ است که کمتر از متوسط میانگین طیف که عدد (۳) هست قرار دارد. هیچ کدام از مراکز در حد متوسط یا بالاتر از آن قرار ندارند. میانگین و میانه سرمایه اجتماعی کلان در سال ۱۳۸۶ در کل کشور و نیز به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهند که این میانگین کمتر از حد متوسط هست. با توجه به یافته‌های مطرح شده می‌توان عنوان نمود که سرمایه اجتماعی کل که میانگین آن برابر با ۲/۶۶ است قدری بیشتر از حد متوسط یعنی عدد ۲/۵ است.

میانگین سرمایه اجتماعی خرد در سال ۱۳۹۳ برابر ۲۵/۳ است که پایین‌تر از عدد میانگین طیف عدد ۲۷ است. توزیع فراوانی این سرمایه اجتماعی بدین گونه بود که ۳۰/۸ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی کم بوده‌اند. ۶۱/۲ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط بوده‌اند و ۷/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد هستند. میانگین سرمایه اجتماعی میانی برابر ۲۶/۳ است که پایین‌تر از عدد میانگین طیف عدد ۲۷ است. توزیع فراوانی این سرمایه اجتماعی بدین گونه بود که ۱۹/۸ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی کم بوده‌اند. ۶۷/۸ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط بوده‌اند و ۱۲/۴ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد هستند. میانگین سرمایه اجتماعی کلان برابر ۱۳/۸ است که پایین‌تر از عدد میانگین طیف عدد ۱۵ است. توزیع فراوانی این سرمایه اجتماعی بدین گونه بود که ۴۸/۲ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی

کم بوده‌اند. ۴۲/۶ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط بوده‌اند و ۸/۱ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد هستند.

نتایج حاصل از سرمایه اجتماعی در سطح کلان ۱۳۹۶ حاکی از این بود که سرمایه اجتماعی بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵/۵۳ درصد) در حد کم و در مقابل سرمایه اجتماعی ۲/۱۷ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد ارزیابی شده است و در این میان سرمایه اجتماعی ۸/۳۰ درصد از پاسخ‌گویان سطح متوسط ارزیابی شده است. نتایج حاصل از شاخص‌های آماری نیز نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی کلان برابر با ۵۴/۹۱ است و پایین‌تر از عدد میانگین طیف (۱۱۷) است. میانگین سرمایه اجتماعی میانی در سال ۱۳۹۶، برابر با ۲۰۱/۳۹ که قدری پایین‌تر از عدد میانگین طیف که عدد ۲۳۷ است، قرار دارد. نتایج حاصل از توزیع نسبت‌ها بدین گونه بود که ۷/۴۳ درصد از پاسخ‌گویان این سطح سرمایه اجتماعی در حد کم، ۳۵/۴ درصد در حد متوسط و ۲۱ درصد در حد زیاد داشته‌اند. نتایج حاصل از توزیع نسبت‌ها نشان داد که ۵۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، ۲۷/۱ درصد در حد متوسط و ۱۹/۷ درصد این سطح سرمایه اجتماعی را زیاد داشته‌اند. میانگین سرمایه اجتماعی خرد در سال ۱۳۹۶ برابر با ۲۷۴/۱۰ است که پایین‌تر از عدد میانگین طیف که عدد ۳۵۱ است قرار دارد. میانگین سرمایه اجتماعی کشوری در دامنه اعداد ۱ تا ۵ برابر ۲/۴۵ است که کم‌تر از میانگین حد متوسط یعنی عدد ۳ است.

جدول ۵. میزان متوفیات مشکوک به خودکشی برحسب استان‌ها به ازای هر صد هزار نفر

استان	میزان متوفیات مشکوک به خودکشی		
	۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶
آذربایجان غربی	۴/۹۸	۳/۸	۳/۳
آذربایجان شرقی	۵/۸۴	۴/۹	۶/۸
اردبیل	۶/۵	۵/۵	۶/۶
اصفهان	۳/۸	۴/۷	۴/۲
البرز	۳	۶/۴	۵/۵
ایلام	۱۸/۷۷	۱۸/۶	۱۳/۸
بوشهر	۴/۲۷	۴/۵	۵/۸
تهران	۲/۶۷	۴/۲	۵/۹

میزان متوفیات مشکوک به خودکشی			استان
۱۳۸۶	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۴/۳۱	۵	۶/۶	چهارمحال و بختیاری
۳/۶	۲/۴	۲/۲	خراسان جنوبی
۲/۷۷	۲/۹	۳/۱	خراسان رضوی
۴/۳۸	۳/۴	۴/۵	خراسان شمالی
۵/۳۶	۶/۱	۶/۴	خوزستان
۵/۶۲	۷/۴	۸/۲	زنجان
۲/۹	۱/۲	۲/۵	سمنان
۲/۳۲	۱/۸	۲/۲	سیستان و بلوچستان
۴/۵۲	۷/۵	۷/۱	فارس
۴/۱۹	۳/۳	۶/۶	قزوین
۴	۵/۴	۳/۶	قم
۵/۵۱	۵/۷	۵/۹	کردستان
۳/۴	۳/۱	۴/۴	کرمان
۱۴	۱۷	۱۱/۹	کرمانشاه
۵/۴۷	۸/۱	۱۳/۷	کهگیلویه و بویراحمد
۴/۴۴	۳/۷	۴/۹	گلستان
۴/۶۱	۷/۲	۸/۵	گیلان
۱۱/۳	۱۱/۲	۱۰/۴	لرستان
۳/۹	۵/۵	۶	مازندران
۲/۸	۳/۵	۵/۷	مرکزی
۲/۶۷	۳/۳	۲/۹	هرمزگان
۹/۵	۷/۲	۸	همدان
۲/۹۵	۳/۷	۲/۷	یزد
۵/۳۵	۵/۳	۵/۷	کل کشور

منبع: سالنامه آماری پزشکی قانونی طی سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶.

بر طبق جدول ۵ نشان می‌دهد بیشترین میزان خودکشی در طی سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ در استان ایلام، کرمانشاه و لرستان بوده است و کمترین میزان خودکشی

در استان‌های سمنان، سیستان بلوچستان، یزد و خراسان شمالی بوده است. میانگین خودکشی در کشور در سال‌های مورد بررسی ۵/۴۵ است. همچنین بر طبق شواهد نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۶ خودکشی نسبت به سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۳ افزایش پیدا کرده است و سرمایه اجتماعی کل نیز در سال ۱۳۹۶ نیز نسبت به ۲ سال مورد بررسی نیز کمتر است.

جدول ۶. آمار توصیفی خودکشی و سرمایه اجتماعی در سطوح خرد، میانه، کلان، کل

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
خودکشی	۵/۷۹	۴/۹	۱۸/۷۷	۱/۸	۳/۵۴	۱/۸۷	۶/۶۱
سرمایه اجتماعی کلان	۳۶/۱۵	۱۳/۲۸	۱۰۴	۲/۴۹	۴۰/۴	۰/۶۹	۱/۵۷
سرمایه اجتماعی خرد	۱۰۱/۹۱	۲۵/۲۰	۳۰۶/۶	۲/۴۲	۱۲۴/۳۳	۰/۶۹	۱/۵۱
سرمایه اجتماعی میانه	۷۷/۵۴	۲۶/۴۸	۲۲۰/۳۶	۲/۶	۸۹/۲۸	۰/۶۷	۱/۵۳
سرمایه اجتماعی کل	۲۱۳/۱۵	۲۳۱/۵۶	۳۳۴/۷۴	۹۴/۹۳	۸۱/۵۰	-۰/۲۷	۱/۵۴

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس پارامترهای مربوط به آمار توصیفی نشان می‌دهد، میانگین خودکشی در ۳۱ استان کشور ۵/۷۹ است که نشان می‌دهد به طور میانگین در سال‌های مورد بررسی پژوهش هر استان متوسط خودکشی داشته است. مقدار میانه خودکشی در ۳۱ استان کشور برابر با ۴/۹، حداکثر و حداقل خودکشی در استان‌های کشور برابر با ۱۸/۷۷ و ۱/۸ که به ترتیب در استان‌های ایلام و سیستان بلوچستان بود. علاوه بر آن در خصوص آمار توصیفی مربوط به پراکندگی و شکل توزیع داده‌ها خودکشی دارای انحراف معیار ۳/۵۴ است، نشان می‌دهد متوسط میزان فاصله هر مورد از میانگین است. همچنین کشیدگی و چولگی این متغیر به ترتیب برابر با ۱/۸۷ و ۶/۶۱ است.

تحلیل تبیینی

در این بخش که به چهار قسمت طبقه‌بندی شده است در هر قسمت رابطه هریک از سرمایه‌های اجتماعی خرد، میانه، کلان و کلی را با خودکشی در استان‌های کشور ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از شناسایی مدل و فرضیه‌های کلاسیک مدل‌های رگرسیونی در زیر نشان داده شده است.

داوری در باب فرضیه اول

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی خرد همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی خرد بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

برآورد مدل اول پژوهش

جدول ۰۷. نتایج تخمین و برآورد مدل اول رگرسیون سرمایه اجتماعی خرد بر خودکشی

متغیر	ضریب
سرمایه اجتماعی خرد	-۰/۳۱
ضریب ثابت	۵/۶۳۱
ضریب همبستگی	۰/۲۹۸
ضریب تعیین	۰/۰۸۹۳

ضریب عرض از مبدأ برابر است با ۵/۵۳۵ که این ارزش نشان می‌دهد در صورتی که سرمایه اجتماعی خرد صفر باشد ۵/۶۳۱ واحد خودکشی در ایران وجود خواهد داشت. همچنین ضریب متغیر سرمایه اجتماعی خرد برابر است با ۰/۳۱ - که نشان می‌دهد با افزایش یک واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی خرد، میزان خودکشی ۰/۳۱ - است. ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی خرد و خودکشی ۰/۲۹۸ است. همچنین ضریب تعیین برآورد ۰/۰۸۹۳ است که نشان می‌دهد که متغیر مستقل سرمایه اجتماعی خرد ۰/۰۸۹۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد و علاوه بر سرمایه اجتماعی خرد عوامل تأثیرگذار دیگری هم بر خودکشی اثرگذار هستند و در نهایت باتوجه به مقدار آماره و احتمال آماره که به ترتیب برابر با ۴/۳۳۹۹ و ۰/۴۹۲ است در سطح اطمینان ۹۵ درصد این اثر یک اثر منفی و معنادار است؛ بنابراین باتوجه به نتایج حاصل از مدل GLS می‌توان اظهار داشت که سرمایه اجتماعی خرد بر خودکشی اثر منفی و معناداری دارد. بدین صورت که با کاهش سرمایه اجتماعی خرد، خودکشی در استان‌های ایران افزایش می‌یابد. به‌طور کلی رابطه خودکشی و سرمایه اجتماعی خرد در استان‌های ایران رابطه معکوس باهم دارند.

داوری در باب فرضیه دوم

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی میانه همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی میانه بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

برآورد مدل دوم پژوهش

جدول ۸. نتایج تخمین و برآورد مدل دوم رگرسیون سرمایه اجتماعی میانه بر خودکشی با استفاده از GLS

ضریب	متغیر
- ۰/۳۱۷	سرمایه اجتماعی میانه
۵/۵۱۳۷	ضریب ثابت
۰/۳۵۲	ضریب همبستگی
۰/۱۲۴	ضریب تعیین

باتوجه به نتایج حاصل از مدل GLS می‌توان اظهار داشت که سرمایه اجتماعی میانه بر خودکشی اثر منفی و معناداری دارد. نسبت آماره آزمون t معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند. همچنین باتوجه به یافته‌ها تحقیق نشان می‌دهد ضریب عرض از مبدأ برابر است با ۵/۵۱۳ که نشان می‌دهد در صورتی که سرمایه اجتماعی میانه صفر باشد، ۵/۵۱۳ واحد خودکشی در ایران وجود خواهد داشت همچنین ضریب متغیر سرمایه اجتماعی میانه برابر است با ۰/۳ - که نشان می‌دهد با افزایش یک واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی میانه، میزان خودکشی ۰/۳ - است. ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی میانه و خودکشی ۳۵ درصد است. همچنین ضریب تعیین برآورد ۱۲ درصد است و بیانگر آن است که متغیر مستقل سرمایه اجتماعی میانه ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

داوری در باب سوم فرضیه

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی کلان همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی کلان بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

برآورد مدل سوم پژوهش

نتایج تخمین و برآورد مدل سوم رگرسیون سرمایه اجتماعی کلان بر خودکشی در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. نتایج مدل GLS

متغیر	ضریب
سرمایه اجتماعی کلان	-۰/۷۰
ضریب ثابت	۵/۵۰۷۱
ضریب همبستگی	۰/۳۶۶
ضریب تعیین	۰/۱۳۴

باتوجه به نتایج حاصل از مدل GLS می‌توان اظهار داشت ضریب عرض از مبدأ برابر است با ۵/۵۰۷ که نشان می‌دهد در صورتی که سرمایه اجتماعی کلان صفر باشد ۵/۵۰۷ واحد خودکشی در ایران وجود خواهد داشت. همچنین ضریب متغیر سرمایه اجتماعی کلان برابر است با ۰/۷- که نشان می‌دهد با افزایش یک واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی کلان، میزان خودکشی ۰/۷- است. ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی کلان و خودکشی ۳۶ درصد است. همچنین ضریب تعیین برآورد ۱۳ درصد است، بیانگر آن است که متغیر مستقل سرمایه اجتماعی کلان ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

داوری در باب فرضیه ترکیبی

میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی کل همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اجتماعی کل بیشتر باشد میزان خودکشی کم‌تر می‌شود.

برآورد مدل چهارم پژوهش

باتوجه به موارد فوق (اثرات تصادفی) و همچنین آزمون ناهمسانی واریانس مدل پژوهش با استفاده از GLS اجرا شده و نتایج حاصل از این تخمین در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. نتایج مدل GLS

متغیر	ضریب
سرمایه اجتماعی کل	-۰/۶۰۹۹
ضریب ثابت	۰/۸۶۳
ضریب همبستگی	۰/۵۸۵
ضریب تعیین	۰/۳۴۲۶

با توجه به احتمال آماره آزمون که برابر با $0/0256$ است و زیر پنج درصد هست فرض صفر آزمون مبنی بر عدم معناداری رد می‌گردد و این متغیر اثر معناداری بر خودکشی دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان اظهار داشت که سرمایه اجتماعی کل بر خودکشی اثر منفی و معناداری دارد. بدین صورت که با افزایش سرمایه اجتماعی، خودکشی در میان ۳۱ استان کشور روندی کاهشی به خود می‌گیرد که اصطلاحاً به آن رابطه معکوس این دو متغیر نیز نام برده می‌شود. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۵۸ درصد است. علاوه بر آن ضریب تعیین نسبتی از واریانس متغیر خودکشی که توسط متغیر میزان سرمایه اجتماعی تبیین شده است به اندازه ۳۴ درصد و واریانس باقی مانده ۶۴ درصد است. ضریب عرض از مبدأ برابر است با $7/8$ که نشان می‌دهد در صورتی که سرمایه اجتماعی کلی ۰ باشد $7/8$ واحد خودکشی در ایران وجود خواهد داشت همچنین ضریب متغیر سرمایه اجتماعی کلی برابر است با $0/7$ - که نشان می‌دهد با افزایش یک واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی کلان، میزان خودکشی $0/6$ - است علاوه بر این ضریب تعیین برآورد $0/34$ است و بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی کلی ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی خودکشی را تبیین می‌کند و باتوجه به علامت ضریب متغیر سرمایه اجتماعی کل که برابر با $0/6099$ - است، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی کل بر خودکشی اثر منفی دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش جهت فرموله کردن مسئله، ابتدا تعریفی از موضوع پژوهش یعنی خودکشی ارائه شد. سپس با ارائه شواهد تجربی، پرابلماتیک بودن رابطه سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران اثبات گردید. در گام بعدی نیز سؤال علمی پژوهش طرح شد. جهت یافتن پاسخ تئوریک برای سؤال علمی نیز مدل نظری از طریق مرور ادبیات نظری و تجربی فرموله شد. پاسخ‌های موقت برای سؤال علمی پژوهش از مدل نظری استنتاج گردید. سپس جهت داوری پاسخ‌های موقت اقامه شده، تحلیل تبیینی ارائه شد. در این تحقیق، نظریه دورکیم و فوکویاما به عنوان نظریه اصلی تبیین کننده رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در نظر گرفته شد. از میان انواع خودکشی‌ها دورکیم نیز بر خودکشی آنومیک تأکید شد، زیرا در این نوع خودکشی سرمایه اجتماعی و خودکشی رابطه معکوس دارند، افراد ممکن است هدف‌های دست نیافتنی را انتخاب کنند و برای آمال و آرزوهایشان حد و حدودی شناسند که نقطه مقابل نظارت اجتماعی، خانوادگی

و سرمایه اجتماعی است که این منجر به خودکشی آنومی یا بی‌هنجاری می‌شود. طبق نظریه دورکیم، آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اولاً اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه‌های روابط کاهش پیدا کنند امری قابل‌انتظار است. آنومی اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می‌شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش‌های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. برعکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها به طور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد. به عبارتی می‌توان گفت در این خودکشی، زمانی که ارزش‌ها و هنجارها ضعیف شده و اهمیت خود را نزد اکثریت افراد جامعه از دست می‌دهد، در این حالت جامعه دچار حالت بی‌هنجاری یا آنومیک شده و افراد دچار نوعی هرج‌ومرج اجتماعی شده‌اند که دیگر چیزی وجود ندارد آنان را به دیگران وصل کند، در این میان برخی مستعد عمل تأسف‌بار خودکشی می‌شوند؛ بنابراین در نظر دورکیم فوکویاما، هرچه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان خودکشی نیز کاهش می‌یابد. این جمله دورکیم بیان واضحی از این موضوع است که عامل اصلی و عمده‌ای که به زندگی ما معنا و هدف می‌بخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با دیگران است. در این صورت که زندگی ارزش پیدا می‌کند و اگر چنین نباشد هر چیزی ممکن است دستاویزی برای خلاص شدن از زندگی شود. فوکویاما نیز بیان می‌کند هر چه شعاع محدوده سرمایه اجتماعی به خصوص اعتماد کم‌تر باشد میزان خودکشی افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین در این پژوهش در پرتو نظریه دورکیم، رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی به میزان رابطه سرمایه اجتماعی با خودکشی در بین استان‌های کل کشور را مورد آزمون قرار دادیم. باتوجه به یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی خرد با خودکشی رابطه معنی‌داری دارد و ۰.۰۸۹. از تغییرات مربوط به خودکشی را تبیین کرده است، سرمایه اجتماعی میانه و کلان با خودکشی نیز رابطه معنی‌داری داشته‌اند و هر کدام به ترتیب ۰.۱۲۴؛ و ۰.۱۳۴. از تغییرات مربوط به خودکشی را تبیین کرده‌اند و همچنین سرمایه اجتماعی کل که به‌عنوان مبنای اصلی فرضیه بود به میزان ۰.۳۴. از تغییرات میزان خودکشی را تبیین کرد. در باب سازگاری نتایج این پژوهش می‌توان گفت یافته‌ها این پژوهش با تحقیقات یو و چن (۲۰۲۳)، یانگ و همکاران (۲۰۲۱)، کیم و دو (۲۰۲۱)، عشایری و همکاران

(۱۴۰۲)، امین و همکاران (۱۴۰۱)، صالح‌آبادی (۱۴۰۰) و همچنین دیدگاه دورکیم و فوکویاما را در بیان ارتباط معکوس (منفی) میان خودکشی و سرمایه اجتماعی تصدیق می‌کند؛ بنابراین هدف اصلی تحقیق، تحلیل علمی داده‌ها و ساختن نظریه‌هاست. یک تحقیق که در آغاز با مباحث نظری آغاز شده است، در پایان بار دیگر به مباحث نظری برمی‌گردد. از طرفی نتیجه یک پژوهش علمی، زمانی رضایت‌بخش است که پژوهشگر بعد از آزمون معنی‌دار بودن رابطه‌های بین متغیرها، یافته‌های تحقیق خود را به طور عمیق مورد کندوکاو قرار دهد که در این پژوهش این مراحل به‌صورت کامل انجام گرفت.

پیشنهاد‌های پژوهش

از آنجایی که سرمایه اجتماعی توانست ۳۴ درصد از تغییرات مربوط به میزان خودکشی را تبیین کند، حدود ۶۴ درصد از تغییرات مربوط به خودکشی ناشی از عوامل دیگر است که می‌تواند به‌عنوان موضوع پژوهش برای سایر پژوهشگرها برای شناسایی آن عوامل باشد.

بر اساس نتیجه تحقیق یافته‌های تجربی نشان داده شد سرمایه اجتماعی در ایران کم‌تر از میانگین است. با توسعه جامعه مدنی، عضویت بیش‌تر مردم در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی داوطلبانه و غیردولتی، گسترش روابط اجتماعی افراد با دیگران، مشارکت فعال مردم در سرنوشت خود و جامعه، استقرار مدیریت اجتماعی شایسته می‌توان سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی را افزایش داد، همبستگی و انسجام اجتماعی را تقویت نمود و از گسترش دامنه آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی در روابط اجتماعی حتی‌الامکان جلوگیری کرد.

پیشنهاد دیگر با توجه به اینکه جمع‌آوری داده‌ها در حوزه خودکشی و سرمایه اجتماعی سختی انجام گرفت، باید از طرف جامعه علمی به ارگان‌های مربوطه مانند مرکز ملی رصد اجتماعی، پزشکی قانونی و... این پیشنهاد مطرح شود که چنین داده‌های در اختیار دانشجویان و اساتید قرار بگیرند تا بتوان از معضلات و آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی را کاهش داد.

منابع

- اسلامی‌بناب، سیدرضا (۱۳۸۸). بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تبریز.
- باستانی‌علیرضا، رمزی سیدمحمدجواد (۱۳۹۳) تعیین و رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران با استفاده از روش غیرمستقیم. *رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۵)، ۴۵-۷۷.
- بهار، مه‌ری، میثمی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی نقش دینداری در سرمایه اجتماعی کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ماهشهر. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۷)، ۳۸-۵۹.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۹). مدرنیته و خودکشی زنان و دختران لک، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۱)، ۷۹-۱۰۶.
- دلیرهری، نصیبه، عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی فرهنگی و کیفیت زندگی ورزشکاران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۷)، ۶۰-۸۳.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۸)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذاکری، علیرضا (۱۳۹۹). در نسبت امر قدسی و اخلاق در جامعه پسا انقلابی: قدسی تقدس‌زدایی شده. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶ (۵۸)، ۸۲-۱۰۸.
- رضایی، اکبر، علی وردی‌نیا، اوپیر، احمد، فریبرز (۱۳۸۵). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان نسبت به خودکشی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۱۱)، ۱-۱۸.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. چاپ ۱۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روجک، کریس. (۱۳۹۵). *نظریه فراغت*، ترجمه عباس مخبر، نشر تیسرا.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر، ترکان، رحمت‌الا (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی و قانونگریزی در بین شهروندان شهر یزد. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۷)، ۸۴-۱۱۸.
- زاهدی‌مازندرانی، محمد (۱۳۹۰). *توسعه و نابرابری*، تهران، انتشار مازیار.
- سازمان پزشکی قانونی کشور (۱۳۸۶). «سالنامه آماری سازمان پزشکی قانونی کشور»، تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور.
- سازمان پزشکی قانونی کشور (۱۳۹۳). «سالنامه آماری سازمان پزشکی قانونی کشور»، تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور.
- سازمان پزشکی قانونی کشور (۱۳۹۶). «سالنامه آماری سازمان پزشکی قانونی کشور»، تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور.
- ساعی، علی (۱۳۹۸). *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- ساعی، علی (۱۴۰۰). *چرخش نخبگان قدرت در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۴۰۰). سرمایه اجتماعی و خودکشی در استان‌های ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۳۲ (۳)، ۱۰۱-۱۳۴. SID. <https://sid.ir/paper/1052761/fa>

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- عشایری، طاهّا، جهان‌پرور، طاهره و عادل، هانیه (۱۴۰۲). مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به خودکشی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۰(۱۰۰)، ۱۷۵-۲۱۹.
- عشایری، طاهّا، امین، مریم، چهار برج سیف اله، متنی، رستم (۱۴۰۱). تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های اقدام به خودکشی مورد مطالعه: شهرستان ایلام. مطالعه جامعه‌شناختی شهری، ۴۴(۱۲)، ۹۷-۱۳۰.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر، رضایی، احمد، پیرو، فریبرز (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۴)، ۱-۱۸.
- عنبری، موسی، بهرامی، اردشیری (۱۳۸۹). بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۱-۲۹.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). گزارش پیمایش ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، شورای اجتماعی کشور وزارت کشور (طرح پژوهشی منتشر نشده).
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). گزارش پیمایش ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، شورای اجتماعی کشور وزارت کشور (طرح پژوهشی منتشر نشده).
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). گزارش پیمایش ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، شورای اجتماعی کشور وزارت کشور (طرح پژوهشی منتشر نشده).
- فاین، بن (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سید محمد کمال سرویان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قادری صلاح‌الدین، نظری حامد (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی خودکشی در ایران (براساس آمار سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳). مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۱)، ۱۹۵-۲۱۵.
- موسوی، سید یعقوب و افضل، معصومه (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و الگوی خودکشی آنومیک در میان زنان اقدام‌کننده به خودکشی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- موسی‌نژاد، علی (۱۳۸۹). زنان و خودکشی به‌سوی مدلی جهت تبیین خودکشی زنان ایلام، مجموعه مقالات ملی همایش خودکشی، علل و پیامدها و راهکارها، انتشارات جامعه‌شناسان.
- نصرالهی، زهرا، لطفی، عزت‌اللهی، هندوست، عطیه (۱۳۹۲). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به خودکشی در زنان شهرنشین کشور طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۸، نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۱(۳)، ۳۷۷-۳۹۲.
- هنرورز، محسن، پاسیان خمیری، رضا و طراوت، محدثه (۱۳۹۵). ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ایرانی از دریچه متون کهن ادبیات فارسی، باغ نظر، ۱۲(۳۳)، ۴۱-۴۸.

Alivardinia, Akbar, Rezaei, Ahmed, Piro, Fariborz. (2011). Sociological analysis of students' tendency to commit suicide. *Applied Sociology* 22(4), 1-18. [In Persian].

Anbari, Musa, Bahrami, Ardeshiri (2008). "Investigation of the effects of poverty and violence on the suicide rate" *Iranian Social Issues Review Journal*, Vol. 1, No. 2, pp. 1-29. [In Persian].

- Ashairi, Taha, Amin, Maryam, four towers of Seif Elah, Matni, Rostam (1401). Explaining the relationship between social capital and the components of suicide attempt: Ilam city. *Urban Sociological Studies*, 44, (12), 97-130. [In Persian].
- Ashairi, Taha, Jahan Parvar, Tahereh, & Adel, Haniyeh. (2023). Studying the effect of social capital on suicidal tendencies. *Social Science Quarterly*, 30(100), 175-219. [In Persian].
- Bahar, Mehri, Maithami, Mahdi (2011). Examining the role of religiosity in the social capital of Mahshahr Petrochemical National Company employees. *Cultural Studies and Communication*, 8(27), 38-59. [In Persian].
- Bastani Alireza, Razmi Seyyed Mohammad Javad (2013) Determining and ranking social capital in the provinces of Iran using the indirect method. *Social Welfare*, 14 (55): 45-77. [In Persian].
- Delirharvi, Nasibeh, Abbaszadeh, Mohammad (2011). The relationship between social and cultural capital and the quality of life of athletes. *Cultural Studies and Communication*, 8(27), 60-83. [In Persian].
- Dev S, Kim D. (2021). State- and County-Level Social Capital as Predictors of County-Level Suicide Rates in the United States: A Lagged Multilevel Study. *Public Health Reports*;136(5):538-542. doi:10.1177/0033354920976555.
- Durkheim, Emil (2018), *Suicide*, translated by Nader Salarzadeh, Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
- Durkheim.E. (1997). *Suicide: A study in sociology*. New York: The free press. pp 142-149.
- Eslami-Banab, Seyyed Reza (2008). *social security and some factors related to it, social science master's thesis*, Azad University of Tabriz. [In Persian].
- Fernquist. R.mand cutright. (1998). social integration and standardized suicide rate in 21 development countries. *Social science research* 109-127. [In Persian]
- Fine, Ben (2015). *Social capital and social theory*, translated by Seyyed Mohammad Kamal Sarwarian, Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
- Forensic Medicine Organization of the country (2008). “*Statistical yearbook of the Forensic Medicine Organization of the country*”, Tehran: Forensic Medicine Research Center of the country.
- Forensic Medicine Organization of the country (2016). “*Statistical yearbook of the Forensic Medicine Organization of the country*”, Tehran: Forensic Medicine Research Center of the country.
- Ghafari, Gholamreza (2008). *report of the national survey of social capital of the country*, Social Council of the Ministry of Interior (unpublished research plan). [In Persian]
- Ghafari, Gholamreza (2013). *report of the national survey of social capital of the country*, Social Council of the Ministry of Interior (unpublished research project). [In Persian]

- Ghafari, Gholamreza (2016). *Report of the national survey of social capital of the country, Social Council of the Ministry of Interior* (unpublished research project). [In Persian]
- Hanrovarz, Mohsen, Pasion Khomeri, Reza and Tarawat, Muhaddeh (2016). Evaluation of the components of Iranian social capital from the perspective of ancient texts of Persian literature, *Bagh Nazar*, 12th year, 33rd issue, pp. 41-48. [In Persian]
- Jamshidiha, Gholamreza, Qolipour, Siavash (2008). "Modernity and suicide of women and girls of Lek" in *Iranian Social Issues Survey*, year 1, number 1. [In Persian]
- Liu S, Morin SB, Bourand NM, et al. Social Vulnerability and Risk of Suicide in US Adults, 2016-2020. *JAMA Netw Open*. 2023;6(4):e239995. doi:10.1001/jamanetworkopen.2023.9995
- Mc.Mannrs.J. (1981). *Death and enlightenment changing attitude to among charistain and un-believers ineighen*.
- Mousanejad, Ali (2008). "Women and suicide towards a model to explain the suicide of women of Ilam" collection of national papers of the suicide conference, causes and consequences and solutions, *Sociologists Publications*, pp. 101-109. [In Persian]
- Mousavi, Seyyed Yaqoub and Afzali, Masoumeh, (2015). Investigating the relationship between social capital and anomic suicide pattern among women attempting suicide, 5th International Conference on Psychology and Social Sciences, Tehran. [In Persian]
- Nasralahi, Zahra, Lotfi, Ezzatollahi, Hanrdost, Atieh (2012). Economic and social factors affecting the tendency to commit suicide in urban women of the country during the years 2008-2008, *Zan Dar Development and Politics*, Volume 11, Number 3, Autumn 2012: 392-377. [In Persian]
- National Forensic Medicine Organization (2013). "*Statistical Yearbook of the Country Forensic Medicine Organization*", Tehran: National Forensic Medicine Research Center. [In Persian]
- Qadri Salahuddin, Nazari Hamed. (2019). Sociological analysis of suicide in Iran (based on the statistics of 2009 to 2013). *Iran's social issues*. 1398; 10 (1): 195-215. [In Persian]
- Rafipour, Faramarz (2001). *Excavations and assumptions*. 11th edition, Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Rezaei, Akbar, Alivardinia, Opir, Ahmed, Fariborz (2018), sociological analysis of students' tendency towards suicide, Quarterly, *Applied Sociology*, year 22, number 11. [In Persian]
- Rojak, Chris. (2015). *The theory of leisure, translated by Abbas Mokhbar*, Tisa publication.
- Saei, Ali (1400). *the rotation of power elites in Iran*, Tehran, Tarbiat Modares University Press, 1st edition.
- Saei, Ali (2018). *research method in social sciences with the approach of critical rationality*, Tehran, Samit Publications, 7th edition.

- Saleh Abadi, Ibrahim. (2021). Social capital and suicide in the provinces of Iran. *Applied Sociology Isfahan University Humanities Research Journal*, 32,3 (83) , 101-134. SID. <https://sid.ir/paper/1052761/fa>. [In Persian]
- Sediq Sarostani, Rahmatullah; Social pathology, Tehran, Samit, 2007, *second edition*, 139-140. [In Persian]
- Stack. Steven(1978) Effect of femal Participation in the labore force on suicide A Time Analyze(1948-1980). *sociology fourm*. vol.2. spring Pp. 257-277.
- Tilley, D., Christopher, L. D., Farrar, T., & Naidoo, N. (2024). Emergency Medical Service responses as latent social capital toward Deliberate Self-Harm, Suicidality and Suicide. *Psychology, Health & Medicine*, 29(4), 743–753.
- <https://doi.org/10.1080/13548506.2023.2214867>.
- World Health Organization (2016). *Preventing Suicide in Jails and Prisons*. Geneva: World Health Organization. [In Persian]
- World Health Organization (2017). *Preventing Suicide: How to Start a Survivors Group*. Geneva: World Health Organization. [In Persian]
- Wu D, Yang T, Rockett IR, Yu L, Peng S, Jiang S. (2021). Uncertainty stress, social capital, and suicidal ideation among Chinese medical students: Findings from a 22-university survey. *Journal of Health Psychology*., 26(2):214-225. doi:10.1177/1359105318805820
- Yu, B., & Chen, X. (2023). Relationship Among Social Capital, Employment Uncertainty, Anxiety, and Suicidal Behaviors: A Chained Multi-mediator Mediation Modeling Analysis. *Archives of Suicide Research*, 26(1), 261–279.
- <https://doi.org/10.1080/13811118.2020.1793044>.
- Zahedi Mazandarani, Mohammad. (2011). Development and inequality, Tehran, *Maziar publication*. [In Persian]
- Zakari, Alireza. (2019). In the relationship between sanctity and morality in the post-revolutionary society: Desanctified sanctity. *Cultural Studies and Communication*, 16(58), 82-108. [In Persian]
- Zare Shahabadi, Akbar, Turkan, Rahmat Ela (2012). The relationship between social capital and lawlessness among the citizens of Yazd. *Cultural Studies and Communication*, 8(27), 84-118. [In Persian]

Exploring factors of Marital Infidelity in Couples: An Interpretive Phenomenology in Birjand

Mehdi Rezaei, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir

Abstract

Marital infidelity is one of the most important and also destructive phenomena in couple relationship. However, due to taboos, this issue has not been paid serious attention. The aim of present study was to explore the phenomenological causes of marital infidelity in couples in Birjand. This qualitative research is conducted on the basis of interpretative phenomenology. The statistical population consisted of couples from Birjand who visited in Rahe-Noo, Rooyesh, Misagh, and Hamrah counseling centers from May 2023 to December 2023. 21 people who had a history of marital infidelity (unfaithful person) were selected by purposeful sampling method from this statistical population. Sampling continued to data saturation. An in-depth semi-structured interview was used to collect data. Analyzing lived experiences led to the extraction of a main theme (existential meaninglessness), 5 sub-themes (existential crises, susceptible for vulnerability, interpersonal crises/unsatisfied relatedness need, drifted/ social drivers and value transformation) and 135 primary concepts. Identifying these components not only increases insight and awareness about the explanation of the phenomenon of extramarital relationship, but also that marital infidelity is not an unidimensional and superficial phenomenon that attributed to internal and external causes (e.g., culture, economy, religion). Failure to understand, comprehension and interpret the deep layers of this phenomenon and multidimensional problem will lead to further disintegration of family foundation.

Key words

Marital infidelity, couples, interpretive phenomenology.



کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازنشویی: یک مطالعه پدیدارشناسی تفسیری در بیرجند

مهدی رضایی^۱

چکیده

رابطه فرازنشویی یکی از مهم‌ترین تهدیدات ثبات خانواده و از دلایل بروز طلاق است؛ اما به دلیل تابو بودن، به این مسئله توجه جدی نشده است. این مطالعه با هدف واکاوی پدیدارشناختی علل روابط فرازنشویی در زوجین شهر بیرجند انجام گرفت. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. جامعه آماری، شامل زوجین شهر بیرجند بودند که از خرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره راهنو، رویش، میثاق و همراه مراجعه کرده بودند. از این جامعه آماری تعداد ۲۱ نفر که سابقه رابطه فرازنشویی (فرد خیانت‌کننده) داشتند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. واکاوی تجارب زیسته افراد منجر به استخراج یک مضمون اصلی (خلأ وجودی/ بی‌معنایی)، پنج مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌پذیری، بحران‌های بین‌فردی/عدم رضای نیاز مرتبط بودن، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و دگرگونی ارزشی) و ۱۳۵ مفهوم اولیه گردید. شناسایی این مؤلفه‌ها ضمن افزایش بینش و آگاهی درباره تبیین پدیده رابطه فرازنشویی، نشان می‌دهند که رابطه فرازنشویی یک پدیده تک‌بعدی و سطحی نیست که صرفاً به علل درونی و بیرونی (مثل فرهنگ، اقتصاد، مذهب) نسبت داده شود. عدم درک، فهم و تفسیر لایه‌های عمقی این پدیده و معضل چندبعدی منجر به ازهم‌گسیختگی بیشتر بنیان نهاد خانواده خواهد شد.

واژگان کلیدی

رابطه فرازنشویی، زوجین، پدیدارشناسی تفسیری.



مقدمه

مهم‌ترین مؤلفه حفظ و پایداری یک خانواده و ازدواج، تعهد زوجین به یکدیگر است که به میزان دل‌بستگی زوج‌ها به یکدیگر و تمایل به حفظ ازدواج‌های طولانی مدت اشاره دارد (Hou et al., 2019: 370). با وجود این، پایبندی به تعهد در همه ازدواج‌ها و خانواده‌ها رعایت نمی‌شود و پیمان‌شکنی یا روابط فرازنشویی^۱ در برخی از آن‌ها رخ می‌دهد. روابط فرازنشویی به عنوان «نقض قرارداد مفروض یا اعلام شده زوجین در مورد انحصار عاطفی و/یا جنسی تعریف شده است (Hou et al., 2019: 491). روابط فرازنشویی فقط به روابط عاطفی/هیجانی و جنسی/جسمانی محدود نمی‌شود با رشد فناوری امروزه شاهد پدیده‌ایی نوظهور تحت عنوان خیانت مجازی/اینترنتی^۲ هستیم که خصیصه‌های آن از قبیل مقبولیت^۳ (قابل پذیرش بودن رفتارهای اینترنتی نسبت به رفتارهای واقعی در برخی موضوعات، مثل موضوعات جنسی)، گمنامی^۴ (نامشخص بودن هویت) و توانمندی (دستیابی تعداد بیشمار موضوعات جنسی و اشخاص با هزینه اندک) زمینه‌ساز بیشتر روابط فرازنشویی شده است (Vossler, 2016: 360). برای مثال، شیوع ۱۲ ماهه روابط فرازنشویی در زنان ۵ درصد و در مردان ۱۱ درصد برآورده شده است (Fincham & May, 2017: 72). آمار دقیقی از شیوع آن در ایران در دسترس نیست، ولی به عنوان یک پدیده رو به رشد در نظر گرفته شده است (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۶؛ غفوریان‌نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷)؛ بنابراین، واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازنشویی به مطالعه بیشتری نیاز دارد. از سوی دیگر، نقض انحصار رابطه، اغلب با پیامدهای منفی از قبیل کاهش اعتماد زوجین شده، تهدید ثبات و عملکرد خانواده، بی‌لذتی، اختلال در عملکرد روزانه، انزوای جنسی، خشم و پرخاشگری، اختلال استرس از ضربه^۵ (PTSD)، افسردگی، شرم، افت عزت نفس و خودکشی و قتل همراه است (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۵)؛ بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز آن در میان زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، پژوهش حاضر با بکارگیری روش پدیدارشناسی تفسیری^۶ به دنبال شناسایی علل سطحی (مثل تعارض زناشویی) و عمقی (وجودی) روابط فرازنشویی

1. Marital infidelity

2. Internet infidelity

3. Acceptability

4. Ambiguity

5. Post-traumatic stress disorder

6. Interpretive phenomenology

بود؛ بنابراین، این مطالعه درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال بود که علل پدیدارشناختی روابط فرازناشویی در زوجین شهر بیرجند چیست؟

پیشینه پژوهش

مسئله روابط فرازناشویی و پیمان‌شکنی در ازدواج، پژوهش زیادی را نیز به سوی خود جلب کرده و عوامل متعددی با آن در ارتباط هستند. برای مثال پژوهش‌های کتی نشان دادند که موارد زیر با روابط فرازناشویی مرتبط است: ویژگی‌های جمعیت شناختی از قبیل جنسیت (مرد بودن)، سن (۱۰ سال اول ازدواج) و درآمد بالا، باورهای مذهبی (اخلاقیات و امساک)، سبک‌های حل تعارض (سبک‌های حل تعارض مصالحه و ملزم شده)، عدم تعهد و بخشودگی زناشویی، خشونت کلامی-فیزیکی، عاطفه منفی، داشتن روابط جنسی پیش از ازدواج (کریمی، یوسفی و سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۲؛ خیاط، عطاری و کورایی، ۱۳۹۷: ۹۸) و ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (Isma & Turnip, 2019; Jeanfreau & Mong, 2019; Bashirpour, Shafiabadi, & Doukaneifard, 2020); عدم انسجام خانواده و معنا در زندگی (Heydarian et al., 2022: 915)، بلوغ عاطفی و کیفیت عشق (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). مطالعات کیفی و تحلیلی نیز عوامل متعددی را در ارتباط با روابط فرازناشویی استخراج کرده‌اند. برای مثال افراسیابی و رضوی (۱۴۰۰: ۱۵) در یک مطالعه تحلیلی به کشف بازنمایی روابط فرازناشویی در فیلم‌های دهه ۸۰ و ۹۰ پرداختند و ۸ موضوع اصلی زیر را مرتبط با روابط فرازناشویی استخراج کردند: برجسته‌سازی خیانت جنسی/عاطفی، نارضایتی زناشویی، بستر اجتماعی آسیب‌زا، ناهنجاری‌های شخصی، خیانت به مثابه انتقام، پذیرش ناگزیر، آشفتگی ناشی از خیانت و فرسایش ارتباطی خانواده. بعلاوه، شریفی‌ساعی و آزادارمکی (شریفی‌ساعی و آزادارمکی، ۱۴۰۰: ۶۳) در یک مطالعه فراترکیب ۹ عامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی را شناسایی کردند که عبارت‌اند از عوامل اجتماعی، روانشناختی، فرهنگی، خانوادگی، فردی، عوامل رابطه‌ای، اقتصادی، رسانه‌ای و عوامل زمینه‌ای. همچنین تاج‌بخش (۱۴۰۰: ۵۹۰) ۶۰ عامل زمینه‌ساز برای روابط فرازناشویی استخراج کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از شبکه‌های اجتماعی، تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج و کاهش پایبندی به ارزش‌ها. به صورت کلی می‌توان گفت که مطالعات کیفی عوامل مرتبط با روابط فرازناشویی را به عوامل درونی (ویژگی‌های فرد پیمان‌شکن و همسر)،

بین فردی، تعاملی، باورهای فرهنگی، ارزش‌ها و شرایط اجتماعی - اقتصادی نسبت داده‌اند (عطاپور، احمدی، فلسفی‌نژاد و خدابخشی‌کولایی، ۱۳۹۹؛ فتحی، ستار و جوادیان، ۱۳۹۵؛ فولادیان، ۱۴۰۰؛ بهمنش و رضایی، ۱۳۹۹؛ غفوریان نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰؛ خامسان و همکاران، ۱۴۰۱؛ مایلی، اللهیاری، کرمی و سهرابی، ۱۳۹۹؛ نرگسی، جدیدی و هادی، ۱۳۹۸؛ زمردیان و اکبری، ۱۴۰۰؛ تمرچی، اسدپور و زهراکار، ۱۴۰۰).

اکثر پژوهش‌های بالا به صورت تحلیلی، فراتحلیل و متکی به روش داده‌بنیان^۱ بوده و پدیدارهای عمیق و وجودی افراد پیمان‌شکن کمتر مورد کند و کاو قرار گرفته است. درحالی‌که تغییر در پدیدارهای وجودی (از قبیل آزادی وجودی^۲، عشق، معنایابی^۳، اضطراب وجودی^۴) و تجربه بحران‌های وجودی^۵ (دگرگونی‌های بنیادین در ارزش‌ها) فرد را مستعد روابط فرازنانشویی می‌کند؛ بنابراین، در علت‌شناسی روابط فرازنانشویی پدیدارهای وجودی باید مورد واکاوی قرار گرفته و عوامل مربوط به آن‌ها نیز استخراج گردد (چوپانی، فاتحی‌زاده، آسنجرانی و دیکاستروکوریا، ۱۴۰۰). در این راستا، چوپانی و همکاران (۱۴۰۰) و فاتحی‌زاده، چوپانی، آسنجرانی و دیکاستروکوریا (۱۴۰۱) در یک مطالعه پدیدارشناسانه، نشان دادند که مهم‌ترین علت روابط فرازنانشویی در مردان، «از خودبیگانگی وجودی^۶» است که دارای مضامین فرعی کشمکش با تنهایی وجودی، سرنوشت‌ناپذیری، دگرگونی ارزشی، عشق توخالی، درنگ‌گریزی و پوچی‌گریزی بود؛ بنابراین، انجام مطالعات پدیدارشناسه عمیق جهت شناسایی علل بنیادین و عمیق درون‌روانی ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه نظری

دیدگاه‌های نظری متعددی برای تبیین بروز روابط فرازنانشویی مطرح شده است از قبیل مدل سرمایه‌گذاری تعهد^۷، مدل نهادی^۸، دل‌بستگی، نظریه کنترل^۹، نظریه کمبود^{۱۰}

1. Grounded Theory
2. Existential Freedom
3. Meaning
4. Existential anxiety
5. Existential crises
6. Existential alienation
7. Investment model of commitment
8. Institutional model
9. Control
10. Deficit

و نظریه تبادل اجتماعی^۱ (Wilcox & Nock, 2006). برای مثال طبق نظریه کمبود اگر رابطه زناشویی در یک زمینه (مثل رضایت جنسی) دچار نقص یا کمبود شود، رضایت مندی پایین زمینه‌ساز روابط فرازناشویی می‌شود. تقریباً در تمام مطالعات کیفی، نقص و کمبود در رابطه جنسی و عاطفی از علل رابطه فرازناشویی بوده است. طبق مدل سرمایه‌گذاری تعهد^۲، روابط فرازناشویی را می‌توان به عنوان تابعی از عدم رضایت، عدم سرمایه‌گذاری و تبادل‌های درک شده^۳ پایین تفسیر کرد. مطالعات مرتبط نیز نشان داده‌اند از منظر مدل نهادی افرادی که به ازدواج متعهد نیستند، تمایل ندارند که ذهنیت نوع دوستانه^۴ را نسبت به شریک زندگی خود پرورش دهند و منابع اجتماعی و هنجاری^۵ را با شریک زندگی خود به اشتراک بگذارند (Wilcox & Nock, 2006). طبق نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^۶، نیز نگرش (باورهای رفتاری^۷)، مثل نگرش مثبت یا منفی به رابطه فرازناشویی) و هنجارهای اجتماعی^۸ (باورهای هنجاری؛ مثل نگرش دیگران یا جامعه به فرد پیمان‌شکن) و کنترل رفتاری ادراک شده^۹، تمایلات (قصد‌ها؛ رابطه فرازناشویی) را پیش‌بینی می‌کند (Ajzen, 2022). طبق مطالعات گذشته نیز نگرش مثبت به رابطه فرازناشویی با رابطه مثبت دارد (فولادیان، ۱۴۰۰؛ بهمنش و رضایی، ۱۳۹۹)؛

بر اساس نظریه کاشت^{۱۰} که بر نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد، شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی در فیلم‌ها و نمایش‌های مختلف، با کاشت نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در ذهن مخاطبان، تصویری نو از زندگی را به آن‌ها ارائه می‌دهند که احتمال دارد با الگوهای آن‌ها از یک خانواده و همسر ایده‌ال متفاوت باشد؛ بنابراین، الگوهای ایده‌آل آن‌ها دچار تغییر می‌شود و شیوه‌ایی نو از زندگی را شروع می‌کنند که در آن ایجاد حس رقابت جنسی و تفکر آزاداندیشی نسبت به تعهد، حس مسئولیت و وفاداری در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین، خیانت زوجین می‌تواند پیامد مهم این شبکه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای در نظر گرفته شود. به عبارت دقیق‌تر،

1. Social exchange
2. Investment model of commitment
3. Perceived alternatives
4. Altruistic mindset
5. Normative
6. Theory of Planned Behavior
7. Behavioral Beliefs
8. Normative Beliefs
9. Perceived Control
10. Cultivation

رسانه‌های اجتماعی با کاشت ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی خاص خود، تأثیرات معناداری در نگرش و رفتارهای مخاطبان ایجاد می‌کند و در نتیجه سبک زندگی زناشویی دلخواه خود را در زندگی مخاطبان شکل می‌دهند (Gerbner & Gross, 1976؛ به نقل از غفوریان‌نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷). در مطالعات پیشین نیز رسانه‌ها و کاشت افکار ناشی از آن با ایجاد خیانت‌های زناشویی رابطه معنادار داشته است (Isma & Turnip, 2019; Jeanfreau & Mong, 2019; Bashirpour, Shafiaba-) (di, & Doukaneifard, 2020).

یکی دیگر از نظریات مرتبط، نظریه عشق سیال^۱ است. به صورت کلی، در این نظریه مصرف‌گرایی و در پی آن نگاه کالاگونه به موجودیت انسان یکی از ویژگی‌های دوران مدرن است. طبق این نظریه، مصرف‌گرایی در دنیای امروزی محدود به کالاهای مصرفی نیست، بلکه به روابط نیز تسری یافته است. با افزایش مصرف‌گرایی و نگاه کالایی به انسان، سیالیت عشق نیز افزایش خواهد یافت و در نتیجه ارزش ذاتی شریک عاطفی به عنوان انسان منحصر به فرد نادیده گرفته می‌شود (Bauman, 2013)؛ به عبارت دیگر، مردان و زنان دنیای مدرن به شدت نیازمند ایجاد رابطه هستند، اما درعین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و رابطه آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند و موجب سلب آزادی آنان شود. به همین سبب به سمت عشق‌های سیال روی می‌آورند. عشق سیال به این موضوع اشاره دارد که فرد به جای ترمیم و جایگزینی منافع دگرخواهانه بر منافع فردی، به دنبال روابط کوتاهی است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نیازهای عاطفی و جسمی وی پاسخ دهد؛ ولی او را از عشق‌های احتمالی و بهتر در آینده محروم نکند. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند اما تنها مزیت‌های آن را می‌خواهند و نه مشکلاتش را. فرد مدرن با احساس فردیت و تنهایی فزاینده به برقراری روابط با دیگران تمایل می‌شود؛ اما پس از ورود به جریان رابطه درمی‌یابد که نه خود تمایلی برای تعهد و سرمایه‌گذاری دائمی در این رابطه دارد و نه شریک او. به این ترتیب آنچه قرار بود تنهایی او را مرتفع کند و نوعی ثبات و اطمینان روانی به وجود آورد، منشأ اضطراب مضاعف شده است. چنین دیدگاهی است که فرد را وارد روابط متعدد می‌کند؛ نه از آن جهت که شریک معتمد و متعهدی برای باقیمانده زندگی بیابد بلکه به آن خاطر که فرد خود را از خطر وابستگی به یک فرد رها کند. از جهت دیگر او می‌داند دیگرانی نیز هستند که ممکن است از

شریک فعلی او شرایط بهتری داشته باشند؛ بنابراین، با وجود قابلیت‌ها و شایستگی شریک فعلی می‌توان به راحتی او را کنار گذاشته و با دیگری رابطه جدید را برقرار کرد؛ بنابراین، شخص به سمت روابطی خارج از چهارچوب ازدواج گرایش پیدا خواهد کرد (Bauman, 2013).

عشق سیال محصول دوره مدرن است، دوره‌ای است همه‌چیز جاری و در جریان است و هیچ‌چیز ایستا نیست. همه‌چیز در این جامعه، مدام در جریان است و اصلاً وقفه ندارد. وضعیت را نوگرایی/مدرنیته سیال گفته می‌شود. اساس بحث مدرنیته سیال این است که انسان‌ها امروزه در عصری زندگی می‌کنند که هیچ‌گونه تشکل اجتماعی شکل نمی‌گیرد و متبلور نمی‌شود و به‌صورت یک نهاد مستمر و محکم در نمی‌آید و در واقع هیچ‌چیزی تبدیل به سنت نمی‌شود (Bauman, 2013). از سوی دیگر مدرنیته‌گرایی و عدم هدف‌مندی و پایبندی به ارزش‌های خاص افراد را مستعد خلأ وجودی و بی‌معنایی خواهد کرد که زمینه‌ساز بروز انواع اختلاط و نابهنجاری‌های است (Buténaité, Sondaité, & Mock-us, 2016). در همین راستا چوپانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که بی‌معنایی از طریق عشق سیال منجر به رابطه فرازنشویی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری^۱ (Frechette, Bitzas, Aubry, Kilpatrick & La-voie-Tremblay, 2020) انجام گرفت. پدیدارشناسی تفسیری نوعی از پدیدارشناسی وجودی^۲ یا پدیدارشناسی هایدگری^۳ است که بر درک منحصر به فرد شرکت‌کنندگان از هستی متمرکز است. یک مطالعه پدیدارشناسی تفسیری، نشان‌دهنده‌ی برداشت و درک فرد از زمینه‌های اجتماعی است. به عنوان مثال، بودن و زیستن با دیگران^۴ به عنوان یک زمینه اجتماعی مهم، برای افراد مختلف می‌تواند معانی و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد که فقط از طریق تفسیر دیدگاه فرد قابل دستیابی است.

نمونه و جامعه آماری

جامعه آماری، شامل زوجین شهر بیرجند بودند که از خرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره راه‌نو، رویش، میثاق و همراه مراجعه کرده بودند. از بین این زوجین، ۲۱ نفر که سابقه رابطه فرازنشویی داشتند (فرد خیانت‌کننده) به روش هدفمند انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان از مراجعین آزاد بودند که داوطلبانه به مراکز مشاوره جهت مشاوره فردی یا خانوادگی مراجعه کرده بودند. داده‌ها با ۱۸ نفر به اشباع رسید ولی نمونه‌گیری تا ۲۱ نفر ادامه یافت. معیارهای ورود عبارت بودند از: حداقل یک‌بار تجربه خیانت زناشویی در یک سال اخیر، حداقل ۵ سال از زندگی تأهلی گذشته باشد، تمایل و رضایت به شرکت در مصاحبه، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم. معیارهای خروج نیز عبارت بودند از: عدم همکاری در مصاحبه و داشتن اختلال روانی حاد (به تشخیص مصاحبه‌گر).

ابزار

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: در مطالعه حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شد. پژوهشگر با مطالعه پیشینه نظری و تجربی روابط فرازنشویی سؤالات مرتبط را استخراج کرد. در فرایند مصاحبه‌ها ابتدا سؤالات کلی پرسیده شد و با عمیق‌تر شدن مصاحبه، سؤالات پیگیری و اکتشافی طرح شدند. در واقع سؤالات شامل دو بخش بود: الف) مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی؛ ب) سؤالات مربوط به روابط فرازنشویی. سؤالات مربوط به رابطه فرازنشویی با سؤال رابطه شما با همسرتان چگونه بود؟ شروع شد و با سؤالات وجودی (از قبیل عشق برای شما چه معنایی دارد؟ آزادی و آزاد بودن در رابطه زن و شوهری چه معنایی برای شما دارد؟ آیا احساس تنهایی داشتید؟ زندگی برای شما چه معنایی دارد؟) پیگیری شد. روند اجرای پژوهش: بعد از استخراج سؤالات مصاحبه بر اساس مطالعات پیشین، داده‌ها طی دو تا سه جلسه مصاحبه توسط ۳ تن از اساتید روان‌شناسی جمع‌آوری شد و متوسط زمان هر مصاحبه ۹۵ دقیقه بود. با توجه به ماهیت حساس موضوع، سؤالات از جلسه سوم تا پنجم و حین مشاوره از آزمودنی‌ها پرسیده شد تا کمترین سوگیری ایجاد شود. لازم به ذکر است ۷ نفر از ۲۱ آزمودنی اجازه ضبط مصاحبه را ندادند و فقط یادداشت‌برداری انجام پذیرفت. همچنین جهت حفظ شرایط اخلاقی در یادداشت‌های مصاحبه و ضبط‌ها از شماره (کد) به‌جای اسم افراد استفاده شد.

درنهایت، یادداشت‌برداری‌ها و مصاحبه‌ها ضبط شده بعد از تحلیل امحاء شدند. برای تعیین اعتبار داده‌ها از چهار شاخص اعتبار و مقبولیت^۱، اطمینان‌پذیری^۲، قابلیت تصدیق^۳ (تأییدپذیری) و انتقال‌پذیری^۴ استفاده شد. برای تضمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها تا جای امکان متن مصاحبه به صورت مکتوب به شرکت‌کنندگان داده شد و در صورت لزوم تغییرات اعمال گردید. به‌منظور تضمین قابلیت تصدیق تلاش شد از نفوذ پیش‌فرض‌های پژوهشگران در فرایند تجزیه و تحلیل و تفسیر خودداری شود و همچنین متن مصاحبه و مضمون‌ها در اختیار دو تن از متخصصان خانواده‌درمانی دیگر قرار گرفت و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین اطمینان‌پذیری از نتایج، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تحت نظارت چند تن از اساتید روان‌شناسی انجام پذیرفت. جهت برآورد انتقال‌پذیری، نمونه‌ها از کلینیک‌های مختلف جمع‌آوری شده و ویژگی‌جمعی شناختی و فرایند جمع‌آوری اطلاعات با دقت شرح داده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (Frechette et al., 2020) استفاده شد. در این راستا، ابتدا مصاحبه‌ها بر روی برگه‌های دستی مکتوب شدند. سپس پژوهشگر به تکرار این متون را مورد مطالعه قرار داد (هر متن حداقل ۹ بار) تا بیش‌ترین دقت نسبت به درونیات و محتویات متن‌ها به دست آورد. در مرحله بعد، با تکیه بر یادداشت‌های انجام شده، برای هر مصاحبه خلاصه‌های تفسیری نوشته شد و درنهایت تلاش شد تا معنای نهان آن‌ها کشف گردد. لازم به ذکر هر مصاحبه جداگانه تحلیل شد. با ادامه مصاحبه‌ها، مضامین استخراج شده صریح‌تر، جامع‌تر و گاه در مضامین پیشین تجمیع می‌گشتند. برای تناقض‌زدایی در تفسیر و تصریح مضمون‌ها فرآیند بازگشت مجدد به متن‌ها انجام شد. این کار بارها انجام شد تا بین تفسیرهای پدیداری و مضامین، ارتباط بهتری برقرار شود. بعد از استخراج، کدگذاری و مقوله‌بندی اطلاعات، مضمون‌های مرتبط و مشترک، در قالب مضمون‌های فرعی و درنهایت مضمون اصلی ترکیب و مضامین نامرتب حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین طبقه‌ها و یکپارچه‌سازی آن‌ها، از تلفیق تفکر استقرایی و قیاسی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. وضعیت شرکت کنندگان را برحسب جنسیت، سن، مدت ازدواج، تحصیلات، تعداد سابقه درخواست طلاق، طول خیانت و نوع خیانت (عاطفی، جنسی، مختلط) را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	مدت ازدواج	طول خیانت	نوع خیانت	سابقه درخواست طلاق	تعداد فرزند
۱	مرد	۴۱	کارشناسی ارشد	۱۱	۳ ماه	عاطفی	۱	۱
۲	مرد	۲۷	کارشناسی	۵	۲ سال	مختلط	۲	۰
۳	مرد	۲۸	دیپلم	۱۰	۶ ماه	مختلط	۰	۱
۴	زن	۲۹	فوق‌دیپلم	۸	۹ ماه	عاطفی	۰	۰
۵	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	۱۴	۲ سال	مختلط	۲	۲
۶	زن	۴۲	فوق‌دیپلم	۲۳	۱ سال	عاطفی	۱	۱
۷	زن	۳۷	دانشجوی پزشکی	۱۰	۴ سال	مختلط	۰	۱
۸	زن	۲۸	دیپلم	۶	۱ سال	جنسی	۰	۰
۹	مرد	۳۶	کارشناسی	۸	۳ سال	مختلط	۲	۲
۱۰	مرد	۳۵	کارشناسی ارشد	۴	۱۸ ماه	جنسی	۰	۰
۱۱	زن	۲۶	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۲	مرد	۴۲	دیپلم	۱۸	۸ سال	مختلط	۱	۲
۱۳	مرد	۳۴	کارشناسی	۱۰	۴ ماه	مختلط	۰	۲
۱۴	مرد	۳۷	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۵	مرد	۳۳	کارشناسی	۹	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۶	زن	۲۷	دیپلم	۷	۱ سال	مختلط	۱	۱
۱۷	مرد	۳۴	کارشناسی	۱۴	۳ سال	جنسی	۱	۲
۱۸	مرد	۲۸	کارشناسی	۴	۱ سال	جنسی	۱	۰
۱۹	زن	۳۷	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۲۰	زن	۲۹	کارشناسی	۵	۱ سال	عاطفی	۱	۰
۲۱	زن	۳۷	کارشناسی ارشد	۱۵	۱ سال	مختلط	۰	۰

کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازنشویی [...] |

واکاوی تجارب زیسته افراد منجر به استخراج یک مضمون اصلی (خلاً وجودی/ بی‌معنایی)، ۵ مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌پذیری، بحران‌های بین‌فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و دگرگونی ارزشی) و ۱۳۵ واحد معنایی اولیه (مفهوم اولیه) گردید. جدول شماره ۲ یافته‌های اصلی این تحقیق را همراه فراوانی آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲. علل پدیدارشناختی روابط فرازنشویی

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
		محدودیت مختل	استحقاق‌گرایی و احساس استحقاق، تعهدگریزی، نگرش منفی به تعهد، آزادی‌پنداری افراطی، نگرش مثبت به بی‌وفایی، نگاه به وفاداری به عنوان مانع ارتباط با دیگران، عدم پایبندی به محدودیت‌های حد و مرزدار زناشویی، برابر بودن باوفایی با بی‌تجربگی، حصار بودن باوفایی، تکراری بودن شریک جنسی/عاطفی، خودمحوری در رابطه جنسی، مسئولیت‌گریزی، ازدواج به عنوان یک قرارداد معمولی، حماقت‌انگاری انحصار جنسی.	۱۴
	بحران‌های وجودی	گم‌گشتگی/ تنهایی وجودی	احساس مهم نبودن، احساس درک نشدن، احساس بی‌هدفی، پیوندجویی وسواسی، عشق‌خواهی جبری، خلاروانی/عاطفی، تنهایی‌گریزی، احساس مبهم از خود، اجتناب از تأمل درباره خود، احساس هویت‌مندی در حضور دیگران، احساس هویت‌مندی با ترغیب دیگران به رابطه، احساس تنها بودن، ناامیدی، درماندگی.	۳۶

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
خلأ وجودی/ بی‌معنایی وجودی		اشتیاق گرایي/ عشق سیال	جستجوی وسواسی رابطه جنسی، تنوع‌جویی، نگاه ابزارگونه به انسان، بی‌احساسی نسبت به عشق، بازی دادن دیگران، بی‌معنی بودن عشق، سودجویی جنسی در ارتباطات، تغییر موضوع عشق، مقدم بودن اشتیاق بر عشق، پر کردن زمان بیکاری، تصویرسازی‌های جنسی با اندام‌های متفاوت.	۱۶
		شخصیت مستعد	ویژگی‌های شخصیتی (نه اختلال) از قبیل وابسته، مرزی، خودشکفته، نمایشی، ضداجتماعی، ماکیاوولی، برونگرایي، خودکنترلی پایین، بدتنظیمی هیجانی، عدم مدیریت هیجانی، افسردگی، مصرف مواد، عزت‌نفس پایین.	۱۴
آمادگی آسیب‌خیزی	پیشینه آسیب‌زا		تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج، نابسامانی خانواده، طلاق در خانواده، آسیب‌های کودکی، دل‌بستگی نایمن، سابقه فردی رابطه فرازنشویی، سابقه خانوادگی رابطه فرازنشویی، دل‌بستگی به شخص دیگر در قبل از ازدواج، اختلاف سنی زیاد.	۱۶
		بن‌بست‌پنداری زناشویی	عدم پیشرفت زندگی و درجا زدن، بکنواختی عاطفی-جنسی، نارضایتی جنسی، تابو بودن طلاق، طلاق عاطفی، دسترس‌ناپذیری یکی از زوجین، ناتوانی در حل تعارض، قهر و اجتناب از حل تعارض، خشونت (کلامی، هیجانی و فیزیکی)، پشیمانی از ازدواج، دلزدگی زناشویی.	۱۸
	بحران‌های بین‌فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن	پذیرش‌گریزی	انتقاد از همسر و خانواده همسر، انتقاد از ظاهر و جذابیت همسر، بی‌احترامی زوجین، نارضایتی از ازدواج، سرزنش یکدیگر، غر زدن، رفتار تحقیرآمیز همسر، بی‌توجهی همسر، عدم ابراز محبت همسر، توجه مشروط به همسر.	۱۸

کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازنشویی [...]]

مضمون اصلی / محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
		تقابل‌گرایی	انتقام از همسر و خانواده همسر، انتقام از سردمزاجی همسر، تلافی کردن بدرفتاری‌ها جسمانی و هیجانی، جبران همراهی نکردن همدیگر در امور روانی، اجتماعی و خانوادگی، مقایسه کردن/شدن با دیگران، پیدا کردن جایگزین برای همسر، رقابت با همسر، خشم و خشونت، لجاجت با دخالت خانواده.	۱۵
	سوق‌دهنده‌های اجتماعی (سوق‌یافتگی)	بافتارگرایی	فرصت‌های خیانت مثل مسافرت، شغل مختلط و دوری محل کار از خانه، شبکه‌های اجتماعی و مجازی (فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام و...)، فیلم‌های مروج خیانت و پورن، همگامی با دوستان منحرف، همگامی با همکاران منحرف، همگامی با همکلاسی‌های منحرف، ادامه معاشرت‌های دوران مجردی، آشنایی‌های تصادفی.	۱۹
		همسرگزینی نامساعد	ازدواج اجباری، ازدواج برای فرار از خانه، ازدواج برای تأمین هزینه‌های مالی، عدم آشنایی کافی با همسر، انتخاب همسر بدون توجه به ملاک‌های معین، عدم توجه به تناسب پایگاه اجتماعی همسر، بی‌توجهی به فیزیکی و ظاهری همسر.	۹
	تأثیرپذیری از جو اجتماعی / دنباله‌روی		مدگرایی و به‌روز بودن، روشن فکر بودن، مد شدن دور همی‌های اجتماعی، باب‌شدن طلاق.	۸
	ایدئولوژی‌های جنسیتی		دیدگاه مردسالاری، دیدگاه زن‌سالاری، سهل‌گیری نسبت به مردان، عدم پذیرش برابری جنسیتی.	۴
		کاهش معنویت‌گرایی / بحران معنویت	عدم معنابخشی مذهب، کاهش دین‌داری و معنویت، دین‌داری فردگرا (مثل خودصیغه‌خوانی)، سبک تربیت دینی، عدم گناه‌پنداری رابطه جنسی.	۱۴

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
	دگرگونی ارزشی	مدرنیته‌گرایی/ دگرگونی فرهنگی	عدم پابندی به سنت‌ها، مغایرت سنت‌ها با آزادی، اعتقاد به آزادی جنسی، تقلید از فرهنگ‌های مغایر، نسبییت اندیشی و فردیت‌گرایی، لذت‌جویی، محقق کردن فانتزی‌های جنسی غیرقابل قبول، رواج روابط جنسی مبتنی بر تبادل (ضربدری).	۱۵

مضمون اصلی: خلأ وجودی یا بی‌معنایی وجودی

مضمون محوری این مطالعه که تقریباً تمام شرکت‌کنندگان به روش‌ها متفاوت به آن اشاره کردند، خلأ وجودی/بی‌معنایی وجودی بود. بی‌معنای/خلأ وجودی حاکی از یک تهدید خلأ انسانی بنیادین برای وجود افراد پیمان‌شکن بود که در اکثر گفت‌وگوهای مصاحبه‌شوندگان وجود داشت و به نوعی با تمامی زیرمضمون‌ها ارتباط داشت. آن‌ها از هویت خود گرفته تا ارزش‌های جامعه بیگانه بودند و حتی زندگی زناشویی برایشان معنا و مفهومی نداشت. از نظر آن‌ها عشق واقعی وجود نداشت، اشتیاق (هوس) بر عشق واقعی غلبه دارد. آن‌ها احساس رهاشدگی و گم‌گشتی داشتند و زندگی تجردی و دوران کودکی آن‌ها ناخوشایند بوده و نتوانسته بودند در گذشته احساس ارزشمندی کنند و معنای اصیل زندگی را پیدا کنند (زندگی هدفمند نداشته و احساس هدفمندی هم نداشتند). بی‌معنایی و احساس خلأ باعث می‌شد شرکت‌کنندگان در روابط بین‌فردی به هنگام تجربه تعارض (به عنوان بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی زناشویی)، بن‌بست‌سازی کنند و راه‌حل منطقی برای آن نداشته باشند و احساس می‌کردند به دیگران مرتبط نیستند. همچنین به جایی پذیرش تعارضات به عنوان رویداد اجتناب‌ناپذیر زندگی تأهلی و تلاش برای حل آن‌ها، دچار اضطراب مهم نبودن و اضطراب درک‌شدنی می‌شدند. عدم احساس هدفمندی، ارزشمندی و احساس خلأ آن‌ها را دچار سوق‌یافتگی کرده بود و بدون تأمل، توسط دیگران و شرایط هدایت می‌شدند؛ بنابراین، در بافت‌های اجتماعی مختلف و حتی همسرگزینی، معیارها و ملاک‌های معین و هدفمندی نداشتند که راهنمای رفتاری آن‌ها باشد. در نهایت، شرکت‌کنندگان به علت خلأ وجودی درک معنابخشی از مذهب نداشتند دچار دگرگونی ارزش‌ها و بحران معنویت شده بودند. در ارتباط نقل‌قول‌هایی که به‌طور مستقیم با بی‌معنایی مرتبط شرکت‌کننده شماره

۱۱ گفتند «... الان به مرحله‌ایی رسیدم که به خودم می‌گم که چی؟ همه اینا تهش که چی؟ و هیچ معنایی نمی‌تونم برای هرکاری که انجام می‌دم یا انجام خواهم داد یا می‌تونم انجام بدم پیدا کنم». بعلاوه مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت «اصلاً نفهمیدم تو این زندگی چی می‌خوام...».

زیرمضمون‌ها: در این بخش زیرمضمون‌ها همراه مؤلفه و مفاهیم نهایی توضیح داده شده‌اند.

۱. بحران‌های وجودی

شرکت‌کنندگان در پذیرش اصل‌های وجودی هم دچار مشکل بودند و بحران‌های وجودی همراه با ۳ مؤلفه و مفهوم نهایی (محدودیت مختل، اشتیاق‌گرایی/عشق سیال و گم‌گشتگی/تنهایی وجودی) از مهم‌ترین تجارب پدیدارشناسانه افراد پیمان‌شکن بود. شرکت‌کنندگان در این مطالعه درباره واقعیت‌ها و مفاهیم وجودی از قبیل عشق، آزادی، مسئولیت و تنهایی وجودی دچار بحران شده بودند. بیشتر دنبال رابطه جنسی بودند تا عشق اصیل و عشق (غیراصیل) آن‌ها مدام در حال تغییر بوده و معتقد بودند که اشتیاق بر عشق مقدم است. برای مثال شرکت شماره ۱ بیان کرد: «عشق! (خنده) من به عشق اعتقادی ندارم...». آن‌ها در پذیرش تعهد و محدودیت هم نقص داشتند (محدودیت مختل) این افراد به شدت با احساس تنهایی وجودی، رهاشدگی و گم‌گشتی در کشمکش بودند. در این راستا، بعد از تشکیل روابط فرازناشویی در کوتاه‌مدت در جدال با رهاشدگی و گم‌گشتی موفق بودند. ولی بعد از گذشت زمان دوباره احساس تنهایی کرده و سعی در جستجوی روابط تازه بودند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۶ ابراز کرد «... خودتونو بذارید جای من که همش احساس تنهایی می‌کنید، احساس می‌کنید رها شدید و کسی بهتون تعلق خاطر نداره.... تازه من یه احساسی هم دارم که کسی درکش نمی‌کنه...».

۲. آمادگی آسیب‌خیزی

آمادگی آسیب‌خیزی همراه با ۲ مؤلفه و مفهوم نهایی (شخصیت مستعد و پیشینه آسیب‌زا) از دیگر تجارب پدیدارشناسانه افراد پیمان‌شکن بود. تحلیل‌گفتمان شرکت‌کنندگان نشان داد که این افراد از لحاظ شخصیتی، روان‌شناختی و پیشینه زندگی مستعد روابط فرازناشویی بودند. در این میان، بعضی از آن‌ها دچار بی‌ثباتی در اهداف

و ارزش‌گذاری‌ها بودند و ارزنده‌سازی - ناززنده‌سازی افرادِ نزدیک، جزء لاینفک زندگی‌شان بود. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان کرد «ببینید من خیلی وقتاً دنبال یک رابطه نبودم فقط با ادا و اطوار رفتار می‌کردم که توجه فرد را بگیرم آخه این‌طوری حس خوبی داشتم که بهم توجه می‌کردن ... حتی وقتی جمعی با دوستانم بیرون می‌رفتیم تلاش می‌کردم مرکز توجه باشم، سر این قضیه با همسرم بحث‌مون شده بود... اینقد ادا بازی داشتم که با یکی خیلی جور شدم. با این یارو که دوست شدم حس می‌کردم زندگیم تغییر کرده و انگار روح تازه‌ایی داشتم و همه چی برام قشنگ بود». همچنین تاریخچه زندگی آنها مملو از تجارب ناخوشایند بود. آنها معتقد بودند این اتفاقات ناگوار در نهایت باعث شده که نگاه بی‌معنایی به هستی و زندگی داشته باشند. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۶ بیان کرد «خودتونو بذارید جای من تو خانواده‌ایی باشید که مادرتون هر روز کتک بخوره و پدرتون هر روز بهتون گیر الکی بده. مثلاً یادمه من یه بار صبح دست و صورتمو که شستم، به موهام آب زدم و صافش کردم، پدرم این صحنه رو دید و با لهجه خاص خودش یک فحش بدی به من داد که نمی‌تونم بگم... راستش انگا منو دوس نداشتن... منم الان دوس داشتن بلد نیستم».

۳. بحران‌های بین‌فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن

سومین مضمون فرعی استخراج شده بحران‌های بین‌فردی بود که دارای ۳ مفهوم نهایی بن‌بست‌پنداری زناشویی، پذیرش‌گریزی و تقابل‌گرایی بود. شرکت‌کنندگان در زندگی روزمره و زناشویی دچار بحران‌های بین‌فردی بوده و این بحران‌ها برای آنها قابل پذیرش و تحمل نبود. آنها معنا و هدفی نداشتند که تحمل و پذیرش را برایشان تسهیل کند یا راهبردهایی را برای حل آن خلق کنند. آنها مشکلات جزئی را به عنوان بحران‌های لاینحل قلمداد می‌کردند و به سرعت دچار یاس و ناامیدی می‌گشتند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ بیان داشت «... از وقتی وارد بازاریابی شبکه‌ایی شدم فهمیدم ما چقدر از زندگی عقبیم و هیچ پیشرفتی نداریم و فقط سگ‌دو زدیم. من زندگی‌ایی که بدون پیشرفت باشه را نمی‌خوام. مگه میشه زندگی‌تون یکنواخت باشه و شما قبولش کنید؟ ... فقط دوس داشتن کافی نیست... من آدمیم که هم به لحاظ اقتصادی می‌خوام از همه آشناها سر باشیم و هم تو رابطه‌مون باید خیلی گرم باشیم. رابطه ما هراز گاهی بد میشه و من راضی نیستم». شرکت‌کنندگان همچنین از پذیرش همسر سرباز می‌زدند و رفتارهای منفی با همسر داشتند که بحران‌آفرین بود. آنها

پذیرش همسر را به رفتارهای خاصی که با پذیرش اصیل در تضاد بود مشروط کرده بودند. برای مثال شرکت شماره ۱۵ اظهار کرد «من هر کاری می‌کنم نمی‌تونم زنمو با زنایی که می‌بینم مقایسه نکنم حتی اگه بهش نگم تو ذهنم همش مقایسه میکنم و آرزو می‌کنم کاش مثلاً فلانی بود... من دوس داشتم زنم مثل زنای امروزی به روز و خوش تیپ باشه خیلی هم تلاش کردم حتی باشگاه ثبت‌نامش کردم ... آخرش دیدم نه این اونی میشه که من دوس دارم، نه من می‌تونم این همه دردسرو تحمل کنم...». در نهایت شرکت کنندگان وقتی از سمت همسر پذیرفته نمی‌شدند احساس می‌کردند ارزش وجودی خود را از دست داده‌اند و برای بازیافتن آن رفتارهای تقابلی گرایانه داشتند. در این راستا، آن‌ها همسر خود را مور خشم و انتقاد قرار می‌دادند، سعی داشتند از او انتقام بگیرند و دنبال فردی جایگزین برای همسر خود بودند.

۴. سوق‌دهنده‌های اجتماعی/سوق‌یافتگی

چهارمین مضمون فرعی استخراج شده سوق‌دهنده‌های اجتماعی نامیده شد که دارای ۴ مفهوم نهایی بافتارگرایی، همسرگزینی نامساعد، تاثیرپذیری از جو اجتماعی و ایدئولوژی‌های جنسیتی بود. شرکت کنندگان بر اساس انگاره‌های دیگران و از پیش موجود رفتار می‌کردند. آن‌ها در بستر و موقعیت‌هایی که حضور می‌یافتند، در آن گیر می‌کردند و بدون تأمل پاسخ می‌دادند. برای مثال شرکت کننده شماره ۸ بیان داشت «وقتی گوشو دستم می‌گرفتم دنبال پیچ‌ها و گروه‌هایی دوستی بودم. چنتاشو پیدا کرده بودم و هر روز عادت داشتم چک کنم. تو اینا همه جور آدم هست و روابط آزاده. شما می‌تونن عکس خودتو بدی و عکس دیگرانو ببینی تا شخص مورد نظر خودتو پیدا کنی... راستش برای اولین بار از طریق دوستم که مجرده با اینا آشنا شدم... زمان‌هایی که درگیر اینکارا بودم انگار سرحال بودم و وقتی می‌داشتم کنار اون بی‌حسی دوباره می‌اومد سراغم». شرکت کنندگان همچنین در شرایط انتخاب همسر هم خیلی تأمل نداشتند و در اینجا هم سوق‌یافتگی و رفتار براساس انگاره‌های دیگران مشاهده می‌شد. آن‌ها در انتخاب همسر ملاک‌محور عمل نکرده بودند و معیارهای مشخصی برای آن نداشتند. برای مثال شرکت کننده شماره ۲۰ گفتند «... من حتی در انتخاب همسر هم فکر نکردم به خدا. همه فکر و ذکر من این بود که از جهنمی که دارم فرار کنم...». سومین مؤلفه سوق‌یافتگی شرکت کنندگان، تاثیرپذیری افراطی از جو اجتماعی بود. آن‌ها به شدن تحت تأثیر شرایط جوی جامعه بودند و دنباله‌رویی از رفتارهای

بارز آن‌ها محسوب می‌شد. در واقع، دنباله‌روی آن‌ها به یک سبک زندگی تبدیل شده بود که از آن طریق به زندگی و دنیا احساس تعلق می‌کردند. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۱ بیان کرد «تنها چیزی که فک کنم بهش علاقه دارم و دوس دارم همیشه انجام بدم آپدیت بودن. مثلاً اون وقتایی که لباس لاکچری و مد روز می‌پوشم با غرور راه میرم و حس خوبی دارم که شاید نتونم توصیفش کنم ... خیلی وقتاً مدل لباسم و به روز بودنم باعث میشه همه بهم توجه کنن ... اینطوری احساس خوبی دارم و دوسش دارم راستش». در نهایت سوق‌یافتگی‌ها در ایدئولوژی‌های جنسیتی هم متبلور شده بود و شرکت‌کنندگان دیدگاه‌های قالبی نسبت به جنسیت داشتند و دوگانگی جنسیتی برای آن‌ها قابل پذیرش نبود.

۵. دگرگونی ارزشی

آخرین مضمون فرعی که در این مطالعه استخراج شده دگرگونی ارزشی بود که شامل مفهوم نهایی بحران معنویت (کاهش معنویت‌گرایی) و مدرنیته‌گرایی (نوگرایی) بود. مصاحبه‌شوندگان با ارزش‌های جامعه ایرانی بیگانه شده بودند. از نظر آن‌ها مذهب و مناسک وابسته به آن دیگر معنایی ندارد و رهایی‌بخش نبود، دین‌داری فردگرا مثل خود صیغه‌خوانی را بر مرجعیت محوری ترجیح می‌دادند، نوگرا بودند، آداب و رسوم و سنت‌های از پیش موجود را نمی‌پذیرفتند. آن‌ها خرد خود را معیار درستی یا نادرستی رفتارشان می‌دانستند. دیدگاه لیبرال داشتند و معتقد بودند که آزاد هستند تا هر کاری بکنند. سنت‌های ازدواج را مغایر با آزادی می‌دانستند؛ گاه اعتقاد به آزادی جنسی در بعضی آن‌ها مشاهده می‌شد و حتی فانتزی‌های جنسی‌ای داشتند که با فرهنگ ایرانی - اسلامی همخوانی نداشت؛ به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها ارزش‌هایی مثل دین‌داری، معنویت و سنت‌ها نوعی محدودیت تلقی می‌شد که بیشتر پیشینیان از آن‌ها پیروی می‌کردند و در دنیای امروزی جایگاهی نداشته و حتی منجر به عقب‌ماندگی می‌شود. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کردند «من خیلی وقت است ارتباطم با خدا قطع شده است...». شرکت‌کننده شماره ۱۵ نیز بیان داشت که اجرای فانتزی‌های جنسی با اون فرد برایم راحت‌تر بود ... اون خیلی با فانتزهای من کنار می‌اومد. یادمه یکبار فانتزیمو به خانمم گفت چه الم شنگه‌ایی که به پا نشد.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف واکاوی پدیدارشناختی علل روابط فرازشویی در زوجین شهر بیرجند انجام گرفت. در این مطالعه یک مضمون اصلی (خلأ وجودی/بی معنایی) و ۵ مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌خیزی، بحران‌های بین‌فردی، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و استحاله ارزشی) استخراج گردید.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه دچار خلأ وجودی یا بی‌معنایی وجودی شده بودند که با یافته چوپانی و همکاران (چوپانی و همکاران، ۱۴۰۰) همخوان است. آن‌ها نیز نشان دادند که بحران‌ها وجودی بویژه از خودبیگانگی وجودی اصلی‌تر عامل روابط فرازشویی در مردان است. حیدریان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز در یک مطالعه کمی نقش مثبت معنایابی را در تعهدات زناشویی نشان دادند. برای شرکت‌کنندگان این مطالعه، زندگی زناشویی و حتی دنیا اهمیت خودش را از دست داده بود و نمی‌توانستند رویدادها و افراد را به خودی خود بپذیرند. همچنین ابراز داشتند که خودشان هم پذیرفته نمی‌شوند و تلاش برای یافتن ارتباط‌های متعدد برای آن‌ها احساس معناجویی، هدفمندی و ارزشمندی می‌داد. خلأ وجودی تهدیدی برای هستی فرد قلمداد می‌شود که باعث ایجاد اضطراب می‌گردد. چنین اضطرابی فرد را برای مقابله یا دفاع، از جمله جستجوی معنا و/یا تجربه آسیب‌شناسی روانی، برمی‌انگیزد (Frechette et al., 2020)؛ بنابراین، انتظار مشکلات رفتاری، خانوادگی و زناشویی برای این افراد قابل تصور است. به‌طور اخص، خلأ وجودی شامل سه بعد درک‌نکردن^۲، بی‌هدفی^۳ و احساس بی‌اهمیتی^۴ است (Frechette et al., 2020). ابعادی که در این مطالعه نیز استخراج گردید. وقتی بین گزاره‌های فرد درباره چرایی وقوع رویدادها و تجربیات زندگی سازگار نباشد دچار عدم انسجام یا عدم درک می‌گردد. در واقع فرد نمی‌تواند به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهد: چرا این اتفاقات در زندگی من رخ می‌دهد؟ همچنین شرکت‌کنندگان احساس داشتند که توسط اهداف ارزشمند هدایت و انگیزه‌مند نمی‌شوند (بی‌هدفی). برای مثال، گزاره‌های فرد درباره دنیا ممکن است مشخص کند که «همسر خوب بودن» یک هدف بسیار مطلوب است و این هدف ممکن است برای هویت فرد، مرکزی باشد و ارزش‌های اصلی او را منعکس کند. چنین هدفی به احساس

هدف کمک می‌کند. احساسی که فرد را در زندگی هدایت و انگیزه‌مند می‌کند و نهایتاً مانعی برای روابط فرازناشویی خواهد بود. در نهایت شرکت‌کنندگان، احساس می‌کردند اهمیتی در زندگی ندارند (بی‌اهمیتی). اهمیت عبارت است از احساس برخورداری از اهمیت و ارزش در جهان و به معنای احساس این است که زندگی یک اهمیت عمیق و پایدار دارد. تجربه کم‌اهمیت بودن نیز به معنای احساس این است که وجود فرد اهمیت کمی دارد و نبودن او هیچ تأثیری بر جهان ندارد. برای مثال، وقتی فردی از سوی افراد مهم مثل همسر نازنده‌سازی شود؛ احتمال دارد به این دیدگاه تعمیم‌یافته دست یابد که «زندگی من برای این دنیا ارزشی ندارد» (احساس بی‌اهمیتی) و در این راستا، جهت‌بازیابی اهمیت خود دست به فعالیت‌های غیرارزشی مثل روابط فرازناشویی خواهد زد (Frechette et al., 2020). با ادراک این سه بعد وجودی اضطراب‌های مربوط به هر حوزه (اضطراب عدم درک، بی‌هدفی و بی‌اهمیتی) انگیزه می‌گردد (Li, Wong, McCullough, Jin, & Wang, 2022) و جهت کاهش تنش ناشی از آن فرد را به سوی روابط متعدد هدایت می‌کند.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه دچار بحران‌های وجودی بودند (تنهایی وجودی، عشق سیال/اشتیاق‌گرایی و محدودیت مختل). همخوان با این مطالعه فلاحیان و همکاران (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۸) نیز عشق سازنده را یک عامل بازدارنده برای روابط فرازناشویی معرفی کردند. همچنین فاتحی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در یک مطالعه کیفی، عشق توخالی و تنهایی وجودی را در ارتباط با روابط فرازناشویی استخراج کردند. بهمنش و همکاران (۱۳۹۹) و زمردیان و اکبری (۱۴۰۰) نیز احساس خلاً و تنهایی را به عنوان یک عامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی گزارش کردند. هم‌راستا با نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، نگرش مثبت به قصدهای رفتاری (مثل رابطه فرازناشویی) از پیش بین‌ها رابطه فرازناشویی محسوب می‌شود که در مطالعه حاضر در قالب محدودیت‌های مختل طبقه‌بندی شدند. بحران‌های وجودی به عنوان لحظه‌ای تعریف می‌شود که در آن فرد اساس زندگی خود را زیر سؤال می‌برد؛ آیا زندگی من دارای معنا، هدف یا ارزش است؟ به عبارتی دیگر، بحران وجودی به معنای یک رویارویی مداوم با محدودیت‌های انسانی خود است که شخص نمی‌تواند به‌طور کامل آن را کنترل کند و بنابراین اضطراب وجودی را تجربه می‌کند (Buténaité, Sondaité, & Mockus, 2016)؛ مشابه هر آنچه شرکت‌کنندگان در این مطالعه تجربه داشتند. آن‌ها ناامید و درمانده بودند، مسئولیت‌ها برایشان اضطراب‌زا بود، از تنهایی

اجتناب می‌کردند و دنبال روابط کوتاه‌مدت (عشق سیال) بودند، روابط حد و مرزدار را محدودیت می‌پنداشتند و غیره. در واقع بحران وجودی مؤلفه عاطفی زیادی دارد که بعضی از آن‌ها شامل درد عاطفی^۱، ناامیدی و درماندگی^۲، آسیب‌پذیری عاطفی^۳ و تنهایی است (Buténaité et al., 2016). این مؤلفه‌ها، جنبه‌هایی از بحران وجودی بودند که در مطالعه حاضر استخراج گردید. درد عاطفی زمانی به وجود می‌آید که فرد به بی‌معنا بودن وجود خود (خلأ وجودی) پی می‌برد. تجربه همزمان دو قطب متضاد آزادی و وابستگی نیز باعث ناامیدی و درماندگی فراگیر درونی می‌شود. در واقع پیوند زناشویی بخشی از وابستگی قلمداد می‌شود که از نظر شرکت‌کنندگان سلب‌کننده آزادی بود و آن‌ها با جستجوی روابط خارج از رابطه زناشویی دنبال آزادی بیشتر بودند. افراد حین تجربه آسیب‌پذیری عاطفی، طیف وسیعی از احساسات و از دست دادن احساس کنترل را تجربه می‌کنند (Buténaité et al., 2016). افراد حاضر در این مطالعه نیز تعدهای زناشویی را نوعی کنترل‌شدگی تفسیر می‌کردند که با آزادی ذهنی آنان مغایرت داشت. در واقع، رعایت تعهدات و چارچوب زناشویی برای آن‌ها مشکل‌زا و گاه به لحاظ عاطفی با درد و رنج همراه بود که روابط خارج از چارچوب می‌تواند راهبردی برای مقابله با این درد قلمداد شود. همچنین شرکت‌کنندگان، بر این باور بودند که در یک جهان بی‌رحم‌ها شده‌اند (رهاشدگی و گم‌گشتگی) که هر لحظه احتمال دارد دچار آسیب شوند. احساس گم‌گشتی و تنهایی برایشان آن‌قدر رنج‌آفرین بود که شرایط را برای روابط مختلف و نابهنجار (برای کاهش شدت گم‌گشتگی و تنهایی) فراهم می‌کرد. در نهایت، درگیر شدن در روابط فرازناشویی ناشی از نوعی اشتیاق‌گرایی و عشق سیال بود و اکثراً با هدف ارضای نیازها به‌ویژه نیاز جنسی برقرار می‌شد. به‌صورت کلی، می‌توان گفت که شرکت‌کنندگان برای اجتناب از اضطراب ناشی بحران‌های وجودی تلاش می‌کنند نیازهای خود را به‌صورت لحظه‌ای و بدون پایبندی به یک امر خاص (مثل تعهد زناشویی) ارضا کنند.

از دیگر یافته‌های این مطالعه که افراد را مستعد روابط فرازناشویی می‌کرد آمادگی آسیب‌خیزی (شخصیت مستعد و پیشینه آسیب‌زا) بود. مطالعات هم‌تجارب آسیب‌زای پیشین را به عنوان یک عامل اساسی در ایجاد احساس خلأ وجودی و نابهنجاری‌ها شناسایی کرده‌اند (Weibel et al., 2017). مشابه این مطالعه، شریفی‌ساعی و آزادارمکی

1. Emotional pain
2. Despair and helplessness
3. Emotional vulnerability

(۱۴۰۰)، کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، خامسان و همکاران (۱۴۰۱) از شخصیت به عنوان یک آمادگی برای روابط فرانشویی یاد کرده‌اند. در مطالعات تاج بخش (۱۴۰۰) عطاپور و همکاران (۱۳۹۹)، خیاط و همکاران (۱۳۹۷) و نرگسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز گذشته آشفته و نابهنجار (پیشینه آسیب‌زا) با روابط فرانشویی مرتبط بود. در این مطالعه ویژگی‌های شخصیتی وابسته، هیجان‌مدار، تجربه‌جو، برونگرا، خودکنترلی پایین، بدتنظیمی هیجانی، عدم مدیریت هیجانی و عزت‌نفس پایین از خصیصه‌هایی بود که شرکت‌کنندگان به نوعی به وجود آن‌ها اذعان داشتند. شاید نقطه تشابه این ویژگی‌های شخصی در بدتنظیمی هیجانی یا ناتوانی در مدیریت هیجان‌ها (خودکنترلی ناکافی) باشد. از سوی دیگر، پیشینه‌ی آسیب‌زا از قبیل تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج، نابسامانی خانواده، طلاق در خانواده، آسیب‌های کودکی، دل‌بستگی نایمن، سابقه رابطه فرانشویی، سابقه خانوادگی رابطه فرانشویی، دل‌بستگی به شخص دیگر در قبل از ازدواج و اختلاف سنی زیاد به نوعی فرد را از قبل آماده آسیب‌پذیری می‌کند. فردی که با پیشینه‌ی نابهنجار رشد کند در شرایط بحرانی یا زمان بروز تعارض بین فردی در مدیریت آن‌ها مشکلات بیشتری خواهد داشت و احتمال تجربه درک‌نشده‌ی مهم نبودن (از مؤلفه‌های خلأ وجودی) در زندگی آن‌ها زیاد است. همچنین فردی که قبلاً یک رابطه جنسی و فرانشویی لذت‌بخش را تجربه کرده باشد علاوه بر بهنجارسازی این روابط، این فرد معنای غیراصیل زندگی را در آن پیدا می‌کند؛ لذا احتمال تجربه مجدد آن افزایش می‌یابد؛ در نتیجه کاهش تعهدات زناشویی را به همراه خواهد داشت (عطاپور و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع می‌توان گفت این ویژگی‌های درونی و شرایط بیرونی مهیاساز، آمادگی‌های اولیه هستند که حتی قبل از ازدواج در افراد وجود داشته است. با توجه به مصاحبه‌ها، این آمادگی‌ها شرایطی را برای فرد رقم می‌زند که در آن اهمیت خود فرد و زندگی‌اش کاهش یافته (اگر نگوییم از بین می‌رود) و دچار بی‌هدفی و عدم درک زندگی (زندگی من به چه دردی می‌خورد؟) می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، زمینه برای تجربه بی‌معنایی و خلأ وجودی فراهم می‌گردد.

بحران‌های بین فردی با سه مضمون فرعی بن‌بست‌پنداری زناشویی، پذیرش‌گریزی و تقابل‌گرایی از دیگر عوامل زمینه‌ساز روابط فرانشویی بود. این بحران‌ها بیشتر شامل تعارضات بین زوجین با همدیگر و با خانواده‌های یکدیگر بود. این بحران‌ها از طریق عدم ارضای نیاز مرتبط بودن^۲ (یک نیاز وجودی) فرد را به سوی خلأ وجود

1. Normalization

2. Relatedness

هدایت می‌کند. در این راستا، شرکت‌کنندگان دچار بن‌بست‌پنداری زناشویی بودند؛ یعنی آن‌ها مشکلات و تعارضات غیرقابل اجتناب را به عنوان مشکلات لاینحل قلمداد می‌کردند. آن‌ها به خاطر این بن‌بست‌سازی، از ازدواج‌شان ابراز پشیمانی کرده و دچار دلزدگی زناشویی می‌شدند و احساس می‌کردند به دیگران مرتبط نیستند و توسط آن‌ها درک نمی‌شوند. پژوهش‌ها نیز ناامیدی برای حل تعارض را اولین گامی برای شکل‌گیری روابط فرازناشویی معرفی کرده‌اند (فتحی، ۱۳۹۵). دومین بحران بین‌فردی، پذیرش‌گریزی بود؛ یعنی، روش‌های معمول زوجین در تعاملات‌شان شامل انتقاد از همسر و خانواده همسر، انتقاد از ظاهر و جذابیت همسر، بی‌احترامی، ابراز نارضایتی از ازدواج، سرزنش یکدیگر، غر زدن، رفتار تحقیرآمیز، بی‌توجهی، عدم ابراز محبت، توجه مشروط و مقایسه کردن بود. در نهایت، زوجین نتوانسته بودند در امور مختلف باهم همسو و هماهنگ باشند و بیشتر در تقابل بودند (تقابل‌گرایی). این ناهماهنگی‌ها و رقابت بین زوجین منجر به بدرفتاری‌های فیزیکی و هیجانی شده و خشونت را بین آن‌ها رواج داده بود. مطالعات پیشین نیز به یافته‌های مشابهی دست‌یافتند. برای مثال در مطالعه غفوریان‌نوروزی و همکاران (۱۳۹۷) علل خانوادگی رابطه فرازناشویی با مفاهیمی از قبیل بی‌احترامی خانواده همسر و دخالت خانواده همسر همراه بود. در مطالعه تمرچی و همکاران (۱۴۰۰) عوامل تعاملی از قبیل قهرهای طولانی، تعارضات شدید و فرسودگی زناشویی؛ در پژوهش تاج‌بخش (۱۴۰۰) عوامل خانوادگی مثل یکنواختی در روابط زناشویی؛ در تحقیق مایلی و همکاران (۱۳۹۹) عوامل بین‌فردی مانند کیفیت پایین رابطه زناشویی و ناهمسویی و همراهی نکردن یکدیگر؛ و در مطالعه زمردیان و اکبری (۱۴۰۰) نیز مؤلفه‌های بین‌فردی از قبیل اختلال در رابطه عاطفی با همسر، سردی و نارضایتی جنسی از علل روابط فرازناشویی بود.

پنجمین یافته‌ها مهم در ارتباط با علت رابطه فرازناشویی، سوق‌دهنده‌های اجتماعی بود که دارای چهار بعد بافتارگرایی، تأثیرپذیری از جو اجتماعی/دنباله‌روی، همسرگزینی نامساعد و ایدئولوژی‌های جنسیتی بود. درواقع بسترهای اجتماعی می‌توانند به عنوان یک محرک شرایط را برای ایجاد روابط فرازناشویی مهیا سازد. فردی که در همسرگزینی معیارها و ملاک‌های روشنی نداشته باشد (مثل ازدواج بدون آگاهی یا اجباری، ازدواج جهت فرار از خانه و غیره) مستعد برقراری روابط عاطفی-جنسی است (۱۴۰۰). همایندی همسرگزینی نامساعد با بافت‌مستعد و فرصت‌های خیانت از قبیل مسافرت، شغل مختلط، شبکه‌های اجتماعی و مجازی (فیس‌بوک،

تلگرام، اینستاگرام و...)، فیلم‌های مروج خیانت و پورن، داشتن با دوستان منحرف و غیره موجب عادی‌سازی و سوق دادن فرد به رابطه فرازنشویی می‌شود؛ به عبارت دیگر، بر اساس نظریه کاشت همه افراد تحت تأثیر بافت اجتماعی به‌ویژه رسانه‌های جمعی هستند. در این راستا، افرادی که ملاک‌های روشنی جهت همسرگزینی ندارند از رسانه‌های جمعی، بافت زندگی، دوستان و غیره بیشتر تأثیر خواهند پذیرفت و لذا برای روابط فرازنشویی مستعد خواهند بود. در نهایت بسترها و سوق‌دهنده‌های اجتماعی در قالب ایدئولوژی‌های جنسیتی (دیدگاه مردسالاری، دیدگاه زن‌سالاری، سهل‌گیری نسبت به مردان، عدم پذیرش برابری جنسیتی) بروز یافت. شرکت‌کنندگان دیدگاه‌های کلیشه‌ایی نسبت به جنسیت داشتند و دوگانگی جنسیتی (آندروژن روانی^۱) برای آن‌ها قابل پذیرش نبود. مردان از پذیرش نقش‌های زنانه پرهیز می‌کردند و انتظارات رفتاری‌شان از خودشان حول محور آزادی و استقلال می‌چرخید و صفات بیانی^۲ (مثل نوع دوستی و محبت) را نشانه ضعف و بی‌معنی تفسیر می‌کردند و در نتیجه در ارضای نیازهای عاطفی زنان ناکام می‌ماندند. بعلاوه، به سبب وجود کلیشه‌هایی که معتقد است رابطه جنسی برای مردان در مقایسه با زنان درگیری عاطفی کمتری ایجاد می‌کند، خیانت مردانه غالباً طبیعی یا غیرمهم تلقی می‌شود؛ اما خیانت زنانه امری غیرطبیعی یا بسیار مهم تلقی می‌گردد؛ اما با گسترش ارزش‌های مدرن و ورود زنان به محیط کار، امروزه نظام جنسیتی دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و برعکس، بعضی از زنان این مطالعه نیز دیدگاه‌ها زن‌سالاری داشتند و خودشان را برتر از مردان تلقی کرده و در این راستا خودشان را مستحق می‌دیدند. این تضادهای نگرشی وابسته به جنسیت با روابط فرازنشویی رابطه دارد (کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰). بسترهای اجتماعی از قبیل همسرگزینی نامساعد، شبکه‌های اجتماعی (تاج‌بخش، ۱۴۰۰)، ایدئولوژی‌های جنسیتی (کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰)، پورنوگرافی و بافتارگرایی (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱)، ازدواج تحمیلی، مشکلات اقتصادی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، ازدواج مصححتی، ازدواج در سن پایین، تأثیرپذیری از دوستان و سهل‌گیری نسبت به مردان (فولادیان و همکاران، ۱۴۰۰) در مطالعات پیشین نیز استخراج شده بود.

آخرین مضمون فرعی مستخرج از این مطالعه دگرگونی ارزشی بود که دو مؤلفه بحران معنویت (از قبیل عدم معنا بخشی مذهب، کاهش دین‌داری و معنویت، دین‌داری فردگرا، سبک تربیت دینی، عدم گناه‌پنداری رابطه جنسی) و مدرنیته‌گرایی/دگرگونی

1. Psychological Androgyny

2. Expressive traits

فرهنگی (از قبیل عدم پایبندی به سنت‌ها، مغایرت سنت‌ها با آزادی، اعتقاد به آزادی جنسی، تقلید از فرهنگ‌های مغایر، لذت‌جویی) را شامل می‌شد. بعضی از این شرکت‌کنندگان ابراز کردند که به دین اعتقادی کمتری داشته و مناسک دینی را انجام نمی‌دهند یا خیلی کم انجام می‌دهند. بعضی از آن‌ها که مناسک دینی را انجام می‌دادند، اشاره کردند که این اعتقادات مانع روابط فرازشویی نشده است. شرکت‌کنندگان این مطالعه حتی اگر اعمال و مناسک دینی- مذهبی را انجام داده باشند؛ درک معنابخشی از مذهب نداشتند و به هنگام رابطه فرازشویی به گناه بودن عمل‌شان فکر نکرده‌اند. درواقع باور به اعتقادات دینی در مورد مقدس بودن ازدواج و انجام اعمال و مناسک مذهبی از طریق گسترش معنویت منجر به آرامش زوجین می‌گردد. در این راستا، آلفالی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه با زوجین مسلمان نشان دادند که اسلام و مذهب به عنوان یک سبک زندگی و متحدکننده ازدواج برای مسلمانان است. آن‌ها گاهی خداوند را به عنوان «ضلع سوم» زندگی خود ادراک می‌کنند. همچنین، در پی تجربه دگرگونی ارزشی، شرکت‌کنندگان دچار مشکلاتی شده بودند که پیامد مدرنیته‌گرایی و نوگرایی بود. لذت‌جویی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ابزارگرایی به عنوان ارزش‌های اساسی تلقی شده و اکثر آن‌ها بیشتر به نفع شخصی می‌اندیشیدند و منافع خود را در اولویت قرار می‌دادند. همچنین، رابطه آن‌ها از نظر معنوی تهی شده و درصدد لذت‌جویی لحظه‌ای و کوتاه‌مدت بودند و رابطه اکثر آن‌ها به سوی سکسوالیزه شدن رفته بود. رابطه‌هایی از این دست، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود (منصوری، غنیمتی و سعیدیان، ۱۴۰۱؛ تاج‌بخش، ۱۴۰۰). درواقع، مدرنیته‌گرایی با تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی دینی- معنوی شرکت‌کنندگان همراه بود. مهم‌تر این که بعضی از شرکت‌کنندگان دچار تغییر الگوی دینداری از دین‌داری مرجعیت‌گرا (فقهی) به دین‌داری فردگرا (سکولار) شده بودند. با کاهش یافتن این رفتارهای ارزشی زمینه برای تجربه خلاء وجود فراهم می‌شود (Frechette et al., 2020). دگرگونی ارزشی در مطالعات دیگر از قبیل فولادیان و همکاران (۱۴۰۰)، بهمنش و رضایی (۱۳۹۹)، غفوریان‌نوروزی و همکاران (۱۳۹۷)، خامسان و همکاران (۱۴۰۱) و نرگسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز به عنوان یک عامل زمینه‌ساز روابط فرازشویی استخراج شده است. مهم‌ترین محدودیت‌های این مطالعه عبارت بود از محدود بودن نمونه‌گیری به یک استان و یک شهر (بیرجند) که شاید تمامی دیدگاه‌های موجود را منعکس نکند.

همچنین تابو بودن موضوع رابطه فرازناشویی در فرهنگ ایرانی - اسلامی شاید منجر به عدم انعکاس تمامی دیدگاه‌ها مصاحبه‌شوندگان گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سطح ملی نیز انجام شود و عوامل پدیداری مرتبط با رابطه فرازناشویی در استان‌ها مقایسه گردد.

دستاوردهای سیاستی برای نظام حکمرانی کشور

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این مطالعه، شناسایی خلأ وجودی به عنوان مؤلفه محوری و مرکزی در روابط فرازناشویی و از هم‌پاشیدگی خانواده بود. در این راستا، نظام حاکمیتی می‌تواند در سطح ملی و کلان با تدوین برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی (مثل ایجاد نشاط اجتماعی، ارج‌دهی به هویت، فراهم کردن بافتار مناسب برای تعامل، نگرش و علائق فردی - جمعی)، اقتصادی (مثل تسهیلات رفاهی برای تقویت بنیه اقتصادی خانوارها، ایجاد اشتغال بیشتر و البته معنادار) و برنامه‌های مذهبی - معنوی پایدار (با تأکید بر قدرشناسی از زندگی، معنویت و تقویت ارزش‌های ایرانی - اسلامی) انگیزش درونی، هدف‌گزینی و امیدواری را تقویت کند و از این طریق در پیشگیری از خلأ وجودی متمر خواهد بود. لذا، می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کاهش روابط فرازناشویی مؤثر باشد. شاید یکی دیگر از دستاوردها، واریسی استعداد آسیب‌پذیری افراد نسبت به خلأ وجودی و ابعاد آن در مشاوره‌های ازدواج و طلاق توسط دستگاه‌های ذی‌ربط باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌های مربوط به ازدواج و طلاق، سنجش و ارزیابی آمادگی افراد به خلأ وجودی مد نظر قرار بگیرد.

سپاسگزاری

از همه شرکت کنندگان، کلینیک‌های راه‌نو، رویش، میثاق، همراه و سرکار خانم دکتر بهناز زال که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

افراسیابی، حسین و رضوی، عسل (۲۰۲۱). تعلیق زندگی: بازنمایی خیانت زناشویی در فیلم‌های دهه ۰۸۳۱ و ۰۹۳۱ سینمای ایران. پژوهش راهبردی مسائل اجتماعی در ایران، ۱(۱)، ۱-۲۲.

Doi: 10.22108/srsp.2021.127119.1673

بهنش، فرشته و رضایی، ملیحه (۱۳۹۹). تبیین درک و تجربه زنان متأهل از روابط فرازنشویی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی- پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱۵(۲)، ۱۵-۲۷.

تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازنشویی. زن در توسعه و سیاست، ۱۹(۴)، ۶۱۴-۵۹۵.

Doi: 10.22059/jwdp.2021.328053.1008055

تمرچی، فرزانه، اسدپور، اسماعیل و زهراکار، کیانوش (۱۴۰۰). مدل پارادایمی از عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی (مطالعه نظریه زمینه‌ای). علوم روان‌شناختی، ۲۰(۱۰۷)، ۲۰۲۷-۲۰۴۳.

Doi: 10.52547/JPS.20.107.2027

چوپانی، موسی، فاتحی‌زاده، مریم، آسنجرانی، فرامرز و دیکاستروکوریا، آبرتومریو (۱۴۰۰). پدیدارهای وجودی در خیانت زناشویی مردان. خانواده پژوهی، ۱۷(۳)، ۴۸۳-۵۱۳.

Doi: 10.52547/JFR.17.3.483.513

خامسان، احمد، طالب‌زاده شوشتی، لیلا، بهلگردی، معظمه و ماسنانی، زهرا (۱۴۰۰). روابط فرازنشویی افراد مراجعه‌کننده به مشاوران و راهکارهای پیشگیری: تدوین الگو بر مبنای نظریه داده‌بنیاد. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۲(۱)، ۱۴۵-۱۶۶.

Doi: 10.22059/japr.2021.306428.643583

خیاط، ابراهیم، عطاری، یوسفعلی و کورایی، امین (۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به خیانت بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی در افراد متأهل. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۳۱(۸)، ۸۷-۱۰۲.

زمردیان، نسترن و اکبری، حسین (۱۴۰۰). چگونگی شکل‌گیری روابط فرازنشویی زوجین. پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، ۲۸، ۲۲۸-۲۶۷.

Doi: 10.22054/rjsw.2022.60684.494

شریفی‌ساعی، محمدحسین و آزادارمکی. تقی (۱۴۰۰). عوامل شکل‌گیری خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۳۳-۷۴.

Doi: 10.22059/ijsp.2022.87903

عطاپور، ندا، احمدی، خدابخش، فلسفی‌نژاد، محمدرضا و خدابخشی‌کولایی، آناهیتا (۱۳۹۹). عوامل خطر پیمان‌شکنی در زوج‌های دارای تجربه خیانت زناشویی. فصلنامه سبک زندگی با محوریت اسلامی، ۴(۴)، ۴۰-۳۱.

غفوریان نوروبی، پریسا، اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد، عبدخدایی، محمدسعید و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی زنان متأهل؛ یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های کاربردی روانشناسی، ۹(۳)، ۷۵-۵۵.

Doi: 10.22059/japr.2018.69568

فاتحی زاده، مریم، چوپانی، موسی، اسنجرانی، فرامرز و دی-کاسترو کوریا، آلبرتوماریو (۱۴۰۱). واکاوی بحران‌های وجودی در مردان بی‌وفا و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی. *روانشناسی کاربردی*، ۱۶ (۱)، ۲۰۳-۲۲۸. Doi: 10.52547/apsy.2021.223419.1127

فاتحی، منصور، ستار، پروین و جوادیان، سیدرضا (۱۳۹۵). مقایسه بی‌وفایی مردان و زنان در روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵ (۴)، ۴۰۱-۴۱۸.

Doi: 10.52547/JFR.17.3.483

فلاحیان، حسین. میکائیلی، نیلوفر و یوسفی مریدانی، متین (۱۳۹۸). پیش‌بینی روابط فرا زناشویی بر اساس کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی. *مجله مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۵ (۱)، ۵۹-۶۷.

Doi: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.7.4

فولادیان، مجید، برادران کاشانی، زهرا و دیاری، مرتضی (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای بروز رابطه فرازناشویی (مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۱-۳۷. Doi: 10.22059/jisr.2021.294255.977

کریمی، سارا، یوسفی، ریم و سلیمانی، مهران (۱۳۹۶). نقش صفات بنیادی شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های خیانت زناشویی از دیدگاه دانشجویان. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵ (۲)، ۹۷-۱۰۹.

Doi: 10.22070/cpap.2020.2820

کنعانی، محمدمبین و علی‌جانی، محبوبه (۱۴۰۰). روابط فرازناشویی و بسترهای آن: مطالعه‌ای کیفی در شهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸ (۱۸)، ۲۷۳-۲۹۶. Doi: 10.22080/ssi.2022.22927.1960

مایلی، معصومه، اللهپاری، طلعت، کرمی، محمدتقی و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۹). روابط فرازناشویی زنان با تأکید بر عوامل بین فردی. *مددکاری اجتماعی*، ۹ (۴)، ۵۰-۶۱. Doi: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5

منصوری، فردین، غنیمتی، حسن و سعیدیان، مرتضی (۱۴۰۱). بررسی روش‌های بهبود و تحول اساسی در اجرای مناسبت‌های رسمی (مذهبی، اجتماعی، ملی). *مطالعات راهبرد فرهنگی*، ۲ (۱)، ۱۲۹-۱۴۹.

Doi: 10.22083/scsj.2022.349871.1061

نرگسی، علیرضا، جدیدی، جعفر و هادی، مهدی (۱۳۹۸). عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی بر اساس منابع اسلامی. *پژوهشنامه روانشناسی اسلامی*، ۱۰ (۵)، ۱۰۴-۱۲۶.

Afrasiabi, H., & Razavi, A. (2021). Life Suspension: Representation of Marital Infidelity in the Films of the 1380s and 1390s of Iranian Cinema. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 10(1), 1-22. [In Persian] Doi: 10.22108/srsp.2021.127119.1673

Ajzen I. (2002). Perceived Behavioral Control, Self-Efficacy, Locus of Control, and the Theory of Planned Behavior. *Journal of applied social psychology*. 32(4):665-83. Doi: 10.1111/j.1559-1816.2002.tb00236.x

Alghafli, Z., Hatch, T., & Marks, L. (2014). Religion and relationships in Muslim families: A qualitative examination of devout married Muslim couples. *Religions*, 5(3), 814-833. Doi: 10.3390/rel5030814

Atapour, N., Ahmadi, K., Falsafinejad, M. R., & Kolaei, A. K. (2019). Risk Factors for Breach of Contract in Couples with Marital Infidelity. *Journal of Islamic Life Style Centered Health*, 4(4), 31-40. [In Persian]

- Bauman, Z. (2013). *Liquid love: On the frailty of human bonds*: John Wiley & Sons.
- Bashirpour, M., Shafiabadi, A., & Doukaneifard, F. (2020). Factors affecting the tendency to marital infidelity: A grounded theory study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 8(4), 16-27. Doi: 10.22062/jqr.2020.90987
- Behmanesh, F., & Rezaei, M. (2020). Women, s extramarital relationship, threatening the health of individual and family. *Islamic Life Journal*, 15(2), 15-27. **[In Persian]**
- Buténaitè, J., Sondaitè, J., & Mockus, A. (2016). Components of existential crisis: A theoretical analysis. *International journal of psychology: a biopsychosocial approach*(18), 9-27. Doi:10.7220/2345-024X.18.1
- Choupani, M., FATEHIZADE, M., & Asanjarani, F. (2021). Existential Phenomena in Men's Marital Infidelity. *Journal of Family Research*, 17(3), 483-513. **[In Persian]** Doi: 10.52547/JFR.17.3.483
- Fallahian, H., Mikaeli, N., & Yousefi Moridani, M. (2019). Predicting meta-marital relationships based on love quality, couple conflict resolution styles, and marital commitment. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 5(1), 59-76. Doi: 20.1001.1.2423 4869.1398.5.1.7.4
- Fatehizade, M., Choupani, M., Asanjarani, F., & De Castro Correa, A. (2022). Investigating existential crises of unfaithful men and examining the effectiveness of indigenous counseling based on marital infidelity tendency. *Journal of Applied Psychology*, 16(1), 228-203. **[In Persian]** Doi: 10.52547/apsy.2021.223419.1127
- Fathi, M., Satar, P., Javadayan, S. R., & Javadayan, S. R. (2016). Comparing the causes of infidelity in marital relationships among men and women: A qualitative research. *Journal of qualitative research in health sciences*, 5(4), 401-418. **[In Persian]** Doi: 10.52547/JFR.17.3.483
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 70-74. Doi: 10.1016/j.copsyc.2016.03.008
- Fouladiyan, M., BaradaranKashani, Z., & Dayyari, M. (2021). Qualitative study of forming extra marriage affairs (Case Study: Women and men Divorce applicant in Mashhad). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10(1), 1-37. **[In Persian]** Doi: 10.22059/jjsr.2021.294255.977
- Frchette, J., Bitzas, V., Aubry, M., Kilpatrick, K., & Lavoie-Tremblay, M. (2020). Capturing lived experience: Methodological considerations for interpretive phenomenological inquiry. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1609406920907254. Doi: 10.1177/1609406920907254
- Ghafoorian Nourozi, P., Asghari Ibrahim Abad, M. J., Abdkhodayie, M., & Kimiaee, S. A. (2018). Factors Influencing Extramarital Relationship among Married Females: A Qualitative Study. *Journal of Applied Psychological Research*, 9(3), 55-75. **[In Persian]** Doi: 10.22059/japr.2018.69568

- Heydarian, N., Seydi, M. S., Majzoobi, M. R., & Janjani, P. (2022). The causal model of attitudes toward marital infidelity based on family cohesion in Iranian women: the mediating role of the meaning in life. *The Family Journal*, 909-921. Doi: 10.1177/10664807221109
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International journal of psychology*, 54(3), 369-376. Doi: 10.1002/ijop.12473
- Isma, M. N. P., & Turnip, S. S. (2019). Personality traits and marital satisfaction in predicting couples' attitudes toward infidelity. *Journal of Relationships Research*, 10, e13. Doi: 10.1017/jrr.2019.10
- Jeanfreau, M. M., & Mong, M. (2019). Barriers to marital infidelity. *Marriage & Family Review*, 55(1), 23-37. Doi: 10.1080/01494929.2018.1518821
- Kanani, M. A., & Alijani, M. (2022). Extramarital Affairs and the Contexts: A qualitative Study in Rasht. *Sociology of Social Institutions*, 8(18), 273-296. **[In Persian]** Doi: 10.22080/ssi.2022.22927.1960
- Karimi, S., Yusefi, R., & Soleymani, M. (2020). The role of personality traits in Prediction components marital infidelity. *Clinical Psychology and Personality*, 15(2), 97-109. Doi: 10.22070/cpap.2020.2820
- Khamesan, A., Talebzade Shoshtari, L., Behlgerdi, M., & Masanani, Z. (2021). Extramarital Affairs Referred to Psychologist and Preventive Strategies: Presentation of a Model Based on the Grounded Theory Approach. *Journal of Applied Psychological Research*, 12(1), 145-166. **[In Persian]** Doi: 10.22059/japr.2021.306428.643583
- Khayat, E., Attari, Y., & Koraei, A. (2018). Predict the tendency toward infidelity based on personality traits and attachment styles in married people. *Quarterly Social Psychology Research*, 8(31), 87-102. **[In Persian]**
- Li, P. J., Wong, Y. J., McCullough, K. M., Jin, L., & Wang, C. D. (2022). Existential meaningfulness scale: scale development and psychometric properties. *Journal of Humanistic Psychology*, 1, 1-33. Doi: 10.1177/00221678211072450
- Mansouri, F., Ghanimati, H., & Saedian, M. (2022). Investigating the fundamental improvement and evolution methods in the implementation of official occasions (religious, social, national). *Strategic Studies of Culture*, 2(1), 129-149. **[In Persian]** Doi: 10.22083/scsj.2022.349871.1061
- Mayeli, M., Allahyari, T., Karami, M. T., & Sohrabi, F. (2019). Extramarital Affairs of Women with an Emphasis on Interpersonal Factors. *work*, 9(4), 50-61. **[In Persian]** Doi: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of sex & marital therapy*, 41(5), 487-497. Doi: 10.1080/0092623X.2014.931314

- Nargesi, A., Jodeiri, J., & Haadi, M. (2019). Predisposing Factors of marital infidelity based on Islamic sources. *Journal of Islamic Psychology*, 5(10), 102-125. [In Persian]
- Sharifi Saei, M. H., & Azad Armaki, T. (2022). . The Factors of Marital Infidelity in Iran; A Qualitative Meta-Synthesis. *Journal of Social Problems of Iran*, 12(2), 33-74. Doi: 10.22059/ijsp.2022.87903
- Tajbakhsh, G. (2021). Analysis of the underlying factors of extramarital affairs. *Woman in Development & Politics*, 19(4), 595-614. [In Persian] Doi: 10.22059/jwdp.2021.328053.1008055
- Tamrchi, F., Asadpour, I., Zaharakar, K. (2021). Presenting a paradigmatic model of underlying factors result in marital infidelity based on grounded theory. *Journal of psychologicalscience*, 20(107), 2027-2043. [In Persian] Doi: 10.52547/JPS.20.107.2027
- Vossler, A. (2016). Internet infidelity 10 years on: A critical review of the literature. *The Family Journal*, 24(4), 359-366. Doi: 10.1177/10664807166631
- Weibel, S., Vidal, S., Olié, E., Hasler, R., Torriani, C., Prada, P., Courtet, P., Guillaume, S., Perroud, N., & Huguelet, P. (2017). Impact of child maltreatment on meaning in life in psychiatric patients. *Psychiatry research*, 251, 204-211. Doi: 10.1016/j.psychres.2017.02.026
- Wilcox, W. B., & Nock, S. L. (2006). What's love got to do with it? Equality, equity, commitment and women's marital quality. *Social forces*, 84(3), 1321-1345. Doi: 10.1353/sof.2006.0076
- Zomorodian, N., & Akbari, H. (2021). Formation process of couples' Extramarital relations. *Journal of Social Work Research*, 8(28), 227-262. [In Persian] Doi: 10.22054/rjsw.2022.60684.494

Corona, biosphere and the Life World A sociological study about the mutual relations between man and the environment

Saboktakin, Ghorbanali, Associate profesor of Sociology Department of Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: Saboktakingh@khu.ac.ir

Haghnadri, Iraj, PhD in Cultural Policy, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: irajnadri@gmail.com

Abstract

The central idea of this research is to develop the idea that the growth of capitalism in the second half of the 20th century, along with the performance of economic neoliberalism, has disrupted the desirable relationship between man and his natural environment. So that the recent epidemics, including the spread of the corona virus, are a kind of reflection of the unbalanced relationship between humans and the environment. This article is compiled based on the theoretical perspective of Jürgen Habermas (system-life-world) and documentary and analytical method. The findings show that the spread of the corona virus is a function of the environmental conditions created by humans. The spread of epidemics and the mutation of coronaviruses is due to environmental conditions, mass production systems by multinational companies, unsupervised use of pesticides, and genetic interference in plants and animals. The neoliberal economic vision of profit-oriented commercial agriculture accepts the risk of spreading epidemic viruses. With the spread of the corona virus and its unwanted consequences, such as the restriction of destructive economic activities in the land, air, sea and metropolises, the biosphere has found an opportunity for self-revival. Also, the spread of this virus has created an opportunity for humans to reconsider the destructive consequences of the system (capital and government) in the bio-world, to connect to the planetary metabolism, and consider culture and nature as complementary entities. This insight sheds a new light on the interactive relationship between humans and the environment from the perspective of the world's biology.

Key words

Biosphere, System, Capital-Oriented Economy, Nature, Common Matter, Life of the World.



کرونا، زیست کره و زیست جهان مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در باب روابط متقابل انسان و محیط زیست

قربانعلی سبکتکین^۱، ایرج حق ندیری^۲

چکیده

اندیشه محوری این پژوهش پرورش این ایده است که رشد سرمایه‌داری در نیمه دوم قرن بیستم همراه با عملکرد نئولیبرالیسم اقتصادی، رابطه مطلوب انسان با محیط طبیعی‌اش را برهم زده است، به طوری که اپیدمی‌های اخیر از جمله انتشار ویروس کرونا به نوعی بازتاب‌دهنده رابطه نامتوازن انسان با محیط است. این مقاله با اتکا به دیدگاه نظری یورگن هابرماس (سیستم-زیست‌جهان) و روش اسنادی و تحلیلی تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انتشار ویروس کرونا تابعی از شرایط محیطی ایجاد شده به دست انسان‌ها است. انتشار اپیدمی‌ها و جهش کرونا ویروس‌ها با شرایط محیط‌زیستی، نظام‌های تولید انبوه توسط شرکت‌های چندملیتی و استفاده بدون نظارت از آفت‌کش‌ها و دخل و تصرف‌های ژنتیکی در گیاهان و جانوران است. بینش اقتصادی نئولیبرال نسبت به کشاورزی تجاری سودمحور، ریسک انتشار ویروس‌های همه‌گیر را می‌پذیرد. با شیوع ویروس کرونا و پیامدهای ناخواسته آن از قبیل محدودشدن فعالیت‌های اقتصادی تخریبگر در زمین، هوا، دریا و کلان‌شهرها زیست کره فرصتی برای خوداحیاءگری یافته است. همچنین انتشار این ویروس فرصتی پدید آورده است که انسان‌ها در زیست‌جهان پیامدهای مخرب سیستم (سرمایه و دولت) را مورد بازاندیشی قرار دهند، به متابولیسم سیاره‌ای اتصال یابند و فرهنگ و طبیعت را هستی‌هایی مکمل یکدیگر در نظر گیرند. این بینش پرتوی نو را از زاویه زیست جهان به رابطه متعامل انسان و محیط زیست، می‌افکند.

واژگان کلیدی

زیست کره، نظام، اقتصاد سرمایه محور، طبیعت، امر مشترک، زیست جهان.



مقدمه و بیان مسئله

روزهای پایانی سال ۲۰۱۹ جهان شاهد ظهور پدیده‌ای بود که امروز، به یکی از نقاط عطف تاریخ بشر، تبدیل شده است. در این زمان در شهر ووهان از استان هویه^۱ کشور چین، ویروسی ظاهر شد که اخبار آن با سرعتی فوق‌العاده در سراسر جهان مخابره گشت. این ویروس جدید که کرونا ویروس نام گرفت، با سرعتی سرسام‌آورتر از سرعت مخابره اخبار مربوط به خود، مرزهای کشورهای مختلف را یکی پس از دیگری درنوردید و زندگی همه بشریت را به مخاطره انداخت. برخی افراد، شیوع ویروس کرونا و همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ را به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ بشر به شمار می‌آورند و معتقدند از این پس در بسیاری از نوشته‌ها، مطالعات، سخنرانی‌ها و... تاریخ جهان به دو دوره قبل از کرونا و جهان پساکرونا تقسیم خواهد شد (میری، ۱۳۹۹؛ اسکندریان، ۱۳۹۹؛ صولتی، ۱۴۰۰). در پژوهش‌های متعددی اثرات همه‌گیری این ویروس بر بخش‌های مهم اقتصاد جهانی، نظیر بازارهای مالی، بازار نیروی کار، بازار انرژی و مسافرت و صنعت گردشگری و بخش‌های مهم اجتماعی - روانی و دیگر آثار و پیامدهای آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آمارها از افزایش شدید بیکاری، تورم، فقر و گرسنگی حکایت دارد. قرنطینه‌خانی توأم با اوضاع بد اقتصادی، خشونت خانگی شامل خشونت نسبت به همسر، فرزندان و بزرگسالان را افزایش داده است. این وضعیت می‌تواند گسل‌های موجود در جوامع را فعال کند و آن‌ها را به جنبش درآورد (زندنی‌فر و بدرفام، ۲۰۲۰؛ معیدفر، ۱۳۹۹؛ جلالی، ۱۳۹۹؛ منتی، ۱۳۹۹؛ عسگری و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسنی رنجبرهرمزآبادی، ۱۴۰۰، سبکتکین و همکاران، ۱۴۰۲). از سویی، قرنطینه و الزام به ماندن انسان‌ها در خانه، به منظور قطع زنجیره انتقال کرونا، موجب شد که حیوانات احساس امنیت کنند، از قلمرو طبیعی خود خارج و وارد محدوده‌های شهری و روستایی شوند. کاهش آلودگی صوتی و آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌واسطه کاهش تردد خودروها و تعطیلی موقت کارخانه‌ها، نیز از دیگر اثرات مثبت شیوع کرونا است که به بهبود کیفیت هوا و کاهش پیامدهای گرم شدن کره زمین کمک کرده است (ملکیان، ۱۳۹۹). همچنین، باعث منع تجارت و فروش و مصرف گوشت حیوانات وحشی گردیده است (مشهدی، ۱۴۰۱). البته در عرصه‌های انسانی علاوه بر سویه منفی می‌توان به افزایش همبستگی، شفقت و مهربانی در سطح محلی و جهانی توجه نمود. در فضای خود قرنطینگی فرصتی برای نگرستن

به خویشتن و تأمل در خود فراهم شده است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با گزارش فعالیت‌های انسان دوستانه نوعی «حس مشترک»، «امر مشترک» یا «زبان مشترک»ی خلق کرده‌اند که حوزه‌های عمومی در سطوح محلی، ملی و جهانی را فعال‌تر کرده است. این‌ها به نوبه خود باعث شده است انسان امروزی درباره عملکردهایش نسبت به طبیعت و محیط زیست و روندهای تخریب آن بازاندیشی کند و به بدیل‌هایی برای آینده جهان بیندیشد (فاضلی، ۱۳۹۹).

کرونا ویروس‌ها نوعی از ژئونوزها (بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان) هستند. این بیماری‌ها ۶۰ درصد از کل بیماری‌های عفونی و ۷۰ درصد از بیماری‌های نوظهور را شامل می‌شوند. کووید ۱۹، سارس، مرس، ایدز و آنفولانزای مرغی و خوکی همگی از انواع ویروس‌های حیوانات هستند که بعد از تغییراتی قابلیت ایجاد عفونت در انسان را دارا می‌شوند. عواملی چون جنگل‌زدایی، تغییر کاربری عرصه‌های طبیعی، مقاومت میکروبی در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها، قاچاق حیوانات، فروش جانوران در بازارهای محلی، نگهداری حیوانات در مراکز غیراستاندارد، دامپروری سنتی و تغییرات اقلیمی مجموعه عواملی هستند که موجب ظهور و انتشار ژئونوزها می‌شوند (WHO, 2020). این بحران همچون همه بحران‌های دست‌ساخت بشر نتیجه بی‌انضباطی بشر است که به سیطره لجام‌گسیخته‌اش بر طبیعت تأمل نکرد و جان و جسم جهان را در خطری بی‌پایان قرار داد (فاضلی، ۱۳۹۹). فرانک اسنودن، مورخ بیماری‌های همه‌گیر، می‌نویسد: «بیماری‌های همه‌گیر، رخدادهایی تصادفی نیستند که جوامع را به ناگهان و بدون هشدار درگیر خودکنند». درست به عکس، برای فهم آسیب‌های پیش روی هر جامعه، باید ساختار سیاسی، سطح زندگی افراد و به‌طور کلی ساختار آن را درک کرد (کوتینز، ۱۳۹۹). بر این اساس مقاله حاضر بر روی دو محور تمرکز دارد:

۱. بررسی علل و زمینه‌های مختلف پیدایش کرونا ویروس - کووید ۱۹ از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، محیط‌زیستی و سیاسی؛

۲. پیامدها و تغییراتی که در بینش‌ها و نگرش‌های جهانیان به‌ویژه صاحب‌نظران اجتماعی نسبت به جامعه، طبیعت و رابطه متقابل آن‌ها با همدیگر به وجود آمده است؛ بنابراین دو محور فوق‌الذکر یعنی چرایی و چگونگی ظهور این پدیده در جهان، برخی آثار آن و چگونگی برون‌رفت از آن مسئله این مقاله است که با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی انجام گرفته است. مفروضه نظری - تحلیلی این مقاله نیز این است که به هم

خوردن رابطه متعادل جامعه و طبیعت و دستکاری‌های بی‌حد و حصر و نابه‌جای انسان در فرایندهای طبیعی، زمینه‌های پیدایش و انتشار ویروس کرونا را فراهم کرده است. این همه‌گیری به دنبال خود تغییرات و تحولاتی را در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی و سیاسی به وجود آورده است. مسئله مذکور در یک چارچوب نظری - تحلیلی ملهم از نظریه «سیستم - زیست جهان» هایرماس مورد مطالعه قرار گرفته است.

هدف پژوهش پیش‌رو در چگونگی ظهور ویروس کرونا - کووید ۱۹ از منظر دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی محیط زیست است. لذا در پی پاسخ به این سؤالات است که از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، زیست‌محیطی و سیاسی چه عواملی موجب ظهور و انتشار سریع این ویروس در سطح جهان شده است؟ همچنین ظهور این بحران چه تغییراتی در بینش‌ها و نگرش‌های اندیشمندان در پی داشته است؟

پیشینه پژوهش

همچنان که در مقدمه مطرح شد، در ارتباط با پیامدهای انتشار ویروس کرونا پژوهش‌های متعددی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته خواهد شد:

مختاری و همکاران (۱۳۹۹) و شاهد حق قدم (۱۳۹۹) در تحقیقاتی اثر اخبار و اطلاعات متنوع و چندگانه را بر مردم، کادر درمانی، بیماران و خانواده‌های آنان مورد بررسی قرار داده‌اند و نتیجه می‌گیرند انتشار اطلاعات متنوع و متناقض سلامت افراد، خانواده‌ها و کادر درمان را در دوران کرونا کاهش داده است.

زارع گاوگانی (۱۳۹۹) استدلال می‌کند پژوهشگران معتقدند انتشار کرونا ویروس به جای یک اپیدمی در واقع یک اینفودمی است که باید کنترل شود. در واقع امروزه باورهای غلطی درباره این ویروس اذهان مردم را درگیر کرده است که از نظر روانی، فکری و روحی محصول پراکنش اطلاعات نادرست است.

سوری و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت سلامت روانی کاربران شبکه‌های اجتماعی در دوره شیوع بیماری کووید-۱۹» انجام دادند. نتایج نشان دهنده نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی کلی شرکت‌کنندگان است. صفری (۱۴۰۰) در پژوهشی با موضوع «اینفودمی کرونا در رسانه‌های اجتماعی فارسی» به مطالعه نحوه انتشار خبر جعلی «ایران: آلوده‌ترین نقطه به کرونا در جهان» به عنوان نمونه‌ای از اخبار جعلی مرتبط با گسترش کرونا، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر گسترش شایعات و اخبار جعلی شامل مواردی چون عدم دسترسی به اطلاعات موثق، وجود توهم توطئه،

دیدگاه امنیتی حاکم بر امور در کشور در کنار برخورد حذفی، تضاد و تناقض میان ادعاهای نهادهای مرجع در جامعه و بی‌اعتمادی به منابع رسمی خبری است.

خانیک و راثی تهرانی (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان «نظریه‌سازی برای اینفودمی کووید ۱۹» انجام داده‌اند. پایین بودن سطح سواد سلامت و سواد رسانه‌ای کاربران، تقابل میان طب سنتی و طب مدرن، بی‌اعتمادی مردم به دولت، اختلال فرایندهای ارتباطی در رسانه‌ها و اتخاذ سیاست‌های نادرست از سوی دولت باعث ایجاد اینفودمی در شبکه‌های اجتماعی شده است. مهم‌ترین پیامد در حوزه اجتماعی- فرهنگی، از دست رفتن سرمایه اجتماعی بیان شده است.

احمدی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «ترومای کرونا: از بیماری تا فاجعه در مناطق کم‌برخوردار» در شهر سنندج انجام داده‌اند. براساس یافته‌ها اثرات اجتماعی و فرهنگی بیماری عبارت‌اند از: واگرایی جمعی، آنومی اجتماعی، بازنمود ناکارآمدی نظام حمایت اجتماعی، تنگناهای معیشتی، استحاله دین و گزاره‌های دینی، گسست معرفتی- فرهنگی، بحران در نظام آموزشی و ترومای روحی- روانی.

ژانگ اف^۱ (۲۰۲۰) درباره سلامت روان اعضای خانواده پرسنل ۵ بیمارستان در کشور چین طی انتشار بیماری کووید - ۱۹ انجام داده است. یافته‌ها نشان از افزایش اختلالات روان‌شناختی همچون اضطراب و افسردگی در بین کارکنان این بیمارستان‌ها دارد.

یافته‌های پژوهش اسپینلی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) حاکی از اثرگذاری شرایط محیطی خانه، مسائل والدین در اثر قرنطینه، فهم والدین از استرس و مسائل عاطفی و رفتاری کودکان را در زمان انتشار ویروس کرونا است.

ژانگ و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در چین به مطالعه اثر گسترش ویروس کرونا بر سلامت روانی و کیفیت زندگی افراد بالای ۱۸ سال این کشور پرداختند. آن‌ها دانش، نگرش و رویه‌های مواجهه با این ویروس را از نظر مردم مورد مذاقه قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده آن است که نیمی از افراد موردبررسی از گسترش این ویروس دچار وحشت، غم و ناراحتی شده‌اند.

مرور تحقیقات مرتبط با کرونا نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، پیامدهای اینفودمیک- روانی، اجتماعی و اقتصادی همه‌گیری آن را به بررسی گرفته‌اند. با وجود اینکه تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با اثرات انتشار ویروس کووید ۱۹ در

جای جای جهان انجام شده است، تاکنون کمتر پژوهشی ظهور و انتشار این ویروس را از لحاظ نظری بررسی کرده و آن را به عنوان پیامد زیاده‌خواهی‌های انسان در دوران مدرن مورد مطالعه قرار داده است، لذا هدف مقاله حاضر پر کردن این حفره است.

روش پژوهش

هدف پژوهش پیش‌رو تحلیل نظری رابطه انسان با محیط زیست و پیامدهای نامطلوب فعالیت‌های انسان بر محیط زیست، از منظر دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی محیط زیست است. لذا از روش‌های تجربی کمی یا کیفی و تکنیک‌هایی همچون مصاحبه یا پرسش‌نامه استفاده نمی‌کند. بلکه از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری و تحلیل دیدگاه‌های مرتبط با موضوع استفاده کرده است. به عبارتی این پژوهش مقاله‌ای نظری - تحلیلی است که از استدلال منطقی برای ارتباط و نتیجه‌گیری از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان این حوزه استفاده است.

ملاحظات نظری: زمینه‌ها و پیشینه تاریخی و جامعه‌شناختی

رابطه جامعه با طبیعت

اندیشمندان جامعه‌شناسی تاریخی زیست‌محیطی (هانینگن، ۱۳۹۳؛ داسمن، ۱۳۷۷؛ ساتن، ۱۳۹۷) استدلال می‌کنند، به‌طور کلی رابطه انسان با محیط طبیعی به دو شکل و در دو دوره زمانی بروز یافته است. روزگار ابتدایی زندگی انسان، یعنی دوره‌ای که انسان مقهور طبیعت محسوب می‌شود؛ در این دوره انسان به دنبال گردآوری خوراک و مایحتاج خود از طبیعت است و هنوز به ابزارسازی‌های وسیع دسترسی پیدا نکرده است که بر طبیعت تأثیر فراوانی داشته باشد. انسان این دوره را «انسان گردشگر» یا «انسان گردآور» نام می‌نهند. به تدریج و با گسترش انقلاب کشاورزی، انسان‌ها ارتباط نزدیک‌تری با طبیعت برقرار کردند. جوامع انسانی با تلقی طبیعت به‌عنوان منبع حیات با آن رابطه‌ای متعادل برقرار کرده و مسامحت‌ها با هم یکی شده و تداوم حیات یکدیگر را تضمین نمودند. انسان این روزگاران «انسان کشاورز» نامیده می‌شود. انسان کشاورز بدون آسیب رساندن به طبیعت روزگار می‌گذرانید. در دوره تاریخی دوم، جوامع انسانی به تدریج توسعه پیدا کردند و تحولات اقتصادی، فنی و اجتماعی و در پی آن وقوع انقلاب صنعتی، رابطه جوامع انسانی با طبیعت و محیط زیست را دگرگون نمودند. این رابطه متقابل به تدریج از شکل تعادل خارج شد و به سویی رفت که انسان

(به معنای انسان‌شناختی و عام آن که معنای جامعه را هم در برمی‌گیرد) احساس تسلط بر طبیعت پیدا کرد. از این پس به‌مرور که قدرت ابزارسازی انسان توسعه پیدا کرد، میزان قهر آن بر طبیعت نیز افزایش یافت. در این دوره است که آن رابطه متقابل به تأثیر یک‌طرفه و تخریبی انسان بر طبیعت شدت گرفت. انسان این دوره را با مسامحه «انسان صنعتگر» می‌نامیم.

زیست کره و ابعاد آن

مسئله اجتماعی مورد بحث در این مقاله در اوج تحول و تکامل (انقلاب صنعتی) دوره دوم زندگی انسان پدیدار شده است و به فضای حیاتی و زیستی جامعه انسانی مربوط می‌شود. لذا ضروری است شرایط تاریخی و زیست‌محیطی جوامع انسانی در این دوره بیشتر تشریح و تحلیل گردد؛ زیرا از سویی تغییرات وسیع در محیط طبیعی با اجتماع انسانی و بالطبع علوم انسانی و علوم اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد (Newby, 2001) و از سوی دیگر، جوامع انسانی برای ادامه حیات به طبیعت و محیط زیست وابسته‌اند. محیط طبیعی برای انسان‌ها همان کره زمین یا «زیست کره» و سطوح سه‌گانه - خاک کره، هواکره و آب کره - است. منظور از «زیست کره» یک‌لایه حیات آفرین است که در اصطلاح علمی «بیوسفر^۲» خوانده می‌شود. محیط زیست جزئی از این زیست کره است. محیط زیست عبارت است از آنچه فرایند زیستن را احاطه کرده و در خود فروگرفته و با آن کنش متقابل قرار دارد. محیط زیست همه چیز را در برمی‌گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه بین این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر داشته و از آن نیز متأثر می‌شود (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵). زیست کره را در بوم‌شناسی انسانی به سه بخش مرتبط با هم تقسیم می‌کنند: بخش اول، «وابسپهر» است که در اصطلاح علمی به آن «اتمِسفر^۳» گفته می‌شود. این بخش شامل فضای بالای سر ما را تا صدها کیلومتر شامل می‌شود که خود اجزا و کارکردهایی دارد. بخش دوم، «آبسپهر» است که در اصطلاح علمی «هیدروسفر^۴» خوانده می‌شود. این بخش آب‌های سطحی روی زمین تا اعماق اقیانوس‌ها را در برمی‌گیرد. بخش سوم، «خاکسپهر» است که در اصطلاح علمی به آن «لیتوسفر^۵» گویند. این بخش قشر جامد

1. Technology
2. Biosphere
3. Athmosphere
4. Hydrosphere
5. Lithosphere

روی کره زمین اعم از خاک، سنگ، فلزات و دیگر اشیاء و اجسام جامد را دربر می‌گیرد. در بقای این لایه حیات آفرین (زیست کره) همه عناصر هستی (نور، آب، آتش، زمین، خاک و دیگر موجودات زنده و غیرزنده) به نوعی به ایفای نقش می‌پردازند.

محیط زیست و انقلاب صنعتی

به این ترتیب، همه عناصر حیات (زنده و غیرزنده) به هم پیوسته‌اند. ساتن در این باره می‌افزاید، رابطه میان جوامع انسانی و محیط طبیعی به طور اجتناب‌ناپذیری شکل یک فرایند دوطرفه به خود می‌گیرد. اگر انسان‌ها بخواهند به حیات خود ادامه دهند نمی‌توانند این رابطه را از بین ببرند. انسان‌ها همانند دیگر حیوانات برای بقای خود به محیط طبیعی وابسته‌اند و هرگز نمی‌توانند از رابطه متقابل خود با آن طفره بروند. انسان‌ها برخلاف دیگر حیوانات برای کسب منفعت از محیط طبیعی تلاش کرده‌اند، بیش از پیش بر آن تسلط داشته باشند، حتی اگر این تسلط به تخریب بخش‌هایی از محیط طبیعی منجر شود که دیگر جانوران به آن وابسته‌اند (ساتن، ۱۳۹۷: ۲۷). این بحث نقطه آغاز ارتباط تغییرات بی‌رویه و دخالت نابجای انسان در طبیعت با بروز ناهنجاری‌های زیستی-اجتماعی مانند به وجود آمدن ویروس کرونا و انتشار آن در سطح جهان است. بسیاری از صاحب‌نظران ریشه دستکاری‌های ناروا در طبیعت را به افزایش توان ابزارسازی انسان بعد از انقلاب صنعتی و احساس قدرتمندی و تسلط بر طبیعت ارجاع می‌دهند. گلد اسمیت، در تشریح این پدیده استدلال می‌کند که جهان دیگری ساخته شده است. وی دنیای جدید انسان‌ها را «جهان جانشین» نام نهاده و معتقد است این جهان با جهان واقعی در رقابتی شدید به سر می‌برند (اسمیت، ۱۹۹۸). نظام‌های سیاسی-اقتصادی سودمحور با استفاده از دستاوردهای انقلاب صنعتی در پی تولید جدید برای مصرف جدید و کسب سود جدید هستند. پیامدهای تخریبی انقلاب صنعتی بر طبیعت چنان عظیم بوده است که برخی جامعه‌شناسان معتقدند تحولات سریع در رابطه انسان‌ها و طبیعت نتیجه انقلاب صنعتی حدود ۳۰۰ سال پیش است و آن را تأسف‌بار و مؤید مخرب‌ترین توسعه اجتماعی با نگاه «بوم‌شناختی»^۱ می‌دانند که تا به حال مورد ملاحظه قرار گرفته است. یکی از ادعاهای اصلی فعالان و متفکران محیط زیست این است که تمدن صنعتی علت اولیه تخریب گسترده محیط زیست و انقراض گونه‌هاست که ما را به مرز یک بحران بوم‌شناختی

در مقیاس جهانی کشانده است (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۱۰۶). روند چرخه تولید در اکثر نظام‌های سیاسی- اقتصادی نئولیبرال در جهان امروز بر همان اخلاق منبعث از انقلاب صنعتی می‌چرخد. به این معنا که باید بر طبیعت مسلط شد و با دستکاری‌های متجاهرانه در اصالت طبیعت و از بین بردن تنوع‌ها^۱ ارزش افزوده تولیدات را به‌طور انباشتی تضمین نمود. اسلاوی ژیتک^۲ از اندیشمندان علوم اجتماعی محیط زیست گرا ضمن صحنه‌گذشتن بر دخالت‌های نابجای انسان‌ها با استفاده از فناوری صنعتی که باعث به وجود آمدن ویروس‌هایی چون کرونا می‌شود، بر این عقیده است که این روند مخرب فنی- اقتصادی قبل از ظهور کرونا هم مشغول هدم طبیعت و ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی شدید بوده است؛ مانند ایجاد آلودگی‌های مختلف که مهم‌ترین آن‌ها آلودگی آب‌وهوا است. از دیدگاه وی تنها در صورتی می‌توانیم با ویروس کرونا بجنگیم که پایه‌پای آن با سردرگمی‌های ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری مبارزه کنیم و آن را جزئی از پیکار بوم‌شناختی سراسری به شمار آوریم. از دیدگاه وی، همان‌طور که کیت جونز، رئیس بوم‌شناسی و تنوع زیستی در کالج دانشگاهی لندن بیان نمود، سرایت بیماری از حیات وحش به انسان، «هزینه پنهان توسعه اقتصادی است». وی می‌افزاید، شمار انسان‌ها در همه حوزه‌های محیط‌زیست بیشتر و بیشتر می‌شود. انسان‌ها عمدتاً وارد محیط‌هایی بکر و دست‌نخورده می‌شوند و بیش‌ازپیش در معرض بیماری‌های جدید قرار می‌گیرند. ما مشغول خلق زیستگاه‌هایی شده‌ایم که ویروس‌ها هر چه آسان‌تر در آن‌ها منتقل می‌شوند. سپس هنگامی که با ویروس‌هایی جدید مواجه می‌شویم متعجب می‌شویم (ژیتک، ۱۳۹۹). انقلاب صنعتی به‌عنوان پدیده‌ای فنی- اقتصادی در خدمت نظام سرمایه‌داری، شرایط اجتماعی جدیدی را به وجود آورده است که آسیب‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری را به زیست‌جهان انسان‌ها وارد کرده است. انتشار ویروس کرونا نیز به‌عنوان نوعی آلودگی^۳ در راستای همین تحولات فنی و اقتصادی و در نتیجه فشار فزاینده بر طبیعت ارزیابی می‌شود. داسمن^۴ تأثیر فعالیت‌های انسان بر زیست کره را به دو دوره گذشته‌های دور و عصر جدید تقسیم می‌کند. اثر آدمی در گذشته بر محیط زیست، با اکتشافاتی همچون آتش، صید، اهلی ساختن گیاهان و حیوانات و استفاده از جنگل، خفیف و متعادل بوده

است؛ اما در عصر جدید یعنی بعد از انقلاب صنعتی و آثار ناشی از آن این تعادل به هم خورد. نیاز شدید به مواد خام و بهره‌گیری بی‌رحمانه از منابع طبیعی، گسترش شهرنشینی و پیدایش شهرهای بزرگ، مادر شهرها و کلان‌شهرها، نقش اصلی و اولیه را در ایجاد انواع آلودگی داشته است. آلودگی را می‌توان به این گونه تعریف نمود، اضافه شدن ماده یا صورتی از انرژی (گرما، صدا، رادیواکتیو و...) به محیط که بالقوه برای جانداران زیان‌آور باشد، البته با نرخی سریع‌تر از آنچه محیط می‌تواند خود را با آن همساز سازد (داسمن، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

درباره تلاقی طبیعت و اجتماع

مقاله پیش‌رو ظهور و شیوع بحران کرونا و ویروس را در تلاقی طبیعت و اجتماعات انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ لذا تلاش دارد ابعاد فنی، اقتصادی و سیاسی اجتماعات انسانی را در شکل‌گیری مسئله مورد نظر مورد توجه قرار دهد. از نظر فنی و فناوریانه، نقش علوم تجربی به‌ویژه زیست‌شناسی و تغییرات بیولوژیک از نظر اقتصادی و ایجاد تغییرات جدید در روابط میان تولید و مصرف در جهت منافع صاحبان سرمایه؛ از نظر سیاسی هم سیاست‌های راهبردی قطب‌های مختلف سیاسی و رقابت‌های ایدئولوژیکی آنان برای گسترش و تحکیم هژمونی ملی و فراملی خود، قابل مشاهده است. به این ترتیب تحلیل مسئله چندبعدی مورد نظر نیازمند استفاده از دیدگاه‌های نظری اندیشمندان متفاوتی است. در این میان از فرانک اسنودن محیط‌شناس تاریخی و جامعه‌شناسی همچون دیوید هاروی^۱، اسلاوی ژیتک، الیش بک، آنتونی گیدنز و هابرماس استفاده شده است. این اندیشمندان هرکدام به طور مستقیم یا غیرمستقیم از چشم‌اندازی سیاسی - اجتماعی به موضوع نگریسته‌اند. آن بدیو در این باره بیان می‌کند، اپیدمی این پیچیدگی را دارد که همواره نقش مفصل را بین تعیین‌های طبیعی و تعیین‌های اجتماعی ایفا کند. صعود سرمایه‌داری دولتی چین به رتبه امپراطوری، حضور قوی و فراگیر در بازارهای جهانی از تعیین‌های اجتماعی موضوع است. بدین ترتیب، در چین (با وضعیت باستانی/ مدرن) وضعیتی همچون تلاقی طبیعت - جامعه مشاهده می‌شود. در آنجا شاهد بازارهایی با شرایط نامساعد و به سبک و سیاق کهن هستیم که منشاء بروز عفونت‌ها است و انتشار جهانی کرونا و ویروس از این نقطه که زاییده بازار جهانی سرمایه‌داری متکی بر گردش‌های پرشتاب و مداوم آن است (بدیو، ۱۳۹۹: ۵-۶).

1. Megapolise

2. Harvey

فرانک اسنودن موضوع ارتباط بین پدید آمدن اپیدمی با نوع اقتصاد و همچنین سیاست یک جامعه و ارتباط سیاست با طبیعت را مطرح می‌کند. او بیان می‌کند بیماری‌های عالمگیر رویدادهایی تصادفی نیستند که ناگهانی و بدون هشدار، جوامع را به مخاطره اندازند، بلعکس، هر جامعه‌ای آسیب‌پذیری‌های خاص خود را به بار می‌آورد. مطالعه اپیدمی‌ها مطالعه ساختار جامعه است، فهم الگوی معیشت و اولویت‌های سیاسی آن جامعه است. اپیدمی‌ها همچنین رابطه ما را با محیط بازتاب می‌دهند. محیط مصنوعی که ما خلق می‌کنیم و محیط طبیعی که نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. میکروب‌ها به‌طور انتخابی گسترش می‌یابند، آن‌ها در موقعیت مناسب اکولوژیکی که انسان‌ها ایجاد کرده‌اند خودشان را اشاعه می‌دهند (اسنودن، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۴).

در تشریح استدلال اسنودن می‌توان گفت، در رابطه بین جامعه، طبیعت و سیاست، قانونمندی حاکم است. هر رویه یا الگوی ارتباطی بین آن‌ها، وضعیت یا سرنوشت خاصی را رقم می‌زند. اگر جامعه یا افراد انسانی با استفاده از نهاد سیاسی یعنی نهاد سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز، یک‌جانبه بر محیط طبیعی فشار مضاعف وارد آوردند و با دخالت‌ها و دستکاری‌های غیرمتعارف در طبیعت موجب تخریب و خروج آن از حالت تعادل شوند، می‌بایست انتظار جاری شدن جنبه‌ای از این قانونمندی را داشته باشند.

دیوید هاروی صاحب‌نظر دیگری است که درباره ارتباط مسائل اقتصاد، سیاسی و زیست‌محیطی نظریه‌پردازی کرده است. وی مانند ژیک با بینش‌های چپ‌گرایانه، بر آن است که در گسترش ویروس کرونا قبل از اندیشیدن به جنبه‌های پزشکی آن، جنبه‌های سیاسی و اقتصادی حیات انسانی است که دچار اختلال خواهد شد. او الگوی پیچیده رشد و حیات سرمایه‌داری معاصر را در رابطه اقتصاد، فناوری، سیاست و فرهنگ جستجو می‌کند. چنانکه خود می‌گوید: «الگوی سرمایه‌داری معاصر را در زمینه وسیع‌تری تجسم می‌کنم که در بستر بازتولید اجتماعی (خانوارها و اجتماعات)، در رابطه متابولیک و مستمر و همواره متحول با طبیعت (همانند تولد و رشد شهری و محیط مصنوع) و تمام عادات فرهنگی، علمی (دانش - بنیاد)، مذهبی و صورت‌بندی‌های اجتماعی ممکن که جمعیت‌های انسانی عموماً در طول مکان و زمان ایجاد می‌کنند، قرار گرفته است. به چند دلیل وقتی برای اولین بار خبر انتشار این ویروس را در چین شنیدم بی‌درنگ به تبعات آن برای پویایی جهانی انباشت سرمایه فکر کردم» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۰). وی نیز موضوعات فناوری و اقتصاد سرمایه‌داری را با سیاست، محیط‌زیست و فرهنگ پیوند زده و تحلیلی تلفیقی از پدیده ارائه می‌دهد. به‌طوری‌که طبیعت و بواطن و تظاهراتش را آمیخته با نحوه

تفکر و کنش متقابل انسان‌ها بررسی می‌کند و بیان می‌کند: «من مخالف ایده «طبیعت» به‌عنوان چیزی بیرون و مجزا از فرهنگ، اقتصاد و زندگی روزمره مردم بوده‌ام و نگرش دیالکتیکی و نسبی از ارتباط متابولیک فرهنگ با طبیعت دارم» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۳). بر این اساس او زمینه‌های دوگانه‌ای را در بروز و گسترش ویروس کرونا در نظر می‌گیرد. ابتدا، شرایط زیست‌محیطی مناسب که زمینه را برای جهش ویروس فراهم می‌کند. به عنوان مثال او از بخش جنوبی رودخانه یانگ تسه چین یاد می‌کند. از طرف دیگر نظام‌های تولید انبوه مواد غذایی در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی را از آن جهت مورد تأکید قرار می‌دهد که از آنتی بیوتیک‌ها بر روی گیاهان و جانوران به‌صورت گسترده استفاده می‌کنند. به‌علاوه بی‌سامانی در نظام‌های عرضه و عدم نظارت در حاشیه جنگل‌ها و رودخانه‌ها از جمله رودخانه نامبرده، به چنین جهش‌هایی منجر می‌شود. از دیگر شرایط مناسب برای انتشار این ویروس از نظر هاروی، شرایط مطلوب انتقال سریع آن در بدن میزبانان است. از نظر وی جمعیت‌های انسانی زیاد و تراکم بالای آن‌ها شرایط میزبانی از این ویروس را به راحتی فراهم می‌کنند. مزید بر علت، حجم گسترده سیروسفرها در جهان جهانی شده امروزی است. از دید هاروی جهانی شدن گسترده توقف و توقیف سریع بیماری‌های ناشی از ویروس‌ها را غیرممکن می‌سازد. به این ترتیب از نظر هاروی بلایای طبیعی به معنای حقیقی آن وجود ندارد و این خود انسان‌ها هستند که با نظام‌های بهره‌برداری اقتصادی و فرهنگی خود جهش ژنتیکی ویروس‌های عالم‌گیر را فراهم می‌کنند. به معنای دیگر، اعمال و شیوه زندگی آن‌ها و روابطشان سفیر ویروس می‌شود.

نقش جهانی شدن در انتشار ویروس کرونا

تحلیل مکانیسم‌های اثرگذاری جهانی شدن^۱ بر انتشار ویروس کرونا نیازمند آشنایی با این مفهوم و برخی نظریه‌های توضیح‌دهنده آن است. جهانی شدن مفاهیمی چون «فشرده‌گی جهان»، «افزایش وابستگی و درهم‌تنیدگی بخش‌های مختلف جهان»، «پهناورتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی»، «کاهش هزینه‌های تحمیل شده توسط فضا و زمان» را در برمی‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۹). گیدنز جهانی شدن را «وابستگی متقابل فزاینده جامعه جهانی» توصیف می‌کند. او جهانی شدن را محصول بر هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۵۸). به گفته گیدنز مفهوم جهانی شدن را می‌توان به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی تبیین کرد که مکان‌های دوردست

را به گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که به‌موجب آن، رویدادهای محلی تحت تأثیر حوادث مناطقی شکل می‌گیرند که کیلومترها از هم و از محل موردنظر فاصله دارند (Giddens, 1990: 64). «جهانی شدن به مثابه یک مفهوم از یک سو به فشرده شدن جهان و وابستگی متقابل اجزاء آن اشاره دارد؛ و از سوی دیگر به تقویت آگاهی از جهان به‌منزله یک کل» (Robertson, 1992: 8). ظهور ویروس کرونا در یک نقطه از جهان و انتشار سریع آن به دیگر مناطق دور دست جهان و متأثر ساختن زندگی روزمره افراد در جای‌جای جهان و الزام به برزو رفتارهایی مشابه، بازنمایی عینی این تعاریف است.

در مبحث جهانی‌شدن آنچه در نظریه‌های اندیشمندان (نظریه‌های پشتیبان این مقاله) به آن اشاره شده است رابطه جهانی شدن و مسائل زیست‌محیطی است. علاوه بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن، بُعد زیست‌محیطی آن از موضوعات و مسائل مهم روز است؛ زیرا در فرایندهای جهانی شدن مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی‌های مختلف شکلی جهانی به خود گرفته‌اند. این‌گونه مسائل از اختیار دولت-ملت‌ها خارج شده و نیازمند اخذ تصمیماتی فراملی‌اند. مثالی که گولد بلات برای این مورد می‌آورد باران‌های اسیدی است. وی از هدم منابع زیست‌محیطی یاد می‌کند که در بین ملل مختلف جنبه‌هایی مشترک یافته‌اند. از قبیل آلودگی اقیانوس‌ها، آلودگی هوا و ... که به جای‌جای جهان سرایت می‌کند. او آثار این پدیده‌ها را - گسترش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین در دیگر نقاط جهان- را در قالب جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌دهد (Blatt, 1997). همچنان که مشاهده شد، دیوید هاروی نیز جهانی شدن را در سرایت و سیر ویروس کرونا شدیداً مؤثر می‌داند. هاروی در ادامه مباحث «نظام جهانی» والرشتاین و تلفیق اقتصاد و سیاست، مسائل زیست محیطی را به عنوان پیامد شیوه عمل در ارتباط با دو نهاد مذکور در یک رویکرد تحلیل مارکسیستی نگریسته و با وضع اصطلاح «پسامدرنیته انعطاف‌پذیر»، محیط زیست را قربانی جریان گردش سرمایه بین شرق و غرب قلمداد می‌کند (Harvey, 1989).

آنتونی گیدنز جهانی شدن را نتیجه یا تداوم مدرنیته می‌داند. او از نتایج و آثار نامطلوب آن بر تغییرات روابط اجتماعی و زیست محیطی غافل نیست. وی معتقد است با جهانی شدن، نظام سرمایه‌داری هم جهانی می‌شود. صنعت و کنترل فناوری فراتر از مرزهای دولت-ملت رفته و در اقصی نقاط عالم و در زوایای زندگی مردم تأثیر می‌گذارد (Giddens, 1990). به دنبال آن نظریه سیاست فرهنگی اولریش بک علیرغم

تفاوتی که در نقطه آغاز با گیدنز دارد، از بسیاری جهات شبیه آن است. یک از این جهت مشهور است که توجه جامعه شناسان را به این نکته معطوف می کند که ویژگی زندگی اجتماعی معاصر دارای تعداد بی سابقه ای «خطرات مصنوع» است که بسیاری از آن ها، نظیر آلودگی زیست محیطی یا جنگ هسته ای دارای مقیاس جهانی هستند و هنوز امکان تشدید آن ها وجود دارد. در نگرش یک «جامعه خطرپذیر» ابعاد جهانی دارد؛ زیرا خطراتی ایجاد می کند که به فضا و مکان محدود نیستند (نش، ۱۳۸۰: ۹۳). یک طبیعت عام (به تعبیری زیست کره) را موجودی زنده اما بی زبان می داند که علیرغم ضربات و صدماتی که به او وارد می شود صدایی از او به گله و شکایت باز نمی شود؛ اما نیاز است که آگاهان و انسان های معترض صدای او باشند. به این معنا که مباحث زیست محیطی حداقل به اندازه دیگر مسائل اجتماعی در سطح جهانی، اهمیت یافته و بیان شوند (Beck, 1996).

۵. استنتاج از چارچوب نظری - تحلیلی

۱/۵. کرونا در موقعیت معلول

مجموعه دیدگاه های نظری یاد شده، برآنند که ظهور و انتشار ویروس کرونا معلول عملکردهای انسان در عرصه های اقتصادی و سیاسی (نظام از دیدگاه هابرماس) است که با جریان های جهانی شدن به سراسر عالم گسترش پیدا کرده است. برخی عوامل بیماری زا دقیقاً از مراکز تولید ظهور می کنند و مانند ویروس کرونا در خط مقدم تولید سرمایه به وجود می آیند. حداقل ۶۰ درصد از عوامل جدید بیماری زای انسانی با سرریز کردن از جانوران وحشی به اجتماعات انسانی محلی پدیدار می شوند (David Mallincks, 2011).
به نقل از والاس، ۱۳۹۹: ۶۷).

اقتصاد و سرمایه داری جهانی با کشاورزی تجاری و قطب های منطقه ای برای کالاهای کشاورزی به صورت جهانی عمل می کند. در نتیجه پویایی های امراض جنگلی، منابع دیرین عوامل بیماری زا، دیگر تنها محدود به مناطق داخل کشورها نیستند. اپیدمیولوژی های مرتبط با آن ها خودشان به صورت رابطه مند درآمده اند و در پهنه زمان و مکان ظاهر می شوند. به عقیده برخی محققین کشاورزی و تجارت، گسترش جهانی شدن نقش پیشران را در انتقال بین المللی عوامل بیماری زا از خاستگاه اولیه به سایر نقاط جهان ایفا می کند. این خاستگاه ها، زنجیره غذایی طولانی و جنگل زدایی های وسیع مجاور در یک «جغرافیای

رابطه‌مند» موجب می‌شود عوامل بیماری‌زای مشترک انسان و جانوران که به زنجیره غذایی وارد می‌شوند متنوع‌تر و عمیق‌تر شوند. از نظر منتقدین نئولیبرلسیم اقتصادی، اپیدمی‌هایی از این نوع زاییده گسترش این تفکر (تفکر جهانی شدن) و فناوری‌های توسعه‌دهنده آن است که با نابودی پیچیدگی و تنوع زیست‌محیطی، سلامت زیست‌بوم‌ها^۱ را از بین می‌برند؛ بنابراین عوامل بیماری‌زا مانند ویروس کرونا را باید در حوزه روابط زیست‌بومی جستجو کرد که سرمایه و دیگر عوامل ساختاری (همان مفهوم نظام در نزد هابرماس) آن را تسخیر و مغلوب کرده است که به‌نوعی مفهوم از خود بیگانگی مارکس را به ذهن متبادر می‌کند. والاس در این باره بیان می‌کند که: اگر بیگانگی سرمایه را واشکافی کنیم، شاهد پشتیبانی از عوامل بیماری‌زا هستیم. در حالی که منفعت عمومی در پشت دروازه مزرعه و کارخانه مواد غذایی متوقف می‌شود، عوامل بیماری‌زا از سد امنیت زیستی (غذایی) که صنعت مایل به تقبل هزینه‌های آن است، عبور می‌کند و به عموم مردم معطوف می‌شود. تولید روزمره بازنمود قمار اخلاقی پرسودی است که اشتراکات بهداشتی و سلامتی ما را دچار فرسایش کرده و به تحلیل می‌برد (والاس و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۲).

۲/۵. تحلیل موضوع در چارچوب نظری هابرماس - نظام و زیست جهان

هابرماس از اندیشمندان اجتماعی منتقد نظام سرمایه‌داری است (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۹۶). وی در نقد جامعه سرمایه‌داری معاصر و تحلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی از دو اصطلاح «نظام»^۲ و «زیست جهان»^۳ استفاده می‌کند. او مفهوم نظام را از دستگاه نظری دستگاه‌های اجتماعی پارسونز و لومان و مفهوم زیست‌جهان را از پدیدارشناسی شوترز اخذ کرده است. در نزد شوترز اصطلاح «زیست جهان» اشاره به جهان زندگی روزمره دارد. شوترز عمدتاً به روابط میان ذهنی درون زیست‌جهان می‌پردازد. در حالی که هابرماس این اصطلاح را «ارتباطات میان شخصی» در نظر می‌گیرد که درون زیست‌جهانی روی می‌دهد و به لحاظ آرمانی^۴، ارتباط بدون محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی را به صورت باز و آزاد بازنمایی می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۲۴). قبل از ارائه نظریه هابرماس لازم به یادآوری است که دیگر صاحب نظرانی که از دیدگاه‌های آنان در تحلیل مسئله کرونا استفاده شد، همه مؤخر بر هابرماس هستند، فارغ از ارتباطشان با هابرماس به‌نوعی در گرایش فکری و نظری او سهیم می‌باشند و به‌نوعی میراث‌دار

خط فکری و سیاسی او هستند. کماینکه افرادی چون هاروی، بک، ژیرک، والاس و دیگران منتقد نظام سرمایه‌داری و سازوکار اقتصادی - سیاسی موجود در آن هستند. لذا دستگاه نظری هابرماس بر دیدگاه آنان نیز بار می‌شود، هرچند که آنان اصطلاحات موردنظر هابرماس را به کار نبرده باشند؛ اما اطلاعاتی که از وضعیت موجود نظام (اقتصادی - سیاسی) در حال حاضر در مورد جامعه (جهانی) ارائه می‌دهند و نمونه‌های آرمانی‌ای را که طرح می‌کنند تا حد زیادی منطبق بر دستگاه نظری هابرماس است. حُسن اضافه‌ای که دیدگاه‌های جدید بر اندیشه‌های هابرماس دارند، توجه خاص آنان به موضوع محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی است. به این ترتیب، توجه به مسائل زیست‌محیطی و طرح موضوع طبیعت به‌طور مستقل و قرار دادن آن در چارچوب نظری هابرماس، نظریه او را تکمیل و به‌روز می‌کند. هاروی در تأیید این استدلال می‌افزاید: «من همواره مخالف ایده طبیعت به‌عنوان چیزی بیرون از فرهنگ، اقتصاد و زندگی روزمره بوده‌ام و نگرشی دیالکتیکی و نسبی از ارتباط متابولیک با طبیعت دارم. سرمایه شرایط زیست‌محیطی بازتولید خویش را دگرگون می‌کند، اما همراه با ایجاد پیامدهایی غیرعمدی (مانند تغییرات آب و هوایی) و نیروهای تکاملی خودمختار و مستقل (که به‌طور مستمر شرایط محیط زیستی را تغییر می‌دهند). از این منظر بلائی‌ای حقیقتاً طبیعی به‌هیچ‌وجه وجود ندارد» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۱). در این بیان به‌خوبی ارتباط بین مسائل زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مشاهده می‌شود.

از دیدگاه نظری هابرماس منشأ «نظام» درون زیست‌جهان است؛ اما به‌تدریج، ساختارهای متمایز خود را از قبیل دولت، اقتصاد با زبان قدرت و پول بسط می‌دهد. گسترش و بسط این نهادها دوری آن‌ها از زیست‌جهان (با زبان کنش ارتباطی) را به دنبال دارد. عقلانیتی متفاوت از عقلانی شدن زیست‌جهان (عقلانیت ارتباطی) بر عقلانیت (ابزاری) نظام حاکم می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۲۵). در پی بیان صریح کرایب در خصوص تعلق هابرماس به اردوگاه مارکس، ریتزر نیز به بخشی از تقارن دیدگاه‌های تحلیلی آن دو می‌پردازد. تقارن دیگر نیز میان مارکس و هابرماس و مبناهایشان وجود دارد. در مورد هر دوی آن‌ها این مبناهای نه‌تنها نقطه شروع تحلیل‌هایشان را باز می‌کند، بلکه هدف‌های سیاسی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد. به این معنا که درحالی‌که هدف مارکس ایجاد یک جامعه کمونیستی بود که در آن کار تحریف‌نشده (انسانی) برای نخستین بار به وجود آید، اما هدف سیاسی هابرماس جامعه‌ای است که در آن ارتباط تحریف‌نشده (کنش ارتباطی) برقرار گردد. از جهت هدف‌های فوری، مارکس خواستار

حذف موانع (سرمایه‌داری) موجود بر سر راه کار تحریف نشده بود، ولی هابرماس به رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط آزاد و رها از محدودیت‌های نظام است (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۱۲). لذا، بخشی از مفهوم زیست‌جهان هابرماس همان «کنش ارتباطی» است که در جهت تحقق آرمان اجتماعی مارکس، از طریق اصلاح ارتباط نه ایجاد انقلاب، مطرح و دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد طرح کنش ارتباطی به عنوان یک مفهوم محوری در زیست‌جهان اصطلاح مکانیسم‌های ارتباطی در تفکر، بینش و نگرش افراد، بخش‌ها و گروه‌ها نسبت به یکدیگر، برای تحت تأثیر قرار دادن و اصلاح نظام است. این سازوکار راهی به سوی عقلانی کردن نظام و برگرداندن آن از عقلانیت ابزاری و به هم رساندن نظام و زیست جهان است. اولویت قائل شدن برای کنش ارتباطی، یک سلسله پیامد به همراه دارد. نخست آنکه با این تعبیر، عقلانیت، آرمانی نیست که از آسمان افتاده باشد، بلکه در خود زبان ماست و در بردارنده نوعی نظام اجتماعی فراگیر و دموکراتیک است که هدفش رسیدن به توافق است نه اعمال سلطه (کرایب، ۱۳۸۲: ۳۰۰). حال می‌توان پرسید که زیست جهان چیست و دارای چه عناصری است که ترویج کنش ارتباطی در آن می‌تواند بر نظام و ابعاد آن همچون تولید، حکومت، مدیریت و حفظ طبیعت تأثیرگذار باشد؟

«زیست‌جهان مجموعه‌ای از مهارت‌ها، توانش‌ها و معرفت‌ها است که افراد جامعه از آن برای تبادل نظر درباره شیوه‌های زندگی روزمره، تعامل با سایرین و نهایتاً خلق و حفظ روابط اجتماعی استفاده می‌کنند (ادگار، ۱۳۹۶: ۱۴۰). هابرماس اصطلاح زیست‌جهان را برای تأکید بر توانایی اعضای جامعه به عنوان کنشگران اجتماعی به کار می‌برد و نه قدرت اجباری جامعه بر افراد آن‌چنان که آدرنو آن را «جامعه اداره شده» می‌خواند. نظام، قدرتی اجباری انگاشته می‌شود. درون‌مایه عقلانی کردن زیست جهان و نظام، تغییر بینش‌ها و نگرش‌ها است؛ این دو رابطه‌ای تنگاتنگ و کارکردی با یکدیگر دارند.

همان‌طور که ذکر گردید، در این باره اسنودن معتقد است که هر جامعه‌ای آسیب‌پذیری خاص خود را به بار می‌آورد. مطالعه اپیدمی، مطالعه ساختار جامعه است، اعم از الگوی معیشت یعنی اقتصاد و الگوی سیاست که طبیعت را به مسئله منافع پیوند می‌دهد. این همان نظام عقلانی شده (به شکل ابزاری) مجزا و به دور از زیست جهان است. «اپیدمی‌هایی مانند کرونا روابط اخلاقی ما را نسبت به یکدیگر در مقام انسان نشان می‌دهند که امروزه نظاره‌گر آن هستیم. باید تغییری بنیادین در ذهنیت ما ایجاد

1. Communicative action
2. Managed society

شود. باید به این بیندیشیم که به منزله نوع انسان با یکدیگر کار کنیم (کنش ارتباطی داشته باشیم). باید برای مراقبت از یکدیگر ساماندهی بشویم تا بفهمیم که سلامتی و بهروزی همه افراد به هم وابسته است» (اسنودن، ۱۳۹۹: ۱۱۵-۱۱۳).

۳/۵. کرونا، انتقام طبیعت در مقابل عملکرد نظام

جمله آخر اسنودن در عبارت بالا اصطلاح فلسفی - اجتماعی «خود تنها انگاری»^۱ را به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی انسان گمان کند جز خودش چیزی در جهان نیست. مفهومی که در ادبیات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی با عنوان «قوم‌محوری»^۲ و «خودمحوری»^۳ بیان می‌شود. این‌گونه اخلاق در چارچوب کنش ارتباطی هابرماس قابل فهم است. از نظر هابرماس ارتباط باز و آزاد به معنای «عقلانی شدن ارتباط» درون زیست‌جهان است. عقلانیت درون مرزهای زیست‌جهان و ارتباط معنایی مثبت دارد. آن‌هایی که با یکدیگر به کنش متقابل می‌پردازند، به لحاظ عقلانی ترغیب می‌شوند تا ارتباط باز و آزاد برقرار کنند و به فهم متقابل برسند. در این فرایند روش‌های عقلانی برای رسیدن به اجماع به کار گمارده خواهند شد. هنگامی که مباحثه بیشتر پیروز شود اجماع رخ خواهد داد و فهم حاصل خواهد شد. در اینجا اصل بر برهان است نه قدرت (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۲۴). در قالب چارچوب نظری هابرماس و استعمار زیست‌جهان توسط نظام، محیط زیست هم توسط میراث‌داران فکری او جزو موضوعات حیاتی مطرح در زیست‌جهان است که توسط نظام (سرمایه‌داری) استعمار شده است. هاروی یکی از این صاحب‌نظران است، در این باره استدلال می‌کند، «اگر بخواهم برای طبیعت شخصیت انسانی و استعاری قائل شوم، نتیجه می‌گیرم که کووید-۱۹ انتقام طبیعت، به خاطر بیش از چهل سال سوء رفتار متجاوزانه و شرم‌آور با آن توسط بهره‌کشی نئولیبرال وحشی بی‌قاعده است» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۴). اگر بخواهیم همچون هابرماس به قضیه بنگریم، هاروی و همفکران او ریشه این اختلال‌ها، ناگواری‌ها و عصیان طبیعت را به حاکمیت و غالبیت «نظام» و استعمار «زیست‌جهان» توسط آن ارجاع می‌دهند. یکی از مکانیسم‌های این استعمار تحمیل‌الگوی مصرف‌گرایی افراطی بر جامعه است. تداوم این الگو سرانجام به استعمار زیست‌جهان و محیط زیست منجر می‌شود. موضوعی که در نظام سرمایه‌داری نئولیبرال به عنوان چرخه تولید - مصرف شهرت

1. Solipsism
2. Ethnocentrism
3. Egoism

یافته است. آلن اشنایبرگ^۱ در این باره استدلال می‌کند آسیب زیست محیطی صرفاً محصول صنعتی‌شان نیست بلکه مشکل اجتناب‌ناپذیر، اقتصادهای بازاری سرمایه‌داری رقابتی است که در آن سود نیروی محرک است. علتش این است که چنین اقتصادهایی، ساختاری ایجاد می‌کنند که از شرکت‌ها می‌خواهد برای به دست گرفتن بازار و کسب سود با هم به رقابت شدید بپردازند. علاوه بر این به آن‌ها فشار وارد می‌کند که دائماً گسترش یافته و رشد یابند و تنها در برابر رقبایشان بایستند. اشنایبرگ، این اجبار برای گسترش و رشد را «چرخه تولید» می‌نامد. این گونه فشارها موجب فقدان دغدغه برای حفاظت محیط‌زیست می‌شود؛ چنانچه تولید سرمایه‌داری صنعتی، جوامع را در مسیر یک چرخه تولید جهت تخریب محیط زیست قرار دهد، مصرف‌گرایی مدرن کمک می‌کند سرعت چرخه تولید در این مسیر حفظ شود (Beel, 2011).

مصرف‌گرایی را می‌توان شیوه تفکر، ذهنیت یا حتی ایدئولوژی دانست (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۲۲). این مکانیسم استعمار زیست جهان توسط نظام را تداعی می‌کند. نظام اقتصادی‌ای که خود را بر جامعه و شیوه زندگی مردم و ارتباطات و اندیشه‌های آنان تحمیل کرده است. هاروی می‌افزاید، مصرف‌گرایی معاصر به اندازه‌ای افراطی شده است که در آستانه چیزی قرار گرفته است که مارکس آن را «مصرف‌گرایی افراطی و جنون‌آمیز و تبدیل آن به موجودی غریب و هیولوار که نشانه‌ای بر سقوط کل نظام است» توصیف کرده بود. بی‌پروایی از مصرف‌گرایی افراطی نقش اصلی را در تخریب محیط زیست بازی می‌کند (هاروی، ۱۳۹۹: ۴۰).

والاس اذعان می‌کند تخریب زیست کره به دست نظام صورت می‌پذیرد. وی پیدایش ویروس‌هایی چون کرونا را در همین راستا تحلیل می‌کند. کشاورزی تجاری آن‌چنان بر کسب سود متمرکز شده است که اهمیتی به انتشار ویروسی که ممکن است جان میلیاردها نفر را به مخاطره اندازد، نمی‌دهد. برای کاهش شیوع ویروس‌های نوظهور، تولید مواد غذایی باید به شکل بنیادی تغییر کند. خودمختاری کشاورزان و بخش دولتی قوی (منظور دولت دموکراتیک حامی مردم) می‌تواند محیط زیست را بهبود ببخشد و عفونت‌های افسارگسیخته را مهار کند. مرسوم کردن تنوع کشاورزی و دامپروری و بازپس‌گیری استراتژیک زمین‌های تغییر کاربری داده شده و ... باید به کشاورزی تجاری، به مثابه شیوه‌ای از بازار تولید اجتماعی، فیصله داد. تولید به شدت سرمایه‌محور مواد غذایی، به روش‌هایی وابسته است که کل بشریت را به خطر

می‌اندازد. نخستین گام، درآمیختن دوباره تولید مواد غذایی و نیازهای جوامع روستایی را طلب می‌کند. این امر به روش‌های «کشاورزی بوم‌شناسانه» نیاز دارد که از محیط زیست و کنشگران آن محافظت کند (والاس، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۶).

رگه‌هایی از مفهوم «ازخودبیگانگی» مارکس و نقش ایدئولوژی در آن در اندیشه‌های صاحب‌نظران مطرح در این نوشتار مشاهده می‌شود. اینان معتقدند بافهم، دانش و تفاهم در کنش متقابل این ایدئولوژی استعماری (استعمار نظام از زیست جهان) مرتفع می‌شود؛ تا حدی که از آن به عنوان یک گذار تعبیر می‌شود. گذار بزرگ بعدی بشریت باید «بیگانگی زدایی» باشد؛ رها کردن ایدئولوژی‌های استعماری، بازگرداندن بشر به چرخه‌های نوزایی زمین و کشف مجدد شمس ما از فردیت در کثرت، فراسوی سرمایه و دولت (Ernest Mendel, 1970 به نقل از والاس، ۱۳۹۹: ۷۷). مشابه چنین تعبیری از اسلاوی ژئوپلیک مشاهده می‌شود. او استدلال می‌کند یکی از پیامدهای انتشار ویروس کرونا تغییر در ایدئولوژی و بینش و نگرش نسبت به سلطه دولت - ملت است. گسترش روزافزون اپیدمی ویروس کرونا، اپیدمی گسترده‌ای از ویروس‌های ایدئولوژیک را برانگیخته است که در جوامع ما نهفته بودند، ویروس‌هایی همچون اخبار جعلی، تئوری‌های پارانویایی، توطئه و غلیان نژادپرستی. در این میان شاید ویروس ایدئولوژیک سودمندی هم گسترش یابد و امیدوارم که به ما هم سرایت کند. ویروس اندیشیدن درباره «جامعه آترناتیو»، جامعه‌ای فراسوی دولت - ملت‌ها، جامعه‌ای که خود را در قالب همبستگی و همکاری جهانی تحقق می‌بخشد (ژئوپلیک، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی واکاوی دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جدید ارائه شده در خصوص شیوع ویروس کرونا و آثار مترتب بر آن بود که دو ویژگی داشتند: یکی اینکه مسائل زیست‌محیطی مرکز مباحث آنان بود و این مسائل را با مسائل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مرتبط می‌دانند. دوم اینکه اغلب اندیشمندان کم‌وبیش در پارادایم انتقادی نظام اقتصادی - سیاسی نئولیبرالیسم قلم می‌زنند و به نوعی بر اصلاح آن (نظام به معنای هابرماسی)، از طریق تغییر در بینش‌ها و نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها اتفاق نظر دارند. این دو ویژگی به تناسب محتوای مقاله به دو واژه کلیدی عنوان مقاله یعنی زیست‌کره (ویژگی اول) و زیست‌جهان (ویژگی دوم) اشاره دارد.

1. Ageroecological
2. Disalienation

اطلاعات و نظریات هر یک از صاحب نظران صاحب خبر (واجد اطلاعات) به روش اسنادی از اسناد و منابع کتبی گردآوری شد و در قالب نظریه یا چارچوب تحلیلی هابرماس در نظریه کنش ارتباطی با دستگاه تحلیلی «نظام- زیست جهان» مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. نظریه‌های افرادی چون اولریش بک، دیوید هاروی، فرانک اسنودن، اسلاوی ژیژیک، راب والاس و برخی دیگر در این خصوص، حاکی از آن است که در جریان حاکمیت تفکر اقتصادی نئولیبرالی، بینش مادی گرایانه و سودپرستانه فزون طلب سرمایه‌داری، بین زیست کره و زیست جهان جدایی انداخته و هر دو را تحت استعمار نظام قرار داده است. رستاخیزی که شیوع ویروس کرونا در جهان از شرق تا غرب عالم از کشورهای فقیر تا غنی، کوچک و بزرگ ایجاد کرده، بیشتر از جنس بینش و نگرش به جهان، محیط زیست و کنش ارتباطی است.

تحلیل‌های نظری و علمی ارائه شده در این مقاله شامل حال ایران هم می‌شود. به این معنا که تفکر نئولیبرالیستی اقتصادی و اصالت سود و سرمایه نه به‌طور کلاسیک و نظام‌مند و منسجم بلکه به‌صورت پراکنده، منقطع و ناقص در دهه‌های اخیر از طرف نظام (به معنای هابرماسی) اجرا گردیده و تا حدی در زیست جهان تأثیر منفی گذاشته است. به‌طوری که شواهد نشان می‌دهد، در ایران از یک سو نظام بهره‌برداری اقتصادی - سیاسی با منش‌های استراتژیک تعدی به حقوق طبیعت اعم از زمین‌خواری، تخریب محیط‌زیست، آلودگی‌های مختلف زیست‌محیطی را به دنبال داشته است. از طرف دیگر آلودگی‌های اجتماعی اعم از تجاوز به حقوق دیگران، محدودیت جامعه مدنی و ضعف کنش ارتباطی در جامعه، اعم از تجاوزهای مالی و اختلاس‌های خرد و کلان تا زیست جهان در ایران در سلطه یا تحت استعمار نظام قرار بگیرد.

ایران هم خواه‌ناخواه عضوی از جامعه جهانی است. قطعاً در جریان جهانی شدن تأثیرهایی از آن می‌پذیرد. نمونه آن انتشار ویروس کرونا است که منشأ آن به مکانی در کشور پهناور چین برمی‌گردد. ارتباطات جهانی به‌ویژه برای مبادلات اقتصادی و کسب سود و تجارت و جهانگردی در این مورد خاص با کشور چین، زمینه شیوع آن را در جامعه ایران فراهم نمود. این خود نمونه‌ای است از بینش سودگرایانه نئولیبرالیستی که از سوی شرکت‌های فرامرزی اعمال می‌شود. نتایجی که از این مقاله به دست می‌آید نشان‌دهنده آن است که قرار گرفتن در جریان جهانی شدن اجتناب‌ناپذیر است. شیوع ویروس کرونا برای همه جوامع این آموزه را می‌تواند به دنبال داشته باشد که نگرش جدایی طبیعت از جامعه و فرهنگ، به دوره بعد از انقلاب صنعتی و احساس تسلط

انسان (جامعه) بر طبیعت تعلق دارد. در جوامع امروزی به تدریج نگرش دیالکتیکی از ارتباط متابولیک با طبیعت جایگزین آن می‌شود. هاروی هم در همین راستا استدلال می‌کند که بلا یای حقیقتاً طبیعی به هیچ وجه وجود ندارد و برای طبیعت شخصیت قائل است. همان‌طور که مارکس چنین نگرشی داشت و طبیعت را کالبد غیرارگانیک بشر توصیف می‌کرد (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۰۲؛ هاینگن، ۱۳۹۳: ۲۲). در نخستین آثار مارکس، مفهوم «انسانی کردن طبیعت» مطرح شده است. بدین معنا که انسان‌ها باید درک جدیدی از طبیعت و همدلی با آن را شکل دهند (هانینگن، ۱۳۹۳: ۲۱). یکی از یافته‌های مهم از مباحث این مقاله، تغییر در بینش و نگرش جدایی جامعه از طبیعت است که به نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بعد از انقلاب صنعتی و دوره روشنگری تعلق داشت. فرا رفتن از دوگانگی و تمایز فرهنگ/ طبیعت و ربط دادن و نزدیک کردن طبیعت و جامعه به هم (Murdoch, 2001 به نقل از هانینگن، ۱۳۹۳: ۷۲). از نتایج انتشار ویروس کرونا است. نتیجه دیگری که از نظریه هابرماس بر اساس اطلاعات و نظریات اندیشمندان زیست‌محیط محور برمی‌آید (همان‌طور که هاروی و ژیزیک مطرح کردند) شکل‌گیری گفتمان‌های زیست‌محیطی برای غنی‌تر کردن و عقلانی کردن زیست‌جهان است. شکل‌گیری نگرش جدید در زیست‌جهان در مقام نظر رسیدن به یک جهان حیاتی باز، آزاد و دموکراتیک برای ایران و جهان متصور است.

احمدی، یعقوب، علی پور، پروین و مرجائی، سیدهادی (۱۴۰۲). ترومای کرونا: از بیماری تا فاجعه در مناطق کم‌برخوردار (مورد مطالعه: شهر سنندج)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲ (۱)، ۲۶-۵۴. 10.22059/JISR.2022.342434.1300

ادگار، اندرو (۱۳۹۶). مفاهیم کلیدی در اندیشه هابرماس، ترجمه محمد رضا غلامی، انتشارات دنیای اقتصاد.

اسکندریان، غلامرضا (۱۳۹۹). ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی). ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا، ۱ (۱)، ۶۵-۸۵. sid.ir/paper/524156/fa//

اسنودن، فرانک (۱۳۹۹). اپیدمی و تغییر تاریخ، ترجمه شیرین کریمی، مجموعه مقالات کرونا از منظر اقتصاد سیاسی، ناشر، نقد اقتصاد سیاسی.

بدیو، آن (۱۳۹۹). در مورد وضعیت اپیدمی، ترجمه مریم وحدتی، برگرفته از سایت علمی Problematicaa.com (مندرچ در کتاب کرونا از منظر اقتصاد سیاسی، ۲۰۲۰). آدرس الکترونیکی:

On-the-4608https://www.versobooks.com/blogs/epidemic-situation

جلالی، محمدرضا (۱۳۹۹). کرونا و جراحی روانی: تحلیلی روان‌شناختی از عارضه کرونا در ایران، در کرونا و جامعه ایران: سویه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

حسینی رنجبر هرمزآبادی، علی (۱۴۰۰). تاثیر عوامل ناشی از بیماری کرونا بر اقتصاد جهانی و بازارهای بین‌المللی، مجله مدیریت برند آفرین، ۲ (۲۴)، ۱۳-۱.

داسمن، ریموند فردریک (۱۳۷۷). زمین در خطر است، ترجمه محمود بهزاد، انتشارات امیرکبیر.

ریترز جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

ریترز جورج، (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر ثالث.

زارع گاوگانی، وحیده (۱۳۹۹). شیوع اطلاعات نادرست در بحران جهانی کرونا ویروس، تصویر سلامت، ۱۱ (۱)، ۱۵-۹. sid.ir/paper/265181/fa//

ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۹). تصمیمی که کرونا بر ما تحمیل کرد، ترجمه صالح نجفی، راشاتودی. Thesis11.com.

ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت.

سبکتکین، قربانعلی ریزی؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ حق‌ندری، ایرج، شیوندی، کامران و سیدی، فرانک (۱۴۰۲). پیامدهای اجتماعی آشوب اطلاعاتی در ایران پسا کرونا، مسائل اجتماعی ایران، ۱۴ (۲)، ۲۰۱-۲۲۵. 10.61186/jspi.14.2.201

سوری حسین، نوری فرد مرضیه و صابر آریامنش (۱۳۹۹). بررسی وضعیت سلامت روانی کاربران شبکه‌های اجتماعی در دوره شیوع بیماری کووید-۱۹، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۴ (۸)، ۲۱-۲۹. 10.29252/qums.14.8.21

شاهد حق قدم، هاله و همکاران (۱۳۹۹). پیامدها و مداخلات روان‌شناختی در پاندمی کووید ۱۹، مجله مطالعات طب دریا، ۲ (۱)، ۱۱-۱.

10.30491/2.1.7

صولتی، مهران (۱۴۰۰). کرونا به مثابه بحران؛ معرفی کتاب آشوب؛ نقاط عطف برای کشورهای بحران زده، مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۲۳۱-۲۳۹. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.53244.2453>

عسگری، محمد، چوبداری، عسگر و حسین اسکندری (۱۴۰۰). واکاوی تجارب زیسته افراد مبتلا به بیماری کرونا در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی و راهکارهای پیشگیری و کنترل آسیب‌های روانی ناشی از آن، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۲(۴۵)، ۵۲-۳۳.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.53244.2453>

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). مردم‌نگاری کرونای ایرانی، در کرونا و جامعه ایران؛ سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فروتن کیا، فرزین و نواح، عبدالرضا (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی محیط زیست، انتشارات جامعه شناسان.

کریب، یان (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، نشر آگاه.

کوتینز، ایزاک (۱۳۹۹). چگونه بیماری‌های عالم‌گیر، تاریخ را تغییر می‌دهند. (گفتگو با فرانک ام. اسنودن)، ترجمه علی کاظمیان، زهرا شوشتری و نگین نژادعلی. سایت ایران آنلاین: <http://www.ion.ir/news/552725>.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، ۳(۱۱)، ۱۱۶-۸۷.

مختاری، پریسا، معزی بهناز و علی منتظری (۱۳۹۹). ویروس کرونا و مواجهه بیش از حد اطلاعاتی، نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ویژه‌نامه کرونا ویروس، ۱۹(۳)، ۳۴۹-۳۵۳.

[//sid.ir/paper/23241/fa](http://sid.ir/paper/23241/fa)

مشهدی، علی (۱۴۰۱). تحلیل شیوع بیماری کووید ۱۹ از منظر حقوق محیط زیست، تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و کرونا)، ۲۵(۲)، ۱۸۱-۲۰۵. [JLR.2022.226836.2174/10.29252](https://doi.org/10.29252/JLR.2022.226836.2174)

معیدفر، سعید (۱۳۹۹). کرونا، فرصتی برای بر ساخت مسئله اجتماعی، در کرونا و جامعه ایران؛ سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ملکیان، منصوره (۱۳۹۹). فرصت‌ها و تهدیدهای ویروس کرونا برای محیط زیست، ره یافت، ۳۰(۷۹)، ۶۳-۷۶. [//sid.ir/paper/952557/fa](http://sid.ir/paper/952557/fa)

متی، حسین (۱۳۹۹). بررسی اثرات ویروس کرونا کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، (ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا- کووید ۱۹)، ۱(۲)، ۱۶۳-۱۸۱. sid.ir/paper/524158/fa/

میری، سیدجواد (۱۳۹۹). کرونا را باید نقطه عطف جهان دید، جوان آنلاین: <https://www.javanonline.ir/004BuM>؛ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر.

هانینگن، جان (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت.

هاروی، دیوید (۱۳۹۹). سیاست ضد سرمایه‌داری در زمانه کرونا، ترجمه پریسا شکورزاده، تهران، نشر نی.

- Asgari, Mohammad, Chowdari, Asgar and Hossein Eskandari (2020). Analyzing the lived experiences of people suffering from corona disease in personal, family and social relationships and strategies to prevent and control mental injuries caused by it, *Cultural Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 12(45), 52-33.[in parsian].
- Ahmadi, Yaqoub, Alipour, Parveen and Marjaei, Seyyed Hadi (2023). Corona trauma: from disease to disaster in underprivileged areas (case study: Sanandaj city), *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 12(1), 26-54. [in parsian]
- Badiou, Alan (2019). *Regarding the epidemic situation, translated by Maryam Vahdati, taken from the scientific site Problematikka.com* (included in the book Corona from the perspective of political economy, 2020.[in parsian]
- Beck, U (1996). *World Risk Society as Cosmopolitan Society*, Polity press: Cambridge.
- Bell, K (2011). Environmental justice in Cuba, *Critical Social Policy*, volume 31.pp 36-49.
- Blatt, Gold (1997). *the Globalization of Environmental Risks*, Polity Press: Cambridge.
- Dasman, Raymond Frederick (1998). *The Earth is in danger, translated by Mahmoud Behzad*, Amirkabir Publications.[in parsian]
- Edgar, Andrew (2016). *Key Concepts in Habermas's Thought, translated by Mohammad Reza Gholami*, World Economic Publishing House.[in parsian]
- Eskandrian, Gholamreza (2019). Evaluating the consequences of the corona virus on lifestyle (with an emphasis on the cultural consumption pattern). *Special report on the consequences of the spread of the corona virus*, 1(1), 65-85.[in parsian]
- Fazli, Nematullah (2019). *Ethnography of Iranian Corona, in Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication.[in parsian]
- Fortun Kia, Farzin and Navah, Abdolreza (2015). *Environmental Sociology*, Sociologists Publications.[in parsian]
- Giddens, Anthony (1990). *the Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity Press.
- Golmohammadi, Ahmed (2001). *Globalization, Culture and Identity*, Tehran, Ney Publishing.[in parsian]
- Golmohammadi, Ahmed (2011). A look at the concept and theories of globalization, *National Studies Quarterly*, 3(11), 116-87.[in parsian]
- Harvey, D (1989). *the Candition of Postmodernity*. Black Well:Oxford.
- Hosni Ranjbar Hormazdabadi, Ali (2020). The impact of the factors caused by the corona disease on the global economy and international markets, *Brandafrin Management Journal*, 2(24), 1-13.[in parsian]
- Goldsmith, Edward (1998). *the great V-turn: De-Industrializing Society*. Green books, London.
- Hannigan, John (2013). *Environmental Sociology*, translated by Sadegh Salehi, Samt Publications.[in parsian]

- Harvey, David (2019). *Anti-capitalist politics in the era of Corona*, translated by Parisa Shakurzadeh, Tehran, Ney Publishing. **[in parsian]**
- Jalali, Mohammadreza (2019). *Corona and mental injury: a psychological analysis of the complication of Corona in Iran*, in *Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication. **[in parsian]**
- Robertson, Roland (1992). *Globalization*, London: Sage publication.
- Kraib, ian (2012). *Modern social theory*, from Parsons to Habermas, translated by Abbas Mokhbar, Nashagah. **[in parsian]**
- Kutins, Isaac (2019). *How global diseases change history*. (Interview with Frank M. Snowden), translated by Ali Kazemian, Zahra Shushtri and Nagin Nejad Ali. Iran online website: <http://www.ion.ir/news/553725>. **[in parsian]**
- Malekian, Mansoura (2019). Opportunities and threats of the corona virus for the environment, *Rehiyafi*, 30(79), 63-76. **[in parsian]**
- Mashhadhi, Ali (2021). Analysis of the spread of the disease of covid 19 from the perspective of environmental law, *legal research* (Special Law and Corona), 25(2), 181-205. **[in parsian]**
- Menati, Hossein (2019). Investigating the effects of the corona virus covid 19 on the global economy, evaluating the social effects, (*Special report on the consequences of the spread of the corona virus-covid 19*), 1(2), 163-181. **[in parsian]**
- Miri, Sidjavad (2019). *Corona should be seen as the turning point of the world*, Javan Online: 31/01/2019: <https://www.javanonline.ir/004BuM>. **[in parsian]**
- Moaidfar, Saeed (2019). *Corona, an opportunity to create a social issue*, in *Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication. **[in parsian]**
- Mokhtari, Parisa, Moazi Behnaz and Ali Montazeri (2019). Corona virus and exposure to information overload, Jihad Academic Health Sciences Research Institute, *special issue of Corona Virus*, Volume 19, Number 3, 353-349. **[in parsian]**
- Nash, Keith (2011). *Contemporary Political Sociology*, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Nash Kavir. **[in parsian]**
- Newby, Howard (2001). *sociology and the environment*, Cambridge, Polity Press.
- Ritters George (1995). *Sociological theories in the contemporary era*, translated by Mohsen Salasi, Scientific Publications. **[in parsian]**
- Ritters George, (2010). *The foundations of contemporary sociological theory and its classical roots*, translated by Shahnaz Mesmiparast, third edition. **[in parsian]**
- Sabkatkin, Ghorban Ali Rizi; Zakari Nasrabadi, Zahra; Haqndari, Iraj, Shivandi, Kamran and Sidi, Frank (2023). Social consequences of information chaos in post-coronavirus Iran, *Iranian Social Issues*, 14(2), 201-225. **[in parsian]**

- Shahid Haq Kadam, Halle et al. (2019). Psychological consequences and interventions in the covid-19 pandemic, *Journal of Maritime Medicine Studies*, 2(1), 1-11.[in parsian]
- Snowden, Frank (2019). Epidemic and change of history, translated by Shirin Karimi, collection of articles on Corona from the perspective of political economy, publisher, *political economic criticism*. [in parsian]
- Snowden, Frank, M (2010) From the black death to the present Epidemics and society, Yale University press.
- Solati, Mehran (2020). Corona as a crisis; Introduction of the chaos book; Milestones for crisis-stricken countries, *Iranian social issues*, 11(1), 231-239. [in parsian]
- Spinelli, M.; Lionetti, F.; Pastore, M. & Fasolo, M. (2020) Parents' Stress and Children's Psychological Problems in Families Facing the COVID-19. Outbreak in Italy. *Frontiers in Psychology*, 11, 1713.
- Sutton, Philip W. (2017). *Introduction to Environmental Sociology*, translated by Sadegh Salehi, Samt Publications. [in parsian]
- Suri Hossein, Nouri Fard Marzieh and Saber Aryamnesh (2019). Investigating the mental health status of social network users during the outbreak of the Covid-19 disease, *Qom University of Medical Sciences Journal*. 14(8), 21-29. [in parsian]
- Zandifar, A., & Badrfam, R. (2020) Iranian mental health during the COVID-19 epidemic. *Asian journal of psychiatry*, 51, 101990.
- Zhang F, Shang Z, Ma H, Jia Y, Sun L, Guo X, et al. (2020). *High risk of infection caused posttraumatic stress symptoms in individuals with poor sleep quality: A study on influence of coronavirus disease (COVID-19) in China*. medRxiv.pp 1-13.
- Zare Gavagani, Vahidah (2019). The prevalence of misinformation in the global coronavirus crisis, *Health Image*, 11(1), 9-15. [in parsian]
- Zhong BL, Luo W, Li HM, Zhang QQ, Liu XG, Li WT, et al (2020). Knowledge, attitudes, and practices towards COVID-19 among Chinese residents during the rapid rise period of the COVID-19 outbreak: a quick online cross-sectional survey. *Int J Biol Sci* 2020; 16(10):1745-1752.
- Žižek, Slavi (2019). *The decision that Corona imposed on us*, translated by Saleh Najafi, Rashatoudi Thesis11.com. [in parsian]
- <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/zoonoses>: 29 July 2020.

Monovocality or Multivocality of News at the Onset of the Crisis: A Case Study of the Websites of News Agencies in the Islamic Republic of Iran During the Covid-19 Pandemic

*Zahra Ojagh, Associate Prof Department of Communication of Science and Technology, Faculty of Cultural Studies and Communication, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
Email: z.ojagh@gmail.com*

Abstract

If the information presented at the onset of a crisis is compiled and presented in the right context and with the proper rhetoric, it can be helpful not only to improve and restore the image of the officials, but also to meet the information needs of the audiences. One of the prevailing idea about the communication strategy in crisis management is monovocality which means that a main speaker and others including the media, distribute similar views about a crisis. The current study investigates monovocality and multivocality strategies using two theories of situational crisis communication and rhetorical arena theory and analyzes the status of Iranian news agencies as the main portals of news and the directors of public opinions from this point of view. To this end, 794 news on corona virus released in seven first months of Covid-19 pandemic are gathered in the four sample news agencies by applying the Entman framework analysis method. The research findings show monovocality dominance where the three news agencies including Fars News, Mehr News and IRNA have covered the news in two frameworks: “settling economic problems with protectionism approach” and “threatening but controllable corona virus through prevention/government actions”. As a result, the news agencies used monovocality as a strategy to cover the news on the corona virus pandemic. Also, more attention to the theoretical discussion shows that paying attention to the differences in the components of the framework is essential in order to distinguish monovocality/ multivocality strategies. This shows that the political affiliation of news agencies has caused multivocality in the introduction of problem-solver agents and none of these agencies have provided a rhetorical arena for citizens’ voices to be heard.

Keywords

Crisis Communication, Covid19 , News Agencies, Rhetorical Arena, Strategy of Monovocality/ Multivocality, Frame analysis.



کاربرد راهبرد تک‌صدایی/ چندصدایی در مدیریت اخبار در آغاز

بحران: مطالعه موردی

وبسایت‌های خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی ایران در همه‌گیری کووید-۱۹

زهرا اجاق

چکیده

اگر اطلاعات ارائه شده در زمان بحران در چارچوب و با بلاغت درستی تدوین و عرضه شوند، می‌توانند ضمن برآوردن نیازهای اطلاعاتی مخاطبان به اصلاح و ترمیم وجهه مسئولان نیز کمک کنند. یکی از تناقض‌های مطرح در مورد چگونگی اطلاعات، متحدالشکل بودن یا نبودن آن‌هاست؛ یعنی سخن‌گویی اصلی و سایرین از جمله رسانه‌ها با صدای واحدی درباره بحران سخن بگویند یا اینکه صداهای مختلفی مطرح شوند. رعایت این اصول، اهمیت توجه به اصول راهبردی ارتباطات بحران را نشان می‌دهد. مقاله حاضر، راهبرد تک‌صدایی یا چندصدایی در شرایط بحران را با استفاده از دو نظریه ارتباطات بحران وضعیتی و نظریه عرصه بلاغی بررسی می‌کند و وضعیت خبرگزاری‌های ایرانی به‌عنوان درگاه‌های اصلی خبر و سازنده افکار عمومی را از این منظر تحلیل می‌کند. برای این منظور، طی هفت ماه نخست همه‌گیری کووید-۱۹ تعداد ۷۹۴ خبر درباره ویروس کرونا در چهار خبرگزاری نمونه این پژوهش با روش تحلیل چارچوب انتمن، تحلیل شده‌اند. یافته‌ها در وهله اول نشان‌دهنده غلبه راهبرد تک‌صدایی هستند و نشان می‌دهند که سه خبرگزاری فارس، مهر و ایرنا، اخبار را در دو چارچوب «حل مشکلات اقتصادی با اقدامات حمایتی» و «کرونای تهدیدآمیز اما مهارپذیر از راه پیشگیری/تدبیر دولت» پوشش داده‌اند. خبرگزاری ایلنا تنها از چارچوب اول استفاده کرده است. این نتایج حاکی از غلبه رویکرد تک‌صدایی در ارتباطات بحران خبرگزاری‌های مورد مطالعه هستند. ولی با بازگشت به مباحث نظری، مقاله حاضر نتیجه می‌گیرد که برای تشخیص راهبرد تک‌صدایی/چندصدایی باید به تفاوت‌های اجزاء چارچوب دقت کرد. این تحلیل آشکار می‌سازد که وابستگی سیاسی خبرگزاری‌ها موجب چندصدایی در معرفی عوامل حل مسئله شده‌اند و هیچ‌کدام از آن‌ها، عرصه بلاغی برای بلند کردن و شنیده شدن صدای شهروندان فراهم نساخته‌اند.

واژگان کلیدی

ارتباطات بحران، کووید-۱۹، خبرگزاری‌ها، عرصه بلاغی، راهبرد تک‌صدایی/ چندصدایی، تحلیل چارچوب.



سال چهارم
شماره اول
بهار ۱۴۰۳

۱۴۷

مقدمه و بیان مسئله

با رخداد بحران، رسانه‌ها به‌عنوان منبع در دسترس اطلاعات نه‌تنها مخاطبان را درباره ماهیت و چیستی بحران آگاه می‌سازند، بلکه با ارائه انواع اطلاعات لازم کمک می‌کنند تا مردم و مسئولان عملکرد بهتری در مدیریت بحران داشته باشند. اینکه این قبیل اطلاعات باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا امکان مدیریت و غلبه بر بحران را تسهیل کنند، یکی از مسائل مهم این عرصه مطالعاتی است. اغلب نظریه‌های ارتباطات بحران، راهبرد تک‌صدایی را ترویج می‌کنند (Clarke et al, 2006)؛ یعنی اتخاذ صدای واحد درباره چیستی بحران و اقدامات لازم توسط همه رسانه‌ها را برای مدیریت بهتر بحران مؤثر می‌دانند؛ اما شرایط به‌ویژه به دلیل حضور رسانه‌های اجتماعی تغییر کرده است. میزان ارسال پیام‌های متفاوت توسط افراد، حتی کسانی که در حال مدیریت پیام هستند، موجب بررسی این وضعیت و تردید درباره راهبرد هماهنگی^۱ شده است (Yoo et al, 2023). لذا دیدگاه‌های دیگری طرح شده‌اند که چندصدایی را راهبرد مناسب‌تری برای ارتباطات بحران معرفی کرده‌اند (Frandsen & Johansen, 2012). مطالعات انجام شده در ایران نیز غلبه منابع رسمی بر غیررسمی و انعکاس محدود دیدگاه‌های غیررسمی (ابراهیمی، ۱۳۸۹) را نشان داده و اهمیت تک‌صدایی و خاموش کردن انتقاد در شرایط بحران توسط رسانه‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۷). این مقاله قصد دارد تا با شناسایی چارچوب‌های استفاده شده در رسانه‌ها برای پوشش اخبار بحران همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ خبرگزاری‌های ایران را از منظر استفاده از راهبرد تک‌صدایی یا چندصدایی تحلیل کند. با توجه به این که گرایش‌های سیاسی مختلف رسانه‌ها یکی از عوامل اثرگذار بر شیوه بازنمایی رویدادهاست و با عنایت به این که خبرگزاری‌ها منبع اصلی تولید و انتشار اخبار محسوب می‌شوند، در این مطالعه نحوه چارچوب‌بندی اخبار مرتبط با عالم‌گیری کووید ۱۹ در دو خبرگزاری اصول‌گرا و اصلاح‌طلب از این منظر تحلیل می‌شوند. تا موج پنجم بیماری ویروس کرونا، آمار تلفات و میزان شیوع بالا بود اما با انجام واکسیناسیون از بهمن ۱۳۹۹ و شدت گرفتن آن از شهریور ۱۴۰۰، در موج ششم که اسفند ۱۴۰۰ بود آمار فوتی کاهش یافت. در تیرماه ۱۴۰۱ موج هفتم کرونا شکل گرفت و در دی ماه ۱۴۰۱ موج هشتم کرونا پدیدار شد (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱). اکنون هم قدرت و شدت سویه‌های جدید بیماری کاهش و هم توان مقابله با آن افزایش یافته است و به نظر می‌رسد که بحران مذکور مدیریت شده است؛ اما بحران‌ها همواره از راه می‌رسند

و نداشتن راهبرد مدیریتی مناسب در حوزه‌های مختلف از جمله اخبار می‌تواند مدیریت بحران را دچار چالش کند. به‌ویژه آن‌که اخبار موجب شکل‌گیری افکار عمومی و واکنش جمعی به بحران می‌شود.

اینکه رسانه‌ها چگونه بحران و رویدادهای مربوط به آن را پوشش می‌دهند صرفاً به ماهیت رویداد مربوط نیست، بلکه برنامه‌ریزی، وابستگی حزبی و سیاست‌های رسانه‌ها نیز در تعیین زاویه نگاه به رویداد اثر دارند. شهروندان بخصوص برای یادگیری درباره موضوعات علمی و بهداشتی که خارج از دسترس، دید و ذهن هستند، به رسانه‌ها نیاز دارند. وقتی مردم می‌خواهند اطلاعاتی درباره شیوه پیشگیری از بیماری کسب کنند، از منابع غیرپزشکی مثل رسانه‌ها استفاده می‌کنند (Ophir, 2019). از این رو، راهبرد رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و تولید محتوا اهمیت دارد. این پژوهش درصدد است که با شناسایی چارچوب‌های استفاده شده در خبرگزاری‌ها برای پوشش اخبار مربوط به بیماری کووید ۱۹ مشخص کند که خبرگزاری‌ها کدام یک از دو راهبرد تک‌صدایی و چندصدایی را به‌عنوان راهبرد مطلوب خود در فرایند تولید خبر حین بحران برگزیده‌اند و پس از شناسایی راهبرد مطلوب خبرگزاری‌های درباره اثرات احتمالی آن در سطح نظری برای مدیریت بحران ایده پردازی کند. برای دستیابی به این هدف، مقاله حاضر ملزم است تا در بخش یافته‌ها پاسخ دو پرسش به شرح زیر را ارائه دهد: (۱) ویژگی‌های اجزاء چارچوب‌های مورداستفاده در چهار خبرگزاری مطالعه شده چیست؟ (۲) خبرگزاری‌های موردمطالعه از چه چارچوب‌هایی برای پوشش اخبار مرتبط با ویروس کرونا استفاده کرده‌اند؟ یافته‌های به‌دست‌آمده در راستای دو پرسش مذکور به ما کمک خواهند کرد که به چهار پرس پاسخ دهیم که روشنگر این فهم خواهند شد که وابستگی سیاسی خبرگزاری‌ها در شکل دادن به عرصه بلاغی آن‌ها و اتخاذ راهبرد تک‌صدایی / چندصدایی چه نقشی دارد. در بخش نتیجه‌گیری گام‌به‌گام با پاسخ به پرسش‌های زیر پیش خواهیم رفت: (۱) شباهت و تفاوت چارچوب‌های استفاده‌شده در خبرگزاری‌های وابسته به طیف‌های سیاسی مختلف چیست؟ (۲) موضع بلاغی خبرگزاری‌های با وابستگی سیاسی متفاوت مشابه یکدیگر است یا با هم فرق دارند؟ (۳) خبرگزاری‌های موردمطالعه براساس وابستگی سیاسی‌شان، عرصه بلاغی برای بازنمایی صداهای کدام کنشگران بوده‌اند؟ (۴) وابستگی سیاسی خبرگزاری‌های موردمطالعه چه نقشی در انتخاب راهبرد ارتباطاتی تک‌صدایی / چندصدایی در ارتباطات بحران ویروس کرونا استفاده کرده‌اند؟

پیشینه پژوهش

پس از شیوع همه‌گیری کووید ۱۹ و از سال ۱۳۹۹ مقالات زیادی درباره ابعاد مختلف این موضوع منتشر شده است؛ اما مقاله یا گزارش پژوهشی از منظر استفاده از راهبرد تک‌صدایی یا چندصدایی در تدوین محتوا در طول همه‌گیری ویروس کرونا منتشر نشده است. یکی از مقاله‌ها (Habersaat et al., 2020) طی معرفی ده ملاحظه برای مدیریت گذار از بحران، استفاده از زبان واضح و کاهش بار شناختی را توصیه کرده است که مردم را گیج نکند. مطالعه‌ای هم بر ویژگی‌های سخنگوها در بحران عالم‌گیری کووید - ۱۹ یعنی فرستنده این پیام‌ها تمرکز کرده است (Abu-Akel et al., 2021). این مطالعه ۶ کشور را دربرگرفته و نشان داده که قدرت اقناع سخنگویان دولتی و متخصصان علمی به‌ویژه افرادی مانند دکتر آنتونی فائوچی که هر دو موقعیت را داراست، بیش از سایر گروه‌ها بوده است. همچنین احتمال اشتراک‌گذاری مجدد پیام با افزایش سن سخنگو و افزایش احساس مثبت مخاطب نسبت به سخنگو افزایش می‌یابد. مقاله دیگری (Ghio et al., 2021) با مرور نظام‌مند ۶۸ مقاله نتیجه گرفته که در طول همه‌گیری ویروس کرونا، ویژگی‌های پیام‌رسانی مؤثر شامل انتقال پیام توسط منابع معتبر، مشارکت جامعه، افزایش آگاهی/دانش، و مشخص کردن مراحل مختلف همه‌گیری است. پژوهشی با تمرکز بر پیام‌های مرتبط با کرونا که در توئیتر ریتوییت شده‌اند (Xie & Liu, 2022) نشان می‌دهد که ویژگی‌های منبع و اطلاعات بهداشتی، مانند ساختار، سبک و محتوا، با ریتوییت کردن مرتبط‌اند. پیام‌های مقامات بهداشتی ریتوییت بیشتری پیدا کردند. پیام‌های دارای هشتگ #، تصویر، ویدئو به ترتیب بیشتر از پیام‌هایی که هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را ندارند، ریتوییت می‌شوند، درحالی‌که پیام‌های دارای پیوند هایپرلینک، ریتوییت‌های کمتری نسبت به پیام‌های بدون لینک دریافت می‌کنند. از نظر ساختار اطلاعات، پیام‌های دارای احساس بیشتر از پیام‌های بدون احساس ریتوییت می‌شوند. مقاله دیگری که قرابت بیشتری به مقاله حاضر دارد براساس واکنش مخاطبان، ویژگی‌های پیام‌های مناسب را شرح داده است (McCloughlin et al., 2023). این مقاله نشان داده پیام‌هایی که اخلاقیات یا ترس‌های مخاطب را دستاویز جلب‌توجه عموم می‌سازند، می‌توانند دوقطبی و تفرقه‌انگیز باشند، و واکنش عاطفی شدیداً منفی از سوی مردم ایجاد کنند و ظرفیت تضعیف انسجام اجتماعی را دارند. منشأ پیام و عوامل سیاسی نیز بر جذب پیام تأثیر دارد. این تحقیق اشاره می‌کند که سن مخاطبان اثر زیادی در پذیرش پیام دارد که نشان‌دهنده اهمیت ارتباطات متناسب و پژوهش درباره بازخورد عمومی و شناخت

اثر بخشی پیام‌رسانی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناسانه است. به نظر می‌رسد این یافته اهمیت چندصدایی را در پوشش اخبار بحران از جمله همه‌گیری کووید-۱۹ نشان می‌دهد؛ اما اگر بر روش‌شناسی این پژوهش تمرکز کنیم، یعنی تحلیل چارچوب، مقالات زیادی در این دوره منتشر شده‌اند. مطالعه‌ای (Wicke, Philipp; Bolognesi, 2020) نشان می‌دهد پرکاربردترین کلمات برای اشاره به کنش‌ها و رویدادهای این دوره عبارت‌اند از: جنگیدن، جنگ، نبرد، پیکار. مطالعه‌ای (Okorie, 2022) روی سه شبکه تلویزیونی جهانی سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی و الجزیره نشان می‌دهد که چارچوب‌های درگیری و مسئولیت چارچوب‌های غالب استفاده شده در گزارشگری مسائل مربوط به واکسیناسیون کووید ۱۹ بوده‌اند. گروهی از پژوهشگران (Mutua & Ong'ong'a, 2020) چارچوب‌بندی کووید ۱۹ در دو ماه نخست آغاز همه‌گیری (اول ژانویه تا ۲۹ فوریه ۲۰۲۰) را در چهار رسانه بین‌المللی یعنی CNN، BBC، الجزیره و the People's Daily مقایسه کرده‌اند. این پژوهش نشان داده که الجزیره بیشترین استفاده را از چارچوب پیامدهای اقتصادی داشته، CNN از چارچوب‌های علایق و تأثیر انسانی بیشتر استفاده کرده و People's Daily از چارچوب اسناد مسئولیت بیش از همه استفاده کرده است. مطالعه ۱۲ منبع رسانه‌ای مهم در کانادا (Poirier et al., 2021) نشان می‌دهد که از میان چارچوب‌های رایج در اخبار، شش مورد در پوشش بحران همه‌گیری کووید ۱۹ به کار رفته‌اند که عبارت‌اند از منشأ چینی، بحران، اقتصادی، زوال غرب، بحران سلامت، اثر اجتماعی، کمک به ملت کانادا. پژوهش دیگری (Ogbodo et al., 2020) با گزینش ۸ رسانه از آمریکا، آفریقا، آسیا، و اروپا نشان می‌دهد که چارچوب‌های علایق و منافع بشری و ترس/ایجاد رعب و وحشت دو چارچوب غالب هستند.

در ایران هم مطالعاتی درباره نقش رسانه‌ها در شرایط بحران انجام شده است. اغلب این مطالعات به اهمیت رسانه‌ها در انتقال پیام و اطلاع‌رسانی در شرایط بحران پرداخته‌اند (معماری، ۱۳۹۳) یا سعی کرده‌اند مدلی برای ارتباطات بحران در رسانه‌های ارائه دهند (سلطانی فر و مرتضوی، ۱۳۸۸؛ حسینی، ۱۳۹۴؛ نوری، ۱۳۹۱) و یا تحلیل عملکرد رسانه‌های پیش‌تاز در اطلاع‌رسانی و رسانه‌های مقابل آن‌ها (ناصری طاهری، صلواتیان و اکبرزاده ارانی، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند. تعداد مطالعات بسیار کمتری بر جزء اطلاع‌رسانی تمرکز کرده‌اند و ضمن تأکید بر پرهیز از سکوت رسانه‌ای (خلجی، ۱۳۹۶)، بر لزوم سرعت و دقت در انتقال پیام در شرایط بحران (رشیدی، نوری و نکوئی، ۱۳۹۳) و سرعت و صداقت در اطلاع‌رسانی (فتاحی، امین بیدختی و دانایی،

۱۴۰۰) توجه داشته‌اند. شمس، میناوند و صبوری (۱۳۹۸) نیز در جریان حادثه پلاسکو به تحلیل عملکرد ارتباطات بحران تلویزیون جمهوری اسلامی پرداخته و نشان داده‌اند که رویدادمداری (پرداختن به سؤالات کی و کجا) نسبت به فرایندمداری (پرداختن به سؤالات چرا و چگونه) ارجحیت داشته است. مرتبط با بحران ویروس کرونا نیز بشیر (۱۳۹۹) مضامین فراگیری را که در برهه آغاز همه‌گیری از نظر رسانه‌ای و ارتباطی واجد اهمیت بودند را شناسایی کرده شیوه اطلاع‌رسانی یکی از آن‌ها بوده است. حق‌گو و سلیمانی (۱۳۹۹) نیز عملکرد سه خبرگزاری ایرنا، فارس و صداوسیما را بررسی کرده و نشان داده‌اند که هر سه خبرگزاری (البته با تفاوت‌های معنادار) بعد از گذشت چند روز از آغاز بحران از راهبرد «منفعل (بحران‌گریزی)» به سمت اتخاذ راهبرد «فعال (بحران‌پذیری)» تغییر جهت داده‌اند اجاق (۱۴۰۱) نیز با مقایسه راهبردهای پاسخ به بحران در تلویزیون و اینستاگرام نشان داده که هر دو رسانه از چهار راهبرد چاپلوسی، فاصله‌گذاری، رنج و سرافکنندگی استفاده کرده‌اند.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که در حوزه ارتباطات بحران از منظر مقاله حاضر به بحران همه‌گیری کووید ۱۹ توجه نشده است و اغلب مطالعات متمرکز بر چارچوب‌بندی، صرفاً به شناسایی چارچوب‌های مورد استفاده در برساخت پیام‌های رسانه‌ای تمرکز دارند. البته اجاق (۱۴۰۱) در مطالعه‌اش نشان داده که هشت چارچوب در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران برای پوشش اخبار کرونا استفاده شده است که عبارت‌اند از کرونای مهارپذیر در ایران، کرونای بحران‌زا در آمریکا و اروپا، هم‌ارزی عزاداری با سلامت، هم‌ارزی همه‌گیری با جنگ تحمیلی، همکاری مردم و مسئولان برای حل بحران، کشمکش، کنش ورزی رسمی و پیشرفت. این مقاله، یک گام به جلو گذاشته و علاوه بر شناسایی چارچوب‌ها و مقایسه خبرگزاری‌های با وابستگی سیاسی مختلف به کشف راهبرد تولید و انتشار محتوای آن‌ها از منظر تک‌صدایی و چندصدایی مبادرت می‌ورزد و درباره اثر این راهبرد در مدیریت بحران اندیشه ورزی می‌کند.

چارچوب مفهومی

اغلب گفته می‌شود که اتخاذ راهبرد تک‌صدایی در شرایط بحران موجب وحدت نظر در افکار عمومی می‌شود. حال آنکه مخاطبان مختلف به پیام‌های متفاوت یا ارائه پیام یکسان با بیان‌های مختلف نیاز دارند و صحبت کردن با صداهای متعدد اغلب

مؤثرترین راه برای پیشبرد ارتباطات معنادار است (Clarke et al., 2006)؛ اما اغلب نظریه‌های ارتباطات بحران، مخاطبان را گروه یکسان و مشابهی در نظر می‌گیرند و به تفاوت‌های آن‌ها توجه ندارند. مثلاً بنوئیت (Benoit, 2015) در طراحی نظریه ترمیم شهرت روی فهم شیوه ارتباط نمایندگان سازمان تمرکز دارد، به این معنی که آن‌ها چگونه صحبت می‌کنند و می‌نویسند تا از تصویر سازمان در شرایط بحرانی محافظت کنند. کومبز هم در نظریه ارتباطات بحران وضعیتی همین تصور را از مخاطبان دارد و بیشتر بر محتوا و نحوه بیان متمرکز است. بنابراین می‌توان گفت که این نظریه‌ها تک‌صدایی را در شرایط بحرانی پیشنهاد می‌کنند.

اما نظریه عرصه بلاغی^۲ (Frandsen & Johansen, 2012) به جای تمرکز انحصاری بر دیدگاه سازمان‌ها مانند نظریه‌های قبلی، صداهای متعددی را در نظر می‌گیرد که در ارتباطات بحران شرکت می‌کنند. این نظریه دو جزء دارد: (الف) جزء کلان که همان عرصه‌ای است که صداها در آن شنیده می‌شود و (ب) جزء خرد یا صداها و به این موضوع اشاره دارد که فرستندگان و گیرندگان زیادی در عرصه حضور دارند که در مورد بحران و مدیریت آن با هم موافق یا مخالف‌اند (Frandsen & Johansen, 2017). فرانسن و یوهانسن (Frandsen & Johansen, 2012) این عرصه را متفاوت از حوزه عمومی می‌دانند و می‌گویند که عرصه بلاغی همه حوزه‌های عمومی، شبه‌عمومی و خصوصی را دربرمی‌گیرد. آن‌ها این نظریه را با کلمه کلیدی «عرصه» نامگذاری کردند، زیرا این نظریه چنین فرض می‌کند که یک فضای اجتماعی در طول یک بحران باز می‌شود و در آن صداهای مختلفی شروع به برقراری ارتباط می‌کنند، جانب‌گروه‌های مختلف را می‌گیرند و سازمان را مجبور به تعامل با دشمنان و دوستان می‌کنند (Soares, 2018).

ریتوریک هم جزء دیگر این نظریه است و به رویکردهای نوین درباره بلاغت ناظر است. توضیح آن که ریتوریک در گذشته با اقناع مترادف بود ولی در رویکردهای نوین به معنی دیالوگ و گفتگو یا رقابت بین صداهای مختلف است. دیالوگ لزوماً به معنی توافق نیست و مواجهه صداها را مد نظر دارد که پیش‌نیاز رقابت است (Raupp, 2019). موضوع بلاغی/لغظی^۳ یا موضوعی که دیالوگ و مباحثه طرف‌های مختلف پیرامون آن شکل می‌گیرد؛ و قدرت لغظی به معنی موقعیت فرد نسبت به رسانه‌ها و دسترسی به رسانه‌ها نیز موضوعات مرتبط دیگری هستند که به شناخت دقیق عرصه بلاغی کمک می‌کنند

به تفسیر کومبیز هم عرصه بلاغی، فضایی است که در طول یک بحران باز می‌شود و در درون آن، بیش از یک فرد یا گروه می‌توانند در ارتباط با بحران، نظرات حمایتی یا مخالفت خویش را با واکنش‌های سازمان به بحران بیان کنند (همان). کومبیز و هولادی (Coombs & Holladay, 2014: 44) عرصه را متشکل از خرده‌عرصه‌ها معرفی می‌کنند. خرده‌عرصه "فضای محدودی است که در آن یک پیام شنیده می‌شود و به‌طور بالقوه تعداد محدودی از کنشگران به آن واکنش نشان می‌دهند. یکی از روش‌های تشخیص خرده‌عرصه‌ها، انواع کانال‌های ارتباطی مورد استفاده به‌ویژه رسانه‌ها و رسانه‌های اجتماعی هستند که تریبونی را برای بحث و نقد ایجاد می‌کنند. پیام‌های ارتباطی مؤثر در یک خرده‌عرصه، ممکن است در خرده‌عرصه دیگری بی‌اثر باشند یا اثر معکوس بگذارند.

توصیه به استفاده از راهبرد تک‌صدایی و هماهنگی با سخنگوی دولت در شرایط بحرانی و تقویت گفته‌های او توسط سایرین در شرایط بحرانی به دلایل مختلفی از جمله فرونشاندن هراس عمومی، تقلیل کشمکش و نزاع بین مقامات و کنترل رفتار دیگران صورت می‌گیرد (Clarke et al., 2006). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که قرار گرفتن مخاطبان در برابر چارچوب‌های یکسان و تکراری نسبت به موارد غیر تکراری و جدید اثرات قوی‌تر و پایدارتری بر آن‌ها دارد (Lecheler et al., 2015)؛ اما این توصیه‌ها در صورتی که پیام از استحکام و صداقت برخوردار نباشد، می‌توانند نقض شوند. همچنین به نظر می‌رسد یکسان‌سازی فضای اطلاعاتی از سوی فرستنده‌ها باهدف کنترل یا هماهنگ کردن مخاطبان با مسئولان یا مقاماتی است که در حال مدیریت بحران هستند و حتی می‌تواند به دلیل حفظ منافع گروه خاصی باشد. به‌عبارت‌دیگر، توصیه به راهبرد تک‌صدایی در شرایط بحرانی، مفهوم خاصی از رابطه‌گوينده با مخاطب را آشکار می‌سازد؛ علاوه بر استحکام و صداقت پیام، وابستگی سیاسی رسانه‌ها نیز در تمایل آن‌ها به اتخاذ رویکرد تک‌صدایی یا چندصدایی برای مدیریت بحران نقش دارد. اغلب سازمان‌های رسانه‌ای توسط سیاستمداران تأسیس شده‌اند و یا از حمایت معنوی و مالی آن‌ها برخوردارند. از این رو، عموماً در جهت بازنمایی موضوعات و اتخاذ راهبردهایی هستند که منافع سیاسی صاحبانشان را برآورده سازد. این موضوع نه‌تنها عینیت خبر و گزارش را مورد سؤال قرار می‌دهد بلکه بر نقشی که در عرصه بلاغی می‌توانند ایفا کنند، اثر می‌گذارد. جهت‌گیری سیاسی مالکان رسانه‌ها نسبت به رئیس‌جمهور و دولت حاکم می‌تواند موجب پذیرش یا رد راهبردها و برنامه‌های مدیریتی دولت شود. در شرایط بحران، انتظار می‌رود که رسانه‌ها

در راستای ایفای نقش نظارت عمومی اقدام کنند. در شرایط عادی، عدم توافق با دولت می‌تواند امکان گسترش دیدگاه انتقادی نسبت به دولت و عملکردهایش را توسعه دهد و رسانه‌ها در راستای ایفای نقش نظارت اجتماعی‌شان، صدای شهروندان منتقد یا مخالف سیاست‌های دولت را بلند می‌کنند. نظریه عرصه بلاغی این وضعیت را برای شرایط بحران نیز مفید می‌داند. تعهد رسانه‌ها به اصلاح، برانگیختن و شکل دادن به افکار عمومی در کنار وظایف سنتی اطلاع‌رسانی، آموزش و سرگرم کردن (Okon, 2018) موجب می‌شود که رسانه‌ها در شرایط بحران هم در راستای مسئولیت اجتماعی خود به اخذ راهبرد تقویت صدای مدیران کنترل بحران (تکصدایی) یا ارزیابی، نقد و مخالفت با مدیران کنترل بحران (چندصدایی) در عرصه بلاغی اقدام کنند. نکته قابل تأمل در اینجا، اشتباه گرفتن «سیاسی‌سازی بحران» با راهبرد چندصدایی است. سیاسی‌سازی بحران، فرآیندی که از طریق آن بازیگران اجتماعی از دیدگاه سیاسی به بحران‌ها معنای سیاسی نسبت می‌دهند و یا آن‌ها را سیاسی تفسیر می‌کنند (Zhao, 2020)؛ یعنی رسانه‌ها به دلایلی غیر از خیر عمومی و کمک به حل بحران به انتقاد از عملکردهای دولت وقت می‌پردازند؛ اما نظریه عرصه بلاغی، به صدهایی مشروعیت می‌دهد که در راستای خیر عمومی هستند. برخی از پژوهشگران (Palmieri & Musi, 2020) مستدل بودن یا چند گفتاری استدلالی^۱ را به‌عنوان راهکار پیشنهاد داده‌اند.

راهبرد تکصدایی صرفاً با استفاده از کلمات و ساختن پیام‌های مشابه رخ نمی‌دهد. بلکه تأکیدات یکسان حین روایتگری یا داستان‌سرایی و چارچوب‌بندی یک رویداد نیز همین اثر را دارند. درعین‌حال، اثربخشی راهبرد تکصدایی بر اساس این فرض است که پیام یکسان توسط مخاطبان هم به یک‌شکل پذیرفته و تفسیر می‌شود. درحالی‌که اعتبار منابع خبری مختلف نزد مخاطبان متفاوت، فرق دارد و میزان اعتماد گیرندگان نسبت به منابع پیام‌ها یکسان نیست. از سوی دیگر، مخاطبان بر اساس زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مانند جنسیت، قومیت و خرده‌فرهنگ‌ها، تفاسیر مختلفی از پیام یکسان دارند. به عبارت بهتر، مخاطبان یا عموم از گروه‌های مختلفی تشکیل شده و در ارتباطات بحران باید مورد توجه قرار گیرند. لذا برای ارزش‌گذاری به نیازهای اطلاعاتی متفاوت مخاطبان، راهبرد چندصدایی در برابر راهبرد تکصدایی در شرایط بحران پیشنهاد می‌شود.

روش پژوهش

چارچوب‌ها اصول سازمان‌دهی هستند که از نظر اجتماعی مشترک و در طول زمان پایدار هستند و به صورت نمادین برای معنادار کردن جهان اجتماعی کار می‌کنند. رسانه‌ها با تمرکز بر یک جنبه از یک رویداد و ارائه آن به مخاطب، واقعیت را برمی‌سازند. در این برساخت، جنبه‌های خاصی از داستان برجسته‌تر می‌شوند. سپس این بخش برجسته شده، رویداد را «چارچوب‌بندی» می‌کند و یک نقطه مرجع برای مخاطبان فراهم می‌کند که تمام اطلاعات بعدی بر اساس آن قضاوت می‌شود (Carter, 2013). داده‌های پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد انتمن تحلیل شده‌اند. انتمن (ENTMAN, 1993) چهار جزء برای چارچوب معرفی کرده که کدهای اصلی یا گزینشی این تحقیق را تشکیل می‌دهند و عبارت‌اند از تعریف مسئله، اسناد علی مسئولیت، قضاوت اخلاقی و پیشنهاد راه‌حل. این چهار جزء چارچوب از راه تحلیل محتوای کیفی شناسایی شده‌اند. به این دلیل از تحلیل محتوا استفاده شده است که موجب افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد تحلیل می‌شود، زیرا در طول تحلیل محتوا، اجزاء چارچوب به چارچوب خاصی نسبت داده نمی‌شوند و می‌توان چارچوب‌های جدید را توصیف و شناسایی کرد. این مقاله، برای عملیاتی کردن اجزاء چارچوب از روش ماتس و کورینگ (Matthes & Kohring, 2008) به شرح زیر استفاده کرده است:

۱. تعریف مسئله: مسئله مرکزی تحت مطالعه یا بحث اولیه است که سایر مباحث پیرامون آن شکل گرفته‌اند؛
۲. ارزیابی اخلاقی: بیان منافع و مخاطرات موضوع و بازتاب قضاوت خاصی (مثبت، منفی، خنثی) درباره موضوع است؛
۳. تفسیر یا اسناد علی: مشخص کردن این که چه کسی یا چه چیزی مسئول منافع و مخاطرات دانسته می‌شود؛
۴. پیشنهاد راه‌حل: راه‌حل پیشنهادی برای مسئله است.

با توجه به نقش تعلق حزبی و سیاسی در نحوه چارچوب‌بندی، جامعه نمونه شامل همه اخبار مربوط به کووید ۱۹ است که در وبسایت‌های خبرگزاری‌های فارس، مهر، ایلنا و ایرنا از اول اسفند ۱۳۹۸ تا پایان شهریور ۱۳۹۹ منتشر شده‌اند. توضیح آن که با وجود ظهور خرده‌گفتمان‌های متنوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گروه اصلی اداره‌کننده و هدایت‌گر انقلاب یا اسلام‌گرایان فقهاتی، گفتمانی را با مرکزیت ولایت‌فقیه و تکیه بر فقه و فقها شکل داد که در سال‌های آغازین انقلاب، گفتمان

آنان تبدیل به گفتمان مسلط شد و در دهه‌های ۶۰ و ۸۰ بر همه جریان‌های فکری غلبه داشتند. از دهه هشتاد به بعد با توجه به رویکرد سیاسی و فکری آن‌ها به این جریان «اصول‌گرا» گفته شد. در دهه سوم انقلاب، مجموعه حوادث داخلی و خارجی موجب روی کار آمدن دولت محمد خاتمی و گفتمان «اصلاح‌طلبی» شد (عابدی اردکانی و عظیمی، ۱۳۹۱) که اکنون به عنوان جریان اصلاح‌طلبی شناخته می‌شوند. این دو جریان سیاسی را می‌توان جریان‌های غالب سیاسی در ایران دانست. معیار انتخاب خبرگزاری‌ها در این مطالعه، شاخص بودن و شهرت آن‌ها در وابستگی یا نزدیکی سیاسی‌شان به این دو جریان بوده است.

الف) خبرگزاری فارس و مهر به عنوان خبرگزاری‌های شاخص اصولگرا (پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان شناسی، ۱۳۹۴)؛ ب) خبرگزاری ایلنا و ایرنا به عنوان خبرگزاری‌های شاخص دولت وقت در زمان مطالعه (اصلاح‌طلب/ اعتدال‌گرا).

لازم به یادآوری است که خبرگزاری ایلنا تحت حمایت خانه کارگر جمهوری اسلامی و با حمایت سید محمد خاتمی تأسیس شد و پس از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و قطع حمایت دولت از این خبرگزاری با جریان اصول‌گرا فاصله بیشتری گرفت. این خبرگزاری عمدتاً خود را مستقل و منتقد معرفی می‌کند؛ ولی بین دو جریان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به اولی نزدیک‌تر است. در مورد خبرگزاری ایرنا با توجه به وابسته بودن به هر دولت و انتصاب مدیرعامل آن از سوی وزارت ارشاد، یک سایت رسمی دولتی محسوب می‌شود که در هر دوره از منافع و مواضع دولت وقت دفاع می‌کند (همان). طی بازه مطالعه این پژوهش، حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشور ایران بوده که وابسته به حزب اعتدال و توسعه (اعتدال‌گرا) بوده ولی چون با حمایت کامل حزب اصلاح‌طلب به ریاست جمهوری دست یافته است، نزدیک به حزب اصلاح‌طلب نیز خوانده می‌شود.

یکی از یافته‌های مشترک تمام مطالعات ارتباطات بحران این است که واکنش سریع به رویداد بحران‌زا مفید و لازم است (Marsen, 2020:170) و لحظات و روزهای آغاز بحران، اهمیت حیاتی برای مدیریت دارند، لذا این پژوهش با توجه به باز زمانی گسترده همه‌گیری بر هفت ماه نخست تمرکز داشته است. در پژوهش حاضر نمونه‌ها در بازه زمانی هفت ماهه مورد مطالعه، در یک ماه ساختاریافته به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس تعداد اخبار منتشره در هر روز با دو کلیدواژه کووید ۱۹ و کرونا شناسایی شدند. در مجموع طی روزهای مورد مطالعه تعداد ۱۹۱۱۷ خبر درباره

ویروس کرونا در چهار خبرگزاری مورد بحث منتشر شده است. با توجه به مضمون کلی هر خبر و با در نظر گرفتن معیار اشباع، اخبار برای نمونه‌گیری انتخاب شدند؛ یعنی تا جایی که کدها شروع به تکرار کردند، نمونه‌گیری انجام شد. پس از اتمام کدگذاری مشخص شد که حجم جامعه نمونه تعداد ۷۹۴ خبر است.

برای تحلیل نمونه‌ها، همه آن‌ها وارد سامانه سند در نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ شدند. ابتدا متن خبر خوانده و سپس جمله به جمله، کدگذاری براساس مفهوم مستتر در آن انجام شد. این مفاهیم اولیه در سامانه کد وارد شد. پس از اینکه تمام متون مورد تحلیل به این شیوه کدگذاری اولیه یا باز شدند، کدهای مشابه شناسایی شدند. کدهایی که به دلیل داشتن قرابت معنایی، در یک دسته قرار داشتند، کد محوری یا مقوله را تشکیل دادند. پس از شناسایی مقولات تلاش شد تا روابط بین مقوله‌های مختلف درک شود و مجموعه‌های سازنده اجزاء انتمن مشخص شدند.

با توجه به این که یک پژوهشگر داده‌ها را کدگذاری کرده است، برای دستیابی به نتایج معتبر، ۳۰ درصد از نمونه‌ها دو بار کدگذاری شدند. این نمونه‌ها به‌طور تصادفی و بر مبنای تعداد نمونه‌های شناسایی شده برای هر وب‌سایت انتخاب شد. پیشنهاد کرپندورف (Campbell et al., 2013) برای ارزیابی اعتبار بین کدگذاران، انتخاب ده درصد از کل متون است. اما چون کدگذار تنها یک نفر است، بهتر دانست که نمونه‌های بیشتری دوبار کدگذاری شوند. پس از انجام کدگذاری، ضریب کاپا اندازه‌گیری شد تا اعتبار تحقیق تعیین شود (O'Connor & Joffe, 2020). در این پژوهش، ضریب کاپا معادل ۰/۹۲۱ حاصل شده که طبق گفته اوکونور و جوف (همان) حکایت از توافق کامل دارد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور پاسخ به پرسش اول یعنی چیستی ویژگی‌های اجزاء چارچوب در خبرگزاری‌های مورد مطالعه، لازم است تا چهار جزء چارچوب شناسایی شوند که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

جزء تعریف مسئله: خبرگزاری‌ها برای تعریف مسئله به ابعاد مختلف عالم‌گیری کووید ۱۹ که موجب پیدایش مشکلات دیگری پیرامون آن شده توجه دارند (جدول ۱). این ابعاد در واقع، موضوع‌های بلاغی یا لفاظی هستند که رقابت رسانه‌ها با یکدیگر را در عرصه بلاغی مشخص می‌سازد.

جدول ۱. ابعاد مسئله ویروس کرونا در چهار خبرگزاری تحلیل شده

جزء چارچوب	ابعاد مسئله	نمونه
تعریف مسئله	مشکلات اقتصادی	مشکلات اقتصادی مانند رکود اقتصاد جهانی (ایرنا، اردیبهشت ۱۳۹۹)، بازگشت مهاجران افغان و مشکلات معیشتی کارگران (ایلنا، فروردین ۱۳۹۹)، کمبود اعتبار صندوق بیمه بیکاری (مهر، فروردین ۱۳۹۹)، آسیب کرونا به کسب و کارهای نوپا و سنتی (فارس، مرداد ۱۳۹۹)
	مشکلات رفتاری	مشکلات رفتاری مانند عدم رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی (ایلنا، خرداد تا شهریور ۱۳۹۹)، یا خریدهای شب عید (ایلنا، فروردین ۱۳۹۹)، ضعیف شدن رعایت پروتوکل‌ها (ایرنا، مرداد ۱۳۹۹)، تقاضای کاذب ماسک و استفاده از الکل صنعتی یا تقلبی (خبرگزاری مهر، اسفند ۱۳۹۸)
	مشکلات اخلاقی	شامل سودجویی برخی داروخانه‌ها و مراکز عرضه اقلام دارویی (خبرگزاری مهر، اسفند ۱۳۹۸)، کلاهبرداری مجرمان سایبری با ترفند دریافت اینترنت ارزان‌قیمت به دلیل کرونا به شهروندان (ایلنا، خرداد ۱۳۹۹) یا تست کرونا (ایلنا، اسفند ۱۳۹۹)
	مشکلات ادراکی	عدم اعتماد متخصصان به داروها و کیت‌های سرولوژی داخلی و جدی نگرفتن ویروس توسط مردم در شهرهای مختلف (فارس، اسفند تا اردیبهشت ۱۳۹۹). فهم مردم در شهرهای مختلف از بیماری به صورت جدی نگرفتن آن مشکل (خبرگزاری مهر، اسفند ۱۳۹۸ و فروردین و تیر ۱۳۹۹).
	مشکلات اعتقادی	بی‌توجهی مسئولان به توسل (فارس، اردیبهشت ۱۳۹۸)، عزاداری ماه محرم و طرح دوگانگی سلامت - عزاداری (مهر، ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۹۹)، غسل ندادن فوتی‌های کرونا در فروردین که این عمل ممنوع اعلام شده بود، عدم برپایی مراسم محرم (ایلنا، مرداد ۱۳۹۹)
	ترویج شبه علم	خواص ادرار شتر برای درمان کرونا (ایرنا، شهریور ۱۳۹۹)
	مشکلات مدیریتی	کمبود و نایابی ماسک (مهر، اسفند ۱۳۹۸ و فروردین و مرداد ۱۳۹۹): خستگی کادر درمان (فارس، تیر ۱۳۹۹) و (ایلنا، خرداد، تیر و شهریور ۱۳۹۹)
تعریف مسئله	مشکلات ارتباطاتی	عدم همکاری برخی اصناف در تعطیل کردن و رعایت شیوه‌نامه‌ها (فارس، فروردین ۱۳۹۹)، عدم همکاری برخی بانک‌ها و ادارات و ارسال اخطار قطعی برقی (مهر، اسفند ۱۳۹۸)، شایعات (ایلنا، اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹)، افزایش همسرازاری (ایرنا، تیر ۱۳۹۹)

چهار خبرگزاری مورد مطالعه، هشت موضوع لفاظی در عرصه بلاغی بحران کرونا ارائه کرده‌اند که در بین آن‌ها، مشکلات اقتصادی و رفتاری از سایر موارد برجسته‌تر هستند (جدول ۲).

جدول ۲. میزان حضور موضوعات بلاغی در عرصه بلاغی بحران ویروس کووید ۱۹

فارس	مهر	ایلنا	ایرنا	انواع مشکلات
۱۱	۳۹	۲۹	۳۸	مشکلات اقتصادی
۱۸	۲۴	۴۱	۳۲	مشکلات رفتاری
۷	۱۲	۱۷	۱۵	مشکلات اخلاقی
۳	۶	۳	۶	مشکلات ادراکی
۳	۲	۵	۹	مشکلات اعتقادی
۴	۳	۴	۱۳	مشکلات شبه علم
۹	۱۰	۱۸	۲۱	مشکلات مدیریت (کمبود تجهیزات، منابع انسانی و فقدان برنامه‌ریزی)
۹	۱۷	۶	۲۲	مشکلات ارتباطی

در خصوص ویژگی‌های عرصه بلاغی مورد بحث، جدول ۲ نشان می‌دهد که خبرگزاری ایرنا در فضای رقابتی بین ۴ خبرگزاری، بیش از همه درباره موضوعات بلاغی، محتوا تولید کرده است و ۲۴/۳ درصد از حجم این موضوعات به مسائل اقتصادی ناشی از رخداد همه‌گیری ویروس کرونا مربوط است. پس از آن، به ترتیب خبرگزاری‌های ایلنا، مهر و فارس در این عرصه فعال بوده‌اند. بیشترین شدت رقابت بین موضوعات اقتصادی و رفتاری است. موضوع بلاغی اصلی در خبرگزاری مهر نیز مشکلات اقتصادی هستند که ۳۴/۵ درصد از محتوای این خبرگزاری را درباره موضوعات بلاغی تشکیل می‌دهد. موضوعات رفتاری در خبرگزاری‌های ایلنا و مهر برجسته‌تر از سایر موضوعات هستند و ۳۳/۳ درصد از کل موضوعات بلاغی ایلنا و ۲۸/۱۲ درصد از همه موضوعات بلاغی فارس را تشکیل می‌دهند.

جزء دوم: اسناد علی مسئولیت:

دومین جزئی که انتمن برای هر چارچوب برمی شمارد، اسناد علی مسئولیت است که به زعم انتمن نیروهایی هستند که موجب تولید یا حل مشکل یا مسئله شده‌اند (جدول ۳). نکته قابل توجه این است که در ریتوریک رسانه‌های تحلیل شده دو دسته عامل دیده می‌شود:

۱. عامل اول کنشگران خیر هستند که به حل مسئله کمک می‌کنند؛
۲. بازیگران دوم، کنشگرانی هستند که موجب پیدایش بحران‌های جدید و تشدید بحران اصلی شده‌اند و عمدتاً مخاطب متن محسوب می‌شوند.

جدول ۳. کنشگران عامل و مخاطبان براساس اسناد علی مسئولیت در خبرگزاری‌های تحلیل شده

جزء چارچوب	نام خبرگزاری	مخاطبان	اعلامان
اسناد علی مسئولیت	ایرنا	۱. مردم؛ ۲. رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های بیگانه؛ ۳. عوامل ایجاد و ترویج شبه علم؛ ۴. دولت.	۱. دولت به معنی همه نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه ریاست جمهوری؛ ۲. نیروهای متخصص پزشکی؛ ۳. نیروهای نظامی و انتظامی؛ ۴. صنایع همچون کارخانه‌های تولید ماسک.
اسناد علی مسئولیت	ایلنا	۱. عموم مردم؛ ۲. دولت؛ ۳. آمریکا به دلیل اعمال تحریم‌ها و کاهش توان تاب‌آوری ملت ایران.	۱. ارتش؛ ۲. دولت؛ ۳. کنشگران علمی؛ ۴. خیرین؛ ۵. سپاه؛ ۶. پزشکی.
اسناد علی مسئولیت	مهر	۱. تحریم‌های آمریکا؛ ۲. عموم مردم به دلیل عدم رعایت شیوه‌نامه‌ها، درک ناکافی از وضعیت بیماری و شایعه پراکنی؛ ۳. فقرا همچون زباله‌گردها و کودکان کار که نمی‌توانند شغل خود را رها کنند؛ ۴. رسانه‌های بیگانه که موجب ترویج ایران‌هراسی می‌شوند؛ ۵. دولت که از کارگران و اصناف حمایت لازم را به عمل نمی‌آورد.	۱. ارتش؛ ۲. سپاه و بسیج؛ ۳. دولت؛ ۴. نهاد علم؛ ۵. نهاد پزشکی؛ ۶. خیرین.

عواملان	مخاطبان	نام خبرگزاری	جزء چارچوب
۱. ارتش و پلیس فتا؛ ۲. سازمان صمت؛ ۳. خیران؛ ۴. بسیج و سپاه.		۱. دولت؛ ۲. مردم؛ ۳. آمریکا.	فارس

یافته‌ها نشان می‌دهند که خبرگزاری‌های مورد تحلیل، صدای نیروهای نظامی شامل سپاه، ارتش و بسیج (۲۲/۲۲ درصد)؛ دولت، نیروهای پزشکی، خیرین (هرکدام ۱۶/۶۶ درصد)؛ کنشگران علم و صنعت (هر کدام ۱۱/۱۱ درصد) و نیروهای انتظامی (۵/۵ درصد) را به گوش جامعه، ذینفعان و مسئولان رسانده‌اند. این خبرگزاری‌ها ۲۶/۲۶ درصد از محتوای خود را خطاب به دولت و همین مقدار را خطاب به مردم داشته‌اند؛ از این نظر که عامل پیدایش مسائل ناشی از بحران اصلی همه‌گیری کووید ۱۹ شده‌اند. آمریکا (۲۰ درصد)، رسانه‌های بیگانه (۱۳/۳۳ درصد) و مروجان شبه علم و فقرا (هر کدام ۶/۶۶ درصد) نیز در ایجاد بحران مقصر معرفی شده‌اند.

جزء سوم: ارزیابی اثرات:

یکی دیگر از اجزاء اتمنی چارچوب «ارزیابی اثرات» یا قضاوت اخلاقی است. بدین معنی که سعی کنیم بفهمیم خبرگزاری‌ها ضمن پوشش اخبار مرتبط با عالم‌گیری کووید ۱۹ اثرات و پیامدهای بیماری را چگونه ارزیابی کرده‌اند. فهم تهدیدها و فرصت‌ها نشان‌دهنده ارزیابی هر خبرگزاری از وضعیت است و نحوه تعریف مسئله نقش زیادی در آشکار کردن این وجه دارد.

در خبرگزاری ایرنا، پیامدها و اثرات منفی همه‌گیری کووید ۱۹ با تأکید پوشش داده شده است و به‌ویژه پیامدهای منفی اقتصادی ناشی از بیماری برجسته شده‌اند. مسئله همه‌گیری کووید ۱۹ در این خبرگزاری، تقابل دو وضعیت فرصت و تهدید را برملا می‌کند. بروز رفتارهای منفی مانند تقاضای کاذب یا خرید شدید ماسک (فروردین ۱۳۹۹)، سوءاستفاده‌های اخلاقی مانند احتکار و سودجویی (فروردین ۱۳۹۹)، ترویج شبه علم و خرافه مانند خواص ادراک شتر برای درمان کرونا (شهریور ۱۳۹۹)، پیامدهای نامطلوب اعتقادی - مذهبی مانند قائل شدن به دوگانگی میان برگزاری شعائر و سلامت یا تعطیلی و عدم برگزاری نماز جمعه (مرداد ۱۳۹۹)، اثرات سوء ادراکی مثل انگ زدن به کادر درمان (اسفند ۱۳۹۸) از جمله آثار و پیامدهای سوء بیماری مورد نظر هستند و نشان می‌دهند این خبرگزاری، ویروس کرونا را به صورت منفی و به‌عنوان عامل

تهدیدزا چارچوب‌بندی کرده است.

خبرگزاری ایرنا به آثار مثبت یا فرصت‌ساز عالم‌گیری کووید ۱۹ نیز پرداخته که موجب برانگیختن استارت‌آپ‌ها (خرداد ۱۳۹۹)، رشد شرکت‌های دانش‌بنیان (خرداد ۱۳۹۹) و گسترش توجه به قابلیت‌های فضای مجازی (شهریور ۱۳۹۹) شده است. در سطح رفتاری ارتقاء ایمان (مرداد ۱۳۹۹)، اصلاح رسوم نامناسب (فروردین ۱۳۹۹)، ارتقاء همدلی و مشارکت (اردیبهشت ۱۳۹۹)، رشد اقتصاد آنلاین و کسب‌وکارهای هوشمند (مرداد ۱۳۹۹) و آرامش و راحتی محیط‌زیست (خرداد ۱۳۹۹) عواملی است که خبرگزاری ایرنا در ارزیابی مثبت ویروس کرونا به آن‌ها پرداخته است. در مجموع، این خبرگزاری ابعاد تهدیدآمیز مسئله را حدود ۱۸ برابر بیش از فرصت‌های آن مورد توجه قرار داده است. با دقت در گزاره‌هایی که ارزیابی این خبرگزاری از شرایط را بازتاب می‌دهد بیماری قابل مدیریت نشان داده شده است.

در خبرگزاری مهر همه‌گیری کووید ۱۹ از نظر فرصت‌هایی که برای بروز خلاقیت (اردیبهشت ۱۳۹۹)، رشد استارت‌آپ‌ها (تیر ۱۳۹۹) و روی‌آوری به روش‌های نوین آموزشی (شهریور ۱۳۹۹) داشته نیز بازنمایی شده است. همچنین این بیماری فرصتی برای تزکیه انسان‌ها (مرداد ۱۳۹۹) هم بوده است به‌طوری‌که به‌مثابه میدان آزمایش و فرصتی برای پیوستن به سربازان امام زمان (عج) نیز نشان داده شده است.

خبرگزاری ایلنا ضمن تشریح ابعاد و آثار منفی همه‌گیری کووید ۱۹ که در تعریف مسئله نمایان است، گاهی هم به فرصت‌های برآمده از آن پرداخته است: رشد استارت‌آپ‌ها و بروز خلاقیت و نبوغ (اسفند ۱۳۹۹) و کاهش تصادفات (شهریور ۱۳۹۹). تنها در ۲ درصد از محتوای تحلیل شده این خبرگزاری به فرصت‌های عالم‌گیری ویروس کرونا توجه شده است.

در خبرگزاری فارس نیز ویروس کرونا بیشتر به شکل تهدید بازنمایی شده است؛ اما از سه جنبه رویداد همه‌گیری کووید ۱۹ را همچون فرصت بازنمایی کرده است. به عنوان فرصت معنوی «کرونا به مثابه فرصتی برای زدودن شرک» (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۹)، به عنوان فرصت رشد اقتصادی «کرونا عامل رشد استارت‌آپ‌ها» (شهریور ۱۳۹۹) و به عنوان فرصت اتحاد و انسجام ملی «کرونا نشان دهنده توان فرهنگی و انسجام داخلی قوی» (خرداد ۱۳۹۹).

جزء چهارم: راهکارها

جزء چهارم چارچوب از دیدگاه انتمن، راه حل‌های پیشنهادی متن برای حل مشکل است. پس از کدگذاری و تحلیل مرحله به مرحله کدها، راهکارهای متنوعی در خبرگزاری‌ها برای مقابله با ویروس کرونا شناسایی شد (جدول ۴).

جدول ۴. راهکارهای پیشنهاد شده برای رفع بحران در خبرگزاری‌های مورد مطالعه

راهکارها	نام خبرگزاری	جزء چارچوب
<p>۱. راهکارهای سبک زندگی و روانی مثل حفظ آرامش و تاب‌آوری (اسفند ۱۳۹۸)؛</p> <p>۲. پیشگیری مثل رعایت اصول بهداشتی از جمله بهداشت فردی، ماندن در خانه، ایجاد فاصله مانند دورکاری کارکنان (فروردین تا شهریور ۱۳۹۹)؛</p> <p>۳. راهکارهای اطلاعات محور شامل موضوعاتی چون سواد رسانه‌ای یا ارائه اطلاعات دقیق توسط رسانه‌ها؛</p> <p>۴. راهکارهای فرهنگی که ذیل چهار کد گزینشی قرار دارند؛ یعنی معنوی از جمله دعا و نیایش یا نذر ماسک (خرداد ۱۳۹۹)؛ مشارکت عمومی مانند مشارکت شهروندان در طرح غربالگری (خرداد ۱۳۹۹)؛ اخلاقی مثل عدم اتهام زنی به مسئولان (اردیبهشت ۱۳۹۹)؛ و آموزشی شامل آموزش عمومی (مرداد ۱۳۹۹)؛</p> <p>۵. راهکارهای مدیریتی که شش کد گزینشی را شامل می‌شوند: همکاری بین قوا از جمله همکاری مجلس شورای اسلامی با دولت (فروردین ۱۳۹۹)؛ تأمین اقلام همچون وجود و توزیع ماسک یا وجود دستمال کافی (خرداد ۱۳۹۹)؛ برنامه‌ریزی مانند مصوبه رنگ‌بندی شهرها (تیر ۱۳۹۹)؛ مدیریت سلامت مثل آتش زدن زباله‌های عفونی (تیر ۱۳۹۹)؛ نظارتی مانند بستن جاده‌ها (خرداد ۱۳۹۹) و تخصص‌گرایی مثل واگذاری تصمیم‌گیری به متخصصان پزشکی (اردیبهشت ۱۳۹۹)؛</p> <p>۶. راهکارهای تنبیهی مانند جریمه ناقضان پروتکل‌های بهداشتی (اردیبهشت ۱۳۹۹)؛</p> <p>۷. راهکارهای اقتصادی حمایتی مانند واریز ۱۵ میلیارد تومان در وجه اورژانس کشور توسط دولت یا تخصیص مبلغ برای تهیه بسته بهداشتی رایگان توسط نماینده ولی فقیه (تیر ۱۳۹۹)؛</p> <p>۸. راهکارهای علمی چون تولید الکل (اردیبهشت ۱۳۹۹).</p>	ایرنا	راهکارها

راهکارها	نام خبرگزاری	جزء چارچوب
<p>۱. راهکارهای تنبیهی: برخورد با شایعه پراکنان (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹)؛</p> <p>۲. راهکارهای علمی - صنعتی: راه‌اندازی خط تولید ماسک، لباس و ضدعفونی‌کننده (اردیبهشت و مرداد ۱۳۹۹)؛</p> <p>۳. تعطیلی: تعطیلی مدارس و مساجد (اسفند ۱۳۹۸، فروردین و خرداد ۱۳۹۹)؛</p> <p>۴. تخصص‌گرایی با سپردن کار به کاردان (تیر ۱۳۹۹)؛</p> <p>۵. آموزش از راه آموزش به روحانیان در کوتاه مدت و ترویج توسط آن‌ها در مناطق دوردست (اردیبهشت ۱۳۹۹) و آموزش عمومی درباره اصول پیشگیری (اسفند ۱۳۹۸ و خرداد ۱۳۹۹)؛</p> <p>۶. راهکارهای نظارتی مانند تشکیل پلیس سلامت یا کرونا (تیر ۱۳۹۹)؛</p> <p>۷. راهکارهای مدیریتی مثل تدوین شیوه‌نامه بازگشایی حرم‌های مطهر (اردیبهشت ۱۳۹۹)؛</p> <p>۸. راهکارهای فرهنگی شامل فرهنگ‌سازی در تغییر سبک زندگی و عادات جدید رفتاری برای شهروندان (اسفند ۱۳۹۸ و تیر ۱۳۹۹)؛</p> <p>۹. راهکارهای حمایتی مانند یک هزار و ۲۰۳ میلیارد تومان اعتبار برای پرداخت تسهیلات کرونایی به استان تخصیص یافته که براساس ۱۴ رسته شغلی و زیر مجموعه ۷۲۰ شغل، افراد شناسایی و تسهیلات به متقاضیان پرداخت می‌شود (مرداد ۱۳۹۹)، یا ارائه بسته‌های حمایتی (اسفند ۱۳۹۸ و فروردین تا شهریور ۱۳۹۹)؛</p> <p>۱۰. راهکارهای پیشگیرانه مانند پلاسمادرمانی (خرداد ۱۳۹۹)؛</p> <p>۱۱. راهکارهای ارتباطاتی شامل لزوم صدای واحد متخصصان و مسئولان درباره پیشگیری از شیوع (فروردین ۱۳۹۹)؛</p> <p>۱۲. راهکارهای سبک زندگی و روانی همچون پیشنهاد تخصیص نذورات محرم به مدرسه‌سازی (شهریور ۱۳۹۹) و سیاست ائتلاف ملی برای زندگی (خرداد ۱۳۹۹).</p>	ایلنا	راهکارها

جزء چارچوب	نام خبرگزاری	راهکارها
راهکارها	مهر	۱. تنبیهی مثل برخورد با شایعه‌پراکنان (شهریور ۱۳۹۹)؛
		۲. علمی- فناوریانه مانند راه‌اندازی خط تولید ماسک و لوازم ضد عفونی (خرداد ۱۳۹۹)؛
		۳. توجه به توصیه‌های طب سنتی (تیر ۱۳۹۹)؛
		۴. تعطیلی مکان‌ها و مراسم (اردیبهشت تا شهریور ۱۳۹۹)؛
		۵. آموزش عمومی (اردیبهشت تا شهریور ۱۳۹۹)؛
		۶. نظارت بر بهداشت (اردیبهشت ۱۳۹۹)، مشاغل (خرداد ۱۳۹۹)، مسیرهای ترابری (فروردین ۱۳۹۹)؛
		۷. مدیریتی برای تأمین اقلام و تجهیزات (خرداد ۱۳۹۹)؛
		۸. فرهنگی مثل فرهنگ‌سازی و مشارکت عمومی (مرداد ۱۳۹۹)؛
		۹. پیشگیری مانند اهدای خون و پلاسما (تیر ۱۳۹۹)؛
		۱۰. اقتصادی مانند پرداخت تسهیلات (تیر ۱۳۹۹)؛
		۱۱. ارتباطاتی مثل افزایش سواد رسانه‌ای (اردیبهشت ۱۳۹۹) و تولید محتوا (مرداد ۱۳۹۹)؛
		۱۲. سبک زندگی روانی مانند حفظ سلامت روان (فروردین ۱۳۹۹) و سبک زندگی مانند تحمیل زیست‌کروناایی (تیر ۱۳۹۹).
فارس	۱. یازده دسته راهکار برای غلبه بر و مدیریت عالم‌گیری کووید ۱۹ معرفی کرده است؛ اما با وجود تنوع راهکارها، بسامد آن‌ها چندان زیاد نیست. به‌جز راهکارهای پیشگیری و اقتصادی، سایر راهکارها بین ۳ تا ۱۱ بار تکرار شده‌اند. پرکاربردترین راهکار نیز: ۱. پیشگیری (از فروردین تا شهریور ۱۳۹۹) است؛ ۲. راهکارهای حمایتی مانند ارائه تسهیلات (خرداد ۱۳۹۹) یا کمک‌های مادی توسط دولت و به‌ویژه مردم (اردیبهشت تا شهریور ۱۳۹۹).	

پرسش دوم: خبرگزاری‌های مورد مطالعه از چه چارچوب‌هایی برای پوشش اخبار مرتبط با ویروس کرونا استفاده کرده‌اند؟

با کنار هم گذاشتن اجزاء اتمنی چارچوب مبتنی بر کدهای برجسته و درک روابط بین کدها می‌توان نتایج حاصل از تحلیل را این‌طور خلاصه کرد. در خبرگزاری ایرنا؛ الف) تعریف مسئله: همه‌گیری کووید ۱۹ تهدیدآمیز ولی فرصت‌ساز بازنمایی شده است؛

ب) اسناد علی مسئولیت: مدافعان اصلی مسئول منافع عبارت‌اند از دولت، نیروهای متخصص پزشکی، نیروهای نظامی و انتظامی؛ و چهره اصلی مسئول مخاطرات عموم مردم است؛

ج) ارزیابی اخلاقی: بار ارزشی یا قضاوتی که متون خبرگزاری ایرنا به بیماری داده‌اند عمدتاً منفی است و بر آثار منفی تکیه دارند؛

د) ارائه راه‌حل: راهکارهای اصلی بازنمایی شده در این خبرگزاری تأکید بر پیشگیری و راهکارهای حمایتی (ارائه بسته‌های حمایتی) است. با کنار هم گذاشتن وجه برجسته تمام این اجزاء می‌توان دو چارچوب را استخراج کرد: چارچوب «حل مشکلات اقتصادی با اقدامات حمایتی» و چارچوب «کرونای تهدیدآمیز اما شکست‌پذیر از راه پیشگیری و با اقدامات دولت».

اجزاء انتمنی چارچوب در خبرگزاری ایلنا بدین شرح خلاصه می‌شوند:

الف) تعریف مسئله: همه‌گیری کووید ۱۹ تهدیدآمیز بازنمایی شده است؛

ب) اسناد علی مسئولیت: چهره اصلی مسئول منافع خیران هستند؛ و چهره‌های اصلی مسئول مخاطرات عموم مردم، دولت و آمریکا هستند؛

ج) قضاوت اخلاقی: بار ارزشی که متون خبرگزاری ایلنا به بیماری داده‌اند عمدتاً منفی است و بر آثار منفی تکیه دارند؛ د) ارائه راه‌حل: راهکارهای اصلی بازنمایی شده در این خبرگزاری تأکید بر پیشگیری است. با توجه به وجه برجسته تمام این اجزاء می‌توان یک چارچوب را استخراج کرد: چارچوب «کرونای تهدیدآمیز اما شکست‌پذیر از راه پیشگیری».

در خبرگزاری مهر، اجزاء انتمنی چارچوب بدین شرح‌اند:

الف) تعریف مسئله: همه‌گیری کووید ۱۹ سخت ولی شکست‌پذیر بازنمایی شده است؛

ب) اسناد علی مسئولیت: مدافعان اصلی مسئول منافع عبارت‌اند از دولت، بسیج و سپاه و خیرین؛ و چهره اصلی مسئول مخاطرات عموم مردم است؛

ج) ارزیابی اخلاقی: بار قضاوتی که متون خبرگزاری مهر به بیماری داده‌اند عمدتاً منفی است و بر آثار منفی تکیه دارند؛ د) ارائه راه‌حل: راهکارهای اصلی بازنمایی شده در این خبرگزاری تأکید بر پیشگیری و راهکارهای حمایتی (ارائه بسته‌های حمایتی) است. با کنار هم گذاشتن وجه برجسته تمام این اجزاء می‌توان دو چارچوب را استخراج کرد: چارچوب «حل مشکلات اقتصادی با اقدامات حمایتی» و چارچوب «کرونای سخت اما شکست‌پذیر از راه پیشگیری و تدبیر دولت».

در خبرگزاری فارس با کنار هم گذاشتن اجزاء انتمنی چارچوب می‌توان گفت:

الف) تعریف مسئله: در خبرگزاری فارس، «کرونا همچون تهدید» و «ضعف دولت

در مدیریت تهدید کرونا» بازنمایی شده است؛

ب) اسناد علی مسئولیت: چهره‌های اصلی مسئول منافع عبارت‌اند از بسیج و سپاه و خیرین؛ و چهره اصلی مسئول مخاطرات دولت، عموم مردم و آمریکا هستند؛
ج) قضاوت اخلاقی: بار ارزشی که متون خبرگزاری فارس به بیماری داده‌اند عمدتاً منفی است و بر آثار منفی تکیه دارند؛

د) ارائه راه‌حل: راهکارهای اصلی بازنمایی شده در این خبرگزاری تأکید بر پیشگیری و راهکارهای حمایتی (ارائه بسته‌های حمایتی) است. با کنار هم گذاشتن وجه برجسته تمام این اجزاء می‌توان دو چارچوب را استخراج کرد: چارچوب «حل مشکلات اقتصادی با اقدامات حمایتی» و چارچوب «کرونا، تهدیدآمیز اما مهار پذیر از راه پیشگیری».

نتیجه‌گیری

این پژوهش با کاربرد نظریه عرصه بلاغی، پیچیدگی ارتباطات بحران در سطح خبرگزاری‌ها را نشان می‌دهد. برای تقویت روش شناختی نظریه عرصه بلاغی در این پژوهش از روش تحلیل چارچوب انتمن استفاده شد. این مطالعه با استفاده از مثال بحران همه‌گیری کووید ۱۹، جایگاه نسبی عوامل مختلف در گزارش‌های خبرگزاری‌های نمونه ایرانی و قدرت لفاظی/بلاغی آن‌ها را با توجه به وابستگی سیاسی‌شان بررسی کرد.

در خصوص شباهت و تفاوت چارچوب‌های استفاده‌شده در خبرگزاری‌ها، نتایج نشان می‌دهد که به‌جز خبرگزاری ایلنا، سایر خبرگزاری‌ها از دو چارچوب «کرونا، تهدیدآمیز اما شکست‌پذیر از راه پیشگیری» و «حل مشکلات اقتصادی با اقدامات حمایتی» برای پوشش اخبار کووید ۱۹ استفاده کرده‌اند. خبرگزاری ایلنا، در تدوین اخبارش تنها از چارچوب اول استفاده کرده است. به‌بیان‌دیگر، در هر چهار خبرگزاری، بیماری ناشی از ویروس کرونا، «سخت و تهدیدآمیز» معرفی شده است اما تفاوت‌های جزئی در رویکرد آن‌ها نسبت به راه‌حل وجود دارد. درحالی‌که خبرگزاری ایلنا «پیشگیری» را به عنوان راهکار مسئله به عنوان چارچوب برگزیده است؛ خبرگزاری‌های ایرنا، فارس و مهر علاوه بر پیشگیری، «تدبیر و اقدامات دولت» را نیز به عنوان راه‌کاری برای ساماندهی در اخبار مربوط به ویروس کرونا به کار برده‌اند. براساس این، وابستگی سیاسی خبرگزاری‌ها، نقش بارزی در چارچوب‌بندی اخبار مرتبط با ویروس کرونا نداشته است.

تحلیل اجزاء چارچوب حاکی از آن است که موضوع بلاغی خبرگزاری‌های مورد مطالعه با یکدیگر فرق دارند و این موضوع مستقل از وابستگی سیاسی آن‌هاست. آن‌طور که یافته‌ها نشان دادند که همه خبرگزاری‌ها در اسناد مسئولیت شیوع و گسترش همه‌گیری کووید ۱۹ به عموم مردم و معرفی آمریکا به‌عنوان عامل مشکلات اقتصادی که با تحریم‌هایش مانع از اقدامات حمایتی دولت و خرید دارو و تجهیزات لازم شده است، شباهت دارند؛ اما در دو خبرگزاری ایلنا و فارس، موضوع بلاغی اصلی عبارت از مشکلات رفتاری است. در این دو خبرگزاری، مردم به‌عنوان مسئولان اصلی در رخداد مسائل ناشی از بحران کووید ۱۹ معرفی شده‌اند.

یافته‌ها در فراهم‌سازی پاسخ این پرسش که خبرگزاری‌های تحلیل‌شده در این مطالعه، عرصه بلاغی برای بازنمایی صداهای کدام کنشگران بوده‌اند، نشان می‌دهند که باید به ماهیت بازیگران برجسته در هر خبرگزاری توجه کنیم. در شناسایی بازیگران برجسته در هر خبرگزاری متوجه شدیم که همه خبرگزاری‌ها برای دولت در ایجاد مشکلات، نقش قایلند ولی در خبرگزاری‌های ایرنا و مهر نقشی که برای دولت به‌عنوان مخاطب و عامل منفی در نظر گرفته شده، با وزن زیادی که به دولت به‌عنوان عامل حل مسئله داده‌شده، جبران شده است. در واقع هر دو خبرگزاری بیش از آنکه دولت را طرف خطاب در نظر بگیرند، به‌عنوان کنشگر خیر در نظر داشته‌اند. در خبرگزاری ایرنا، دولت عامل اصلی خیر است و این موضوع با توجه به این که خبرگزاری ایرنا از نظر وابستگی سیاسی به ریاست جمهوری وقت وابسته است، بدیهی به نظر می‌رسد؛ اما در خبرگزاری مهر بیش از کنش‌های مثبت دولت بر کنش‌های مثبت نیروهای نظامی تأکید شده است. دو خبرگزاری ایلنا و فارس بیشتر از این که عرصه‌ای برای طرح نظرات و کنش‌های دولت باشند، دولت را مخاطب در نظر گرفته و مطالبه گر بوده‌اند تا اقداماتی را انجام دهد. در خبرگزاری ایلنا، خیران، بازیگران اصلی خیر هستند و در خبرگزاری فارس، نیروهای نظامی این نقش را دارند. از سوی دیگر، کمترین جایگاه را مردم داشته‌اند و هیچ یک از خبرگزاری‌های تحلیل‌شده در هفت ماه نخست همه‌گیری، جایگاهی به صدای مردم نداده‌اند و مردم عادی هیچ‌گونه قدرت لفاظی ندارند. این وضعیت در تولید محتوای مرتبط با ویروس کرونا نشان می‌دهد که وابستگی سیاسی خبرگزاری‌ها در ماهیت عرصه بلاغی آن‌ها اثرگذار بوده است. به‌طوری که خبرگزاری‌های وابسته به طیف مشهور به اصولگرا، عرصه بلاغی برای نیروهای نظامی اعم از سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی و ارتش بوده‌اند؛ اما خبرگزاری

ایرنا که بر اساس نمونه‌گیری‌های این پژوهش در دوره مطالعه به طیف اصلاح‌طلب - اعتدال‌گرا وابستگی داشته، عرصه بلاغی برای دولت بوده است ولی خبرگزاری ایلنا، عرصه بلاغی خیران بوده است که دلالتی برافزایش فاصله این خبرگزاری با دولت در بازه زمانی مورد مطالعه نیز دارد.

مجموع نتایج به ما کمک می‌کنند تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا وابستگی سیاسی خبرگزاری‌های مورد مطالعه موجب تفاوت در راهبرد ارتباطاتی آن‌ها در ارتباطات بحران و ویروس کرونا شده است یا خیر؟ این مطالعه، غلبه رویکرد تک‌صدایی در انتشار اخبار در مراحل آغازین شروع بحران و ویروس کرونا را در خبرگزاری‌های مورد مطالعه ایرانی نشان می‌دهد که می‌توان آن را رویکرد غالب ارتباطاتی برای مدیریت بحران دانست. نکته قابل تأمل در کاربرد راهبرد تک‌صدایی در خبرگزاری‌ها این است که صدای صاحبان رسانه‌ها هستند و علیرغم تفاوت در وابستگی سیاسی‌شان، در مدیریت بحران ویروس کرونا هم‌صدا بوده‌اند. ویژگی دیگری که غالب بودن راهبرد تک‌صدایی را برجسته می‌سازد، عدم فراهم ساختن عرصه بلاغی برای بلند کردن و شنیده شدن صدای شهروندان توسط همه خبرگزاری‌های مورد تحلیل است.

پیشنهادها

این مطالعه با تکیه بر روش تحلیل چارچوب و شناسایی اجزاء چارچوب معرفی شده توسط انتمن در حوزه ارتباطات، وضعیت عرصه بلاغی فراهم شده در خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی ایران را بر اساس وابستگی سیاسی آن‌ها تحلیل کرد و بدیلی برای هم‌صدایی رسانه‌ها در شرایط بحران معرفی کرد. پیشنهاد سیاست‌گذاران این مقاله، توجه رسانه‌ها به کاربرد تاکتیک‌هایی در تولید محتوایست که نظرات کنشگران مختلف را برجسته سازد و موجب گسترش چندصدایی در رسانه‌ها با تأکید مشخص بر خبرگزاری‌ها شود.

یافته مهم پژوهش حاضر این است که وابستگی سیاسی خبرگزاری‌ها در شرایط بحران همه‌گیری کووید ۱۹ عاملی برای واگرایی نبوده است و خبرگزاری‌ها در انتخاب چارچوب، اسناد مسئولیت بحران، عوامل ایجاد مسائل ناشی از بحران و ارائه راهکار مشابه یکدیگر عمل کرده‌اند؛ اما با وجود این شباهت، خبرگزاری‌های وابسته به طیف اصول‌گرا، عرصه بلاغی اصلی برای نیروهای نظامی بوده‌اند و نقش آن‌ها در حل بحران را برجست تر از دولت ساخته‌اند. خبرگزاری ایلنا نیز علیرغم وابستگی سیاسی

به طیف اصلاح طلب - اعتدال گرا از فاصله گرفته و عرصه بلاغی اصلی برای خیران بوده است و بالاخره خبرگزاری ایرنا عرصه بلاغی اصلی برای دولت بوده است. بدین ترتیب دستاورد سیاستی مقاله این است که:

تکصدایی خبرگزاری‌ها موجب تبدیل شدن آن‌ها به عرصه بلاغی برای کنشگران اندکی شده است؛

صدای طیف سیاسی پشتیبان هر خبرگزاری در همان خبرگزاری غالب و مسلط است؛
نقش‌ها و روابط قدرت به صورت نابرابری توزیع شده‌اند؛

مردم، نهادهای مردمی و سازمان‌های غیردولتی به سختی فرصتی برای صحبت کردن در خبرگزاری‌ها پیدا می‌کنند. همچنین، نتیجه اصلی این پژوهش مبنی بر غلبه راهبرد تکصدایی در ارتباطات بحران در نمونه همه‌گیری کووید ۱۹ به سه پیشنهاد سیاست‌گذارانه درباره نحوه اطلاع‌رسانی در شرایط بحران، به شرح زیر منتج شده است:

۱. لازم است رسانه‌ها با تنظیم راهبردهای ارتباطاتی چندصدایی در مدیریت بحران همچون تسهیلگر عمل کرده و موجب شنیده شدن صدای شهروندان بشوند و با این شیوه برای جلب توجه و اعتماد آنان برنامه‌ریزی کنند. عدم حضور صدای مردم در عرصه بلاغی و بازنمایی آن‌ها به عنوان یکی از عوامل گسترش بحران، زمینه دوری مخاطبان از رسانه‌های خودی را هموار می‌سازد و مانع ترمیم تصویر مسئولان در اذهان عمومی می‌شود.

۲. از بعد اخلاقی به راهبرد چندصدایی از منظر ایفای مسئولیت اجتماعی و نظارت اجتماعی رسانه‌ها توجه شود.

۳. پیشنهاد راهبردی دیگر این مقاله درزمین مدیریت تولید محتوای رسانه‌ها، پرهیز از سیاسی‌سازی بحران و مسائل ثانوی برخاسته از بحران است. کافی است رسانه‌ها با فراهم ساختن امکان چندصدایی، زمینه بحث درباره کارشکنی‌ها یا تخلفات صورت گرفته را از طریق بحث و تفسیر عمومی میسر سازند.

منابع

- ابراهیمی، سید یاسین (۱۳۸۹). تحلیل محتوای پوشش خبری مسائل بحران در روزنامه‌های سراسری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علاوه طباطبایی
- اجاق، سیده زهرا (۱۴۰۱). شناسایی راهبردهای پاسخ به بحران همه‌گیری کووید ۱۹ در فضای رسانه‌ای ایران. بررسی‌های مدیریت رسانه، ۱ (۴): ۳۹۹-۴۱۷
- اجاق، سیده زهرا (۱۴۰۱). تحلیل مقایسه‌ای چارچوب‌بندی کووید-۱۹ در رسانه ملی و اینستاگرام. ترویج علم، ۱۳ (۲): ۵۹-۸۲.
- بشیر، حسن (۱۳۹۹). تحلیل خبری-ارتباطی بحران کرونا و جامعه مخاطره‌آمیزه. رسانه، ۳۱ (۲): ۳۰-۳۵.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴). نگاه سازه‌گرایانه به نقش رسانه‌ها در پیشگیری از بحران در مصاحبه با مدیران بحران ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پردیس البرز دانشگاه تهران.
- حق‌گو، جواد و سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۹). چگونگی رویارویی رسانه‌های دولتی ایران با بحران کرونا. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۵ (۴): ۷۳-۹۶.
- خبرگزاری فارس (۱۲ دی ۱۴۰۱). ایران در پیک هشتم کرونا/ ماسک زدن و واکسن یادآور را فراموش نکنید. <https://www.farsnews.ir/news/14011012000103> خبرگزاری فارس
- خلجی، علی (۱۳۹۶). ارائه راهکارهای عملیاتی برای خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در مدیریت هیجانات اجتماعی منفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه صداوسیما
- رشیدی، احتشام؛ نوری، مهدی؛ نکوئی، محمدعلی (۱۳۹۳). شناسایی کارکردهای رسانه‌های جمعی در مدیریت بحران بلایای طبیعی بر اساس فرایند تحلیل شبکه‌ای. نشریه علمی مدیریت بحران. شماره ۶: ۱۵-۲۴.
- سلطانی فر، محمد و مرتضوی، محمودرضا (۱۳۸۸). مدل مطلوب مدیریت تحریریه سازمان رسانه در بحران، مطالعه موردی مدیریت سازمان خبرگزاری ایرنا. بصیرت، ۱۶ (۴۴): ۱۲۵-۱۴۶.
- شمس، مرتضی؛ میناوند، محمدقلی و صبوری، شهاب‌الدین (۱۳۹۸). نحوه پوشش خبری بحران در خبر تلویزیونی صداوسیما (مطالعه موردی: بحران پلاسکو در شبکه خبر). رسانه، ۳۰ (۴): ۲۹-۴۸.
- عابدی اردکانی، محمد و پروین عظیمی (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴). پژوهش سیاست نظری، ۱ (۱۲): ۹۳-۱۱۹.
- فتاحی، علی؛ امین بیدختی، علی‌اکبر؛ و دانایی، ابوالفضل (۱۴۰۰). ارائه الگوی مدیریت رسانه‌های جمعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی. مدیریت بحران، شماره ۱۹: ۱۱۳-۱۲۵
- معماری، سمین (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه مدیران بحران کشور در خصوص نحوه تعامل رسانه‌ها در مدیریت بحران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- ناصری طاهری، عباس؛ صلواتیان، سیاوش؛ و اکبرزاده آرانی، مصیب علی (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی عملکرد دو طیف رسانه‌ای جریان ساز و رقیب در مدیریت بحران خبری اسیدپاشی‌های اصفهان. فصلنامه علمی فرهنگ - ارتباطات، ۱۶ (۳۲): ۶۹-۹۲.

نقیب السادات، رضا (۱۳۸۷). تهدیدهای رسانه‌ای و مدیریت بحران، پژوهش دانشگاهی. دانشگاه علامه طباطبایی نوری، سیده صبا (۱۳۹۱). روزنامه‌نگاری بحران، به‌سوی تدوین یک مدل بومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

Abedi Ardakani, M. & Azimi, P. (2012). The Comparative Review of Reformist and Fundamentalist Currents Toward Political Participation of Women in Islamic Republic of Iran (1997-2005). *Research in Theoretical Politics*, 7 (12), 93-11. [In Persian]

Abu-Akel, A., Spitz, A., & West, R. (2021). The effect of spokesperson attribution on public health message sharing during the COVID-19 pandemic. *PLoS ONE*, 16(2 February), 1–15. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0245100>

Benoit, W. L. (2015). *Accounts, Excuses, and Apologies: Image Repair Theory and Research*. State University of New York Press. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=q1DVBAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR5&dq=Accounts,+Excuses,+and+Apologies:+Image+Repair+Theory+and+Research.pdf&ots=19ky29XZmZ&sig=mU5XWhoM-JOXM2-IL5DD5NsrExXA#v=onepage&q=Accounts%2C%20Excuses%2C%20and%20Apologies%3A%20A%20Image%20Repair>

Campbell, J. L., Quincy, C., Osserman, J., & Pedersen, O. K. (2013). Coding In-depth Semistructured Interviews: Problems of Unitization and Intercoder Reliability and Agreement. *Sociological Methods and Research*, 42(3), 294–320. <https://doi.org/10.1177/0049124113500475>

Carter, M. J. (2013). The Hermeneutics of frames and framing: An examination of the media's construction of reality. *SAGE Open*, 3(2), 1–12. <https://doi.org/10.1177/2158244013487915>

Clarke, L., Chess, C., Holmes, R., & O'Neill, K. M. (2006). Speaking with one voice: Risk communication lessons from the US anthrax attacks. *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 14(3), 160–169. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5973.2006.00491.x>

Coombs, W. T., & Holladay, S. J. (2014). How publics react to crisis communication efforts: Comparing crisis response reactions across sub-arenas. *Journal of Communication Management*, 18(1), 40–57. <https://doi.org/10.1108/JCOM-03-2013-0015>

ENTMAN, R. (1993). Framing: Toward a clarification of a fractured paradigm. *Journal of Communication*, 43(3), 51–58.

Fars News Agency (2023). Iran in the 8th peak of Corona / don't forget to wear a mask and a reminder vaccine. *Fars News Agency*. 2023-1-2. Retrieved from <https://www.farsnews.ir/news/14011012000103/>

Frandsen, F., & Johansen, W. (2012). *Inside the Rhetorical Arena : to crisis communication (Issue Center for Corporate Communication (CCC))*. AARHUS UNIVERSITY, Scholl of Business and Social Science.

Frandsen, F., & Johansen, W. (2017). Voices in conflict? The Crisis Communication of Meta-organizations. *Management Communication Quarterly*, 32 (1), 90-120. doi: 10.1177/0893318917705734.

- Ghio, D., Lawes-Wickwar, S., Tang, M. Y., Epton, T., Howlett, N., Jenkinson, E., Stanesco, S., Westbrook, J., Kassianos, A. P., Watson, D., Sutherland, L., Stanulewicz, N., Guest, E., Scanlan, D., Carr, N., Chater, A., Hotham, S., Thorneloe, R., Armitage, C. J., ... Keyworth, C. (2021). What influences people's responses to public health messages for managing risks and preventing infectious diseases? A rapid systematic review of the evidence and recommendations. *BMJ Open*, 11(11). <https://doi.org/10.1136/bmjopen-2021-048750>
- Habersaat, K. B., Betsch, C., Danchin, M., Sunstein, C. R., Böhm, R., Falk, A., Brewer, N. T., Omer, S. B., Scherzer, M., Sah, S., Fischer, E. F., Scheel, A. E., Fancourt, D., Kitayama, S., Dubé, E., Leask, J., Dutta, M., MacDonald, N. E., Temkina, A., ... Butler, R. (2020). Ten considerations for effectively managing the COVID-19 transition. *Nature Human Behaviour*, 4(7), 677–687. <https://doi.org/10.1038/s41562-020-0906-x>
- Lecheler, S., Keer, M., & Schuck, A. R. T. (2015). The effects of repetitive news framing on political opinions over time. *Communication Monographs*, 82, 339-358. <https://doi.org/10.1080/03637751.2014.994646>
- Marsen, S.(2020). Navigating Crisis: The Role of Communication in Organizational Crisis. *International Journal of Business Communication*, 57, 2 (2020):163-175. DOI: 10.1177/2329488419882981
- Matthes, J., & Kohring, M. (2008). The content analysis of media frames: Toward improving reliability and validity. *Journal of Communication*, 58(2), 258–279. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2008.00384.x>
- McCloughlin, E., Vilar-Lluch, S., Parnell, T., Knight, D., Nichele, E., Adolphs, S., Clos, J., & Schiazza, G. (2023). The reception of public health messages during the COVID-19 pandemic. *Applied Corpus Linguistics*, 3(1), 100037. <https://doi.org/10.1016/j.acorp.2022.100037>
- Mutua, S. N., & Ong'ong'a, D. O. (2020). Online News Media Framing of COVID-19 Pandemic: Probing the Initial Phases of the Disease Outbreak in International Media. *European Journal of Interactive Multimedia and Education*, 1(2). <https://doi.org/10.30935/ejimed/8402>
- O'Connor, C., & Joffe, H. (2020). Intercoder Reliability in Qualitative Research: Debates and Practical Guidelines. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1–13. <https://doi.org/10.1177/1609406919899220>
- Ogbodo, J. N., Onwe, E. C., Chukwu, J., Nwasum, C. J., Sanita, E., Nwankwo, S. U., Nwamini, S., Elem, S., & Ogbaeja, N. I. (2020). Communicating health crisis : a content analysis of global media framing of COVID-19. *Health Promotion Perspectives*, 10(3), 257–269. <https://doi.org/10.34172/hpp.2020.40>
- Okon, P. E. (2018). Political Party Affiliation of Media Owners and Objectivity in Reporting: A Case Study of Sun and The Nation Newspapers. *Journal of Media Practice and Research*, 3 (2): 43-60
- Okorie, N. (2022). Global media framing, COVID-19 and the issue of vaccination: An empir-

ical inquisition. *Health Promotion Perspectives*, 12(2), 186–191. <https://doi.org/10.34172/hpp.2022.23>

Ophir, Y. (2019). Spreading news: *The coverage of epidemics by American newspapers and its effects on audiences - a crisis communication approach*. Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences, 80(2-A(E)), No-Specified. <http://ovidsp.ovid.com/ovidweb.cgi?T=JS&PAGE=reference&D=psyc16&NEWS=N&AN=2018-58618-141>

Palmieri, R. & Musi, E. (2020). Trust-repair strategies in crisis rhetorical (sub-)arenas: an argumentative perspective. *International Journal of Strategic Communication*, 14 (4):272-293. <https://doi.org/10.1080/1553118X.2020.1805452>

Poirier, W., Ouellet, C., Rancourt, M., Béchar, J., & Dufresne, Y. (2021). (Un) Covering the COVID-19 Pandemic : Framing Analysis of the Crisis in Canada. *Canadian Journal of Political Science*. 53 (2),1-11. DOI: 10.1017/S0008423920000372

Raupp, J. (2019). Crisis communication in the rhetorical arena. *Public Relation Review*, 45 (2019) 101768. <https://doi.org/10.1016/j.pubrev.2019.04.002>

Zhao, H. (2020). *Politicizing crisis communication via social media: A contextual understanding of organizational crises in China*. [Doctoral Thesis (compilation), Department of Strategic Communication]. Lund University.

Soares, A. G. de C. (2018). HOW THE DIFFERENT VOICES THAT ENGAGE IN CRISIS COMMUNICATIONS , INFLUENCE CONSUMERS NWOM INTENTIONS AND CORPORATE REPUTATION DURING A CUSTOMER COMPLAINT PARACRISIS OCCURRING ON FACEBOOK.[Master Dissertation] Instituto Universitario de Lisboa.

Wicke, P., & Bolognesi, M. M. (2020). Framing COVID-19 : How we conceptualize and discuss the pandemic on Twitter. *ArXiv*:2004.06986 [Cs.CL], <https://ar>, Cornell University.

Xie, J., & Liu, L. (2022). Identifying features of source and message that influence the retweeting of health information on social media during the COVID-19 pandemic. *BMC Public Health*, 22(1), 1–11. <https://doi.org/10.1186/s12889-022-13213-w>

Yoo, Changseung (Chang) and Yoo, Eunae and Yan, Lu (Lucy) and Pedraza Martinez, Alfonso, Speak with One Voice? Examining Content Coordination and Social Media Engagement During Disasters (August 8, 2023). Information Systems Research, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4037523> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4037523>

Factors affecting the reduction of family overnight stays in today's urban life: the case study of the city of Islam Abade Gharb

Ramezan Saeidian, Master student of Sociology, Eslam Abad-e-gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-e-gharb, Iran. Email: gkmoradi@yahoo.com

Ali Moradi, Associate Professor of Sociology, Eslam Abad-e-gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-e-gharb, Iran, (Corresponding Author). Email: A_Moradi2020@iauksh.ac.ir

Abstract

This study was conducted to the Factors affecting the reduction of family overnight stays in today's urban life: the case study of the city of Islam Abade Gharb. This research was conducted with a quantitative approach and a descriptive survey method. The required data were collected through a researcher-made questionnaire. The statistical population of this study includes people aged 20 to 60 years living in the city of Islamabad Gharb with 90,559 people who were identified using the Cochran's formula, 312 people and their simple and cluster randomization method was studied. Formal validity was used for the validity of the research instrument and Cronbach's alpha was used to estimate its reliability. Most of the variables had an alpha level above 0.75. SPSS statistical software was used to analyze the data. The results of multivariate regression show that the beta coefficient for the IT and virtual world variables (Beta = 0.336), is the pivotal child (Beta = 0.240) and increases inflation and decreases purchasing power (Beta = 0.161). The results showed that the decrease in kinship relations among the citizens of Islamabad West is influenced by the three components of information technology and child-centeredness and the increase in inflation and the decrease in purchasing power.

Keywords

Family, Kinship, Child-centeredness, Technology, night stay.



عوامل مؤثر بر کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در زندگی امروزه شهری موردمطالعه شهر اسلام‌آباد غرب

رمضان سعیدیان^۱، علی مرادی^۲

چکیده

در تمام جوامع بشری، خانواده به‌منزله اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است این پژوهش باهدف عوامل مؤثر بر کاهش شب‌نشینی خانوادگی در زندگی امروزه شهری در بین خانواده‌های شهر اسلام‌آباد غرب انجام پذیرفته است. این پژوهش با رویکرد کمی و روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام گرفت. داده‌های موردنیاز از راه پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل افراد ۲۰ تا ۶۰ سال ساکن شهر اسلام‌آباد غرب با ۹۰۵۵۹ نفر که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۱۲ نفر مشخص و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و ساده موردمطالعه قرار گرفتند. برای روایی ابزار پژوهش از روایی صوری و برای برآورد پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده گردید که بیشتر متغیرها سطح آلفای بالای ۰/۷۵ را داشتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد متغیرهایی مانند فناوری اطلاعات و دنیای مجازی ($Beta = 0/336$)، فرزند محوری ($Beta = 0/240$) و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید ($Beta = 0/161$) ازجمله عواملی هستند که در کاهش دورهمی خانوادگی و شب‌نشینی‌های سنتی تأثیرگذار بودند و آن‌ها را تقلیل دادند. نتایج نشان داد که کاهش روابط خویشاوندی در بین شهروندان اسلام‌آباد غرب تحت تأثیر سه مؤلفه فناوری اطلاعات و فرزند محوری و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید است.

واژگان کلیدی

خانواده، روابط خویشاوندی، فرزند محوری، فناوری، شب‌نشینی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول)

A_Moradi2020@iauksh.ac.ir

مقدمه

در تمام جوامع بشری، خانواده به منزله اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۱). کاهش پیوندهای خانوادگی در دهه‌های اخیر، خانواده را بیش‌ازپیش تنها گذاشته و در حل مشکلات خود ناتوان‌تر ساخته است. غلبه‌ی فرهنگ فردگرایی، بیش از هر چیز در حس استقلال‌طلبی و فرار از تعهدات مؤثر بوده است. همین فرهنگ، زمینه‌ی کاهش حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی را فراهم کرده است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴). دگرگونی‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر، در کاهش همبستگی خانوادگی و بی‌توجهی به ارزش‌های گروهی مؤثر بوده است و به دنبال آن، همدلی و همیاری که مهم‌ترین دغدغه‌ی خانواده‌ی سنتی بود، رنگ‌باخته و حمایت‌های عاطفی کاهش یافته است. خانواده‌ی گسترده‌ی امروزی که در گذشته، به‌ویژه در اوایل تشکیل خانواده و در هنگام بروز مشکلات، امدادسانی می‌کرد، به دلیل ضعف ارتباطات و کاهش همبستگی، قادر به ورود ثمربخش در زندگی آنان نیست. به‌تبع آن نقش کنترلی و نظارتی خانواده که غالباً والدین آن را اعمال می‌کنند، رو به افول است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۲).

حمایت خویشاوندان می‌تواند چنان گسترده و فراگیر باشد که تمام افراد یک خانواده گسترده و فامیل تحت پوشش آن به یک آرامش روانی و در نتیجه سلامت روانی نائل شوند. شواهد نشان‌دهنده این واقعیت است که افراد بهره‌مند از حمایت اجتماعی، سالم‌تر از افرادی هستند که از حمایت اجتماعی محروم‌اند. حتی پژوهشگران در تحقیقات میدانی خویش دریافته‌اند هر چه تماس‌های اجتماعی و پیوندهای گروهی افراد بیشتر باشد عمر آن‌ها طولانی‌تر خواهد بود (دیماتئو، ۱۳۹۲: ۱۹). امام علی (ع) در می‌فرمایند «آگاه باشید، نباید یکی از شما از نزدیکان خود روی برگرداند، درحالی که آن‌ها گرفتار فقر و پریشانی هستند و [نباید] امتناع کند از مالی که اگر نگه دارد به مال او چیزی افزوده نمی‌شود و اگر انفاق کند چیزی از مال او کم نمی‌شود». اگر از خویشان او تنگدست و محتاج‌اند نباید از کمک مالی دریغ کند، مالی که اگر حفظ شود تأثیری در ازدیاد اموال نداشته و اگر تقدیم مستحقّی گردد تأثیر و کمبودی در ثروت احساس نمی‌شود و خداوند متعال جبران می‌کند و کسی که دست از ارحام خویش کشد جز این نیست که او یکدست از آن‌ها می‌کشد و در مقابل دست‌های زیادی از او کشیده می‌شود؛ زیرا او یک نفر و جمعیت طائفه بسیار است و طبعاً جدا شدن یک نفر

ضرری به دیگران نمی‌زند ولی جدائی يك فامیل از يك فرد، مضرّ به حال او است و کسی که [با خویشان خود] متواضع و مهربان و همراه باشد، دوستی همیشگی آن‌ها را جلب کرده است و هر وقت کمک و یاری بخواهد دست‌ها و قدم‌هایی آماده، برای خدمت به او مهیا خواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۳۱).

شب‌نشینی، مهمانی شبانه‌ای است که طی آن جمعی از دوستان، اقوام و یا همسایگان بعد از صرف شام، اغلب در خانه و گاه در محافل دیگر گرد هم می‌آیند و به‌منظور گذراندن شب ضمن گفتگو و صرف شب چره خود را با فعالیت‌های مفرح و هنری سرگرم می‌سازند. شب‌نشینی در روستای دستجرد کهک قم دارای آداب خاصی است؛ مکان، زمان، پذیرایی، دعوت‌گیری، آموزه‌های اخلاقی و سرگرمی‌ها و بازی‌های شبانه مانند خرک انداختن و موش انداختن از مؤلفه‌های خاص آن است (جعفرزاده دستجردی، ۱۳۹۵: ۱۸۱). مردم در طول روز کار می‌کردند و شب‌ها فارغ از دغدغه فردا دورهم می‌نشستند و به‌نوعی همگام با طبیعت ساعت زندگی خود را تنظیم می‌کردند. هنوز تلویزیون یک کالای لوکس به شمار می‌آمد نه یک عضو خانواده مثل امروز؛ خبری هم از رایانه و شبکه‌های اجتماعی مجازی نبود، همه در مکانی صمیمی دورهم می‌نشستند و مشغول نغزگویی، حافظ خوانی، شاهنامه‌خوانی می‌شدند، اگر کسی گرفتاری برایش پیش می‌آمد، در خلال همین شب‌نشینی‌ها و رفت‌وآمدهای دوستان و آشنایان گره از مشکلاتش گشوده می‌شد. شب‌نشینی‌ها گاه به بهانه یک مناسبت همچون شب یلدا و نوروز و دیگر عیدهای ملی و مذهبی برگزار می‌شد و گاه بی‌مناسبت اهالی خانه هوای دیدار دوستان و آشنایان خود را می‌کردند و شبی را دورهم جمع می‌شدند. از جمله سرگرمی‌های رایج در اسلام‌آباد غرب می‌توان به هوره و زره مشتکی اشاره کرد.

هوره: یکی از آداب و رسوم مردم کرمانشاه در شب‌نشینی‌ها، هوره خوانی بود. هوره موسیقی کردی است که مردمان شهرهای کرمانشاه و ایلام آن را می‌خوانند. معنا و مفهوم این آواز حماسی می‌باشد و ریتم بسیار ملیح و آرامی دارد. هوره ریتمی شبیه آوازهای شرقی، نیایش‌های بودایی‌ها و آوازهای مرتبط با معبد شائولین دارد. هوره بیت‌های ساده داشته و به‌طور معمول ۱۰ تا ۱۲ هجایی است. مفهوم آواز هوره بسیار عمیق، سوزناک و غمگین می‌باشد.

زره مشتکی: گل یا پوچ و چیستان سرایی از جمله این سرگرمی‌ها می‌باشد. در کردی به گل یا پوچ، زره مشتکی گفته می‌شود. در این بازی شرکت‌کنندگان به دو

گروه مساوی تقسیم شده و سپس سنگی ریزی یا مهره‌ای را به عنوان زر انتخاب کرده و همه افراد دست خود را به پشت برده و سر گروه مهره یا زر را در دست یکی از آن‌ها گذاشته و تمام گروه دست‌های خود را به صورت مشت کرده روبروی خود و تیم مقابل می‌گیرند و یکی از افراد گروه مقابل که معمولاً سر گروه است با استفاده از حس پیشگویی یا حدس و گمان ابتدا یکی یکی روی دست‌هایی که مطمئن است خالی هستند زده و می‌گوید پوچ و طرف مقابل هم بلافاصله باید دست خود را خالی کند، البته اگر احياناً زر در دست آن‌ها باشد یک امتیاز گرفته و دوباره زر را به تیم داده و شروع می‌کنند.

شهرستان اسلام‌آباد غرب یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه است که جمعیت آن طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، ۹۰۵۵۹ نفر جمعیت داشته است و به لحاظ جمعیت و وسعت، دومین شهر استان کرمانشاه بعد از شهر کرمانشاه محسوب می‌شود، بنابراین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مختلفی را در خود جای داده است. قرار گرفتن شهر اسلام‌آباد غرب بر سر بزرگراه کربلا، فراگیری در تقاطع ارتباطی سه استان خوزستان، ایلام و کرمانشاه قرار دارد و وجود قومیت‌ها و زبان‌های فرهنگی مختلف از سه استان در این شهر با پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، افزایش سروصداها و سایر محرکه‌های شهری نظیر تردد زیاد وسایل نقلیه در سطح شهر و زرق و برق شهری و مواردی نظیر آن از دیگر ویژگی‌های شهری و شهرنشینی در شهرستان اسلام‌آباد غرب است. بررسی شهر اسلام‌آباد غرب نشان داد که این شهر با روند رو به رشد شهرنشینی مواجه بوده و این خود به مسائل گوناگون اجتماعی و کالبدی انجامیده است. موضوع افزایش رو به رشد شهرنشینی زمانی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود که رشد جمعیت شهر بیشتر ناشی از مهاجرت روستاییان بوده که از مکان اصلی زندگی خود به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی جدا شده و در شهر سکنی گزیده‌اند که عامل اصلی گسترش فیزیکی شهر و افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی و در نهایت مسائل جانی آن نظیر بیکاری و رشد مشاغل کاذب بوده است؛ بنابراین مهاجرت بسیاری از روستائیان به شهر و نظر به اهمیت شب‌نشینی و دورهمی‌های خانوادگی به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی و اینکه جمعیت روستایی از این نظر از سطح بالای روابط خویشاوندی برخوردارند، عملاً در شهر با توجه به افزایش و تراکم جمعیت و نامتجانسی آن، ممکن است چنین امکانی برای آن‌ها جود نداشته باشد و یا با محدودیت روبه‌رو باشند و بنابراین نوعی تقابل در سبک زندگی با شهر برای آن‌ها به وجود آید و منجر به عدم

سازگاری با این محیط فرهنگی شوند. به‌طور کلی هدف این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال: که چه عواملی موجب کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در جامعه شهری امروز با تأکید بر شهر اسلام‌آباد غرب شده است؟ مفاهیم اصلی به‌کاررفته در این مطالعه به شرح زیر است:

روابط خویشاوندی: خویشاوندی به پیوندهایی اطلاق می‌شود که یا از طریق ازدواج و یا از طریق تبار ایجاد می‌شوند و بستگان خونی را به هم پیوند می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

فناوری اطلاعات و دنیای مجازی: به مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده‌سازی، پشتیبانی یا مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر رایانه، خصوصاً برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزار رایانه می‌پردازد؛ بنابراین، یک عقیده، یک میل، یک ارزش یا یک ایده، آدمی را به سمت رفتاری خاص سوق می‌دهد و رفتارها نیز به‌نوبه خود سبک زندگی را شکل می‌دهند و ظهور و گسترش فناوری، حیات انسان‌ها را در اجتماع کنونی دچار تغییراتی بنیادین کرده است (خسروانی شریعتی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

فرزندمحوری: فرزندسالاری یعنی وضعیتی که در آن فرزندان مستقیم و یا غیرمستقیم محور و اساس تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و مجموعه امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همه مسائل خانواده به‌طور کلی بر اساس نیازها، خواسته‌ها و اهداف آن استوار می‌شود. با اینکه فرزندان خانواده فرزند سالار در ایران از استقلال فکری، امکانات و مزایای خانواده برخوردارند، فاقد توان تصمیم‌گیری و استقلال رفتاری هستند و از حیث اقتصادی هم کاملاً به درآمد خانواده وابسته‌اند (محمدی و صادقی، ۱۳۸۸: ۲۲).

افزایش تورم و کاهش قدرت خرید: تورم عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی منجر می‌شود. تغییرات اجتماعی- فرهنگی و دگرگونی شگرف و سرعت سرسام‌آور ارتباطات از یک‌سو، استحاله باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اعتقادی و سنتی از سوی دیگر بر دشواری‌های زندگی خانوادگی افزوده است؛ و در این میان، شرایط اقتصادی نیز به عامل مهم دیگری تبدیل شده که می‌تواند گره پیچیده روابط را در خانواده کورتر کند. این روزها زندگی خانوادگی بیش از هر زمان دیگری با حساب و کتاب سر و کار دارد؛ با دو تا چهار تا. اگر شغل باثبات و درآمد کافی وجود نداشته باشد نه زوجین از آرامش برخوردارند و نه فرزندان می‌توانند به آینده روشنی امیدوار باشند. جوانان برای تشکیل خانواده ماشین حساب به دست

گرفته‌اند، زوجین جوان برای فرزندآوری مشغول محاسبه‌اند و زیر فشار دشواری‌های اقتصادی و محاسبات روزمره، والدین خانواده‌های سنتی مهارت‌های ارتباطی-عاطفی خود را برای ادامه یک رابطه موفق با یکدیگر و البته با فرزندان از دست داده‌اند. این «خانواده‌های مدرن» شباهت اندکی با سلف خود دارند و به نظر می‌رسد آنچه بیش از پیش چهره زندگی خانوادگی را دگرگون کرده است و به بی‌ثباتی و ناامنی آن دامن زده، اقتصاد است (خسروانی شریعتی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه این موضوع نشان می‌دهد پژوهش‌هایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این حوزه انجام شده و عوامل متعددی در تغییرات خانواده و کاهش همبستگی‌های اجتماعی بین خانواده‌ها تأثیرگذار هستند که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. سالخورده (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان آتشونی؛ شب‌نشینی در آراین شهر با مصاحبه از بزرگان و مطلعان محلی به مواردی مانند مراسم آغازین آتشونی، صحبت‌های آتشونی، بازی‌های محلی، اوسونه‌ها، کف زنی، چهاربیتی خوانی و شوبازی دست یافتند. جعفرزاده دستجردی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان گزارش فرهنگیاری؛ رسم و سنت شب‌نشینی در کهک قم از گذشته تا به امروز بیان کردند که زمان برگزاری شب‌نشینی‌ها دوره شب‌نشینی معمولاً از ابتدای فصل پاییز که شب‌ها کم‌کم طولانی‌تر و کرسی‌ها گذاشته می‌شود، آغاز و تا آخر ماه اسفند ادامه می‌یافت، اما اوج این سنت از نیمه دوم پاییز بود که مردم دیگر از کارهای سخت و خسته‌کننده روزانه مثل کشاورزی و سایر مشاغل رایج فارغ می‌شدند و شب و روز خود را به کوچه نشینی و خانه‌نشینی سپری می‌کردند. پیرجاللی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران)، نشان دادند که تلگرام تأثیرات زیادی در تغییر روابط اجتماعی خانواده‌ها داشته است. آنی‌زاده (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان زندگی شبانه در فرهنگ مردم ایران، به این نتیجه رسید که بیشتر اجتماعات شبانه، وابسته به آیین و مناسبت بوده است و حضور مردم در بیرون از خانه برای تفریح، اقتصاد و اجتماع در شبانگاه به صورت غیرآیینی کمتر مجال بروز یافته است. رازقی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه عوامل مؤثر بر میزان روابط همسایگی: مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل نشان دادند بیشترین عامل تأثیرگذار مستقیم بر روی روابط دینداری و احساس امنیت است. نایی و لطفی (۱۳۹۴)

پژوهشی با عنوان تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور نشان دادند که استان‌هایی که پیوند و روابط خویشاوندی رو به سستی می‌نهد، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان‌گیر آن منطقه می‌شود. در مقابل با تقویت پیوندهای افراد و افزایش رابطه آن‌ها با خویشاوندان خود، آسیب‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت. کوثری (۱۳۹۴) در مطالعه تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی در محله کن تهران نشان داد که نگرش به اوقات فراغت، نگرش به ارزش‌های همسایگی، انزوای و دینداری دارای تأثیر معناداری بر روابط همسایگی بودند. نجفی اصل (۱۳۹۴) در پژوهش تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در خانواده‌های روستای حصار خروان در نیم قرن اخیر نشان داد که عوامل تاریخی در کشور باعث شده در روابط خویشاوندی خانواده‌های روستای حصار خروان کاهش چشمگیری ایجاد شود و تبعاتی نظیر گسترش فردگرایی، اهمیت یافتن پول و تجملات، اهمیت یافتن تصمیمات و انتخابات شخصی، کاهش همیاری‌ها، گسترش تمایلات به ایجاد ارتباط با افراد در مراکز شهری، عدم توجه به دانش بومی پدران و کاهش اقتدار پدران و کم‌توجهی به سالمندان در محیط خانوادگی و ... را به همراه بیاورد. همچنین تقوی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر اشتغال خارج از خانه زنان بر روابط خانوادگی، رضوی طوسی (۱۳۹۲) به جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی روزمره شهروندان تهرانی و محمدی و صادقی (۱۳۸۸) به تأثیر فرزندسالاری بر روابط خانوادگی و خویشاوندی در شهر شیراز توجه نشان دادند.

مروری بر مطالعات خارجی نیز بر عواملی مانند فناوری و تغییرات زندگی در کاهش ارتباطات خانوادگی تأثیر دارند. داهلن^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه تاریخ روابط عمومی و توسعه مدرنیته در نروژ بر این باور است که تعامل متقابل بین مدرنیته و ارتباطات اجتماعی وجود دارد. زینگ فان^۲ (۲۰۱۹) بر این باور است که روابط بین خانوادگی و مهمانی‌های خویشاوندی متأثر از فناوری‌های جدید است، زنگ و تان^۳ (۲۰۲۱) نشان دادند بین عملکرد خانواده افراد با اعتماد به مواد مخدر و تمایل به عود رابطه وجود دارد،

گراندستروم و همکاران^۴ (۲۰۲۱) در مطالعه ارتباط بین وضعیت رابطه و بهزیستی روانی در مراحل مختلف زندگی از جوانی تا میانسالی در مقایسه با ازدواج، مجرد بودن

1. Dahlen
2. Xinguang Fan
3. Zeng and Tan
4. Grundström

یا طلاق/بیوه بودن به‌طور مداوم با رفاه روانی ضعیف‌تر در طول زندگی، به‌ویژه در میان مردان مرتبط بود. کامپرنول^۱ (۲۰۱۵) در بررسی تغییر نگرش نسبت به مراقبت از والدین سالخورده، نشان می‌دهد که تحصیل و سفر بین‌المللی با کاهش نگرش نسبت به تعهدات فرزندی مرتبط است. کلمن^۲ (۱۹۹۸) به بررسی صله رحم و روابط خویشاوندی و داشتن ارتباطات انسانی در سلامت افراد و جامعه تأثیر بسزایی دارد، آل حاج^۳ (۱۹۸۸) در مقاله خود با عنوان تأثیر مدرنیزاسیون بر جوامع شهری عرب در اسرائیل نشان داد که روابط درون خانواده بر اثر مدرنیزاسیون تغییر یافته است.

بررسی پیشینه پژوهش و مطالعات تجربی صورت گرفته نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام شده به صورت توصیفی و با تمرکز بر دانش مردم‌شناسی انجام شده است. مواردی با روش‌های پیمایشی انجام شده است بسیار نادر است و بیشتر روابط و تعاملات اجتماعی بدون تمرکز اصلی بر دوره‌می و شب‌نشینی خای سنتی است. از طرفی مطالعات خارجی نیز بیشتر بر کارکرد فناوری جدید در تغییرات این مناسک توجه دارند ولی در مطالعه حاضر از تمام این پژوهش‌ها بهره‌گیری شده است و هر کدام تلاشی خردمندانه در راستای تبیین موضوع بودند. با این حال مطالعه حاضر با تمرکز بر شهر اسلام‌آباد غرب متمرکز است و سعی دارد ضمن بهره‌گیری از دیدگاه‌های نظری مرتبط‌تری، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کاهش این پدیده در بین مردم پردازد.

ملاحظات نظری

مکتب ساختارگرایی: این دیدگاه نظری خویشاوندان با یکدیگر دارای ارتباطات و کنش متقابل اجتماعی هستند، روابط همبستگی در بین آن‌ها افزایش می‌یابد. این روابط، افراد را در واحدهای اجتماعی مستقیم متحد می‌کند و ارزش‌های مشترک نیز این پایه‌های همبستگی را محکم‌تر می‌کند پس بنابراین از طریق مکتب ساخت می‌توان ساختار خویشاوندی، چگونگی شکل‌گیری این روابط و چگونگی مناسبات بین خانواده‌ها را مورد بررسی قرار داد (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

استروس^۴ بر این باور است که نظام خویشاوندی یک نظام تفکری است که اشیاء و رویدادهای پیرامون، آن را شکل می‌دهند. با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که خویشاوندی یک رفتار اجتماعی است تا یک واقعیت زیست‌شناختی و نیز خویشاوندی

1. Axinn et al

2. Coleman

3. Al - Haj

4. Claude Levi Strauss

فرهنگی است نه طبیعی و در واقع روابط خویشاوندی به‌طور اعم و منع زنا با محارم به‌طور اخص نقطه انفصال فرهنگ از طبیعت است (توسلی، ۱۳۷۵: ۶۵). از نظر او جوامع «ابتدایی» جوامعی بوده‌اند که با شرایط زمانه خود کاملاً منطبق و سازگار بوده‌اند هم چنان‌که جوامع متمدن با نیازهای زمانه خودشان منطبق هستند. پس نظام خویشاوندی و خانواده که نتیجه اولین قرارداد اجتماعی و نقطه شروع فرهنگ یعنی منع زنا با محارم هستند، جزء اولین همگانی‌های فرهنگ‌های بشری است که مورد توجه تحلیل ساختی لوی استروس قرار گرفته است (توسلی، ۱۳۷۵: ۸۷).

مورگان^۱ سعی داشت که نظام‌های خویشاوندی را بر طبق اصل تکامل، طبقه‌بندی کند و ویژگی‌های سیر تکاملی آن‌ها را تشریح سازد. به همین جهت نظام‌های خویشاوندی را به دو نوع اصلی تقسیم کرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۷۵): نظام‌های خویشاوندی عام که در آن برای هر فرد اصطلاح متناسب و منفردی در رابطه‌اش با سایر خویشاوندان وجود ندارد. نظام خویشاوندی توصیفی که در آن برای هر فرد در رابطه‌اش با دیگران اصطلاح منفرد و مشخصی وجود دارد. لوی کریچف^۲ خویشاوندی را به چهار نوع تقسیم می‌شوند. نوع اول: که در آن پدر و عمو، پدر و مادر و خاله، مادر نامیده می‌شود (ایروکویز)؛ نوع دوم که پدر از برادرش و مادر از خواهرش تمیز داده می‌شود و هر یک نام‌های جداگانه‌ای به خود می‌گیرد (سودانی)، نوع سوم به‌صورت خطی است. پدر از برادرش و مادر از خواهرش تمیز داده می‌شود. لیکن برادر پدر (عمو) و برادر مادر (دایی) هر دو به یک نام خوانده می‌شود. نوع چهارم بر اساس نسل است که در آن پدر و برادرش، مادر و برادرش، هر یک اصطلاح ویژه‌ای برای خود دارد. لیکن برای مادر، خواهر مادر، خواهر پدر یک اصطلاح به کار می‌رود (علیخانی، ۱۳۸۲: ۲۳-۵۶).

مکتب کارکردگرایی: از دیدگاه کارکردگرایان روابط خویشاوندی به‌عنوان یک عنصر فرهنگی دارای کارکرد می‌باشد و این روابط باعث حفظ استحکام و انسجام اجتماعی می‌شود و بدین ترتیب علت موجودیت آن نیز ناشی از کارکرد آن است که باعث نزدیکی بیشتر خویشاوندان و استحکام روابط بین آن‌ها می‌گردد. از دیگر کارکردهای نظام خویشاوندی مرتبط ساختن اشخاص به یکدیگر، دادن آن‌ها در یک گروه یا جمع، رهبری کردن، نظم بخشیدن و کنترل رفتار آنان در برابر یکدیگر در زمینه‌ها و موقعیت‌های بسیار زیاد و متنوع می‌باشد. بنابراین نظام خویشاوندی وسیله‌ای است برای سازمان دادن شماری از افراد بر بنیاد و پیوندهای نسبی و سببی و برای هدایت، تنظیم و کنترل و رفتار متقابل

1. Lewis Henry Morgan
2. Louis Crich

خویشاوندان در بافت‌ها و زمینه‌های گوناگون (فرجاد، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

مکتب مبادله: بر اساس نظریه مبادله، فرد ممکن است آن عملی را که به پاداش منتهی می‌شود تکرار کند این قضیه به خودی خود هیچ چیز را مورد تدارک آن عمل بیان نمی‌کند بلکه در آن فقط دو پدیده پاداش و فعالیت به هم مربوط است. آنچه از فرض «موفقیت» نتیجه‌گیری می‌شود این است که دلیل عملی که فردی انجام می‌دهد هر چه باشد همین که عمل را یک بار انجام داد و نتیجه عمل برایش مثبت بود همان مفهومی را برای فرد پیدا می‌کند که به آن ارزش مثبت می‌دهند و در حقیقت فرد مستعد تکرار آن عمل شده است (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۹۰-۳۸۸). پس می‌توان گفت در جامعه امروز در بعضی از خانواده‌ها میزان گرایش به تجملات افزایش یافته است. بنابراین با توجه به نرخ بالای تورم، صله رحم و مهمانی دادن برای خانواده هزینه بر است و سودی برای آن‌ها حاصل نمی‌شود. پس با توجه به یکی از اصول مکتب مبادله انسان‌ها به دنبال سود هستند از اعمالی که برای آن‌ها منفعتی نداشته باشد دوری می‌کنند می‌توان گفت چون رفت‌وآمد و صله رحم و مهمانی دادن برای خانواده هزینه بر است به تبع آن روابط خویشاوندی کاهش یافته است.

مکتب اشاعه: مطابق با مکتب اشاعه می‌توان گفت بعضی از عناصر فرهنگی جدید از جوامع دیگر وارد فرهنگ ما شده است و بعضی از عناصر فرهنگی که در سال‌های گذشته حائز اهمیت زیادی بوده، ارزش خود را از دست داده است. در سال‌های گذشته روابط خویشاوندی به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگی حائز اهمیت زیادی بود و خانواده‌ها به این روابط پایبند بودند و در هنگام مشکلات در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و از مساعدت‌های همدیگر بهره می‌بردند؛ اما در سال‌های اخیر خانواده‌ها اوقات فراغت خود را کمتر اختصاص به دیدار خویشاوندان می‌دهند از دلایل کاهش این روابط جایگزینی عناصر فرهنگی جدید به جای آن می‌باشد. به عنوان نمونه در سال‌های اخیر بیشتر اوقات فراغت خود را صرف استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت کامپیوتر، رفتن به مکان‌های تفریحی سینما تئاتر و غیره می‌کنند. در نتیجه از روابط صمیمی و عاطفی بین اعضای خانواده کاسته شده و خانواده‌ها بیشتر در اوقات فراغت خود به دنبال فعالیت‌های مورد علاقه مانند استفاده از انواع وسایل ارتباط جمعی، کلاس‌های مورد علاقه و مکان‌های تفریحی و غیره می‌روند و کمتر وقت خود را اختصاص به دیدار خویشاوندان و صله رحم می‌دهند. می‌توان گفت در جامعه امروز از ارزش این عنصر فرهنگی کاسته شده و به طور کلی

حتی بعضی خانواده‌ها کاهش روابط خویشاوندی و مناسبات اجتماعی را دارای نتایج مثبت می‌دانند (رحیمی، ۱۳۶۵: ۷۶).

نظریه کنش متقابل نمادین: در نظریه کنش متقابل نمادین فرض بر این است که انسان‌ها در فراگرد کنش متقابل اجتماعی به‌گونه‌ای نمادین، معناهایی را به دیگران انتقال می‌دهند و دیگران این نمادهای معنادار را تفسیر می‌کنند و بر پایه تفسیرشان از این نمادها واکنش نشان می‌دهند؛ بنابراین تفسیرهای ذهنی ما از جهان تا حدود زیادی تعیین‌کننده رفتار ما هستند. هسته اصلی مورد علاقه نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین تأثیر معانی و نمادها بر کنش و کنش متقابل است. نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادی به این قضیه می‌پردازند که انسان‌ها چگونه طی کنش متقابل به‌گونه‌ای عام و در جریان اجتماعی شدن به‌گونه‌ای خاص این معانی و نمادها را یاد می‌گیرند. کنش متقابل نمادین توجه ما را به جزئیات کنش متقابل بین افراد جلب می‌کند و اینکه چگونه از آن جزئیات برای فهمیدن آنچه دیگران می‌گویند و انجام می‌دهند استفاده می‌شود. یکی دیگر از کاربردهای نظریه کنش متقابل در تحلیل وضعیت‌های چهره به چهره است (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۶۴). در قالب این نظریه می‌توان به نقش مادر اشاره کرد؛ بر اساس این نظریه هر چه مادران وقت بیشتری در منزل باشند بر آینده فرزندان تأثیر بیشتری خواهند داشت. همچنین میزان رابطه اجتماعی والدین با کودک به‌ویژه مادر، در جهت‌گیری ارزشی آنان مؤثر است و بدین ترتیب، مادران شاغل تأثیر کمتری بر فرزندان خود دارند. به عبارتی دیگر هنگامی که مادر با عدم حضور خود در منزل نقش خود را در فرایند جامعه‌پذیری از دست می‌دهد، عوامل دیگر این نقش را ایفا کرده و کارکرد خود را تحمیل می‌کنند. از این نظر، مادرانی که خارج از خانه کار می‌کنند نفوذ کمتری بر کودکان خود دارند، زیرا کودکان به‌ویژه در دوره رو به جوانی، نیاز بیشتری به ارتباط با والدین خود دارد و این در حالی است که مادر در خارج از منزل در بازار کار مشارکت دارد (منادی، ۱۳۸۵: ۷۲).

تالکوت پارسونز اعتقاد داشت فرایند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای شده است. این نوع خانواده، بر خلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. کارکردهای اقتصادی، آموزشی، خدماتی، محافظتی و ... خانواده به دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند شرکت‌ها، کارخانجات،

مدارس، بیمارستان‌ها و ... واگذار شده و کارکردهای مهم باقی‌مانده برای خانواده فراهم آوردن عوامل جامعه‌پذیری کودکان و شرایط کسب تعادل روانی و استحکام شخصیت برای بزرگسالان است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). از طرفی همبستگی خانوادگی در خانواده هسته‌ای جدید، مانند سایر نظام‌های خانوادگی، منوط به ثبات گروه‌های بزرگ خویشاوندی نبوده و تنها همبستگی فرد نسبت به خانواده فرزندیاب به وجود می‌آید. ایجاد و دوام این نوع از همبستگی از نظر پارسونز، رابطه عاشقانه بین زن و شوهر است و همسرگزینی آزاد به دور از دخالت‌های خانواده و بر اساس تمایلات احساسی، شرط ضروری برای این نوع رابطه است. بر اساس این نظریه، هرگونه تداخل و تغییر در الگوی نقش‌ها سبب برهم خوردن تعادل زندگی می‌شود؛ زیرا به ویژه در حالت اشتغال زن، وی حالت بیان‌گر را از دست داده و به رقیب شوهرش تبدیل می‌شود. در نتیجه رقابت زن و شوهر با یکدیگر منجر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. به نظر پارسونز ایفای نقش‌های تخصصی مردانه و زنانه، عامل دوام و بقای خرده نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی است؛ و چنین خانواده‌ای تناسب بسیاری با صنعتی شدن در مقیاس کلان دارد و در واقع جزو اقتضائات کارکردی آن به حساب می‌آید (اعزازی، ۱۳۸۷: ۵۸).

رنه کونینگ^۱ مهم‌ترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند، تعریف می‌کند. او معتقد است در دوران کنونی کارکردهای ثانویه خانواده، شامل کارکردهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، نگهداری از سالخوردگان و گذران اوقات فراغت، به سازمان‌های دولتی واگذار شده و خانواده قادر شده به کارکرد اولیه خود، رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودکان، بپردازد (راسخ و بهنام، ۱۳۴۸: ۷۸). وی هم‌چنین خانواده و جامعه را بیشتر در تقابل با یکدیگر می‌داند و نه در ارتباط با هم و معتقد است تضاد و نابرابری‌های موجود و اختلالات در روابط درونی خانواده که برای آن از اصطلاح نابسامانی استفاده می‌کند، ارتباطی با جامعه ندارند. ناهماهنگی از طرفی باعث محدود شدن دایره خانواده به دایره بسته زن و شوهر می‌شود و از طرفی باعث آسیب‌پذیری اساسی خانواده به سبب از دست رفتن کارکردها می‌شود و به این ترتیب کارکرد اختصاصی خانواده با توجه به صمیمیت و علایق اعضا، ساختن شخصیت فرهنگی و اجتماعی کودکان است که این کارکرد واقعی خانواده، سال‌های

طولانی زیر پوشش نیازهای ثانویه قرار داشت و تنها پس از پیدایش جوامع مدرن، خانواده توانسته از زیر بار کلیه کارکردهای ثانویه رها شود و به وظیفه اصلی خود برسد (ریتزرا^۱، ۱۳۷۴: ۲۸۷).

هلموت شلسکی^۲ از دیگر نظریه‌پردازان در حوزه خانواده است که معتقد است با تشکیک در پیشرفت جامعه بر اثر دگرگونی‌های نظام اقتصادی و سیاسی، ادعا می‌کند که اقتصاد مدرن به سوی فروپاشی پیش می‌رود و در صورت انطباق خانواده با شرایط جدید، لاجرم سرنوشت خانواده نیز در جهت زوال و فروپاشی خواهد بود. شلسکی خانواده را تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی می‌داند و معتقد است شرایط مادی و اقتصادی باید خود را با ویژگی‌های خانواده انطباق دهند و حتی با وجود احتمال وجود ظلم و ستم در خانواده، بقا و دوام خانواده به عنوان یک ضرورت مطرح می‌کند. شلسکی خانواده و جامعه را در تقابل با یکدیگر قلمداد می‌کند. زندگی در جامعه را دارای انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و در مقابل خانواده را فضایی آکنده از احساسات مشترک، آرامش محیط انسانی و محبت می‌داند و به همین علت معتقد است خانواده باید به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد. شلسکی هم‌چنین نظام خانواده را دارای سلطه طبیعی می‌داند و آن را در برابر سلطه انتزاعی جامعه قرار می‌دهد. از نظر شلسکی وجود سلطه طبیعی مرد در خانواده ضروری و ضامن حفظ کارکردهای سنتی خانواده است و رشد و توسعه این سلطه طبیعی از عوامل موجودیت خانواده است. او نابرابری میان زن و مرد و عدم اشتغال به کار زنان را از عوامل ثبات خانواده ارزیابی می‌کند و بر این نظر است که کار کردن زن در بیرون از خانه، امنیت و موجودیت خانواده که به وجود آورنده زیربنای معنوی رفتار است، با خطر مواجه می‌سازد و سبب نابسامانی در روابط اجتماعی درون خانواده می‌گردد و روند تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت که آن را کارکرد ویژه و منحصر به فرد خانواده می‌داند، مختل می‌کند (وایت، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

بات^۳ از دیگر نظریه‌پردازان حوزه خانواده است که بر اساس بررسی‌های خود به این نتیجه رسید خانواده‌هایی که میزان بالایی از جدایی و تفکیک روابط نقشی زن و شوهر را داشتند، به یک شبکه متراکم روابط متصل بودند و بسیاری از دوستان، همسایگان و خویشاوندان یکدیگر را می‌شناختند و در مقابل در خانواده‌هایی که روابط نقشی نسبتاً مشترکی میان زن و شوهر وجود داشت، شبکه روابط پراکنده‌ای داشتند و

1. George Ritzer
2. Helmut Shelsky
3. Bath

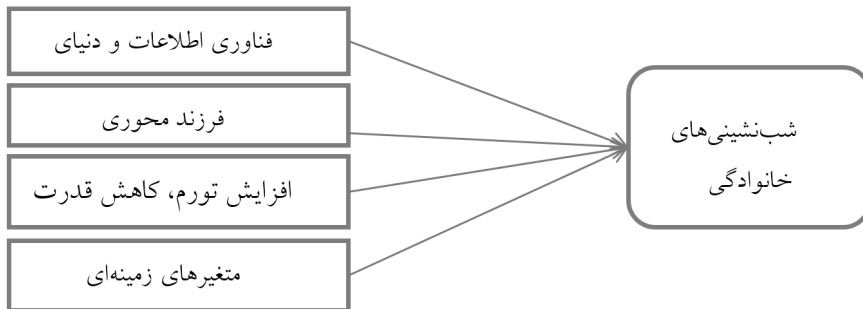
تعداد کمی از خویشاوندان، همسایگان و دوستان آن‌ها یکدیگر را می‌شناختند (بات، ۱۳۷۳: ۹۷). بر اساس این بررسی‌ها، فرضیه اصلی بات این بود که میزان جدایی نقش‌های خانوادگی با میزان اتصال کل شبکه خانواده ارتباط مستقیم دارد و شبکه‌های متراکم به میزان بیشتری جدایی نقش‌های زن و شوهر را دارند. در نتیجه خانواده‌هایی که شبکه متراکم دارند، تقسیم نقش در آن‌ها تفکیکی و جنسیتی و خانواده‌هایی که شبکه پراکنده دارند، تقسیم نقش در آن‌ها اشتراکی است. وی معتقد بود که «تقسیم سنتی» نقش الزاماً در همه‌جا و در میان تمام خانواده‌ها وجود ندارد. او روابط این گروه از خانواده‌ها را «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» می‌نامد و روابط گروه دیگری از خانواده‌ها که شامل روابط و فعالیت‌هایی است که زن و شوهر با یکدیگر به صورت مشترک انجام می‌دهند «مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک» می‌نامد. «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» روابطی هستند که در آن زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و آن‌ها را جدا و میان خود تقسیم کرده و علائق و فعالیت‌های جداگانه دارند؛ بنابراین، وفاق اجتماعی و هم‌یاری اعضا به احتمال تنوع و گوناگونی در هنجارهای درون شبکه کمتر خواهد شد. به این ترتیب، زن و شوهری که از کمک و حمایت محیط دوستان خارج از منزل بهره‌مند نمی‌شوند، مجبورند به کمک‌های متقابل به یکدیگر و حتی به قبول نقش‌های سنتی یکدیگر گردن نهند. بات با توجه به روابط اجتماعی خانواده، مشخص کرد که روابط کلیه خانواده‌ها با جامعه، مانند یک «شبکه» است؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد در سطح جامعه در تماس است و این نوع تماس شبکه‌ای دو گونه است: «متصل» و «پراکنده». در صورتی که در یک خانواده پس از ازدواج، بین دوستان و آشنایان زن و شوهر معاشرت صورت گیرد، در این حالت شبکه روابط متصل است؛ اما اگر این معاشرت صورت نگیرد، شبکه روابط پراکنده می‌شود. به این صورت که اگر شبکه روابط اجتماعی پراکنده باشد، تقسیم نقش‌های مدرن و زندگی آن‌ها از نوع مشارکتی خواهد بود (بات، ۱۳۷۳: ۱۸۷).

نظریه سیستم‌ها جامعه را به عنوان اجزای به هم پیوسته می‌بیند. این نظریه لازم می‌داند که رابطه بین اجزا را همانند رابطه بین یک سیستم یا سیستم‌های دیگر اجتماعی بررسی کند. همچنین بین کانون مصرف در سیستم اجتماعی و مراحل که به وسیله جامعه مصرف‌زده به کار برده می‌شود و محصولی که از آن تولید می‌شود، رابطه ایجاد کند. الگوی سیستمی خانواده نشان می‌دهد که هر شخص چگونه در زندگی نقش‌های رادر مجموعه نظام بازی می‌کند. این نگرش، خانواده را به عنوان یک نظام می‌پذیرد و هر یک از اعضای

آن را به عنوان نشانه‌ای از خانواده در نظر می‌گیرد. در این صورت، اگر فردی از خانواده دارای رفتار نابهنجار باشد، این امر نشان‌گر ناموفق بودن نظام خانواده به حساب می‌آید؛ زیرا نظام‌ها بخش‌های یک نظام محلی هستند که وظیفه اجرایی کارکردهای خاص یا فرایندهای خاص در درون سیستم را باهدف حفظ سیستم به عنوان یک کل دارند. هر خانواده دارای تعدادی از زیر نظام‌های همزیستی است که توسط نسل، جنس، علاقه و یا نقش و کارکرد در درون خانواده شکل گرفته است. بادوام‌ترین آن‌ها زیر نظام‌های زوجی، والد-فرزند، خواهر-برادر است. مینوچین معتقد است که داشتن نگرش سیستمی خانواده در قالب یک نظام اجتماعی، موجب نظم و ثبات در ساختار سلسله‌مراتبی خانواده می‌شود (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۱۴۹).

چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی از همه دیدگاه‌های نظری بود. می‌توان استنباط کرد که شب‌نشینی‌ها و دوره‌می‌های خویشاوندی از نظر مکتب ساختارگرایی یک سیستم اجتماعی است که اعضای آن به عنوان عناصر تشکیل دهنده در ارتباط متقابل هستند و به پویایی سیستم و رشد آن کمک می‌کند. از نظر مکتب کارکردگرایی دوره‌می‌ها و شب‌نشینی‌های خانوادگی به عنوان واقعیت فرهنگی دارای کارکرد بوده و می‌تواند در بقای خانواده‌ها و این پدیده (شب‌نشینی) در خانواده‌ها کمک نماید. بر اساس مکتب مبادله کاهش و عدم تداوم شب‌نشینی‌های خانوادگی را می‌توان در نداشتن سود متقابل برای اعضا و عناصر دو طرف است. بر اساس این دیدگاه نظری با توجه به اینکه نرخ بالای تورم، صله رحم و مهمانی دادن برای خانواده هزینه‌بر است و سودی برای آن‌ها حاصل نمی‌شود. پس آن‌ها از اعمالی که برای آن‌ها منفعتی نداشته باشد دوری می‌کنند. بر اساس مکتب اشاعه فرهنگی در سال‌های گذشته روابط خویشاوندی به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگی حائز اهمیت بود و خانواده‌ها به این روابط پایبند بودند و در هنگام مشکلات در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و از مساعدت‌های همدیگر بهره می‌بردند؛ اما در سال‌های اخیر خانواده‌ها اوقات فراغت خود را صرف استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت کامپیوتر، رفتن به مکان‌های تفریحی سینما تئاتر و غیره می‌کنند. طبق نظریه کنش متقابل نمادی و نظریه نقش مادر، با اشتغال مادرانی که خارج از خانه کار می‌کنند نفوذ کمتری بر کودکان خود دارند، زیرا کودکان به‌ویژه در دوره رو به جوانی، نیاز بیشتری به ارتباط با والدین خود دارد و این در حالی است که مادر در خارج از منزل در بازار کار مشارکت دارد و این وضعیت زمینه اجتماعی شدن فرزندان را به این نحو به وجود آورده و بنابراین این

مناسک اجتماعی به صورت تدریجی و آرام آرام کم‌رنگ و از بین خواهند رفت. بر اساس دیدگاه نظری پارسونز، همبستگی خانوادگی در خانواده هسته‌ای جدید، منوط به ثبات گروه‌های بزرگ خویشاوندی نبوده بلکه این نوع همبستگی، رابطه عاشقانه بین زن و شوهر است. بر اساس این نظریه، هرگونه تداخل و تغییر در الگوی نقش‌ها سبب برهم خوردن تعادل زندگی می‌شود؛ زیرا به‌ویژه در حالت اشتغال زن، وی حالت بیان‌گر را از دست داده و به رقیب شوهرش تبدیل می‌شود. در نتیجه رقابت زن و شوهر با یکدیگر منجر به ناهماهنگی و ناپسامانی خانواده می‌شود. رنه کونینگ ناهماهنگی بین خانواده جامعه باعث محدود شدن دایره خانواده به دایره بسته زن و شوهر می‌شود و سایر کارکردهای خانواده از بین رفته است. با از بین رفتن کارکرد شب‌نشینی و جایگزین‌های آن در طی سال‌های طولانی برای خانواده‌ها امری طبیعی بوده و کم‌رنگ می‌شود. به طور کلی متغیر فناوری اطلاعات و کاهش قدرت خرید را به صورت غیرمستقیم از دیدگاه مبادله، متغیر فناوری اطلاعات و دنیای مجازی از مکاتب کارکردگرایی و فرزندمحوری از دیدگاه کنش متقابل و کارکردگرایی استخراج گردید.



نمودار ۱. مدل تحلیل نظری

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در انجام این مطالعه پیمایشی است که در آن برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه مبتنی بر مصاحبه استفاده شده است. واحد تحلیل این تحقیق فرد است. برای سنجش روابط خویشاوندی افراد از معرف‌های استفاده شده که در محیط فرهنگی اسلام‌آباد غرب، حد بالای آن‌ها بیانگر روابط و پیوندهای صمیمانه، عاطفی و گرم در بین افراد است. معرف‌ها به صورت گویه مطرح شده و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. روابط اجتماعی افراد با خویشاوندان در دو سطح

افراد خانواده مانند خواهر و برادر و یا پدر و مادر که جدا از او زندگی می‌کنند و خویشاوندان نزدیک مانند خانواده‌های عمو، دایی، عمه و خاله و دیگر افراد که در عرف، خویشاوند نزدیک محسوب می‌شوند، بررسی شده است. برای سنجش این روابط افراد از معرفت‌وآمد استفاده شده، که هر کدام در قالب یک گویه به این صورت که «با این افراد تا چه حد رفت‌وآمد دارید؟» مطرح شده است. رفت‌وآمد در این سطح از خویشاوندی، بیانگر عمق روابط اجتماعی است. در صورتی که در این سطح، رفت‌وآمدی بین افراد وجود نداشته باشد و یا اینکه کم باشد، نشان می‌دهد که روابط و پیوندی گرم و صمیمانه وجود ندارد. پاسخ‌های دو گویه، به‌صورت گزینه‌های «خیلی زیاد، زیاد تا حدودی، کم، خیلی کم» تعیین شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله ساکن شهر اسلام‌آباد غرب هستند تعداد آن‌ها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران ۹۰۵۵۹ نفر هستند. برای تعیین حجم نمونه مورد مطالعه از فرمول کوکران استفاده گردید که تعداد ۳۱۲ نفر به دست آمد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و سپس تصادفی ساده استفاده گردید. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن نبود، به‌ناچار باید در ابتدا جامعه آماری تقسیم و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب شود. بدین طریق که در هر منطقه، نشانی خیابان‌ها مشخص شده و سپس از بین آن‌ها نمونه‌گیری صورت گرفت. در هر خیابان نیز از بلوک‌ها به‌شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و از بین خانه‌ها و افراد خانه نمونه‌گیری تصادفی ساده به عمل آمد. در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده پرداخته شد.

برای روایی ابزار پژوهش از روایی صوری استفاده گردید. برای این منظور پس از طراحی گویه‌ها، از طریق مراجعه به استاد راهنما و مشاور، وفاق آنان در مورد بررسی شاخص‌ها انجام که دلیلی بر اعتبار آنان است. برای سنجش پایایی داده‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آن بیش از ۷۰ درصد بود. همچنین جهت دستیابی به اطمینان از اعتبار وسیله اندازه‌گیری، مسیر زیر پیموده شده است. ۱. بعضی از پرسش‌ها از پرسش‌های آزمون شده در پژوهش‌های مشابه استفاده شده است، ۲. طی آزمون مقدماتی اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است و با انجام ۳۰ پرسشنامه به صورت آزمون مقدماتی، سؤالات مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. اعتبار و روایی متغیرها

میزان آلفا	تعداد گونه‌ها	متغیر
۰/۷۹۵	۱۵	شب‌نشینی‌های خانوادگی
۰/۸۹۱	۱۰	فرزند محوری
۰/۷۲۶	۱۰	افزایش تورم و کاهش قدرت خرید
۰/۹۵۰	۱۵	فناوری اطلاعات و دنیای مجازی

(مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۳۹۹).

جهت رعایت اخلاق تحقیق سعی شده قبل از جمع‌آوری اطلاعات با شناسایی نمونه‌های مورد مطالعه، اطلاع‌رسانی در مورد پژوهش انجام شود تا افراد با اختیار و رضایت کامل در پژوهش شرکت نمایند. کلیه اطلاعات بدون ذکر نام پاسخگو گردآوری شد. سعی شد هیچ‌گونه سؤالی از حوزه شخصی و حقوقی پاسخگویان پرسیده نشود تا حساسیت در فرایند تحقیق ایجاد نشود.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۱۲ نفری که مورد پژوهش قرار گرفتند؛ از لحاظ ترکیب سنی، بیش‌ترین فراوانی مربوط به رده سنی ۴۰-۳۱ با ۳۸/۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به ۶۰ سال با ۱۲/۲ درصد می‌باشد. از لحاظ ترکیب جنسی ۲۸/۵ درصد مرد و ۷۱/۵ درصد زن، از لحاظ ترکیب وضعیت تأهل، ۳۹/۴ درصد مجرد و ۶۰/۶ درصد متأهل، از لحاظ ترکیب تحصیلی، ۲/۹ درصد زیر دیپلم، ۶/۴ درصد دیپلم، ۲۲/۸ درصد کاردانی، ۲۹/۲ درصد کارشناسی و ۳۸/۸ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر، از لحاظ ترکیب وضعیت اشتغال، ۴۶/۵ درصد شاغل و ۵۳/۵ درصد غیر شاغل، از نظر وضعیت شاخص‌های اصلی پژوهش؛ نتایج نشان می‌دهد که میانگین روابط خویشاوندی برابر ۳۳/۷۸، فناوری اطلاعات و دنیای مجازی برابر ۳۲/۱۵، برابر فرزند محوری ۴۱/۹۹ و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید برابر ۳۳/۶۰ است. با توجه به اینکه هر یک از این متغیرها به ترتیب با استفاده از ۱۵، ۱۰، ۱۰، ۱۵ و ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش شده‌اند، بنابراین میانگین مورد انتظار برای هر کدام از آن‌ها به ترتیب برابر ۴۵، ۳۰، ۳۰ و ۴۵ است که نتایج نشان می‌دهد میانگین وضعیت موجود برای دو متغیر فناوری اطلاعات و دنیای مجازی و روابط خویشاوندی پایین‌تر از وضعیت مورد انتظار است؛ اما برای

متغیرهای فرزند محوری و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید بیشتر است.

جدول ۲. نتایج شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی شب‌نشینی‌های خانوادگی و متغیرهای مستقل تحقیق

آمار استنباطی		آمار توصیفی			شاخص		
تفاوت معنادار میانگین با حد وسط مقیاس		میانگین مورد انتظار	انحراف معیار	میانگین			
فاصله اطمینان ۰/۹۵ درصد برای پارامتر میانگین	آماره t				Sig.		
کران بالا	کران پایین						
۳۴/۹۱۲	۳۲/۶۶۴	۰/۰۰۰	۵۹/۱۳۷	۴۵	۱۰/۰۹۲	۳۳/۷۸۸	شب‌نشینی‌های خانوادگی
۳۳/۸۰۵	۳۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	۹/۳۱۰	۳۰	۱۴/۸۲۵	۳۲/۱۵۳	فرزند محوری
۴۳/۴۵۸	۴۰/۵۳۵	۰/۰۰۰	۵۶/۵۵۳	۳۰	۱۳/۱۱۷	۴۱/۹۹۶	افزایش تورم و کاهش قدرت خرید
۳۴/۸۳۴	۳۲/۳۷۶	۰/۰۰۰	۵۳/۸۰۹	۴۵	۱۱/۰۳۱	۳۳/۶۰۵	فناوری اطلاعات و دنیای مجازی

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

جدول ۳ آزمون تفاوت میانگین کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی را برحسب گروه‌های سنی پاسخگویان نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که واریانس بین گروه‌ها با واریانس درون گروه‌ها تفاوت زیادی از هم دارند. این تفاوت‌های مشاهده‌شده بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس با مقدار $(F= ۷/۵۵۰)$ و معناداری $(Sig= /۰۰۰)$ در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان قابل‌پذیرش بوده و می‌توان گفت تفاوت مشاهده‌شده ناشی از خطا نیست. در واقع پایین بودن سن پاسخگویان باعث کاهش روابط خویشاوندی می‌شود.

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین شب‌نشینی‌های خانوادگی را برحسب گروه‌های سنی

معناداری	F مقدار	میانگین واریانس‌ها	درجه آزادی	مقدار	واریانس
۰/۰۰۰	۷/۵۵۰	۷۲۳/۳۲۴	۳	۲۱۶۹/۹۷۲	بین گروهی
		۹۵/۷۹۹	۳۰۸	۲۹۵۰۶/۰۶۷	درون گروهی
		-	۳۱۱	۳۱۶۷۶/۰۳۸	کل

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

نتایج مندرج در جدول ۴، تفاوت میانگین شب‌نشینی‌های خانوادگی به تفکیک گروه‌های مختلف برای متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، تأهل، اشتغال) نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از آزمون تی دو گروه مستقل نشان می‌دهد که میانگین کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در بین گروه‌های جنسیتی و وضعیت اشتغال باهم تفاوت معنادار دارد اما برای وضعیت تأهل این تفاوت معنادار نیست. نتایج نشان می‌دهد که میانگین کاهش شب‌نشینی‌ها برای زنان کمتر از مردان و برای افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل است.

جدول ۴. بررسی میانگین کاهش شب‌نشینی خانوادگی در بین گروه‌های مختلف جنسیتی، تأهل و وضعیت اشتغال

متغیر	گروه‌ها	میانگین نمرات	انحراف معیار	آزمون لیون		معنی‌داری آزمون T	
				F مقدار	معناداری	مقدار	معناداری
کاهش شب‌نشینی خانوادگی	مردان	۲۶/۲۷۷	۱۲/۸۴۶	۹/۶۸۴	۰/۰۰۰	۳/۸۳۰	۰/۰۰۰
	زنان	۲۲/۴۱۷	۱۱/۲۱۶				
	مجرد	۳۲/۷۵۶	۹/۹۸۱	۰/۲۳۶	۰/۶۲۸	-۱/۴۶۰	۰/۱۴۵
	متاهل	۳۴/۴۶۰	۱۰/۱۳۳				
	شاغل	۲۳/۷۹۶	۱۱/۲۲۱	۷/۶۱۸	۰/۰۰۰	۳/۱۶۲	۰/۰۰۰
	غیر شاغل	۱۹/۶۵۶	۱۰/۹۱۲				

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

یافته‌های جدول ۵ آزمون ضریب اسپرمن درآمد خانوار و کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (Sig=۰/۰۰۱) و آزمون اسپرمن با (۰/۱۸۶) نشان می‌دهد که درآمد خانوار بر کاهش روابط خویشاوندی تأثیر دارد. یکی از علل کم شدن صله رحم مقید و مشروط شدن صله رحم به پذیرایی‌های پرهزینه و پرزحمت است؛ بنابراین طبق این فرضیه، هرچه درآمد خانوار پایین‌تر باشد روابط خویشاوندی هم کاهش می‌یابد.

جدول ۵. آزمون ضریب اسپرمن درآمد خانوار و کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی اسپرمن	Sig	تعداد
درآمد خانوار	شب‌نشینی‌های خانوادگی	۰/۱۸۶	۰/۰۰۱	۳۱۲

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

برای تفاوت میانگین نمرات گروه‌های تحصیلی در کاهش روابط خویشاوندی از آزمون‌های ولچ و آزمون بارون-فورست استفاده گردید. با توجه به اینکه در تحلیل

واریانس همگنی واریانس‌ها جزو پیش‌فرض‌های این آزمون آماری است، اگر واریانس‌ها برابر نباشند، آزمون براون فورسایت و آزمون ولچ بهتر است چراکه این آزمون‌ها در برابر نقض پیش‌فرض‌ها مقاوم‌تر بوده و خطاها را به حداقل می‌رسانند. در بررسی این فرضیه چون واریانس‌ها نابرابر بوده و مقدار F معنادار است، بنابراین از آزمون‌های ولچ و آزمون براون-فورست استفاده شده است. نتایج حاصل از همه این آزمون‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات پاسخگویان در کاهش روابط خویشاوندی در گروه‌های تحصیلی پنج‌گانه متفاوت بود و این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون‌های به‌عمل‌آمده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودند. با توجه به مقدار براون فورست به دست آمده (۱۰/۸۹۲) و سطح معناداری ($\text{Sig} = /0.00$)، همچنین مقدار ولچ به دست آمده (۵/۱۰۸) و سطح معناداری ($\text{Sig} = /0.01$)، فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود؛ یعنی میانگین کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در بین گروه‌های مختلف تحصیلی با هم متفاوت است.

جدول ۶. تأثیر تحصیلات بر کاهش روابط خویشاوندی

آزمون Welch		Brown-Forsythe		همگنی واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	مقطع تحصیلی
Sig	مقدار	Sig	مقدار	معناداری	Levene			
۰/۰۰۱	۵/۱۰۸	۰/۰۰۰	۱۰/۸۹۲	۰/۰۰۱	۴/۹۳۲	۱۱/۹۹۱	۲۵/۱۵۳	زیر دیپلم
						۱۲/۵۸۰	۲۳/۹۷۰	دیپلم
						۶/۴۳۲	۱۷/۰۲۴	کاردانی
						۱۲/۲۶۸	۲۶/۵۶۲	کارشناسی
						۱۳/۵۲۱	۲۷/۵۲۰	کارشناسی ارشد و بالاتر

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

با توجه به معناداری آزمون‌های براون فورست و ولچ، این سؤال مطرح است که معناداری این آزمون‌ها ناشی از اختلاف کدام یک از گروه‌ها است؛ برای این وضعیت استفاده از آزمون تعقیبی تام‌هینس مناسب‌ترین آزمون برای مقایسه‌های گروهی است. جدول ۷، مقایسه گروه‌ها بر اساس این آزمون را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که معناداری آزمون‌های فوق ناشی از اختلاف دو گروه زیر دیپلم و دیپلم با کارشناسی و کارشناسی ارشد؛ همچنین بین کاردانی با کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر است.

جدول ۷. مقایسه گروه‌ها بر اساس آزمون تام هینس

مرجع	ابعاد مورد مقایسه	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					کران پایین	کران بالا
زیر دیپلم	دیپلم	۱/۱۸۳	۱/۶۷۷	۰/۴۸۱	-۲/۱۱۶	۴/۴۸۳
	کاردانی	۸/۱۲۸	۲/۱۹۴	۰/۰۰۰	۳/۸۱۰	۱۲/۴۴۶
	کارشناسی	-۱/۴۰۹	۲/۰۷۸	۰/۴۹۸	-۵/۴۹۹	۲/۶۸۰
	کارشناسی ارشد و بالاتر	-۲/۳۶۶	۲/۶۴۳	۰/۳۷۱	-۷/۵۶۸	۲/۸۳۴
دیپلم	زیر دیپلم	-۱/۱۸۳	۱/۶۷۷	۰/۴۸۱	-۴/۴۸۳	۲/۱۱۶
	کاردانی	۶/۹۴۵	۲/۱۸۷	۰/۰۰۲	۲/۶۴۰	۱۱/۲۵۰
	کارشناسی	-۲/۵۹۲	۲/۰۷۱	۰/۲۱۲	-۶/۶۶۹	۱/۴۸۴
	کارشناسی ارشد و بالاتر	-۳/۵۵۰	۲/۶۳۸	۰/۱۷۹	-۸/۷۴۱	۱/۶۴۱
کاردانی	زیر دیپلم	-۸/۱۲۸	۲/۱۹۴	۰/۰۰۰	-۱۲/۴۴۶	-۳/۸۱۰
	دیپلم	-۶/۹۴۵	۲/۱۸۷	۰/۰۰۲	-۱۱/۲۵۰	-۲/۶۴۰
	کارشناسی	-۹/۵۳۸	۲/۵۰۹	۰/۰۰۰	-۱۴/۴۷۵	-۴/۶۰۱
	کارشناسی ارشد و بالاتر	-۱۰/۴۹۵	۲/۹۹۳	۰/۰۰۱	-۱۶/۳۸۶	-۴/۶۰۴
کارشناسی	زیر دیپلم	۱/۴۰۹	۲/۰۷۸	۰/۴۹۸	-۲/۶۸۰	۵/۴۹۹
	دیپلم	۲/۵۹۲	۲/۰۷۱	۰/۲۱۲	-۱/۴۸۴	۶/۶۶۹
	کاردانی	۹/۵۳۸	۲/۵۰۹	۰/۰۰۰	۴/۶۰۱	۱۴/۴۷۵
	کارشناسی ارشد و بالاتر	-۰/۹۵۷	۲/۹۰۹	۰/۷۴۲	-۶/۶۸۳	۴/۷۶۸
کارشناسی ارشد و بالاتر	زیر دیپلم	۲/۳۶۶	۲/۶۴۳	۰/۳۷۱	-۲/۸۳۴	۷/۵۶۷
	دیپلم	۳/۵۵۰	۲/۶۳۸	۰/۱۷۹	-۱/۶۴۱	۸/۷۴۱
	کاردانی	۱۰/۴۹۵	۲/۹۹۳	۰/۰۰۱	۴/۶۰۴	۱۶/۳۸۶
	کارشناسی	۰/۹۵۷	۲/۹۰۹	۰/۷۴۲	۴/۷۶۸	۶/۶۸۳

(مطالعات میدانی نویسنده‌گان، ۱۳۹۹).

نتایج آزمون همبستگی پیرسون کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی و متغیرهای مستقل تحقیق در جدول ۸، نشان داده شده است؛ با توجه به سطح معناداری همه آزمون‌ها ($\text{Sig} = 0/000$) و مقدار آزمون ضریب همبستگی فناوری اطلاعات ($r = 0/468$)، فرزند محوری ($r = 0/346$) و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید ($r = 0/163$) می‌توان گفت فناوری اطلاعات و دنیای مجازی، فرزند محوری و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، تأثیر مثبت و قوی بر کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در زندگی امروزه شهری دارند. با توجه به مقولاتی چون جهانی‌شدن، گسترش شهرنشینی، فرزند سالاری و ظهور فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات می‌توان ادعان داشت که نسل جدید با دنیای جدیدی روبرو است که ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ او را دچار تغییر و تحول می‌نماید.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی و متغیرهای مستقل تحقیق

فرضیه	متغیرها	ضریب همبستگی	معناداری	نتیجه
۷	فناوری اطلاعات و دنیای مجازی	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۸	فرزند محوری	۰/۳۴۶	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۹	افزایش تورم و کاهش قدرت خرید	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

(مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۳۹۹).

تحلیل رگرسیونی

در این پژوهش از رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شده است. جدول ۹، پیش فرض‌های آزمون رگرسیون را نشان می‌دهد. پیش فرض اول، مستقل بودن خطاها یا باقی‌مانده‌ها از همدیگر است. نتیجه آزمون دوربین - واتسون نشان می‌دهد که خطاها یا باقی‌مانده‌ها برای این مدل رگرسیونی مستقل از هم می‌باشند. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برابر $0/12$ نشان می‌دهد توزیع مذکور نرمال است. برای مشخص کردن هم خطی چندگانه از دو شاخص آماری به نام شاخص تحمل و عامل تورم واریانس استفاده گردید. نتایج به ترتیب برابر $0/663$ و $1/508$ می‌باشد. با توجه به معیارهای فوق می‌توان از رعایت پیش فرض‌ها اطمینان پیدا کرد. نتایج حاصل از ضریب رگرسیون را نشان می‌دهد که سه متغیر فناوری اطلاعات، فرزند محوری و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید به ترتیب اهمیت وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای متغیر فناوری اطلاعات و دنیای مجازی ($\text{Beta} = 0/336$)، فرزند محوری ($\text{Beta} = 0/240$) و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید ($\text{Beta} = 0/161$) است. مقدار T برای این سه

متغیر در سطح ۹۵ درصد معنادار است. مقادیر ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی روی هم رفته مقدار ۰/۳۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی را تبیین می‌کنند.

جدول ۹. رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن

معناداری Sig.	آزمون t	ضریب معیار شده Beta	ضریب معیار نشده		متغیر پیش بین	وابسته
			خطای معیار	B		
۰/۰۰۰	۶/۰۶۸	۰/۳۳۶	۰/۰۳۸	۰/۲۲۹	فناوری اطلاعات و دنیای مجازی	کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی
۰/۰۰۰	۴/۷۳۹	۰/۲۴۰	۰/۰۳۴	۰/۱۶۱	فرزندمحوری	
۰/۰۰۰	۲/۷۸۳	۰/۱۶۱	۰/۰۵۳	۰/۱۴۸	افزایش تورم و کاهش قدرت خرید	
مقدار	شاخص‌های ارزیابی مدل رگرسیون			مقدار	شاخص‌های ارزیابی مدل رگرسیون	
۱۷/۲۵۸	مقدار ثابت (Constant)			۴۶/۶۸۱	تحلیل واریانس (F)	
۰/۶۸۱	دوربین واتسون (Durbin-Watson)			۰/۰۰۰	معناداری واریانس (Sig. F)	
Enter	روش (Method)			۰/۱۲۴	کولموگوروف اسمیرنوف (Kolmogorov-Smirnov)	
۰/۵۵۹	ضریب همبستگی پیرسون (R)			۰/۰۰۰	معناداری کولموگوروف (Sig. K.S)	
۰/۳۱۳	ضریب تعیین (R-Square)			۰/۹۵۹	آزمون شاپیرو ویلک (Shapiro - Wilk Test)	
۰/۳۰۶	ضریب تعیین تعدیلی (Adjusted R)			۰/۰۰۰	معناداری شاپیرو ویلک (Sig. S.W)	
۸/۴۰۸	خطای استاندارد شده (Std. Error of the Estimate)			۰/۶۶۳	شاخص تحمل (Tolerance)	
				۱/۵۰۸	شاخص عامل تورم واریانس (VIF)	

(مطالعات میدانی نویسنده، ۱۳۹۹).

بر این اساس معادله رگرسیون چند متغیره در تحقیق حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی = ۰/۲۲۹ (فناوری اطلاعات و دنیای مجازی) +

۰/۱۶۱ (فرزندمحوری) + ۰/۱۴۸ (افزایش تورم و کاهش قدرت خرید) + ϵ_i

نتیجه‌گیری

امروزه شب‌نشینی‌ها، جمع شدن در خانه بزرگ‌ترهای فامیل و بازی‌های دسته‌جمعی و گپ و گفت‌های فامیلی، هر روز کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. تا جایی که بیشتر به فضای مجازی و نرم‌افزارهای تلفن همراه تسری پیدا کرده است و روابط بین اعضای خانواده و فامیل هر روز بیشتر از گذشته رو به سردی می‌رود. شب‌نشینی زمانی که مردم در طول روز کار می‌کردند و شب‌ها فارغ از دغدغه فردا دورهم می‌نشستند و به‌نوعی همگام با طبیعت ساعت زندگی خود را تنظیم می‌کردند و هنوز تلویزیون یک کالای لوکس به شمار می‌آمد نه یک عضو خانواده مثل امروز؛ البته خبری هم از رایانه و شبکه‌های اجتماعی مجازی نبود، همه روبه‌روی هم می‌نشستند و داستان، روایت، گزارش‌های روزمره و تعریف کردن‌های متعدد از فعالیت‌های روزمره بود، درعین حال اگر کسی گرفتاری برای پیش می‌آمد، در خلال همین شب‌نشینی‌ها و رفت‌وآمدهای دوستان و آشنایان گره از مشکلاتش گشوده می‌شد. هم‌اکنون نظام‌های اجتماعی موجود نیز هرچند به علت وقوع برخی تغییرات ساختاری و بنیادی امکان اجرای این مناسک سنتی اجتماعی را در سطح گسترده نظام سنتی پیشین ندارد، اما درعین حال با تمهید برخی زمینه‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی مناسب و تبیین آثار و کارکردهای این پدیده در زندگی می‌توان سطوحی از آن را همواره به عنوان یک ارزش اجتماعی در جامعه تثبیت کرد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و دنیای مجازی (Beta = ۰/۳۳۶)، فرزند محوری (Beta = ۰/۲۴۰) و افزایش تورم و کاهش قدرت خرید (Beta = ۰/۱۶۱) از مواردی هستند که بر کاهش شب‌نشینی‌های خانوادگی در بین خانواده‌های شهر اسلام‌آباد غرب تأثیرگذار می‌باشند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های پیر جلالی و همکاران (۱۳۹۷)، آنی زاده (۱۳۹۵)، نایبی و لطفی (۱۳۹۴)، کوثری (۱۳۹۴)، نجفی اصل (۱۳۹۴)، تقوی و محمدی (۱۳۹۳)، محمدی و صادقی (۱۳۸۸)، زینگ فان (۲۰۱۹)، گراندستروم و همکاران (۲۰۲۱) و کامپرنول (۲۰۱۵) در کاهش شب‌نشینی‌ها همسو است.

رشد فناوری اطلاعات و دنیای مجازی: یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کاهش دوره‌می‌های خانوادگی و سنتی شده است، رشد فناوری اطلاعات و دنیای مجازی است. در سال‌های اخیر خانواده‌ها اوقات فراغت خود را صرف استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت کامپیوتر، رفتن به مکان‌های

تفریحی سینما تئاتر و غیره می‌کنند. این مسئله باعث شده نسل جدید خیلی پایبند حفظ مناسک و آداب و رسوم سنتی نباشند و لذا در راستای نگهداری و پاسداشت آن نیز تلاشی نمی‌کنند. شبکه‌های اجتماعی با ارائه الگوهای متعدد و گوناگون، بستری برای تغییر سریع و تنوع‌طلبی در بین نسل جوان فراهم می‌کنند.

فرزند محوری: از دیگر عوامل مرتبط با کاهش دوره‌می‌های خانوادگی و سنتی، فرزند محوری است. کاهش رشد جمعیت و پایین بودن تعداد فرزندان در خانواده‌ها این امکان را به وجود آورده است که والدین از یک یا دو فرزند خود نگهداری کنند و تمام خواسته‌های آن‌ها را برآورده کنند. همین سبک تربیتی به‌نوعی باعث تغییر فرایند جامعه‌پذیری فرزندان و به‌نوعی فرزندمحوری در جامعه گردد. از طرفی شبکه‌های اجتماعی سبکی از مرجعیت برای نسل جوان به وجود آورده است که مسئله اقتصاد در اولویت و توجه به مسائل فرهنگی و مناسک سنتی را نوعی جاماندگی در نظر می‌گیرند. **افزایش تورم، کاهش قدرت خرید مردم:** یکی دیگر از مسائلی که امروزه باعث کاهش شب‌نشینی‌ها و دوره‌می‌های خانوادگی شده است، افزایش تورم، کاهش قدرت خرید مردم است. با توجه به اینکه نرخ بالای تورم، مهمانی دادن برای خانواده هزینه‌بر است و سودی برای آن‌ها حاصل نمی‌شود. پس آن‌ها از اعمالی که برای آن‌ها منفعتی نداشته باشد دوری می‌کنند. از طرفی انجام بسیاری از فعالیت‌های روزمره که قبلاً در خارج از خانه انجام می‌گرفت و افراد با ورود به منزل وارد زندگی خانوادگی می‌شدند، تغییر یافته و امروزه این فعالیت‌ها در دنیای مجازی انجام می‌گردد. به همین خاطر طیف زیادی از کارها و معاملات و ... در فضای مجازی و خارج از ساعات اداری و ... انجام می‌گردد و این مسئله نیز باعث شده است فرصتی برای دوره‌می و شب‌نشینی‌های سنتی وجود نداشته باشد.

تعامل در خانواده، توجه به گفت‌وگو و هم‌نشینی خانوادگی، ارتباطات گسترده چشمی و کلامی کارکرد بسیار مهمی در جامعه‌پذیری فرد و استحکام درونی وی دارد و این مسئله بر استحکام خانواده هم تأثیر می‌گذارد. وقتی ارتباطات میان اعضای یک خانواده به دلایل مختلف کم‌رنگ شود بسیاری از کارکردهای خانواده مثل نیاز آدمی به تأمین مناسبات صمیمانه از دست می‌رود و دیگر برای برقراری روابط صمیمانه با خانواده فرصتی وجود ندارد. این فرصت توسط روزنامه، تلویزیون و اینترنت گرفته می‌شود. فناوری باید در خدمت افراد باشد و سبب رفاه بیشتر زندگی شود نه اینکه افراد در خدمت فناوری دربیایند؛ «زندگی امروز بدون فناوری غیرممکن است چراکه

همه ارتباطات به‌طور مستقیم با فناوری پایه‌ریزی می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان مقابل تغییرات ایستاد اما می‌توان ارزش‌های فرهنگی را حفظ کرد و با استفاده صحیح از فناوری، از آن برای زندگی آرام‌تر در کنار کسانی که دوستشان داریم کمک بگیریم». با توجه به بحران‌های اجتماعی و روانی در جهان معاصر و تقویت فردگرایی صوری و کاهش روحیه جمع‌گرایی در بین افراد جامعه، روابط درونی خانواده‌ها نیز به تبعیت از آن دچار تضعیف و تزلزل شده است، در کنار این وضعیت کاهش یا سقوط ارزش‌های اخلاقی و دینی در جهان که می‌تواند دلایل و علت‌های متعددی داشته باشد، نهاد مقدس خانواده را دستخوش تغییرات اساسی کرده و ارکان خانواده سنتی را تضعیف نموده و ساختار دیگری از خانواده پدید آورده است.

واقعیت این است که در بستر تغییرات کلان - اجتماعی نمی‌توان حوزه خانواده را از این تغییرات مصون دانست و در جامعه رو به تغییر از اقتصاد کشاورزی به صنعتی، افزایش سطح سواد و تحصیلات و گسترش شیوه‌های نوین ارتباطی نمی‌توان انتظار داشت که خانواده از این تغییرات مصون بماند. در جهان در حال تغییر امروزی حمایت از نهاد خانواده ضرورتی مهم است. انجام مداخلات سیاستی در حوزه نهاد خانواده در ایران متداول است. از جمله دادگاه خانواده، مراکز مشاوره خانوادگی، ازدواج، طلاق، حضانت و نگهداری اطفال و نفقه، حقوق وظیفه و مستمری و مقررات کیفری. میزان تأثیرگذاری این‌گونه مداخلات سیاستی و قانونگذاری‌هایی در محافظت از نهاد خانواده و بهبود شرایط آن در جامعه نیازمند بررسی است. در مواجهه با این تغییرات سریع در ارتباطات فرهنگی بین خانواده‌ها و به منظور افزایش تعاملات و ارتباطات خانوادگی، در حال حاضر اجرای برنامه‌هایی با هدف حمایت از خانواده‌ها می‌تواند به اولویت فرهنگی برای کشور تبدیل شود. برنامه‌های حمایت از تعاملات خانوادگی، بایستی طوری نهادینه شوند که کنش‌های فرهنگی با بهره‌مندی از این حمایت‌ها، کمتر تحت تأثیر شرایط مقطعی موجود جامعه قرار گیرد. می‌توان با تشکیل کمیته راهبردی خانواده برای تدوین خط‌مشی کلی اجرای سیاست‌های کلی خانواده، احیای دفتر ارتباطات اجتماعی به‌منظور هماهنگی‌های بین بخشی در اجرای برنامه‌های خانوادگی مؤثر خواهد بود.

با توجه به اینکه مسئله ارتباط اجتماعی از ابعاد غیرمادی فرهنگ به حساب می‌آید، نظام آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌ریزی طولانی مدت از طریق برنامه‌ها و راهبردهای متعدد و متنوعی نظیر تربیت فردی و اجتماعی، آگاه‌سازی نسبت به اهمیت

خانواده، انتقال ارزش‌های فرهنگی در ارتباط با خانواده، معرفی الگوهای رفتاری، آموزش خانواده‌ها، مشاوره‌های ویژه، برنامه‌های فرهنگی، آموزش مهارت‌های مرتبط با خانواده، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مداخله معقول و منطقی، کمک به ایجاد انسجام و حفظ همبستگی و زمینه‌سازی برای دستیابی به رفاه نسبی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از نهاد خانواده حمایت کند و در حفظ، تقویت و استحکام این نهاد مهم اجتماعی نقش ایفا کند. همچنین آموزش‌های مرتبط با مؤلفه‌های سازگاری را در خانواده‌ها در اولویت برنامه‌های این نهاد قرار گیرد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و استفاده از مدرسان مجرب و متعهد و استفاده از رویکرد غنی‌سازی مهارت‌های ارتباطی، سطح آگاهی و شناخت خانواده‌ها را ارتقاء بخشند.

نظام‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند با طراحی سیاست‌ها و ارائه الگوهای فرهنگی در جهت کاهش فردگرایی صوری ایفای نقش کنند؛ آن‌ها می‌توانند از طریق صداوسیما ملی به تدوین و ساخت محتوای رسانه‌ای متناسب با ذائقه قشر جوان، ضمن ارائه محتوای موردنیاز آن‌ها و همچنین ساخت برنامه‌های جذاب و مبتنی بر واقعیت‌های موردنیاز اقشار مختلف مردم، از مرجعیت و تأثیرگذاری محتوای بیگانه نیز جلوگیری کنند. از دیگر راهبردهای سیاسی فرهنگی در راستای تقویت حس همبستگی و همگرایی فرهنگی و روحیه جمعی بین آن‌ها که نمادی از ایثارگری و بسیج عمومی است، کم کردن فاصله اجتماعی فرهنگی و سیاسی بین مردم و دولت است. هراندازه این فاصله‌ها کمتر باشد، حس همگرایی و انسجام اجتماعی تقویت می‌شود. همچنین می‌توان به مدیریت اقتصادی زندگی مردم و نظارت سیاسی و اجتماعی و به‌خصوص اقتصادی در جامعه توجه کرد. نظر به اینکه نوسانات قیمت اجناس و کالاهای موردنیاز مردم بدون دلیل و صرفاً بر اساس سلیقه‌های متعدد توسط فروشندگان مشخص می‌شود و آن‌ها از اینکه سیستم نظارتی می‌تواند جریمه و یا تذکر دهد، ابایی ندارند و هرکسی به سلیقه و نظر خود قیمت‌ها را دست‌کاری و تعیین می‌کند و این مسئله اقتصادی نیاز به مدیریت و ساماندهی از طریق نظارت رسمی همراه با ضمانت‌های اجرایی است. نتیجه این عدم انسجام و همبستگی، مسئله‌ای است که امروزه در جامعه تحت عنوان بی‌تفاوتی نمایان شده است که خود را در بی‌تفاوتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... نشان می‌دهد؛ بنابراین نظارت و مدیریت دقیق و متعهدانه همراه با بسیج عمومی می‌تواند مسیر جامعه را هدایت و به انسجام واقعی برساند. باید تلاش شود تا سبک زندگی اسلامی دوباره احیا شود، آغاز آن از عملکرد پدر و مادر در

خانه‌پی‌ریزی می‌شود تا رفته‌رفته به جامعه سرایت کند، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب هم تأکید فراوانی در برقراری سبک زندگی اسلامی داشته‌اند این مسئله در پیشرفت جامعه و سعادت‌مندی آن نقش بسزایی دارد. به اعتقاد ایشان باید سبک زندگی اسلامی در مقام نظر و تفکر سامان یابد و در تفکر دینی نوع صله رحم تبیین شود، از سوی دیگر صله رحم در تعمیق سبک زندگی اسلامی تأثیر ژرف دارد، مشروط بر آنکه صله رحم برگرفته از روش و بینش قرآنی و دینی باشد؛ بنابراین، رسانه‌های جمعی به‌منزله کنترل‌کننده افکار عمومی باید نقش خانواده را در تعاملات اجتماعی در درون این نهاد و نیز در فضای جامعه برجسته کنند. تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها از طریق تبیین مناسب و سنن نیک تاریخی خانواده‌ها نیز می‌تواند از طریق رسانه‌ها تقویت شود. رسانه‌های اجتماعی و رسمی و همچنین شبکه‌های داخلی در راه تسهیل‌گری تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی، برای فرایند باز اجتماعی نمودن مردم و ایجاد شرایط جامعه‌پذیری برای گروه‌های مختلف اجتماعی برنامه‌های کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت داشته باشند.

منابع

اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر؛ تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

آنی زاده، علی (۱۳۹۷). زندگی شبانه در فرهنگ مردم ایران، فرهنگ و ادبیات عامه. ۶(۲۱)، ۷۳-۹۸.

بات، الیزابت (۱۳۷۳). نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی؛ ترجمه حسن پویان؛ تهران: چاپخش.

پیرجلالی، زهرا؛ مهدوی، سید محمدصادق و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران)، بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۹(۱)، ۱۱۲-۱۵۹.
Doi: 10.22059/IJSP.2018.65901

تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات پیام نور.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵). نظریه جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

جعفرزاده دستجردی، مصطفی (۱۳۹۵). گزارش فرهنگ‌یاری؛ رسم و سنت شب‌نشینی در کهک قم از گذشته تا به امروز، فرهنگ مردم ایران، ۱۳(۴۷)، ۱۸۱-۱۹۴.

حق‌شناس، سیدجعفر (۱۳۸۸). مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، تهران، نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.

خسروانی شریعتی، سیدحامد (۱۳۸۸). تعریفی از فناوری اطلاعات، دوره سوم، تهران: ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت فناوری اطلاعات.

دیامتو، رابین (۱۹۳۲). روانشناسی سلامت به‌ضمیمه نگرشی بر منابع اسلامی، ترجمه موسوی اصل، سید مهدی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

راسخ، شاپور و بهنام، جمشید (۱۳۴۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، خوارزمی.

رحیمی موقر، وفا (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی خانوادگی، تهران: نشر تبریز.

رزاقی، نادر؛ شان‌پور، محمود و ابراهیمی گنابی، حسن (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان روابط همسایگی مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل، جامعه‌شناسی ایران، ۱۷(۳)، ۴۹-۷۷.

Doi: 20.1001.1.17351901.1395.17.3.3.8

رضوی طوسی، سیدمجتبی (۱۳۹۲). جایگاه روابط خویشاوندی و صلة رحم در تعاملات خانوادگی روزمره؛ مطالعه شهروندان تهرانی، فصلنامه اخلاق زیستی، ۳(۱۰)، ۱۱۳-۱۶۰.

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v3i10.13822>

روزن‌باوم، هایدی (۱۳۶۷). خانواده به‌منزله ساختاری در مقابل جامعه، نقد مبانی نظری جامعه‌شناسی خانواده در آلمان؛ ترجمه محمدصادق مهدوی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: علمی.

زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی نگاه به زن خانواده در ایران، مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

- سالخورده نعمت (۱۳۹۹). آتشونی؛ شب‌نشینی در آراین شهر، فرهنگ مردم ایران، ۱۷ (۶۳)، ۱۷۱-۱۸۳. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). نگاهی به‌گسست نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۲). آسیب‌شناسی اجتماعی سبزه‌های خانواده و طلاق، تهران: نشر منصوری.
- کوثری، حمیدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی در محله‌کن تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، مؤسسه پژوهشی البرز، ص ۲۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محمدی، اصغر و صادقی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فرزند سالاری بر روابط خانوادگی و خویشاوندی در شهر شیراز، مجله زن و مطالعات خانواده، ۲ (۵)، ۱۳۱-۱۵۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه، تهیه و تنظیم: اکبر خادم‌الذاکرین، نسل جوان، قم. منادی، مرتضی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده، تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده، تهران: نشر دانه.
- نایی، هوشنگ و لطفی‌خاچکی، بهنام (۱۳۹۴). تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۶ (۱)، ۱-۲۶. Doi: 10.22059/IJSP.2015.56917.۲۶
- نجفی اصل، زهره (۱۳۹۴). تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در خانواده‌های روستای «حصار خروان» در نیم قرن اخیر، مجله نامه انسان‌شناسی، ۱۲ (۲۱)، ۱۶۹-۲۰۷. Doi: 20.1001.1.17352096.1393.12.21.6.9
- وایت، لسلی (۱۳۷۹). تکامل فرهنگ، ترجمه فریبرز معیدی، انتشارات پشتیبان.
- Aezazi, S. (2009). Sociology of the family, emphasizing the role, structure and function of the family in the contemporary era; Tehran, *enlighteners and women's studies*. [In Persian]
- Al-Haj, M. (1988). The Changing Arab Kinship Structure: The Effect of Modernization in an Urban Community, *Economic Development and Cultural Change*, 36(2), 237-258. Doi: 10.1086/451650
- Alikhani, A. A. (2003). A look at the gap of generations, Jihad Academici, Tehran. [In Persian]
- Anizadeh, A. (2017). Nightlife in Iranian culture, popular culture and literature. 6(21), 73-98. [In Persian]
- Butt, E. (1994). marital roles and social networks; Translated by Hasan Pouyan; Tehran: Chapakhsh. [In Persian]
- Coleman, J. S. (1998) Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94(2), 95-120. <https://www.jstor.org/stable/2780243Cite>.
- Compernelle, E. (2015). Changing Attitudes toward Care of Aging Parents: The Influence of Education, *International Travel, and Gender*, *Int J Social*. 45(1), 64-83. Doi: 10.1080/00207659.2015.1005435.
- Dahlen, Y. P. (2019). Modernity and the development of PR in Norway: Influences and interactions, *Public Relations Review*, 45(2), 192-201. Doi:10.1016/j.pubrev.2019.01.003

- Dimatteo, R. (1932). Health psychology with an attitude appendix on Islamic sources, translated by Mousavi Asl, Seyyed Mehdi, organization for the study and compilation of humanities books of universities (Samt). **[In Persian]**
- Elderly N. (2019). fiery Nocturnal stay in Arian Shahr, Iranian People's Culture, 17(63), 171-183. **[In Persian]**
- Farjad, M. H. (1993). Social Pathology of Family Conflicts and Divorce, Tehran, Mansouri Publishing House. **[In Persian]**
- Giddens, A. (2010). Sociology, translated by Hasan Chavoshian, Tehran, Ni publication. **[In Persian]**
- Grundström, J.; Kontinen, H.; Berg, N. Kiviruuu, O2021).). Associations between relationship status and mental well-being in different life phases from young to middle adulthood, *Population Health*, 2021 Jun;14:100774. Doi: 10.1016/j.ssmph.2021.100774.
- Haqshanas, S. J. (2009). Collection of Family Pathology Articles, Tehran, Presidential Institution, Center for Women and Family Affairs. **[In Persian]**
- Jafarzadeh D., M. (2015). Cultural report; The custom and tradition of staying at night in Qom's Qom from the past to the present, Iran's People's Culture, 13(47), 181-194. **[In Persian]**
- Justin, A. (2019). There is an interaction between the history of public relations and the development of modernity in Norway, *American Journal of Sociology*, 80(3), 1319-1341. Doi:10.1016/j.pubrev.2019.01.003
- Khosravani Shariati, S. H. (2009). A Definition of Information Technology, 3rd Session, 6th International Conference on Information Technology Management. **[In Persian]**
- Kothari, H. (2014). Investigating the influence of cultural and social factors on neighborhood relations in the Ken neighborhood of Tehran, the first international conference on industrial engineering, management and accounting, Alborz Research Institute, p. 21. **[In Persian]**
- Makarem S., N. (2006). Islamic ethics in Nahj al-Balagheh, prepared and organized by: Akbar Khadim al-Zakirin, Young Generation, Qom. **[In Persian]**
- Manadi, M. (2006). Sociology of the family, analysis of everyday life and atmosphere within the family, Tehran, Danjeh Publishing. **[In Persian]**
- Mohammadi, A. and Sadeghi, Z. (2009). Investigating the impact of filial piety on family and kinship relations in Shiraz city, *Journal of Women and Family Studies*, 2(5), 131-153. **[In Persian]**
- Naibi, H. and Lotfi K., B. (2014). The effect of kinship relationships and ties on the amount of social damage in the country's provinces, *Iranian Journal of Social Issues*, 6(1), 1-26. Doi: 10.22059/IJSP.2015.56917. **[In Persian]**
- Najafi Asl, Z. (2014). Explanation of the generational evolution of kinship relations in the families of "Hesar Kharvan" village in the last half century, *Journal of Anthropology*, 12(21), 169-207. Doi: 20.1001.1.17352096.1393.12.21.6.9. **[In Persian]**

- Pirjalali, Z.; Mahdavi, S. M. S. and Azkia, M. (2017). Pathology of the influence of Telegram social network on the family relationships of couples (Tehran), Iran's Social Issues Review, *Social Science Journal*, 9(1), 112-156. Doi: 10.22059/IJSP.2018.65901. **[In Persian]**
- Rahimi Muqar, W. (1986). Family Sociology, Tehran, Tabriz Publishing House. **[In Persian]**
- Rasakh, S. and Behnam, J. (1969). An introduction to Iranian sociology, Tehran, Kharazmi. **[In Persian]**
- Razaghi, r.; Sharapour, M. and Ebrahimi G., H. (2015). Investigating social factors affecting the level of neighborhood relations in a case study of citizens living in Babol city, *Sociology of Iran*, 17(3), 49-77. Doi: 20.1001.1.17351901.1395.17.3.3.8. **[In Persian]**
- Razavi T., S. (2012). The place of kinship relations and the relationship of the uterus in daily family interactions: a study of Tehrani citizens, *Ehlaq Zesti Quarterly*, 3(10), 113-160. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v3i10.13822>. **[In Persian]**
- Ritzer, G. (1995). Sociological theories in the contemporary era; Translated by Mohsen Thalasi; Tehran: Scientific. **[In Persian]**
- Rosenbaum, H. (1988). Family as a structure against society, criticism of the theoretical foundations of family sociology in Germany; Translated by Mohammad Sadegh Mahdavi; Tehran: Academic Publishing Center. **[In Persian]**
- Sabinejad, M. R. (2009). Pathology of looking at women in the family in Iran, a collection of articles on family pathology, published by the Presidential Center for Women and Family Affairs. **[In Persian]**
- Taqvi, N. (1995). Family Sociology, Payam Noor Publishing House, Tehran. **[In Persian]**
- Tusli, G. A. (1996). Sociological Theory, Samt Publications, Tehran. **[In Persian]**
- White, L. (2000). The evolution of culture, translated by Fariborz Moeidi, Zazatan Publications. **[In Persian]**
- Zeng, X., and Tan, C. (2021). The Relationship between the Family Functioning of Individuals with Drug Addiction and Relapse Tendency: A Moderated Mediation Model, *Int J Environ Res Public Health*. 18(2), 625-638. Doi: 10.3390/ijerph18020625.
- Zingfan, C. (2019). The relationship between family and kinship parties is influenced by new technologies, and modernity has influenced the decline of these relationships; There is a negative relationship between the quality of family relationships and the rate of drug and tobacco use, *Journal of Personality*, 69(6): 907-924. Doi: 10.18502/jri.v22i1.4990

Contents

The Effect of Cultural Background on the Relationship Between Telework and Employees' Job Stress	
Mostafa Heidari Haratemeh.....	9
Sociological analysis of the relationship between social capital and suicide in Iran (2007-2017)	
Seyed Mohammed Reza Mousavi Fard, Farshid Bahador.....	41
Exploring factors of Marital Infidelity in Couples: An Interpretive Phenomenology in Birjand	
Mehdi Rezaei	81
Corona, biosphere and the Life World A sociological study about the mutual relationsbetween man and the environment	
Saboktakin, Ghorbanali, haghnadri, Iraj.....	115
Monovocality or Multivocality of News at the Onset of the Crisis: A Case Study of the Websites of News Agencies in the Islamic Republic of Iran During the Covid-19 Pandemic	
Zahra Ojaghm	145
Factors affecting the reduction of family overnight stays in today's urban life: the case study of the city of Islam Abade Gharb	
Ramezan Saeidian, Ali Moradi.....	177



Scientific Quarterly of Strategic Studies of Culture

In the Name of God

Quarterly of –Strategic Studies of Culture

Research Institute of Culture, Art and
Communication
Ministry of Culture and Islamic Guidance

Vol.4, Series.13, No.1, Spring 2024

Managing Director: Zaeri, Ghasem (Ph.D)

Editor in Chief: Hajiyani, Ebrahim (Ph.D)

Editorial Board

- Esfandiari, Shahab (Ph.D)
- Bahnar, Naser (Ph.D)
- Hajiani, Ibrahim (Ph.D)
- Mahdi Hosseinzadeh Yazdi (Ph.D)
- Khanmohammadi, Karim (Ph.D)
- Hossein Hassani (Ph.D)
- Souzanchi, Hossein (Ph.D)
- Ali Rabani Khorasagani (Ph.D)
- Shalchi, Vahid (Ph.D)
- Shahabi, Mahmoud (Ph.D)
- Mansoore FasihRamandi (Ph.D)
- Kabiri, Afshar (Ph.D)
- Yasini, seyedeh Raziye (Ph.D)
- Yousefi, Ali (Ph.D)

International Editorial Board

- Reza'ee, Mohammad (Ph.D)
- Dagharleh, Aghil (Ph.D)



Production Manager:

Mehri, Roghayeh

Persian Editor:

Shafiekhani, Shahnaz

Layout:

Khalili, Hamed

Editorial Office

No.9, Dameshgh St. Valiasr Square,
Tehran, Islamic Republic of Iran

Tel: (021) 88919186

Fax: (021) 88893076

website: <http://scsj.ricac.ac.ir>

Aims and Scope

The license holder of the quarterly journal of “Strategic Studies of Culture” is the Research Institute of Culture, Art and Communication. The permission to publish this quarterly has been issued by the Deputy of Media Affairs and Publicity of the Ministry of Culture and Islamic Guidance with number 86080. The Iranian Society of Cultural Studies and Communication participates in this quarterly publication. The purpose of this quarterly is to help realize Iran’s cultural policies. This quarterly is published in both printed and electronic versions. According to the Ministry of Science, Research, and Technology and Islamic World Science and Technology Monitoring and Citation Institute (ISC) announcement, the Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture has been published since Spring 2022 with a “scientific” grade


Research Center for Culture,
Art and Communication
Ministry of Culture and Islamic Guidance


IRANIAN ASSOCIATION
OF CULTURAL STUDIES &
COMMUNICATIONS